

لِيْسَ اللَّهُ عَالَمٌ

سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین: ۱۳۹۶: تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: چکیده مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی/ نویسندهان جمعی از نویسندهان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی؛ برگزارکننده مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهري	: ۴۲۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۷۸۶-۷۶۰-۳
و ضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: علوم انسانی(اسلام) -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۲۳۲/۹۲۱۳۹۶
رده بندی دیوبی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۹۱۴۸۳۳



کنگره بین‌المللی
علوم انسانی اسلامی

چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

نویسندهان: نویسندهان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه

(ناشر اختصاصی مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

چاپ نخست - پاییز ۱۳۹۶

شماره ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۷,۰۰۰ تومان

شابک: ISBN 978-964-7867-60-3

تمامی حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

تلفن: ۰۶۴۰۹۰۵۶ | www.sccsr.ac.ir

دبيرخانه دائمي کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی دفتر مرکزي:

تهران، خیابان جمهوري اسلامي، خیابان شهید شکور دوست - کوچه نوشیروان - پلاک ۲۶ - طبقه چهارم
تلفن و فاكس: ۰۶۴۰۹۰۵۶ - ۰۲۱ - ۶۶۴۰۹۰۵۶. کدپست: ۱۱۳۶۷۳۴۴۵۸

دبيرخانه دائمي کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی دفتر قم:
خیابان ۴۵ متری شهید صدوقی - کوچه شماره ۹ - پلاک ۳۵۴ - تلفن و فاكس: ۰۲۵-۳۳۹۱۲۹۱۰ - کدپست: ۳۷۱۶۵۵۳۵۵۳

فهرست کمیسیون‌ها

۵	مقدمه
۷	کمیسیون تخصصی فلسفه و روش شناسی علوم انسانی اسلامی
۵۵	کمیسیون تخصصی مدیریت تحول علوم انسانی
۷۱	کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی
۱۵۳	کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی
۱۹۳	کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی
۲۲۹	کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی
۲۶۷	کمیسیون تخصصی اقتصاد اسلامی
۳۰۷	کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی
۳۲۹	کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی
۳۶۱	کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی
۳۹۹	کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی

۱۳۹۶

در چهارمین دوره کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی، تعداد زیادی از محققان و اندیشمندان علاقمند به علوم انسانی اسلامی برای مشارکت در مسیر اهداف کنگره با ارسال چکیده مقالات آمادگی خود را اعلام داشتند. تعداد چکیده‌های ارسالی بیش از آن چیزی است که در کتاب حاضر می‌بینید. هر چکیده ابتدا در دیرخانه کنگره ارزیابی شده است تا حداقل شاخص‌های لازم را دارا باشد. در صورت تأیید دیرخانه، چکیده برای کمیسیون مرتبط ارسال و پس از اعلام نظر کمیسیون نتیجه نهایی به اطلاع محقق محترم رسیده است.

مهلت ارسال مقاله برای چهارمین کنگره علوم انسانی اسلامی، ۳۱ مرداد ماه ۱۳۹۶ بوده است و کتاب حاضر در حقیقت دربرگیرنده چکیده‌های دریافتی تأییدشده تا پایان شهریورماه ۱۳۹۶ می‌باشد. جالب اینکه تا چند روز مانده به برگزاری کنگره محقق علاقمند، چکیده مقالات خود را ارسال می‌کردند.

بدیهی است معمولاً همه‌ی چکیده‌های ارسالی منجر به تولید مقاله نمی‌شود و به دلایل مختلف، پیشنهاد دهنده از ادامه‌ی راه منصرف می‌شود. در کنگره چهارم علوم انسانی اسلامی نیز همین روند دیده می‌شود؛ بنابراین متن مقاله کامل بخشی از چکیده‌های ارائه شده در این کتاب برای کنگره ارسال نشده است.

کمپیوون تخصصی
فلسفه و روش شناسی
علوم انسانی
اسلامی

۴۴ چکیده مقاله

نظریه‌ی علم دینی با رویکرد توحیدی از منظر استاد مطهری^۱

علی‌اصغر خندان^۲

اسلام دین توحید است و قرآن کریم با تأکید فراوان بر توحید، نقطه‌ی مقابله آن یعنی شرک را بشدت تخطیه کرده است. نظر به این اهمیت و اینکه معمولاً شرک، صرفاً به معنای پرستی فهمیده می‌شود، این مقاله تلاشی است برای بازتعریف توحید و شرک. با توجه به فضای حاکم بر آموزش عالی در کشور، و تردیدهایی که نسبت به امکان تحقق علوم انسانی اسلامی وجود دارد، این مقاله بر آن است تا نشان دهد موضوع مورد مناقشه، به حقیقت توحید و شرک برمی‌گردد. به این منظور پس تعریف مفاهیم اصلی تحقیق، با استفاده از اندیشه و آثار استاد مطهری، چهار شاخص برای توحید و شرک استخراج و تدوین شده که عبارت‌اند از: از اویی تکوینی (الله خالق کُلْ شَيْءٍ)، بهسوی اویی تکوینی (الا إِلَى الله تَصْبِيرُ الْأُمُور)، از اویی تشریعی (إِنَّ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ)، بهسوی اویی تشریعی (الا إِلَّهُ الدِّينُ الْخالِص). در ادامه و در ارتباط با شاخص‌های مذکور، به مصاديقی از تفکر مشرکانه (از جمله مادیگرایی، ثنویت، تفویض، اومانیسم، لیبرالیسم فرهنگی، دموکراسی، لذت‌گرایی، و ارزش‌های یکبعدی) و همچنین به مصاديقی از نفکر و رویکرد موحدانه در عرصه‌ی علم اشاره شده است (همچون شناخت طبیعت به عنوان فعل خدا، تأکید بر واقع‌نمایی علم و نه بر قدرت‌افزایی آن، شناخت حیات به عنوان یکی از تجلیات دائم و مستمر الهی، باور به امر بین‌الامرين در تکوین: نه جبر (نفی علیت) و نه تفویض (واکذاری علیت)، نفی پوچی و نیهیلیسم و باور به غایت‌مندی آفرینش، باور به برگزیدگی انسان در آفرینش و لذا مسؤولیت او در برابر خدا، باور به انحصار حق قانون‌گذاری برای خداوند، قانون‌گذاری براساس دو حجت الهی عقل و نقل، توجه به هویت ابزاری و فاقد توان و صلاحیت علم برای قانون‌گذاری، توجه به وجوب تهیوئی علم، بالرزش بودن علم نافع و نه هر علمی، تفکیک نادرست علم دینی و علم دینی).

کلیدواژه‌ها: علم دینی، توحید، شرک، تکوین، تشریع، مطهری.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. استادیار دانشگاه امام صادق علیه السلام aliakhandan@gmail.com و khandan@isu.ac.ir

درآمدی بر نظریه «اشراف» در علوم انسانی اسلامی^۲

حامد پورستمی^۲

به باور پژوهشگران اسلامی، علوم انسانی موجود تحت تأثیر تکانه‌های وارداتی غرب قرار گرفته و از حیث مبدأ و محتوا، خدشهای و رعشهایی بر پیکر آن پدیدار گشته است. این مهم، ضرورت حرکت از سوی علوم انسانی موجود را به سوی علوم انسانی مطلوب می‌طلبید که تنها در سایه اجتهداد علمی و تولید نظریات نو دست یافتنی است. نظریه اشراف، می‌تواند گامی مؤثر در این راستا قلمداد شود که از جمله کارکردهای آن ارتقای سلامت دینی علوم انسانی و تدوین علوم مُشرف پیوستی است. ویژگی این نظریه آن است که منابع، مبانی و روش‌های آن با تکیه بر آموزه‌های وحیانی بنا نهاده شده است. چرا که در تدوین علوم مادر مطلوب، (کلام، اخلاق و فقه مطلوب) بر بازپژوهی آموزه‌های قرآنی و روایی و نقش بنیادین عقل و کاربست باسته از این منابع سترگ پای فشرده است. این نظریه که به زعمت و نظارت علوم مادر بینشی، ارزشی و حکمی بر گزاره‌های مبنایی و معرفتی علوم انسانی تعریف می‌شود، بر پایه روایت نبوی (العلم ثلاثه) بیان شده است. البته شواهد و قرائت میدانی و عقلی نیز این مضمون روایی را تأیید می‌نمایند. از حیث روشنی نیز، سازوکارهای این نظریه یعنی (عرضه و تطبیق - استنطاق و تولید اجتهدادی) از آموزه‌های اهل بیت علمیهم السلام اللغوگیری شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه اشراف، علوم مادر، علوم مشرف، علوم انسانی، عرضه و تطبیق، استنطاق علمی، تولید اجتهدادی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (پردیس فارابی) purrostami@ut.ac.ir

تأثیر دو اصل اعتبار روش عقلی برای کشف واقع و اصل وجود خداوند، بر اسلامی‌سازی علوم

امیرحسین زادیوسفی^۱

محمدجواد پیرمرادی^۲

استاد مصباح در موضع متعددی در باب تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی رایج در کشور، سخن گفته است. از نظر وی برای اسلامی‌سازی علوم انسانی رایج می‌باید مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی این علوم تحول گردد. در این مقاله نشان خواهیم داد از نظر وی، چگونه پذیرش اعتبار روش عقلی برای کشف واقع در مبانی معرفت‌شناسی و پذیرش وجود خداوند در مبانی هستی‌شناسی بر اسلامی‌سازی علوم انسانی رایج در کشور، مؤثر است.
کلیدواژه‌ها: محمدتقی مصباح‌یزدی، اسلامی‌سازی علوم انسانی، اعتبار روش عقلی، وجود خداوند، مبانی معرفت‌شناسی، مبانی هستی‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تربیت مدرس؛ amirhosein.zadyusefi@gmail.com
۲. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) mjpirmoradi@gmail.com

ماهیت انسان و نظریه پردازی در علوم انسانی اسلامی

محمد شجاعیان^۱

سرآغاز علوم انسانی، توجه و تلاش برای ارائه فهم و برداشتی منسجم از علل رفتار و عملکرد انسان‌ها در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و نسبت دادن آن به خصائص و ویژگیهای بنیادین انسان است. اینکه انسان چگونه موجودی است و از چه خصلت‌های بنیادینی برخوردار است، مهم‌ترین مساله برای دانش‌ها و معارف معطوف به انسان در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی است. علوم انسانی، به این معنا برخواسته از تلاش‌های مختلف فکری و نظری در طول تاریخ حیات انسان برای پاسخ به این سؤال محوری است. درباره ماهیت انسان چند مساله مهم و اساسی وجود دارد که هر نظریه‌ای در این زمینه باید پاسخی برای آن‌ها داشته باشد. اولین مساله، موضوع خلقت و خالق انسان است پاسخ به این سؤال مشخص کننده بسیاری از مواضع در زمینه موضوعات مربوط به ماهیت انسان و بویژه نظریه سعادتی است که از آن مستخرج می‌شود. مساله دوم، موضوع «مرگ» و سرنوشت انسان پس از مرگ است که البته ارتباط نزدیکی هم با مساله اول یعنی «مبدأ» دارد. بسیاری از فلاسفه از زمان افلاطون به بعد به نفع فنا ناپذیری حداقل بخشی از شخصیت انسان، نظر داده‌اند. در مقابل، بسیاری از متفکران غربی بویژه در دوران مدرن، توجه خود را به این جهان و حیات آن معطوف داشته‌اند و هر چیزی فراتر از آن را انکار کرده‌اند. ماده گرایی در مقابل معنویت گرایی، همچنین میزان آزادی انسان در انجام اعمال فردی و اجتماعی دو مساله مهم دیگری که هر نظریه منسجم درباره ماهیت انسان باید به آن‌ها پاسخ دهد. از آنجا که در متون دینی بویژه قرآن ایده‌های و مباحث قابل توجهی درباره موضوعات بنیادین مربوط به ماهیت انسان و نظریه‌ای خاص در این زمینه وجود دارد، وجود علوم انسانی نشأت گرفته از متون دینی و ادبیان توحیدی، ایده‌ای کاملاً موجه و مستدل است. می‌توان با بسط این ایده‌ها به عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی انسان و با تمسک به آن‌ها برای تبیین رفتار و عملکرد او، شاهد صورت بندی علوم و دانش‌هایی شد که از موضعی دینی و اسلامی به انسان و شیوه عمل او در عرصه فردی و اجتماعی می‌نگرند.

کلیدواژه‌ها: ماهیت انسان، علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، نظریه پردازی، ماده گرایی، معنویت گرایی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه shojaiyan@rihu.ac.ir

تبیین الگویی برای نوآندیشی فکری و اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

سید کاظم عبادی^۱

نوآندیشی و پویایی فکری و اجتماعی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ مورد تأکید قرار گرفته است. نو به نوشدن محتوائی نیز از مقاصد راهبردی نظام اسلامی است. اندیشه و حرف‌نو و راه‌گشا مهم‌ترین عنصر در قدرت نرم جبهه اسلام در مقابل تمدن غرب و قدرت‌های استکباری است. از این رو پرداختن به چیستی و چگونگی نوآندیشی فکری و اجتماعی مبتنی بر تعالیم دین اسلام، امری ضروری است. رونق نوآندیشی منجر به نظریه‌پردازی، تولید علم، ارتقاء و کارآمدی علوم به ویژه در علوم انسانی و اجتماعی خواهد شد. این مقاله به روش تحلیل محتوا و نظریه داده‌بنیاد انجام شده و پس از تبیین چیستی نوآوری در حوزه علم و اندیشه، بر نوآندیشی یا نوآوری فکری مبتنی بر اصول و آموزه‌های دینی متمرکز شده و الگویی شامل التزام به سنت‌های الهی و ضروریات و اصول به عنوان عناصر ثابت و جاودانه‌ی دین اسلام، نوآوری در نگرش و نوآوری در روش، برای حصول به اندیشه نو در عرصه‌های فکری و اجتماعی ارائه می‌دهد. در این مدل سه مقوله نوآوری در فرهنگ و نوآوری در سازمان و نوآوری زیبایی‌شناختی به عنوان مقوم و تسهیل‌گر و تسریع‌کننده نوآندیشی تشریح می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: نوآندیشی فکری و اجتماعی، نگرش، پارادایم، روش، فرهنگ، سازمان، زیبایی‌شناختی.

۱. دانشجوی دوره دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی، sk.ebadi@chmail.ir و sk_ebadi@yahoo.com

آسیب‌شناسی مبانی معرفت شناختی علوم انسانی از منظر قرآن کریم

رضا لک زایی^۱

آسیب‌شناسی مبانی معرفت شناختی علوم انسانی از منظر قرآن کریم مسئله مقاله حاضر است. پاسخ این مسئله بر اساس تئوری تحلیل بحران ارائه شده است. بر اساس این چارچوب، یک آسیب باید از چند زاویه تجزیه و تحلیل شود: ۱. آسیب چیست؟ ۲. ریشه یا ریشه‌های آسیب چیست؟ ۳. وضع مطلوب چیست؟ ۴. راه حل چیست؟ بر این اساس سؤالات ما عبارت خواهد بود از: ۱. آسیب علوم انسانی در حوزه معرفت‌شناختی چیست؟ ۲. ریشه آسیب علوم انسانی در حوزه معرفت‌شناختی چیست؟ ۳. وضعیت مطلوب علوم انسانی در حوزه معرفت‌شناختی چیست؟ ۴. راه حل آسیب علوم انسانی در حوزه معرفت‌شناختی چیست؟ پاسخ مقاله که با روش تحلیلی و استنباطی ارائه شده این است که از منظر قرآن کریم، شک‌گرایی، مادی‌گرایی و الحاد همراه با ادعای دین داری آسیب‌هایی است که علوم انسانی با آن رو بروست یا می‌تواند رو برو باشد. یکی از ریشه‌های این مشکلات، انکار غیب است. وضع مطلوب هم بنانمودن علوم انسانی بر اساس معارف وحیانی و معارف اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. با قیام علمی الله و اصلاح و ترمیم و بلکه تحول دستگاه معرفت‌شناختی علوم انسانی می‌توان به وضعیت مطلوب دست یافته.

کلیدواژه‌ها: مبانی معرفت‌شناختی، علوم انسانی.

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه(ص); rlakzaee@gmail.com

مبانی انسان شناختی علوم انسانی از منظر قرآن کریم

رضا لک‌زایی^۱

بررسی مبانی انسان شناختی علوم انسانی متعالی از منظر قرآن کریم مسئله‌این مقاله است. بر اساس چارچوب نظری متخذ از حدیث نبوی، انسان دارای سه بعد وجودی عقل، قلب و بدن می‌باشد، لذا مبانی آفرینشی، انگیزشی و بینشی علوم انسانی متعالی و از منظر قرآن کریم، در این مقاله با روش اکتشافی - استنباطی بررسی می‌شود در بعد آفرینشی، در علوم انسانی متعالی، انسانیت انسان به روح اوست و لذا حی متأله معرفی می‌شود و در مقابل، علوم انسانی متدانی، معطوف به طبیعت انسان است و او را حیوان ناطق می‌داند.

در بعد انگیزشی در علوم انسانی متعالی، گرایشات عاقلانه دارای اهمیت است و باید سایر قوای انسان -شهویه، غضبیه و وهمیه - تحت اشراف و فرمان عقل قرار بگیرند؛ حال آنکه در علوم انسانی متدانی، منشأ گرایشات انسان، شهوت، خشونت، سلطه و یا ترکیبی از آن هاست.

در بعد بینشی، در علوم انسانی متعالی، انسان جانشین خداست و کرامت او ذاتی نیست، بلکه اکتسابی است و در صورتی که نماینده‌ای صالح باشد، کرامت دارد. در حالی که انسان در علوم انسانی متدانی با پرستش هوای نفس خود یا دیگرانی مثل خود، به دنبال رضایت خود یا دیگران است حال آنکه انسان در علوم انسانی متعالی به دنبال رضایت خالق خویش است، حتی اگر بر رضایت خودش، تضاد داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، علوم انسانی متعالی، مبانی بینشی، مبانی انگیزشی، مبانی آفرینشی

۱. دانشجوی دکتری انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العالمیه(ص)؛ rlakzaee@gmail.com

روش‌شناسی نظریه‌پردازی دینی داده‌بنیاد و راهبرد مدارانه با رویکرد تلفیقی (مطالعه نمونه: ارائه نظریه «دوسنی تعالی بخش»)

امیرحسین بنائی^۱، غلامرضا طالقانی^۲

نظریه‌پردازی داده‌بنیاد (گراند تئوری) یک روش تحقیق کیفی کم‌ویژش شناخته شده در محافل علمی کشور است که به روش استقرایی و با بهره‌گیری مستقیم از داده‌های جمع‌آوری شده در خصوص موضوع مورد بررسی، اقدام به خلق تئوری در آن زمینه می‌نماید.

در این مقاله سعی شده است تا روش مزبور از دو حیث مورد بهبود و بومی‌سازی قرار گیرد تا بهتر در خدمت نظریه‌پردازی دینی درآید. نخست آنکه در مرحله جمع‌آوری داده، رویکردی «تلفیقی» اتخاذ کرده است به این معنی که با استعانت از نظریه معرفت‌شناختی دینی حضرت آیت الله جوادی آملی، محقق را وامی دارد تا علاوه بر رجوع به منابع دینی، از منابع علمی نیز استفاده نموده و داده‌های حاصل از هر دوی این نوع منابع را در تقابل با یکدیگر مورد کاوش قرار دهد. حاصل اتخاذ چنین رویکردی خصوصاً در علوم اجتماعی و انسانی آن است که در دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری، کدها، مفاهیم و مقولات معتبرتر، منحتج تر و بروزتری تولید شده و درنتیجه تبیین کارآمدتری از آموزه‌های دینی به دست آید. علت این امر را باید در وهله اول در استفاده فراگیر از همه منابع شناخت و در وهله بعد در تقابل آگاهانه دستاوردهای آن منابع با یکدیگر دانست.

نوآوری دوم روش‌شناسی حاضر، بکار گیری رویکرد «استراتژیک (راهبردی)» در نظام بخشی به مقولات به دست آمده در مسیر خلق یک تئوری است. این رهیافت سبب می‌شود تا مفاهیم و مقولات در مرحله کدگذاری انتخابی بهطور نظاممند و هدفداری با یکدیگر مرتبط شده و در نتیجه اجزای نظریه، رابطه معنادارتر و کل گرایانه‌ای با یکدیگر داشته باشند که حاصل آن، غنای بیشتر نظریه و فهم آسان‌تر مخاطبان آن است.

در پایان مقاله، یک مطالعه جهت نمونه (نظریه دوسنی تعالی بخش) ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌پردازی دینی، نظریه داده‌بنیاد، رویکرد راهبردی، رویکرد تلفیقی، آیت الله جوادی آملی، نظریه دوسنی تعالی بخش.

۱. کارشناس ارشد مدیریت (ah.banaei@hotmail.com)

۲. دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

اهمیت و تأثیر روشی استفاده از منطق فازی در فهم دین

دکتر محمد جواد دانیالی^۱

منطق فهم دین به دلیل گستردگی، تقدس، دور از دسترس تجربه بودن و منابع متعددی که دارد بسیار پیچیده است. با این حال اندیشمندان دینی در جنبه‌های مختلف دین برای رفع این پیچیدگی تلاش کرده‌اند. بخشی از تلاش ایشان با استفاده از منطق باینری یا دو ارزشی بوده است. بسیاری از اندیشمندان دینی با تقسیم ثناوی امور و با استفاده از منطق دو ارزشی تلاش کرده‌اند ابهامات دینی در فقه، کلام، اخلاق و ... را تبدیل به امور روشن و خطکشی شده کنند؛ به عنوان مثال در فقه یک امر یا جایز است و یا ممنوع، در کلام، انجام امور جایز بدون عقاب و انجام امور ممنوع همراه با استحقاق دوزخ است. این درحالی است که شیوه‌ی دین در متون دینی و سلوک اولیای دین در بسیاری از موارد بدین صورت، دو ارزشی و قابل تمایز روشن نبوده است. مطرح شدن منطق فازی در دهه‌های اخیر، توجه به این نکته می‌دهد که فهم دین مبتنی بر منطق چند ارزشی و فازی انطباق بهتری با واقعیات هستی دارد. دین جزئی از عالم هستی است و از آنجا که منطق فازی سازگارتر و مناسب‌تر با واقعیت است، در فهم دین نیز روش فازی و چند ارزشی به نتایج واقعی‌تری منجر می‌شود. هدف این مقاله روشن کردن انطباق بیشتر منطق فازی نسبت به منطق باینری با حقیقت فهم دین است. به دلیل اینکه روش فازی در مباحث دینی کمتر مورد توجه بوده است، این مقاله درآمدی خواهد بود به جایگاه نادیده گرفته شده روش چند ارزشی در فهم دین و اهمیت آن. این مهم با توضیح ویژگی‌های منطق فازی در مقابل منطق باینری و سپس آثار روشی جابجاگری منطق فازی با منطق باینری و نیز آثار کاربردی آن در قالب نمونه‌هایی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: منطق فازی (چند ارزشی)، منطق باینری (دو ارزشی)، منطق فهم دین، فلسفه فقه، فلسفه اصول فقه.

مقایسه تعامل روح و بدن در فلسفه های عقلی غرب و حکمت متعالیه

حسن دوست محمدی^۱

رابطه و تعامل روح و بدن به ویژه در فلسفه های الهی و عقل گرایانه غرب و فلسفه اسلامی یکی از مهم ترین مشکلات و چالش های مباحث علم النفس می باشد در این خصوص بنا بر فلسفه های مادی و پوزیتivistی، با این نگرش که روح انسان، ساختار مادی دارد و روح، همان فرایند بیولوژیکی بدن می باشد این چالش، یا وجود ندارد و یا قابل حل می باشد، اما بر اساس این تفکر که روح انسان، ماهیتی متفاوت دارد و از عالم مجردات می باشد (فلسفه مشاء و اشراف) و یا از عالم امر است (نظریه قرآن) و فلسفه های عقل گرایانه غرب مثل دکارت، اسپینوزا، لایبینیتس و مالبرانش همچنان این چالش وجود دارد و می بایست روش مناسب و معقولی را برای حل این مشکل ارائه نمود.

در این مقاله تلاش شده است که روش های مختلف جهت حل این چالش در فلسفه های عقلی غرب و اسلامی، مطرح، و در نهایت به راه حل مرحوم صدر المتألهین (حکمت متعالیه) در این خصوص پرداخته، و بیان کنیم که چگونه با اعتقاد به اینکه روح انسان، ماهیتی متفاوت با بدن انسان دارد و دو جوهر نامتجانس هستند می توانند با یکدیگر تعامل و تاثیر و تأثیر داشته باشند و صفات نفسانی، مثل خجالت کشیدن و یا ترسیدن در بدن انسان می تواند صفات جسمانی مثل سرخ شدن و یا لرزیدن بدن را به دنبال داشته باشد و یا اینکه برخی حوادث جسمانی مثل زخمی شدن بدن، احساس درد در روح را به دنبال داشته باشد و در حقیقت رابط و پیوند دهنده این دو که می بایست حالت دو گانه نیز داشته باشد چیست؟ و در نهایت نظریه حکمت متعالیه ملأ صدرا را با نظریه عالم امر قرآن انطباق داده و یک راه حل واحد در

خصوص تعامل بین روح و بدن از نگاه عقل و وحی را ارائه خواهیم داد.

کلیدواژه‌ها: روح و بدن، حکمت متعالیه، فلسفه عقلی غرب، عالم مجرد، عالم امر.

روش‌شناسی‌اندیشه‌ی اجتماعی سنت‌گرایان معاصر «بررسی دیدگاه‌های گنون، شووان و نصر»

محمدحنیف طاهری^۱

پارادایم سنت‌گرایی به مثابه‌ی یک جریان فکری و دینی معاصر، نگرش است که مدرنیسم را به نقد گرفته است. گنون فرانسوی و کوماراسوامی سیلانی، از بنیانگذران این سنت فکری، فریتهوف شووان فرانسوی و سیدحسین نصر، از شارحان متاز و شاخص این سنت فکری به شمار می‌روند. در این مقاله، به روش‌شناسی‌اندیشه‌ی اجتماعی سنت‌گرایان پرداخته‌ایم که گرایش سنتی به اسلام دارند. چهره‌های شاخص غربی این جریان (گنون و شووان)، به اسلام گرویدند، سیدحسین نصر شارح برجسته‌ی این گفتمان، فیلسوف مسلمان ایرانی است. متولوژی سنت‌گرایان، متکی بر متابع اصیل سنتی اسلامی، و متمنکز بر عقل کلی (شهودی) است که بر اشراق، شهود عقلاًنی، تزکیه و تهدیب نفس، تأکید دارد. به تعییر دیگر، متاثر از روش عرفان اسلامی (عرفان ابن عربی و حکمت صدرایی)، است. متولوژی سنت‌گرایان، متولوژی پارادایم مدرنیته را که مبتنی بر فلسفه و علم مدرن است به‌چالش می‌گیرد. مبنای روش‌شناسی سنت‌گرایی، عقل کلی است که کارش شهود عقلاًنی و در ک مستقیم متعلق شناخت است. بنیاد اندیشه‌ی جهان مدرن، عقل جزئی (استدلالی) است که متکی بر ابزارهای حواس می‌باشد. براین پایه، دست‌آوردهای پارادایم سنت در نهایت، معنویت‌گرایی و دست‌یابی به علم قدسی است که ریشه در ذات حق دارد. دست‌آوردهای پارادایم تجددگرایی، اومانیسم، ماتریالیسم، ساینتیسم، پوزیتیویسم، و در نهایت خلق جهان پسامدرن است. دو جریان سنت‌گرایی و تجددگرایی، بر مبانی نظری هستی‌شناسنامه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه‌ی متفاوت استوارند که در این نوشتار به اجمال مورد بحث قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: سنت، سنت‌گرایی، باطن‌گرایی، تجددگرایی، حکمت خالده، عقل شهودی، عقل استدلالی

۱. فارغ‌التحصیل سطح چهار و دانشجوی دکتری اندیشه‌ی معاصر مسلمین (جامعه المصطفی العالمیه). mhtaheri1973@gmail.com

نقد و بررسی «عدم توجه به خداوند» در رساله‌ای اخلاقی ارسطو و تأثیرگذاری آن بر اخلاق‌نویسی اسلامی

مجتبی جاویدی^۱، زهرا آتشی^۲

اگر در رساله‌های اخلاقی ارسطو از جمله نیکوماخوس تأمل شود این نکته آشکار می‌شود که در اخلاق‌نویسی ارسطویی، به نقش خداوند توجهی نشده است. به گواه بسیاری از علمای اخلاق، کتب اخلاقی مسلمانان در بسیاری از مؤلفه‌های خود از اخلاق ارسطویی تأثیر پذیرفته است. با توجه به این که خداوند و رابطه‌ی انسان با او، روح حاکم بر تمام آموزه‌های ادیان الهی و به صورت خاص دین اسلام است، این عدم حضور یا کم بودن آن، مشکلاتی را برای اخلاق‌نویسی اسلامی ایجاد کرده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع پرداخته و پاره‌ای از تبعات و نتایج تبعیت از اخلاق‌نویسی ارسطویی در اخلاق‌نویسی اسلامی را به شرح زیر برمی‌شمرد: در نظر گرفته نشدن جایگاه برای اخلاق بندگی و رابطه‌ی انسان با خداوند، غایب بودن مفهوم آخرت و حیات ابدی در علم اخلاق، تفاوت معنای واژه‌های سعادت و فضیلت در اندیشه ارسطو با تعاریف این واژه‌ها در اندیشه اسلامی، تغییر موضوع و هدف علم اخلاق، فردی شدن علم اخلاق اسلامی و عدم توجه به ابعاد اجتماعی آن، عدم تبیین جایگاه نقل و وحی در اخلاق‌نویسی اسلامی و به‌تبع جدا شدن اخلاق از شرع و جدایی کامل علم اخلاق از علم فقه.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، ارسطو، خداوند، اخلاق‌نویسی اسلامی، نیکوماخوس.

۱. استادیار دانشگاه شیراز، mojtabajavidi@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شیراز، faza.atashi@yahoo.com

بررسی خصوصیات متمایز کننده علم اسلامی از علم غربی و تأثیر آن در ساختار نظریات علمی

حسن شیخ‌العراقینزاده^۱، سیدمهدی رضوی^۲

تحقیق تمدن اسلامی بدون نظریه‌پردازی، امری -اگر نگوییم غیر ممکن- بسیار هزینه‌بر و سخت می‌باشد. با استفاده از نظریه‌پردازی و تولید علم می‌توان زمینه تحقق تمدن اسلامی و توسعه آن را با به حداقل رساندن تناقضات و تقابلات نخواسته، به بهترین، سریع‌ترین و ساده‌ترین شکل ممکن مهیا کرد. اما برای تحقق تمدن اسلامی نیاز به نوعی از علم داریم که از آن به علم اسلامی یاد می‌کنیم، علم اسلامی علمی است که قواعد هماهنگ تصرف در جامعه و موضوعات درونش را به منظور اسلامی‌تر کردن محیط زندگی، در اختیار انسان قرار دهد و به وسیله عمل به این قواعد هماهنگ، مدنیت اسلامی ایجاد شود. تعریفی که از علم اسلامی ارائه گشت با وجود پاره‌ای از اشتراکات در اجزاء آن با علم غربی، تمايزهای بارزی با علوم غربی دارد. یکی از تمايزهای بارز این دو نوع از علم در گرایش‌های تولیدشان است. در بطن علم غربی با توجه به تمایلات اولمپیستی تمدن غرب، تفسیر استیلاجوبانه وارد شده است در حالی که تمایلات اسلامی، در بطن علم اسلامی، تفسیر خاضعانه و ذاکرانه نسبت به شارع مقدس ایجاد خواهد نمود. تمايز دیگر در رویکردهای متفاوت به سازوکار حرکت عالم برای تولید این دو نوع از علم است. از منظر تمدن غرب، عالم یک نظام خودمندگار است که موجودی مستقل در حرکت خود می‌باشد و تحت یک قانون ثابت لایتیغیر حرکت می‌کند و از این منظر، دست خداوند در ایجاد تغییر در حرکت عالم بسته است؛ اما در نگاه اسلام خداوند فعال مایشاء است و تحولات همه پدیده‌ها، در مسیرهای مختلف امکان‌پذیر است و اختیار اینکه هر پدیده در چه مسیری متحول می‌شود به امری بیرون از خود پدیده وابسته است. تمايز دیگر علم اسلامی و غربی در منابع تولید و معیار صحت آن‌ها است. تنها منبع تولید علم غربی رفتار ماده می‌باشد و اگر در برخی از حل‌های از ذهن نام برده می‌شود، تا جایی است که بیش از مجموع تجارب بشری اطلاعی را ارائه ننماید. همچنین تنها معیار صحت علم غربی تأیید تجربی نظریات علمی است. اما در

۱. سطح سه حوزه و کارشناسی فیزیک، hasan.karbala@chmail.ir
۲. هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی، s.mahdi.razavi@chmail.ir

علم اسلامی، «منابع دینی، عقل و تجربه» توأمان با هم منابع تولید علم می‌باشند و معیار صحت علم اسلامی نیز «حجیت، تلائم و کارآمدی» توأمان است. با توجه به خصوصیاتی که برای علم اسلامی به دست آمد، در ادامه ساختار پیشنهادی برای نظریه علمی پیشنهاد می‌شود که با خصوصیات مطرح شده برای علم اسلامی هماهنگی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: علم اسلامی، تعریف علم، سازوکار حرکت عالم، منابع تولید علم، معیار صحت علم، ساختار نظریه علمی.

بررسی نقش الگوهای چهارگانه ارتباط از منظر اسلام در علوم انسانی

سید امیر سخاوتیان^۱، محمدحسین عابدین، هادی عباسی، میثم شاهنوریان

قوانين و قواعد علوم انسانی، نوعی روابط از سنت مقولات ثانی فلسفی هستند. این روابط با محوریت انسان با متعلق دیگر آن تعریف می‌گردد که شامل خود، محیط، انسان‌های دیگر و خدامی‌گردد. همچنین هریک از این قواعد دارای اصول و لایه‌هایی مشترک و خاص هستند که موجب تکون یا تکون یک تمدن می‌گردد. از سوی دیگر اسلامی سازی علوم انسانی نیز دارای سطوح متعدد همچون مبانی و بناس است. که سطح مبنایی آن نیز دارای سطوح متعدد همچون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نظام ارزشی است. شناخت روابط چهارگانه مذکور هم در هستی‌شناسی، هم در معرفت‌شناسی و هم در نظام ارزشی سریان دارد. از این‌رو ضرورت دارد که برای نیل به علوم اسلامی، روابط چهارگانه مذکور از منظر اسلام بررسی گردد. پژوهش حاضر تلاشی است در جهت شناخت روابط چهارگانه فوق الذکر از منظر اسلام در علوم انسانی که با هدف کاربرد آن‌ها در تدوین علوم انسانی نوین در تمدن بالنده اسلامی صورت پذیرفته است. این پژوهش، اطلاعات را به روش کتابخانه‌ای جمع آوری و به صورت توصیفی تحلیلی بررسی می‌نماید. چشم انداز آن نیز روش سریان آن به صریحت خرد در هر علم از علوم انسانی و همچنین جایگاه آن در مبانی علوم انسانی است.

کلیدواژه‌ها: الگوهای ارتباطی، علوم انسانی، اسلام، تمدن ناب، حق محوری.

۱. (نویسنده مسئول)، سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه‌ی فیزیک دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)

بررسی تحولات تاریخ ریاضیات و تأثیر آن در تحول علوم انسانی (با تاکید ویژه بر امکان دستیابی بر علوم انسانی اسلامی)

سید مرتضی حسینی^۱، سعید کربلایی^۲

سیری اجمالی در تاریخ پسر نشان می‌دهد که تمامی فعالیت‌های او بر اساس نیازهایش شکل می‌گیرد؛ یعنی انسان با زمان کنونی به شدت به آن احساس نیاز می‌کرده و در جهت رفع آن تلاش‌های فراوانی بخصوص در قرون اخیر کرده است نیاز به علوم انسانی است. با تاملی در زمینه این علوم و نحوه شکل گیری و تطورات این علوم، رد پایی از ریاضیات را می‌توان یافت. بخشی از پدیدآورندگان این علوم، ریاضیدار و فیزیکدان بوده‌اند و نظریات خود را بر پایه قواعد ریاضی بنا نهاده‌اند و مهم‌تر اینکه تحول و تطور علوم انسانی همراهی تأمل برانگیزی با پیشرفت‌های ریاضی داشته است.

ریاضیات جدید به ویژه علم آمار و احتمالات تأثیر شگرفی در علوم انسانی داشته و روش تحقیق مبتنی بر ریاضیات در تمام شاخه‌های علوم انسانی اجتماعی به قطعه‌ای ضروری و غیرقابل اغماض تبدیل شده است. حال سؤال اینجاست که با توجه به چالش‌های پیش آمده برای نظریات علوم انسانی مدرن در غرب و ضرورتی که برای تحول در این علوم با توجه به مبانی، فرهنگ‌ها و بوم‌های مختلف ایجاد شده است، آیا برای رسیدن به این تحول بنیادین نیاز به لوازم جدیدی نیست؟ آیا ریاضیات موجود، می‌تواند پاسخگوی این تحول باشد؟ و سؤال اساسی‌تر اینکه آیا چنین تحولی در ریاضیات که مقدمه تحول در علوم انسانی باشد امکان پذیر است؟ برای پاسخ به این سؤال اخیر بررسی تاریخ تحول ریاضیات و علل این تحولات و نقاط عطف آن نشان می‌دهد که چنین تغییرات و تحولاتی در طول تاریخ علم اتفاق افتاده و این تغییرات اغلب متناسب با نیاز بشر در زمینه‌های مختلف از جمله علوم انسانی بوده است. در این نوشتار سعی بر این است تا این با بررسی تحولات تاریخ ریاضیات و تأثیر تحولات آن بر علوم انسانی، امکان تحول در ریاضیات برای تحول در علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی انسانی مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ ریاضی، آمار و احتمالات، انقلاب علمی، تحول در علوم انسانی.

۱. طبله و پژوهشگر سطح چهار حوزه علمیه قم، عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم (نویسنده مسئول)، mh89j@ yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی، طبله سطح سه حوزه علمیه قم، saiedk2003@gmail.com

تبیین حضور عقل نظری و عملی در افعال بر مبنای نفس شناسی ملاصدرا^۱

مهران رضائی^۲، حسین هوشنگی^۳

باز تحلیل نفس شناسی ملاصدرا و تصویر خاصی که او از حرکت جوهری وجود انسان ارائه می‌دهد، رهنمون گر به نکات بدیعی خواهد بود. پژوهش حاضر در پی این مسئله است که بر مبنای نفس شناسی ملاصدرا، حضور عقل نظری و عملی، به عنوان مهم‌ترین قوه‌های نفس انسانی، در افعال چگونه تبیین می‌گردد؟

مبتنی بر دستاوردهای پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا و اسنادی، هرآچه در سیطره نفس ناطقه، مربوط به فعل و عمل می‌شود از مجرای عقل عملی است؛ ولیکن، افعال بر دو نوع‌اند: حیوانی (با عاملیت خیال و وهم و بدون تعلق اراده عقلانی) و فکری- عقلانی (با عاملیت و گزینش‌گری عقل عملی)؛ تلقی همسو با ادبیات دینی- عرفانی و ژرفای سخنان ملاصدرا از این تفکیک، آن است که یک فعل به اعتباری ممکن است که حیوانی باشد و همان فعل، با همان صورت ظاهری، به اعتباری دیگر، ممکن است فکری- عقلانی باشد. این مطلب کلید اساسی در فهم مسئله «راجح عقلی- مرجوح عملی» و طراحی سبک زندگی عقلانی- دینی است. نقش عقل نظری نیز در افعال انسان مع الواسطه است؛ عقل نظری نقش مدرک معارف بنیادی را، برای هدایت عقل عملی ایفا می‌نماید. ویژگی‌های «انسان در مرتبه» در هر مرتبه از مراتب عقل نظری منشأ افعالی خاص و مبین حضور عقل نظری می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عقل نظری، عقل عملی، فعل انسان، فلسفه فعل، نفس شناسی، ملاصدرا.

۱. بخش‌هایی از این مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول، در دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام گرفته شده است.

۲. نویسنده مسئول: مدرس دانشگاه مازندران و دانشجوی دکتری حکمت متعالیه در دانشگاه اصفهان، rezaeemehran@ gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ h.hooshangi@yahoo.com

اطلاق یا نسبیت فضایل اخلاقی در اندیشه اسلامی

علی جمعه مظفری

از نظر بسیاری از فلاسفه اخلاق، وظیفه اصلی نظام اخلاقی، بیان تکلیف مردم در شرایط گوناگون زندگی و دادن پاسخ به سوال «چه باید کرد؟» است. در پاسخ به این پرسش برخی از نظام‌های اخلاقی بر رفتار دارای نتایج مطلوب و برخی بر انجام تکلیف و برخی دیگر بر «منش» به جای «کنش» تأکید می‌نمایند. اولی را نظام اخلاقی غایت‌گرا و دومی را نظام اخلاقی وظیفه‌گرا و سومی را نظام اخلاقی فضیلت‌گرا می‌نامند. اخلاق فضیلت‌گرا یا اخلاق فضیلت، همانگونه که از اسمش پیدا است، فضیلت را محور اصلی مباحث خود قرار می‌دهد. نظام اخلاقی اسلام با آنکه یک نظام غایت‌گرا است در عین حال به انجام وظیفه و کسب فضایل نیز اهتمام فراوان دارد، به همین جهت در منابع دینی از فضایل اخلاقی سخن فراوان به میان می‌آید. بسیاری از مکاتب اخلاقی یونان باستان، قرون وسطی، عصر رنسانس و دنیای جدید برای رسیدن انسان به سعادت، کسب فضایل و اجتناب از ردایل را ضروری می‌دانند. از سوالات مهم در این بحث، منش و پشتونه واقعی داشتن یا نداشتن فضایل است که اگر از منش و پشتونه واقعی برخوردار باشند، می‌توان از ثبات و دوام فضایل در همه جوامع و به تعییر دیگر از اطلاق آن‌ها سخن گفت، اگر فضایل حاکی از واقعیت عینی نباشند در این صورت طبعاً تابع قرارداد و سلایق فردی و گروهی بوده و در نتیجه فضیلت یک فرد، گروه و جامعه با فضیلت فرد، گروه و جامعه دیگر تفاوت خواهد کرد. در این تحقیق ضمن آشنایی اجمالی با معانی لغوی و اصطلاحی فضایل اخلاقی و دانستن اقسام آن‌ها از دیدگاه حکماء یونان، مسلمان و اخلاق دانان اسلامی، با توجه به تفاوت معنایی و ماهوی فضایل یونانی با فضایل دینی، از تعریف مشهور فضایل ارسطویی صرف نظر نموده، با ارایه تعریف جدیدی از فضایل منطبق با مبانی اسلامی، اطلاق یا نسبیت آن‌ها را مورد بررسی قرارداده ایم، در نتیجه حکایتگری فضایل از واقعیت و داشتن ملاک عینی مورد نظر اسلام و نتیجتاً اطلاق آن‌ها به اثبات رسیده است.

کلیدواژه‌ها: فضیلت، اخلاق، نسبیت‌گرایی، اطلاق، فضایل، ردایل.

بررسی انتقادی مدل پارادایمی تاریخ علم توماس کوهن

سید مرتضی حسینی^۱، حامد یزدانی^۲، حمید ابدی^۳

نظریه کوهن علاوه بر اینکه نظریه‌ای بدیع در حوزه فلسفه علم است، نگاهی جدید به تاریخ علم نیز داشته است. در واقع سعی کوهن ترکیب این دو نگرش در هم، و ارائه نظریه‌ای جدید در حوزه فلسفه و تاریخ علم بوده است. همان‌طور که نظریه کوهن در حوزه فلسفه علم چالش‌های جدیدی را موجب شده است این نظریه تاریخ‌نگاری علم را هم با نگاه و مسائل جدیدی روپرور کرده است. تا قبل از این نظریه دو نگاه اصلی در تاریخ علم وجود داشت یکی تاریخ‌نگاری ویگی که به ثبت وقایع علمی بر اساس مستندات تاریخی می‌پرداخت و دیگری قراتی پیوستار از تاریخ علم که رویدادهای علمی را مرتبط با هم در یک سیر تاریخی رو به جلو می‌بیند. به بیان دیگر سیر پیشرفت علم به صورت خطی و انباشتی است. دیدگاه کوهن ناظر به نقد رویکرد دوم است. او نه خطی بودن علم را می‌پذیرد و نه سیر پیشرفت آن را. او حتی غایت نهایی برای علم را هم انکار می‌کند. در واقع کوهن با تکیه به مفهوم پارادایم، علم و علمی را مختص به همان دوره تاریخی می‌داند و بر اساس قیاس‌نپذیری پیوستگی بین پارادایم‌ها را در تاریخ انکار می‌کند. نظریه کوهن از نظریات تأثیرگذار بر علوم انسانی است. تا جایی که مفهوم «پارادایم‌های علوم انسانی» از اصطلاحات رایج در این حوزه گردیده است. اما به کارگیری این مفهوم بدون لوازم آن که بر اساس رویکرد تاریخی به علم بنا شده می‌تواند منجر به بدفهمی و مغالطات مبنایی در فهم پارادایم‌های علوم انسانی گردد. در این مقاله به رویکردهای چالش برانگیز کوهن در تاریخ علم و روشن کردن زوایای مغفول در نظریه تاریخ علم کوهن پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تاریخ علم، کوهن، پیشرفت علم، پارادایم، علم.

۱. طلبه و پژوهشگر سطح چهار حوزه علمیه قم، عضو هیئت علمی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی قم (نویسنده مسئول)، mh89j@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناس ارشد فلسفه غرب، دانشگاه مفید، h.yazdani1979@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مکانیک، دانشگاه صنعتی اصفهان، hamid.abadi@chmail.ir

قرآن و مبانی نظری جهاد کبیر به مثابهٔ تولید علم دینی

محمدباقر عباسی^۱، شریف ذبیحی مقدم^۲، سید امیر سخاویان^۳

مفهومی که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) آن را یکی از شاخصه‌های انقلابی بودن معرفی کرده‌اند و ریشه در مفاهیم قرآنی دارد؛ می‌توان از آن به عنوان یک راهبرد علمی و فرهنگی مهم در مقابله با جنگ نرم استفاده کرد. هدف از این مقاله علاوه بر تبیین مبانی نظری مفهوم قرآنی جهاد کبیر، دستیابی به راهکارهای عملی در نهادینه نمودن این مهم به عنوان یکی از شاخصه‌های انقلابی بودن است زیرا معرفت شناسی حاصل از آن نقاد تمام علوم تجربی غربی می‌باشد که مبنی بر انسان محوری است.

این مقاله در صدد است از توحید خاص قرآنی مبنای تمامی معارف دینی است و می‌توان با فهمیدن و به کاربستان آن از نقد آنچه به منزله علم موجود است، فراتر رفت و به علم و فرهنگ اصیل اسلامی و در نتیجه تمدن نوین اسلامی اقدام کرد.

کلیدواژه‌ها: جهاد، جهاد کبیر، نظام اسلامی، جنبش علمی، علم دینی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (علیه السلام). yahoo.com@rara۶۲۶۲

۲. کارشناسی ارشد اندیشه‌ی سیاسی در اسلام دانشگاه مفید قم. gmail.com@Zabihim۲۰

۳. طلبه‌ی سطح چهار (دکتری) حوزه‌ی علمیه‌ی قم و دانشجوی دکتری فلسفه‌ی فیزیک دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) قم. Sekhavatian@yahoo.com

بررسی تطبیقی مبانی علم سکولار با علم اسلامی و تبیین جایگاه اخلاق در آن دو

ابراهیم عزیزی^۱

یقیناً پدیده رنسانس در طومار تاریخ بشری اهمیت و جایگاه رنگین و جلوه‌گر دارد. تکنولوژی‌ها و تحولات صنعتی مبتنی بر تحولات فکری و عقیدتی بشر مدرن چشمان خیره نظاره گران را به وجود آورده است. و با وجود گذشت صدها سال از این پیچ تاریخی انسان‌های زیادی در سراسر دنیا حتی در دایره جهان اسلام نسخه لیبرال دمکراتی را تنها داروی شفا بخش دردهای بشر برای رسیدن به آمال و بهشت دنیا تلقی می‌کنند. اما این مقاله با تبیین مبانی معرفت شناختی و چارچوب‌های هستی شناختی در کنار تاثیرات بنیان‌های انسان شناختی بر علوم اسلامی در دو ساحت علوم انسانی و غیر انسانی به تشریح جایگاه اخلاق و معنویت در علوم اسلامی پرداخته در کنار آن مبانی معرفتی و هستی شناختی و انسان شناختی علوم غربی دوره پس از رنسانس نیز همت گماشته و پس از تبیین جایگاه علم اخلاق مبتنی بر بنیان‌های تفکر غربی در علوم غربی به بررسی و نقد منصفانه علوم غربی مبتنی بر مبانی لیبرال دمکراتی اهتمام ورزیده است. انحصار ابزار کسب معرفت به حس و تجربه هر چند که علم بشر را به ماده و مادیات صد چندان کرد ولی باعث غفلت و انکار عالم مأراء طبیعت شد. به دنبال انکار فرا ماده تمام آمال و آرمانهای بشر در دنیا و مادیات سقوط کرد. حتی اخلاق و روانشناسی هم برای بهرمندی بیشتر انسان از لذای شهوانی و ثروت‌های مادی بیشتر به خدمت گرفته شد. در حالی که بر اساس بنیان‌های معرفتی و هستی شناسانه مطابق با معارف وحیانی حقیقت انسان را همان بعد فرا مادی تشکیل داده و مادیات و بدن مرکب و گذرگاهی بیش نبودند و هدف و غایت زندگی طبیه، تقرب به بینهایت‌هاست. بر این اساس تکامل انسان و انسان کامل نه در لذت و سود مادی بیشتر که در عبودیت همیق و دقیق انسان به خدای تبارک و تعالی معرفی می‌شود. لذا علوم انسانی و علوم اسلامی در همین چارچوب‌های نظری تولد و رشد و بلوغ خود را سپری کرده و تمدن جدید اسلامی را رقم خواهد زد. تا درنتیجه آن سعادت دنیوی و اخروی بشر تأمین شود. تحقیق در این مقاله به روش کتابخانه‌ای بوده است.

کلیدواژه‌ها: پلورالیسم معرفتی، هستی شناسی اگزیستانسیالیستی، رنسانس، علم اسلامی، علم سکولار غربی، مبانی معرفت شناختی.

نظریه شبکه مسائل؛

گام اول از مدل تحول در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی

ایمان کاظمی مقدم^۱

«نظریه شبکه مسائل»، یکی از سه خلع مثلث تحول در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی است. این نظریه، در کنار نظریه فحص جامع و نظریه اجتهاد سیستمی، اصلاح تحول (مدل تحول) در علوم انسانی از منظر روش‌شناسی را تشکیل می‌دهند. این مدل، بیانگر چگونگی تحول در علوم انسانی برای حرکت از علوم انسانی سکولار به سمت علوم انسانی اسلامی از منظر روش‌شناسی است. هدف از نظریه شبکه مسائل، برداشتن گام اول از مدل تحول در علوم انسانی و زمینه‌سازی برای تولید علم دینی در موضوعات و مسائل علوم بهویژه علوم انسانی است. این نظریه، به این سؤال پاسخ می‌دهد که چگونه می‌توان یک موضوع را تجزیه مفهومی کرد و شبکه گسترده‌ای از متغیرها و مسائل مرتبط با آن موضوع را به دست آورد. اهمیت و کاربرد این نظریه به صورت ویژه در حوزه علوم انسانی، تولید شبکه مسائل علوم انسانی در شاخه‌ها و رشته‌های مختلف علوم انسانی است. این نظریه، در پارادایم شبکه‌ای، با راهبرد تحلیل مفهومی، با رویکرد فلسفی و با ابزارهای ۱۴ گانه تحلیلی، به توصیف، تبیین و توجیه مراحل قدم به قدم تولید شبکه متغیرها و مسائل در موضوعات مختلف می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: شبکه مسائل، دانش دینی، علم دینی، علوم انسانی اسلامی، روش‌شناسی، تمدن‌سازی.

۱. هیات علمی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ikazemi62@gmail.com

تولید «مفاهیم پایه»: گامی اساسی برای تأسیس روانشناسی اسلامی

سید محمد رضا تقوی^۱

هدف: هدف از پژوهش حاضر، چگونگی تولید «مفاهیم پایه» به عنوان گامی اساسی در تأسیس روانشناسی اسلامی بود. روش: روش پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با نگرشی استنتاجی به منابع دینی صورت گرفته است. یافته‌ها: ۱) هر نظام وارهی فکری، «مفاهیم پایه» مختص به خود دارد که متناسب با اهداف و مبادی فلسفی همان نظام واره است. ۲) یکی از گام‌های اساسی برای پاسخ به پرسش‌های تحقیقاتی، شناسایی مفاهیم تأثیر گذار و تبدیل آن‌ها به «مفاهیم پایه» طی یک فرآیند مشخص است. ۳) هر مفهوم پایه، دارای تعریف نظری و عملیاتی، مرزبندی با مفاهیم مشابه، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مشخص و مورد توافق متخصصین آن رشته است. ۴) با فراهم شدن مجموعه مفاهیم پایه، به تدریج بی نیاز از به عاریت گرفتن مفاهیم پایه، از سایر نظام واره‌های علمی، برای تبیین پدیده‌ها می‌شویم. ۵) از طریق کشف ارتباط بین مفاهیم پایه می‌توان به تبیین پدیده‌ها و/یا نظریه پرداخت. در این نوشتار، برای نمونه سه «مفهوم پایه» بالقوه در روانشناسی اسلامی (تعلق، اخبات و شکرگزاری) معروفی شدند. نتیجه گیری: روانشناسی اسلامی تنها با ایجاد «مفاهیم پایه»، متناسب با اهداف خود، می‌تواند تأسیس شود.

کلیدواژه‌ها: تولید مفاهیم پایه، تحول علوم انسانی، تأسیس روانشناسی اسلامی.

۱. استاد روانشناسی بالینی و عضو پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی- اجتماعی دانشگاه شیراز.
mtaghavi@rose.shirazu.ac.ir

تبیین حدود حجیت عقل از منظر معرفتی و توبیتی

مهدی برزگر^۱

در بحث کاربرد استقلالی عقل به عنوان یکی از منابع فقه و مصادر احکام شرعی، تبیین مرز حجیت عقل از حیث یقینی، اطمینانی و ظنی بودن و نیز تبیین حدود حجیت آن از حیث شخصی که عقل به او منسوب است از ضروریات کار هر فقیه است. نگارنده در مقاله حاضر تلاش کرده تا حجیت عقل یقینی و اطمینانی (ظن قوی نزدیک به یقین) را ثابت و عدم حجیت عقل ظنی را مستدل کند؛ در این مقام برای اثبات حجیت عقل اطمینانی به دو دلیل عقلی قطعی که عبارت‌اند از «اقضایی ضروری نظام خالق» و «اختلال در امر دین و دنیا» و نیز شمول ادله نقلی استدلال شده است. نیز برای اثبات عدم حجیت عقل ظنی ابتدا همه آنچه که می‌تواند مستند حجیت چنین عقلی قرار بگیرد ذکر شده، سپس به ذکر ادله عدم حجیت عقل ظنی پرداخته شده است که عبارت‌اند از «تفاوت ماهوی شریعت با علوم بشری»، «صدور روایات در مورد عقول ظنیه»، شمول روایات در فرض عدم دسترسی به معصوم ع و «اقضایی فساد و زمینه‌های لغوش در عقل ظنی». نگارنده همچنین تلاش کرده تا ثابت کند عقلی که مدرکات آن در فقه شیعه حجت است، عقل انسان متربی به تربیت وحیانی است، نه عقل انسانی که از تعالیم انبیاء به دور بوده و رها از معارف وحیانی رشد کرده است. عمدۀ مطلب در این باب تفاوت نوع نگاه این دو عقل به معنای مصلحت و مفسدۀ است.

کلیدواژه‌ها: عقل قطعی، عقل اطمینانی، عقل ظنی، عقل متربی.

نظریه اخلاق هنجاری اسلام بین تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی

علی نعمتی^۱

با تمام مهجوریت فلسفه اخلاق در تحقیقات فلسفی به زبان فارسی (اعم از ترجمه و تألیف)، مباحث اخلاق هنجاری در مقایسه با فرالا خلاق از غربت بیشتری برخوردار بوده است و تحقیقات زیادی به چشم نمی‌خورد که برای تعیین موضع اندیشه اسلامی در قبال مکاتب گوناگون اخلاق هنجاری تلاش کرده باشند. این در حالی است که تدارک یک زیربنای نظری مستحکم در باب اخلاق هنجاری - به عنوان یکی از دورکن فلسفه اخلاق - نقشی اساسی در بنای علوم اجتماعی اسلامی دارد. مکاتب اخلاقی متعدد و متنوعی وجود دارد که دسته‌بندی‌های متفاوتی نیز از آن‌ها ارائه می‌شود. در یک تقسیم‌بندی رایج این نظریات در سه شاخه تکلیف‌گرا، نتیجه‌گرا و اخلاق فضیلت قرار می‌گیرند که در این میان، نزاع میان نظریات تکلیف‌گرا و نتیجه‌گرا از دیرینه بیشتر و گسترده وسیع‌تری برخوردار بوده است. لذا به عنوان اولین گام ضروری، در این تحقیق تلاش شده است با پرداختن به این دو نظریه و نقدهای وارد بر آن‌ها، به تعیین موضع نظریه اخلاقی اسلام صرفاً میان این دو نظریه پرداخته شود که در نهایت، با رد ادله مدافعان نتیجه‌گرایی، نظریه اخلاقی اسلام یک نظریه چند معیاری معرفی شده است که در قالب کلی و گام اول تکلیف‌گرایی است، اگرچه در گام‌های بعد و پس از ایفای قیود تکالیف، عمل بر مبنای معیارهای نتیجه‌گرایانه - یا سایر معیارها - نیز متنفی دانسته نشده است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، فلسفه اخلاق، نظریه اخلاق هنجاری، تکلیف‌گرایی (وظیفه‌گروی)، نتیجه‌گرایی (پیامد‌گرایی).

۱. طلبه خارج فقه و اصول حوزه علمیه و نامزد دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) nemati.ali@gmail.com

چالش معنایی واقع گرایی علوم انسانی اسلامی (چالش معنایی علوم انسانی اسلامی)

هادی رزمجوئی^۱

در این مقاله پس از اشاره به معناهای غیر رایج علوم انسانی اسلامی، مهم‌ترین معانی علوم انسانی اسلامی معرفی و از حیث چالش‌های پیش روی هر یک از این معانی از جمله واقع گرایی، نسبی گرایی و روشمندی نقد و بررسی می‌گردد. مهم‌ترین این معانی در مقام اثبات عبارت‌اند از: «علم مستند به مبانی اسلامی» که ساده‌ترین و رایج‌ترین معنا است، «حضور پیش فرض‌ها، ارزش‌ها و غایبات اسلامی در مقام گردآوری» که تحت تأثیر نظریات اولیه در فلسفه علم خصوصاً تفکیک مقام داوری از گردآوری در فلسفه علم پوپر است. «علم حاصل از متون دینی به روش اجتهادی» که مبتنی بر رویکرد فقه مضاف است، «فهم و اراده انسان در مسیر ولایت الهی» که به نوعی تغییر در ماهیت علم است، «علم مبتنی بر روش تحقیق اسلامی»، «علم حاصل از عالم و پارادایم اسلامی» که مبتنی بر نگاه تاریخی به علم به عنوان یک نهاد اجتماعی است، «علم حاصل از عالم اسلامی» و «علم حاصل از اصول و مبادی حکمت اسلامی بر بنیان هستی شناسی الهی» که مبتنی بر تغذیه توامان علم از عقل و نقل است. با نقد و بررسی هر یک از این معانی، فرآیند اسلامی شدن علم و درنتیجه معنای مطلوب تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: معنا، پیش فرض، مبادی تصویری و تصدیقی، وجود ذهنی، واقع گرایی، نسبی گرایی، روش.

۱. کارشناسی ارشد فلسفه علم، h.raz@rayana.ir

نقد روش‌شناسی رئالیسم انتقادی با تکیه بر مبانی واقع‌گرایی صدرایی

علی جعفری^۱، یارعلی کرد فیروزجائی^۲

یکی از آسیب‌های اندیشه دینی در جامعه اسلامی، طرح علوم انسانی مبتنی بر مبانی فلسفی غربی است. بدیکی از راه‌های مقابله با این آسیب فراهم کردن زمینه‌های لازم به منظور ارائه مبانی نظری علوم انسانی بر پایه فلسفه و حکمت اسلامی است. از جمله این موارد، طرح مسائل بنیادین اندیشه اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با اندیشه‌های معاصر و تاثیرگذار در جوامع غربی در موضوعات نوبنی است که در عرصه معرفت‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور پژوهش حاضر ضمن معرفی مبانی روش‌شناختی حکمت صدرایی و رئالیسم انتقادی، تلاش می‌کند تا به ارزیابی رئالیسم انتقادی در تبیین واقعیت برمنای یافته‌هایی به دست آمده از حکمت صدرایی پرداخته و به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا رئالیسم انتقادی می‌تواند با تکیه بر مبانی روش‌شناختی خویش تبیین صحیحی از واقعیت داشته باشد؟ از این‌رو، این پژوهش با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که رئالیسم انتقادی علیرغم تلاش هر دو مکتب در مقابله با ایدئالیسم و پوزیتیویسم و طرح نوآوری‌هایی برای کشف واقعیت، رئالیسم انتقادی به خاطر تقلیل معرفت به ابعاد و نمادهای اجتماعی و همچنین به علت گرفتاری نسبیت در علم، در تبیین لایه‌های واقعیت دچار تنگناهایی است، در حالی که ملاصدرا با روش‌شناسی اصالت وجودی خویش و تأکید بر شهود در کنار برهان راه را برای رسیدن به واقعیت همراه‌تر نموده است.

کلیدواژه‌ها: حکمت صدرایی، رئالیسم انتقادی، ملاصدرا، بسکار، روش‌شناسی، واقع‌گرایی.

۱. دانش پژوه سطح ۴ مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم، jafariali80@yahoo.com
۲. دانشیار دانشگاه باقر العلوم قم، firouzjaei@bou.ac.ir

بررسی و تحلیل نظریه فلسفه‌های مضاف به مثابه یک رویکرد روش شناختی در تحول علوم انسانی

محمد رضا خاکی قراملکی^۱

رویکرد فلسفه‌های مضاف، به دنبال تولید علوم انسانی و اجتماعی، و با دغدغه عینیت بخشیدن به جریان فلسفه در عالم خارج، ضمن ارائه نگاه انتقادی و آسیب شناختی به فلسفه اسلامی موجود، در صدد عبور فلسفه از وضعیت اطلاقی و انتزاعی می‌باشد، به نحوی که در نظریه‌های علمی امتداد پیدا کند. این نگاه تلاش کرده مبانی فلسفی جدید کاربردی را در اندازد، و حکمت نوینی را تأسیس کند که هم اسلامی باشد، و هم انسان انصمامی، به عنوان موضوع فلسفه قرار گیرد. درواقع این حکمت جدید، معلول رویکرد فلسفه‌های مضاف بوده، و متأثر از انگاره فلسفه فلسفه اسلامی است. طبق این ادعا، تولید علوم انسانی اجتماعی، بایستی مبتنی بر یک عقلانیت پایه دینی، یعنی فلسفه جامع اسلامی که جنبه کاربردی دارد، پدید بیاید، صبغه اسلامی علوم، نیز ناشی از اسلامیت فلسفه است. البته فلسفه مضاف در این نگاه، یک مشترک لفظی است، که شامل، فلسفه‌های مضاف به واقعیت و فلسفه‌های مضاف به علوم می‌باشد، البته با نگاه انتقادی به نظریه فوق می‌توان گفت، این رویکرد نتوانسته ارتباط روشمند بین فلسفه مضاف و فلسفه عام اسلامی برقرار کند و حکمت نوین نیز، به لحاظ مبنای و روشی، ظرفیت کاربردی کردن فلسفه موجود را ندارد. اساساً فلسفه ادعایی، ذاتاً قابلیت امتداد اجتماعی و نقش آفرینی در نظریه پردازی را ندارد، این نظریه به لحاظ ساختاری فاقد انسجام بوده و از انضمام سازه‌های ناهمگون به یکدیگر تشکیل شده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه مضاف، حکمت نوین اسلامی، فلسفه فلسفه اسلامی، عقلانیت، روش شناسی علوم، انسان انصمامی، انتزاعی.

۱. دانش آموخته مرکز تخصصی علم کلام، عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی. آدرس الکترونیکی: mrkhkai54@gmail.com

ظرفیت نظریه افعال گفتاری در توسعه قلمرو علم دینی

مجتبی رستمی^۱ کیا

عصر حاضر در عرصه خودرزی فلسفی، به خصوص بعد از چرخش زبان شناختی، «عصر زبان» نام گرفته است، از سوی دیگر لزوم اتخاذ مبانی فلسفه زبانی برای علم دینی و علوم انسانی اسلامی بر کسی پوشیده نیست. شناختاری دانستن گزاره‌های اخباری دین برای قائل شدن به علم دینی از سوی تمامی متغیرین اسلامی، پذیرفته شده است، اما عطف توجه نگارنده به این مسأله است که با استفاده از ظرفیت نظریه افعال گفتاری می‌توان در قلمرو علم دینی توسعه‌ای ایجاد کرد.

در این اثر با استفاده از نظریه افعال گفتاری در فلسفه تحلیلی زبان که رهیافت جان لکشاو آستین می‌باشد، تحلیلی نوین از زبان علم دینی و شناختاری بودن گزاره‌های انسایی در این علم ارائه شده است؛ که به زعم نویسنده تاکنون در تحقیق مشابهی دیده نشده است. در واقع فرضیه این مقاله این است که قلمرو گزاره‌های علم دینی و به عبارت دیگر زبان علم دینی بسیار فراتر از گزاره‌های اخباری است.

نگارنده مبانی شناختاری دانستن گزاره‌های اخباری موجود در علم دینی را بر پایه دیدگاه افعال گفتاری ارزیابی کرده، آن گاه این نظرگاه را که معتقد به صرف اخباری بودن گزاره‌ها در علم دینی است - به خصوص نظریاتی که قائل به واقع گرایی در علم دینی هستند - از وجود مختلفی مورد انتقاد قرار داده است. از جمله این نقدها می‌توان به تلقی پژوهی‌نویستی از علم دینی و عدم معناداری گزاره‌های انسایی اشاره کرد. روش این مقاله در مقام گردآوری استفاده از منابع مختلف معرفت اعم از عقل و نقل و ... بر اساس روش کتابخانه‌ای و در مقام داوری این مقاله از روش تحلیلی مخصوص فیلسوفان بهره خواهد برد.

کلیدواژه‌ها: علم دینی، افعال گفتاری، جان آل آستین، علم، دین.

۱. دانشجوی دکتری میانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی m.rostami@ismc.ir

تبیین ملزومات نظریه حاکم بر ساخت تمدن اسلامی (رویکرد مقایسه‌ای)

مصطفی جمالی^۱، حسن شیخ‌العراقین زاده^۲

نظریات علمی به منظور هماهنگ‌سازی و تسهیل تغییر موضوع خود ایجاد می‌گردد تا امکان پیش‌بینی، هدایت و کنترل تغییرات را فراهم نمایند. ساخت تمدن نیز به عنوان یک موضوع، می‌تواند دارای نظریه‌ای باشد که تسهیل گر و هماهنگ‌ساز فعالیت‌های لازم برای تحول جامعه به سمت یک مدنیت جدید گردد. اکنون که جامعه ایران به دنبال تحقق تمدن اسلامی است، این نظریه باید چه خصوصیاتی داشته باشد که ما را در تحقق تمدن اسلامی مورد نظر یاری رساند؟ اکنون که تمدن جدید غرب بر جهان سیطره دارد و شرایط پیرامونی انقلاب اسلامی است، جامعه ایران برای ساخت تمدن اسلامی ناگزیر از ملاحظه تمدن غرب به عنوان شرایط پیرامونی خود است تا تمدنی که برپا می‌کند توانایی رقابت با شرایط پیرامونی خود را داشته باشد.

از آنجا که نظریات علمی غرب جدید دارای خصوصیاتی هستند که تأثیرات زیادی در بنای تمدن کنونی غرب داشته است، بنابراین اکنون که به دنبال نظریه ساخت تمدن اسلامی هستیم، این نظریه نیز باید ملزوماتی داشته باشد که به کمک آن‌ها توانایی رقابت با نظریات علمی تمدن غرب-به عنوان شرایط پیرامونی-را به دست آورد تا تمدن اسلامی که بر پایه این نظریه بنا می‌گردد، از این منظر توانایی رقابت با تمدن غرب را بیابد. این نوشتار خصوصیاتی در نظریات علمی غرب جدید را که منجر به ارتقای تمدن سازی این مدنیت گشته است، در سه دسته الف: تغییر تعریف علم به قدرت تصرف و ارائه معادلات تغییر موضوعات؛ ب: توجه به تناسبات کمی در معادلات تغییر و ج: توجه به ساخت نظریه هماهنگ‌ساز معادلات تغییر بررسی کرده است. سپس ملزومات نظریه حاکم بر ساخت تمدن اسلامی را با توجه به این خصوصیات بیان نموده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن اسلامی، خصوصیات علم غربی، معادله تغییر، کمی سازی، هماهنگ‌سازی معادلات، نسبیت اسلامی.

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی، استادیار mo.jamali313@gmail.com

۲. پژوهشگر فرهنگستان علوم اسلامی، سطح سه حوزه و کارشناسی فیزیک

بررسی رویکردهای پنجگانه در مواجهه با علم و فناوری

رضا غلامی^۱

این مقاله از دو بخش عمده تشکیل شده است: بخش اول، تبیین^۴ رویکرد موجود درباره علم در میان مسلمانان و شعب گوناگون هر یک از رویکردهای مزبور به همراه با نقد مختصر هر یک از آن‌ها، و بخش دوم، تبیین رویکرد پنجگم به مثابه رویکرد مختار در قالب چهار اصل عمده. در بخش پایانی این مقاله با طرح و جواب چندین سؤال فلسفه علمی، پایداری رویکرد پنجگم که رویکرد مختار است مورد ارزیابی قرار گرفته است. مغز رویکرد پنجگم این است که اولاً. قلمرو دین اقتصادی شکل گیری علوم انسانی اسلامی را می‌کند لکن اقتصادی شکل گیری علوم طبیعی، فنی و پژوهشی اسلامی را نمی‌کند. ثانیاً. در علوم انسانی اسلامی، قرار بر جذب دانش و روش شناسی‌های تجربی نیست بلکه بر اساس منطقه‌بندی جدیدی که در ساحت علم بالمعنی الاعم صورت می‌گیرد، هر یک از منابع و روش شناسی‌های علمی بر حسب قابلیت و کارکردی که دارد به تنهایی و یا شراکتی در یک یا چند منطقه مشخص از مناطق مزبور قرار می‌گیرند. مهم‌ترین ثمره این طبقه بندی ارتقاء کارآمدی علوم انسانی اسلامی در شناخت و حل مسائل انسانی بشر و نزدیک کردن معرفت انسان به یقین است. ثالثاً. علوم طبیعی، فنی و پژوهشی اسلامی و غیر اسلامی ندارند ولیکن در صورت عدم تعارض با زیرساخت‌های فکری اسلام، مورد تأیید اسلام بوده و عملاً نیز مشروعيت می‌یابند. رابعاً. بشر در زندگی دنیوی دارای نیازها و پاسخ‌های مشترک است و اسلام دستاوردهای بشری در حوزه علم و فناوری را الا در مواردی که با هدف پلید به دست آمده باشد، قبول دارد. خامساً. اراده انسان در شکل گیری علم گرچه غیرقابل انکار است اما تفاوت اراده به نسبی کردن خوبی و بدی در حوزه علم و فناوری منجر نمی‌شود. سادساً. اسلام جبر تاریخی را قبول ندارد و انسان‌ها را در تغییر شرایط محیطی مسئول تلقی می‌کند لذا در اسلام چیزی به نام توقف و سکون در برابر شرایط به نام حوالت تاریخی و غیره وجود ندارد و قائلین به این دیدگاه خواسته یا نخواسته به سکولاریسم تن داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: معرفت، عقل برهانی، عقل جزئی، علم تجربی، روش شناسی، سکولاریسم، علم دینی، فناوری و پیشرفت.

1. gholami@sccsr.ac.ir

طراحی هندسه علم از منظر قرآن کریم

حسین علی رمضانی^۱، علیرضا پیروزمند^۲، مهدی ناظمی اردکانی^۳

قرآن کریم به عنوان منبع لایند کسب حقایق عالم هستی که دارای ابعاد، زوایا، سطح و لایه‌های مختلف می‌باشد می‌تواند سرمنشأ کسب معارفی باشد که هدایت‌گر جامعه علمی به سوی تمدن اسلامی باشد. یافتن هندسه و میزان علوم از کلام حضرت حق، اساس حركت علمی جهان اسلام با در نظر گرفتن شرافت و مُقدم دانستن برخی علوم بر برخی دیگر در راستای ترسیم نقشه علمی مراکز تحقیقاتی و در ادامه آموزشی خواهد بود. هندسه علم با عنوان رسمی "طبقه‌بندی علوم" بر پایه سه رویکرد موضوع محور، غایت محور و روش محور و رویکرد تلفیقی؛ در نظام طبقه‌بندی موجود بیان شده است که محققین سعی نمودند با نگاهی جامع و مانع به دنبال ترسیم نظام علمی از منظر قرآن با رویکردی تلفیقی باشند. با محور قرار گرفتن این رویکرد رجوع به قرآن را برای یافتن منظومه علمی در قالب هندسه علم با روش اجتهادی-تفسیری که دو راهبرد قیاسی و استقرائی را توأم‌ان به همراه دارد، برای درک بهتر حقایق نهفته شده در این دریای بیکران علمی اتخاذ نموده و با قرار دادن یک مبنای عقلی و مدل سه‌وجهی در بعد موضوعات و در سیر تحقیق بُعد روش و در نهایت بُعد سیر تکاملی و غایت، به تلفیق این ابعاد با یکدیگر دست زده و به مجموعه‌ای از علوم مبنای نائل آیند. علومی از جنس اخلاقیات، اعتقادات و احکام که در ادبیات موجود علم دینی نیز مؤیدات آن توسط علمی دین بیان شده است و در نظام موضوعات - فرد، جامعه و طبیعت (هستی) - و سیر تکامل- ایجاد، تغییر و فرجام- که با ارتباطی منطقی قابل ترسیم در یک هندسه بیست و هفت گانه علمی بوده است. پس از آن با روش تفسیر موضوعی و استقرائی تأیید این علوم را از آیات قرآن استخراج نموده و در نهایت به انطباق نسبی مدل اجتهادی-عقلانی با آیات الهی نائل شوند. البته لازم به ذکر است که مبنای ترسیم مدل مفهومی و ماتریس اولیه نه گانه بر پایه آیات و تفاسیر قرآنی و پیش‌مطالعه محققین بوده است.

کلیدواژه‌ها: علم، هندسه، قرآن کریم، علم توحیدی، علم مادی.

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع) نویسنده مسئول dr.hr1355@gmail.com

۲. دانشیار فرهنگستان علوم قم a.bayatani@gmail.com

۳. دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) yahoo.com@nazemi^{۳۲}

تأثیر گناه بر نگرش از منظر روایات

صدرالتقی پور^۱، نگار قنبری^۲، فائزه یعقوبی^۳

غالباً این طور پنداشته می‌شود که دین تنها به تأثیر گناه بر سرنوشت انسان نظر دارد، اما در این میان، غالباً یکی از تأثیرات مهم گناه مورد غفلت قرار گرفته است که همانا تأثیر گناه بر نگرش انسان است. این شناخت به نوبه‌ی خود تأثیراتی بر رفتار انسان می‌گذارد و خطاهای اخلاقی انسان را تشید می‌کند. این بحث در معرفت‌شناسی با عنوان «تأثیر عوامل غیرمعرفتی بر رفتار انسان» مطرح می‌شود. در این میان، این پرسش مطرح می‌شود که گناه چه تأثیری بر نگرش می‌تواند داشته باشد؟ این تأثیرگذاری به دو شکل صورت می‌پذیرد. در مورد اول، گاه گناه، مانعی در طریق بددست آوردن نگرش صحیح می‌شود و گاه سبب از دست دادن آن می‌گردد. در مورد دوم، این تأثیر در شکل توهی نگرش صحیح، خود را نشان می‌دهد. از این‌رو، بررسی فرآیند تأثیر گناه بر معرفت، می‌تواند در جهت پیش‌بینی نحوه‌ی کارکرد این مکانیسم و جلوگیری از تأثیر گناه بر نگرش، به ما یاری رساند.

کلیدواژه‌ها: گناه، نگرش، فرآیند، جهل بسیط، جهل مرکب.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دین، پیام نور، تهران، ایران Sadra.taghipour13@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

عوامل تأثیرگذار بر معرفت صحیح از منظر روایات

صدرال تقی پور^۱، فائزه اصغری آمیجی^۲، کوثر رحیمی^۳

هنگامی که از تأثیر گناه سخن می‌گوییم، مراد ما از تأثیر به دو نحو می‌تواند باشد: اثر گناه، حتی اگر فرد در انجام آن عمدی نداشته باشد (اثر وضعی)؛ و اثر گناه آن هنگامی که فرد عامدانه دست به گناه می‌زند. از این دو وضعیت به جهل بسیط و جهل مرکب تعبیر می‌شود. گاهی اوقات گناه توفیق را از انسان سلب می‌کند، توفیقی که می‌تواند انسان را در مسیری قرار دهد که به معرفت صحیح می‌انجامد. گاهی حتی فرد از معرفتی بهره‌مند است، ولی گناه سبب می‌شود تا او این معرفت صحیح را از دست بدهد و بحای آن معرفتی خطا را برگزیند.

اما مهم‌ترین وجه تأثیر گناه در معرفت، به جهل مرکب مربوط می‌شود. در این حالت فرد گناه کار از آن جا که بر اثر گناه خود را دانا می‌پندارد، هیچ‌گاه در پی برطرف کردن جهل خود نخواهد بود. یکی از آثار این نوع جهل، مقاومت در برابر شنیدن سخن حق و یا تلاش خودآگاه یا ناخودآگاه برای مواجه نشدن با معارف حقیقی است. در آیات و روایات با هر دو نوع جهل و عوامل مؤثر بر آن رویدرو می‌شویم. بررسی این دو نوع جهل و عوامل مؤثر بر آن هدف این مقاله خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: گناه، معرفت، جهل مرکب، جهل بسیط.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دین، پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

نقدهستی‌شناسی رئالیسم انتقادی با تکیه بر مبانی نوصردراستان

علی جعفری^۱، حسن عبدی^۲

یکی از آسیب‌های اندیشه دینی در جامعه اسلامی، طرح علوم انسانی مبتنی بر مبانی فلسفی غربی است. راه مقابله با این آسیب نیز فراهم کردن زمینه‌های لازم به منظور ارائه مبانی نظری علوم انسانی بر پایه فلسفه و حکمت اسلامی معاصر است. یکی از این موارد طرح مسائل بنیادین اندیشه اسلامی و مقایسه تطبیقی آن با اندیشه‌های معاصر و تاثیرگذار در جوامع غربی است. بدین منظور پژوهش حاضر ضمن معرفی مبانی هستی‌شناختی رئالیسم انتقادی و حکمت صدرایی، تلاش می‌کند تا به ارزیابی مبانی هستی‌شناختی رئالیسم انتقادی براساس حکمت متعالیه از نگاه نوصردراستان پرداخته و به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که آیا رئالیسم انتقادی می‌تواند با تکیه بر مبانی هستی‌شناختی خویش تبیین صحیحی از واقعیت و هستی داشته باشد؟ از این‌رو، این پژوهش با گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی در نهایت به این نتیجه می‌رسد که رئالیسم انتقادی روی بسکار با طرح نظریه سطوح سه‌گانه واقعیت در کنار نظریه معرفتشناسی‌اش همچنان از تبیین واقعیت بازمانده است. در حالی که ملاصدرا با طرح مبانی هستی‌شناسانه خویش و عینی دانستن حقیقت وجود، و با گذر از حس و عقل و به کارگیری شهود دستیابی به واقعیت و تبیین آن را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: رئالیسم انتقادی، حکمت صدرایی، بسکار، نوصردراستان، هستی‌شناسی.

۱.دانش پژوه سطح ۴ مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم jafariali80@yahoo.com
۲. استاد یار دانشکده فلسفه دانشگاه باقر العلوم قم

نقش علوم انسانی اسلامی در پیشرفت همه جانبی جوامع اسلامی با تکیه بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره)

ریحانه حاجیعلی^۱

نقش محوری مدارس علوم اسلامی و دانشگاه‌ها در تحقق حکومت اسلامی از جمله مسائل کلیدی است که امام خمینی (ره) از اولین سال‌های شروع حرکت نهضت اسلامی تا سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همواره نسبت به آن توجه ویژه داشتند. ایشان معتقد بودند این دو نهاد علمی مرجع نشر حقایق اسلام و مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موردنیاز جامعه است و با علم به اختلاف بنیادین بین اصول فلسفی و انسان شناسی مدرنیته و اسلام، تفکه و اجتهاد در علوم انسانی اسلامی را برای اصلاح مسیر جامعه امری ضروری و مهم می‌دانستند. از این رو در این پژوهش با تکیه بر آثار و سیره امام خمینی (ره) به تبیین و بررسی مسائل زیر پرداخته شده است:

۱. علوم انسانی اسلامی چیست و در اندیشه‌های امام خمینی (ره) چه جایگاهی دارد؟

۲. شاخص‌های پیشرفت جوامع اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) کدام است؟

۳. علوم انسانی اسلامی در چه صورتی می‌تواند به پیشرفت جوامع اسلامی کمک کند؟

از مجموع نظرات امام بر می‌آید اگر جوامع اسلامی می‌خواهند مبتلا به استعمار و استثمار جهانخواران نشوند، طلاب و دانشجویان باید باور کنند که می‌توانند سرنوشت خود را به دست گیرند و مدرسین علوم اسلامی با هرچه پربارتر کردن فقه، تفسیر و سایر علوم اسلامی در تربیت صحیح اسلامی، ملی و انقلابی ملت کوشش کنند. بر این دو رکن اساسی نظام است که با تحریک وحدت بین دانشگاه و مدارس علوم اسلامی بنای استقلال علمی و فرهنگی جامعه از غرب را پی‌ریزی نمایند و بدین ترتیب دانشگاه‌ها را به سمت اسلامی شدن پیش ببرند. چنانچه دانشگاه‌ها اسلامی شود راه سعادت مادی و معنوی و عزت ملت‌ها از آن می‌گزند و در صورت نفوذ غرب در دانشگاه‌ها، جوامع اسلامی به ضعف کشیده شده و استقلال و هویت خود را از دست می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، پیشرفت، امام خمینی (ره).

۱. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه تهران hajialireyhaneh@gmail.com

«الگوی میان رشته‌ای روش‌شناسی «جريان‌شناسی»، مبتنی بر مبانی حکمت اسلامی»

علی ابراهیم پور^۱

یکی از مفاهیم جدید و در عین حال کثیرالاستعمال در فضای فکری و سیاسی پس از انقلاب اسلامی، مفهوم «جريان‌شناسی» است و امروزه این واژه برای اندیشمندان عرصه‌های فکر و فرهنگ و سیاست و دغدغه‌مندان انقلاب اسلامی، غریب نیست. این مفهوم با قیدها و پسوندهای مختلفی همچون «جريان‌شناسی فکری»، «جريان‌شناسی فرهنگی»، «جريان‌شناسی سیاسی» و برخی قیود خاص‌تر رواج یافته است. و محققان و اساتید مختلف هر یک با گرایش‌های فکری و دغدغه‌های فرهنگی و جهت‌گیری‌های سیاسی خاص خود و بر اساس الگوی نظری پذیرفته شده خود، به مقوله‌بندی اندیشه‌ها و طبقه‌بندی کنش‌گران فرهنگی و توضیح پدیده‌های تاریخی و فکری و اجتماعی می‌پردازند.

البته این مباحث سوء تفاهم‌ها، تشتبت آراء و درهم‌ریختگی معرفتی را به دنبال داشته است و مخاطبان را دچار سردرگمی و تحییر کرده است. در ریشه یابی دقیق می‌توان گفت، عامل اساسی این تحریر و سردرگمی نبود یک منطق واحد و روش‌شناسی کارآمد است. از این رو برای رهایی از این تشتبه‌ها و سوءتفاهم‌ها، لازم است منطق و الگوی مشخص و علمی جريان‌شناسی، کشف و منحث شود.

این مقاله در تلاش است تا الگویی اجمالی برای روش‌شناسی جريان‌شناسی ارائه دهد. در این الگو با توجه به تحلیل ابعاد جريان‌شناسی، متناسب با هر بعد از جريان، روش‌شناسی خاص دانش مربوط به آن بعد در الگویی ترتیبی قرار می‌گیرد و از این طریق، روش‌شناسی جريان‌شناسی اسلامی، مبتنی بر مبانی حکمت اسلامی را مطرح سازد که به نظر موجب شکل گیری دانش میان رشته‌ای خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: جريان، جريان‌شناسی، منطق و روش‌شناسی جريان‌شناسی، دانش میان رشته‌ای.

1. montazer.mahdy@gmail.com

جایگاه فاعل و غایت در علوم انسانی اسلامی

محمدحسین بهمن بور خالصی^۱ مریم هاشم پور صادقیان^۲

یکی از مهم‌ترین ارکان تولید علوم انسانی اسلامی و از جمله الزامات آن، وجود فاعل تولید است. جایگاه فاعل محقق و مجری در بیشتر این مطالعات به نقشی ابزاری و تبعی محدود شده است. مقاله حاضر در صدد است تا با توجه به غایت علوم انسانی اسلامی که تحقق سعادت و رساندن انسان به غایت اخیر خود در نشئات مختلف عالم می‌باشد، جایگاه فاعل تولید علم را تبیین نماید. در این راستا ابتدا جایگاه فاعل در تحقق علم نظری و علم عملی و سپس تکامل نیازها در مسیر تولید علم در نسبت با فاعل و نهایتاً تکامل غایات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. دستاوردهای نظری ما نشان می‌دهد که التزام عملی فاعل به گزاره‌های تشریعی بارشده بر او باعث می‌شود به سطح بالاتری از معارف دینی و جهان‌بینی توحیدی برسد که خود مقدمه تعیین سطح عالی‌تری از دستورات عملی خواهد شد. علاوه بر این، در مسیر تولید علم فاعل محقق، غایتی اصلی و نهایی دارد ولی بعد از عبور از هر سطح همان غایت نیز تکامل می‌یابد. نهایتاً علم در هر مرحله از تولید سبب برطرف شدن نیازهایی می‌شود که هر رفع نیازی مقدمه‌ای می‌شود برای دست‌یابی به سطوح بالاتری از نیاز.

کلیدواژه‌ها: فاعل محقق، فاعل مجری، تولید علوم انسانی اسلامی، تکامل غایت، تکامل نیاز.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد و عضو اندیشکده مسائل اقتصادی انقلاب دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، M.bahmanpour.isu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی دانشگاه شیراز، s.mhashempour@rose.shirazu.ac.ir

مهندسی علم کوثر و تکا ثراز منظر آیات قرآن گریم (حرکت از اصول و مبادی علوم اسلامی به سمت مدل و هنجار)

حسین علی رمضانی^۱

وجود عوالم هستی که ذو مراتب بوده و این حقیقت که انسان از عالمی به عالم دیگر در حال انتقال می‌باشد مبنای هستی‌شناسی اسلامی را شکل می‌دهد. عوالم بیرونی و درونی خود دارای ارتباط منطقی در کسب معارف حقه انسان در رابطه مستقیم با مبانی معرفت‌شناسی دارد. ابزار معرفتی به ودیعه گذاشته شده از سوی حضرت حق در نهاد انسان و انطباق این ابزار با عوالم هستی و قدرت شکار حقایق توسط او نشان از وسعت علوم در این نظام هستی دارد. این امر، یعنی درک عوالم هستی و قابل و حامل علوم بودن، مختص موجودی به نام انسان است. کامل‌ترین مبنای معرفتی نظام هستی کلام حضرت حق می‌باشد که قابلیت تبدیل شدن به قاعده و نظریه و در ادامه مدل و مثال و در نهایت احکامی که در رفتار و هنجارشان داده شود داراست. این موضوع یعنی مجاجه با علمایی است که مدعی صرف نرماتیو بودن گزاره‌های دینی هستند. رجوع به این منبع لایند و حیانی باید به عنوان اصل اساسی همه محققان قرار گیرد. در این نوشته از قابلیت مدل و هندسه‌مند شدن آیات را طبق وسع علمی به نمایش گذاشتم.

برای رسیدن به نحوه‌ای از مهندسی علم به عنوان هسته اصلی موضوع تحقیق و رجوع به قرآن از دو رویکرد عقلی اجتهادی و در ادامه تفسیر موضوعی قرآن؛ یعنی ترکیبی از دو فرآیند قیاس و استقراء توأمان بهره گرفته شد. نتایج حاصل بیان گر آن است که قرآن با دو نوع نگاه؛ یعنی علم این دنیایی که برآمده از نگاه دهربیون بوده و در مقابل علومی که از منظر علمای الهی و کسانی که یومنون بالله و یوم الاخر می‌باشند به بیان علوم تکا ثراز و کوثری می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: علم، حکمت، معرفت، کوثر، تکا ثراز، مهندسی علم.

۱. استادیار دانشگاه امام حسین (ع) gmail.com@dr.hr۱۳۵۵

مبانی انسان شناسی علوم انسانی با توجه به انسان قبل از دنیا در دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

مجید صادقی^۱، محمد فرنود^۲

هر ایدئولوژی و علم روبنایی از جمله علوم انسانی بر اساس یک سلسله مبانی و بینش‌های کلی به هم پیوسته درباره‌ی هستی، خدا، انسان، دین، معرفت و ... شکل می‌گیرند که از آن با عنوان «جهان بینی» یاد می‌شود. یکی از این بینش‌های کلی، مبانی مربوط به انسان است. بنابراین مبانی انسان شناسی به عنوان بخشی از جهان بینی آن دسته از اصول و قواعد پایه‌ای است که بنای سایر علوم –علومی که محتاج به شناخت از انسان‌اند– بر آن استوار می‌گردد. هدف از این پژوهش به دست آوردن بخشی از مبانی انسان شناسی در دیدگاه یکی از بهترین اسلام شناسان و فیلسوفان یعنی علامه طباطبایی است. این مبانی با الهام از شرایط انسان در سه موقف اصلی او به «قبل از دنیا» و «بعد از دنیا» تقسیم می‌شود. انسان قبل از هبوط آدم به دنیا را انسان قبل از دنیا می‌نامند. معارف پیرامون انسان قبل از دنیا من جمله داستان خلت آدم، کیفیت خلت، ویژگی‌های انسان مخلوق، عصیان آدم، هبوط آدم و مسائل پیرامونی آن تعدادی از مبانی انسان شناسی را دست یافتنی می‌کند. با توجه به خلت انسان «قبل از دنیا» انسان موجودی ساخته شده از دو بعد ماده و روح است؛ بهترین ساختار ممکن را دارد؛ خلیفه‌ی الهی است؛ در استعدادهای ذاتی با هم نوعان خود مشترک و در استعدادهای غیر ذاتی متفاوت و در مرتبه ذات فقیر و نیازمند رب و دارای اختیار است. در مجموع، این پژوهش به ^۹ مینا از مبانی انسان شناسی علوم انسانی با توجه با انسان قبل از دنیا در دیدگاه علامه طباطبایی دست یافته است.

کلیدواژه‌ها: مبانی علوم انسانی، مبانی انسان شناختی، علوم انسانی اسلامی، انسان شناسی، علامه طباطبایی.

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان، majd@ltr.ui.ac.ir
۲. طلبه سطح ^۳ حوزه علمیه اصفهان و کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی، farnoud.mohammad@chmail.ir

فلسفه و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی بارویکرد نوین، اقتضایی و کاربردی (معماری علم دینی: روش‌شناسی، نظریه سازی و اصول تولید علم)

سید وحید محمدی کچپی^۱، سیده آذر محمدی کچپی، سید منصور محمدی کچپی

در این پژوهش به بیان این موضوع پرداخته شده است که اسلام مبتنی بر دایره حق و تکوین است و شناسایی ابعاد اشتراکی و غیراشتراکی وجود مبتنی بر توحد در هر رشته با تعریف منطق کلی مناسب بازیان هر رشته راه شناخت اصیل روش‌شناسی فلسفی اسلامی می‌پاشد. همچنین به این نکته اشاره شده است که اکثر علوم دارای روش‌های عقلی، توحدی و اسلامی هستند، و کافیست روش تحقیق توحدی مبتنی بر فلسفه اصیل و حقیقی آن را بشناسیم و در علوم (جهل) شبیه عقلی با روش عقلانیت مبتنی بر اسلام در آیات و روایات به صورت بطñی و ظاهری این روش را بینان بگذاریم، و در ادامه به بررسی ذات علم به عنوان ذات یگانه بسیطی که از دو بعد جسمانی (صورت پذیر) و روحانی (بالقوه برای صورت پذیری در این عالم) مبتنی بر یک وجود پرداخته شده است که دایره آن از علوم فیزیکی تا متافیزیکی می‌پاشد. (علوم فیزیکی مرتبه نازله علوم متافیزیکی می‌پاشند، به منزله بدن برای نفس) و سپس به تعریف جدید منطق کلی نوین ثابت و اقتضایی تغییرپذیر به شکل کاربردی و روز به لحظه کمی و کیفی با تعریف متغیرها و فرضیه‌های جدید مبتنی بر ابعاد حقیقی وجود (پایداری، بقا، حیات و قدرت و ...) به صورت بیشتر و مطلق) پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، فلسفه، روش‌شناسی فلسفی، اصول علم، نظریه سازی، نوین، اقتضایی، کاربردی، علوم انسانی اسلامی

کاربرد روش معناشناسی در علوم انسانی قرآن بنیان؛ مطالعه موردي: مفهوم «قسط» در قرآن کرييم

محمد حسين اخوان طبسي^۱، روح الله داورى^۲

يکی از روش‌های مفید، بلکه مورد نياز برای مطالعه اصطلاحات و مفاهيم در حوزه‌های مختلف علوم انسانی-اسلامی، ابزارهای گوناگون در حيطة معناشناسی و زبان‌شناسی می‌باشد. دانش زبان‌شناسی امكان مطالعه كيفيت ساخت واژه و دانش معناشناسی نيز امكان مطالعه چگونگي توليد معنا را فراهم می‌آورند. دانش معناشناسی قادر است از طريق تحليل «مؤلفه‌های معنائي» موجود در يك مفهوم، درك دقيق‌تری از آن مفهوم ارائه دهد. از آنجا كه اين دانش‌ها قادراند هم مفاهيم و واژگان موجود در قرآن کرييم را مطالعه کرده و هم مفاهيم موجود در حوزه‌های مختلف علوم انسانی را بکاوند، می‌توانند بستری برای «نزيديکی زبان قرآن کرييم با زبان علوم انسانی نوين» فراهم آورند؛ و اين خود يکی از الزامات تحقق علوم انسانی قرآن بنیان می‌باشد. «قسط» كه يکی از مفاهيم کليدي در قرآن کرييم، ناظر به انگاره «عدالت» است، می‌تواند در حوزه‌های مختلف علوم انسانی نظير علوم سياسی، اقتصاد، حقوق و مطالعات اجتماعی، مورد توجه قرار گيرد. گرچه عالمان مسلمان - و از جمله لغتشناسان - در مورد اين مفهوم مطالعه کرده و در نهايیت مؤلفه‌های معنائي «عدالت» و «سهم و نصيب» را برای آن برشمرده‌اند، اما از آنجا كه مفهوم «عدالت»، خود داراي تيرگي معنائي بوده و مؤلفه‌های آن روش ن ليست، همچنان جاي يك مطالعه معناشناختی پيرامون اين مفهوم كليدي قرآنی حس می‌شود.

نگارنده در اين مقاله قصد دارد با به کارگيری نظريرات مختلف در حوزه معناشناسی، نظير روابط همنشيني، حوزه‌های معنائي و مؤلفه‌های معنائي و نيز استفاده از روش‌های متنوع زبان‌شناسی تاریخي مانند ريشه‌شناسی، گونه‌شناسی و مطالعات زبان‌های سامي، از واژه قرآنی «قسط»، تحليلي معناشناختی ارائه نماید. در قدم اول مؤلفه‌های معنائي واژه «قسط» بر اساس ريشه‌شناسي اين واژه كشف می‌شوند. در قدم بعد نيز با استخراج حوزه‌های معنائي کاربرد قسط

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول).
۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته تفسیر تطبیقی، دانشگاه قم، عزمي@gmail.com@rdavari

در قرآن کریم، حضور این مؤلفه‌های معنایی در بافت کاربرد آیات سنجیده خواهد شد. نتیجه آنکه «قسط» دارای مؤلفه‌های معنایی «قانون»، «حق و نصیب» و «حق و راستی» می‌باشد و در قرآن کریم، در حوزه‌های احکام حقوقی، احکام قضایی، احکام معاملات اقتصادی و عدالت در کنش‌های اجتماعی به کار رفته است.

کلید واژه‌ها: قسط، عدالت، ریشه‌شناسی، معناشناسی، مؤلفه‌های معنایی، علوم انسانی قرآن بنیان.

نقد و بررسی دسته‌بندی انواع نسبی‌گرایی

علیرضا حدادی^۱

رویکردهای تفہمی و فرهنگی، با طرد اثبات‌گرایی عرصه جدیدی را گشودند که تنوع و تکثر در فهم از پیامدهای روش آن بود. مرور برخی آثار نشانگر آن است که حتی جریان‌های معتقد به تحول علوم انسانی و علم دینی، متهمن به فرو افتادن در دام همین تکثر و نسبی‌گرایی هستند.

خاستگاه این دیدگاه را می‌توان عدم توجه به معانی گوناگون نسبی‌گرایی دانست. در این رویکرد نسبی‌گرایی به عنوان مفهومی عام در نظر گرفته می‌شود که ریشه در شکاکیت سو福سطائیان داشته و مابعد اثبات‌گرایان آن را در ساحت‌های گوناگون بازتولید کرده‌اند. در صورتی که توجه به انواع گوناگون معرفتی و غیرمعرفتی نسبی‌گرایی، حاکی از معانی متفاوت و گاه‌آمیخته این کلمه مشترک لفظی می‌باشد.

آثار گوناگونی تلاش داشتند تا دسته‌بندی جامع و مانعی از انواع نسبی‌گرایی ارائه دهند. نگارندگان سعی کرده‌اند با بررسی و نقد دسته‌بندی‌های موجود، نشان دهند که تاکنون دسته‌بندی جامع و مفیدی ارائه نشده است که امکان فهم و تفکیک صحیح میان انواع نسبی‌گرایی را به‌وضوح بیان کند. این تحقیق می‌تواند درآمدی برای نیل به دسته‌بندی مطلوب در این زمینه گردد.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی، نسبی‌گرایی، نقد، دسته‌بندی.

۱. کارشناسی ارشد علوم اجتماعی دانشگاه تهران alihaddadi@ut.ac.ir

پارادایم تولید مدل‌های دینی (مدل شهرسازی اسلامی)

عبدالله صادقی^۱، سید مصطفی حسنی^۲، علی حجازیان^۳، محمد حسین گلکار^۴

نگاه پارادایمی یا مطرح شدن چنین موضوعی برای مقابله انحصاریت روشی پوزیتیویست‌های منطقی بود که روش دست‌یابی به معرفت را منحصر در روش تجربی می‌پنداشتند. فیلسوفان علم و اندیشمندان بر این باورند که پارادایم بر پایه نگرش فلسفی و اعتقادی، با صبغه منطقی و عقلی که اندیشمند از پیش به آن باور دارند، فرآیند تولید علم را هدایت می‌کند. پارادایم‌های رایج در علوم انسانی عبارت اند از: پارادایم اثبات گرایانه (پوزیتیویستی)، تفسیری (تفهمی)، انتقادی (ساختارگرا). پارادایم پیشنهادی اسلام برای مدل سازی، پارادایم شبکه‌ای است. در این پارادایم دامنه هستی فراتر از واقعیت‌های مادی دانسته می‌شود. یعنی افزون بر امور تجربی مادی، به حقایق عقلی و مجرد نیز باور دارد و درپی کشف آن حقایق نیز خواهد بود. این پارادایم به معادلات وجودی هستی در تمام لایه‌های وجودی به صورت شبکه‌هستی می‌نگرد. در مدل شهرسازی اسلامی هدف از تشکیل شهر، زمینه‌سازی برای حفظ و رشد «شهروندان» است. در شهرسازی قوانین علی - معلولی حاکم است و اگر قوانین علی معلولی دیده نشود ساختار شهری نظاممند نخواهد شد و معیاری برای مطلوبیت و عدم مطلوبیت آن نمی‌توانیم داشته باشیم. در فرآیند شهرسازی اسلامی شهروندان در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی کالبد-فضای شهر، موضوعیت دارند و چون افراد در «شبکه‌هستی» قرار دارند نه مستقل از این شبکه. در محور جامعه‌شناسانه، تاریخ و عرف‌شناسانه پارادایم، پارادایم شبکه‌ای در بحث «اصالت جامعه یا اصالت فرد» در شهرسازی، معتقد به اصالت فرد در ضمن جامعه است. درین نوشتار نوع تحقیق بنیادی و جمع آوری اطلاعات بر بنای کتابخانه‌ای صورت گرفته است. درین مقاله برآئیم تا چارچوب و پارادایم مدل شهرسازی اسلامی روشی گردد.

کلیدواژه‌ها: پارادایم، شهرسازی اسلامی، پارادایم شبکه‌ای، سیستم.

۱. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، abdollah.sadeqi@gmail.com

۲. دانش پژوه حوزه علمیه خراسان، سطح چهار (معادل دانشجوی دکترا) محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، mostafa4hasani@gmail.com

۳. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۴. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

الگوی کلی روش شناسی بنیادین علوم انسانی اجتهادی با تاکید بر چهار چوب معارف توحیدی

ابوالفضل میرزاپور ارمکی^۱

روش شناسی به عنوان ابزار تولید نظریه‌های علمی در رهیافت‌های مختلف می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته باشد. از این منظر چگونگی دستیابی به نظریه‌های اجتهادی در حوزه علوم انسانی از مفاهیم و انگاره‌های کلی و جزئی برگرفته از معارف توحیدی و قرآنی در روش شناسی بنیادی اجتهادی تبیین می‌شود. در واقع روش شناسی اجتهادی در دو ساحت یعنی ساحت شناخت مفاهیم کلی، چهار چوب‌ها و مفروضات پایه‌ای و بنیادی و ساحت اکتشاف و تبیین نظریه‌های علمی، الگو و مسیر مشخصی را رائه می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر علاوه بر تبیین فلسفی روش شناسی علوم انسانی اجتهادی، تبیین روش‌مندانه به منظور بازشناسی نظریه‌های علمی که بر محور مسائل جامعه اسلامی طراحی می‌شود در این مقاله ارائه می‌شود. از این منظر، با ابزار روش شناسی علوم انسانی اجتهادی پیرامون مساله محوری که ممکن است ناظر به وضعیت موجود بوده و یا ناظر به وضعیت مطلوب باشد از نظر چیستی و چگونگی پیدایش تفکر می‌شود و در ادامه بر اساس ابزارهای معرفت شناختی وحی، عقل، نقل، تجربه و حس نظریه‌ها تبیین می‌شود. در ادامه به منظور تطابق بیشتر نظریه‌ها با الگوهای حقیقیه توحیدی از اصول و چهار چوب‌های عمومی و تخصصی بهره گیری می‌شود. از این منظر در برخی از حوزه‌های معرفتی ضمن حفظ جایگاه تنوع و تعارض رویکرد اکتشاف الگوی حقیقیه توحیدی مقدم می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: روش شناسی بنیادین، علوم انسانی اجتهادی، معارف توحیدی، قرآن.

کنپیوچون ټڪنولوچی
ملپریٹ ټھول
علوم انسانی

۱۱ چکیده مقالہ

ترتیبات اجرایی کنگره و سؤالات اساسی

مهردی کاکایی^۱

سؤالات اساسی ای هست که پیش از آغاز هر کار ضرورتاً باید پرسیده شود. پرسیدن این سؤالات در عین اینکه نیمی از حل مسئله است، جهت، روش و گاه حتی ترتیبات اجرایی انجام کار را معین می‌کند. اما چنین سؤالاتی گاه به علت عمومیت بسیار یا به علت وجود پیشفرض‌های مکتوم، فراموش و هزینه‌های ناخواسته‌ای بر انجام دهنده‌گان تحمیل می‌شود. مقاله‌ی حاضر که حاصل پیگیری چندساله‌ای در زمینه کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، علم اسلامی و برپایی تمدن نوین اسلامی است با تکیه بر تجربه‌ی سومین کنگره علوم انسانی اسلامی و با دغدغه نحوه‌ی ورود کنگره‌ی چهارم به فاز نظریه‌پردازی نگاشته شده و درواقع بازخوردی است نسبت به رخدادهای کنگره‌ی مزبور. سؤالات اساسی مورد ادعای مقاله، از رویه‌های مورد مشاهده استخراج شده‌اند و اهمیتشان در آن است که با نقادی رویه‌های موجود می‌کوشند کنگره، مانند بسیاری از رویه‌های دارای حلقه‌ی بازخورد، حرکتی اصطلاحاً «یادگیرنده» باشد که با کسب و انباشت تجربه، قادر به ارتقاء سطح کیفی خود و عبور از نقادی‌هاست.

مقاله‌ی حاضر، قسمت اول از بخش سلبي کلیتی است که در قالب چهار مقاله به کنگره ارائه می‌شود؛ مقالات دیگر عبارت‌اند از: «درباره‌ی نظریه‌پردازی و روش کنگره در این زمینه»، «فلسفه‌ی هنر اسلامی» و «فلسفه‌ی علم اسلامی».

کلیدواژه‌ها: سؤال اساسی، تقدم موضوع بر روش، علم اسلامی، سکولاریسم، نگاه و روش تاریخی-تحلیلی، طبیعت علوم، نظریه‌پردازی.

درباره‌ی نظریه‌پردازی و روش کنگره در این زمینه

مهردی کاکایی^۱

چهارمین کنگره‌ی علوم انسانی اسلامی وارد فاز نظریه‌پردازی شده و برای این کار معیارهایی ارائه و ترتیباتی را جاری کرده است. از آنجاکه نظریه‌پردازی علم اسلامی وقتی صورت می‌گیرد که در این زمینه، نظریه‌ای موجود یا متفق‌علیه نباشد، هم نفس منشأ معیارهای اعلامی و هم سازگاری سازوکار اجرایی با معیارها و با هدف سؤال برانگیز خواهد بود. مقاله‌ی حاضر می‌کوشد با بررسی کفایت معیارها برای سه هدف مهم یعنی تولید علم اسلامی، مشخص کردن نقطه‌ی عزیمت نظریه‌پردازی و نظاممند ساختن خلاصت پژوهشگر مسلمان (در قالب یک روش یا فرمول) به راه حل واحد، عملی و کم‌هزینه‌ای برسد که در حکم تمهید و ریل‌گذاری برای نظریه‌پردازی علوم اسلامی و همچنین مبتنی بر سنت‌های علمی و اندیشه‌ای عالمان مسلمان و پیشینه‌ی تمدنی ایران اسلامی باشد. نیز مقاله تلاش دارد با بررسی معیارهای اعلامی و نسبت آن‌ها با علم اسلامی و سکولاریسم به روش تاریخی- تحلیلی، هم احتمال موقفيت کنگره را در نیل به هدف مشخص کند و هم بازخوردی بر کنگره، روش‌ها و ترتیبات اجرایی آن باشد تا کنگره حرکتی اصطلاحاً «یادگیرنده» باشد.

مقاله‌ی حاضر، قسمت دوم از بخش سلبی کلیتی است که در قالب چهار مقاله به کنگره ارائه می‌شود؛ مقالات دیگر عبارت‌اند از: «ترتیبات اجرایی کنگره و سؤالات اساسی»، «فلسفه‌ی هنر اسلامی» و «فلسفه‌ی علم اسلامی».
کلیدواژه‌ها: معیارهای نظریه‌پردازی، نقطه‌ی عزیمت نظریه‌پردازی، نقطه‌ی عدم کفایت نظریه، سکولاریسم، ساختار علوم، اصالت.

۱. محقق و پژوهشگر حوزه علوم انسانی formal.kke@chmail.ir

علوم انسانی اسلامی انسان بنیاد (بررسی نقش انسان شناسی در تحقیق علوم انسانی اسلامی)

محمدعلی مشایخی پور^۱

مطالعه درباره شناخت و بررسی چیستی، نقش، جایگاه، ماهیت، زوایا و... انسان، سابقه‌ای به قدمت زندگی او دارد؛ شکل‌گیری مکاتب گونه‌گون فکری در ادوار مختلف تاریخ و نیز پیدایش آثار متعدد در این زمینه، خود نشان‌گر اهمیت این موضوع و مؤیدی برای ادعای مطرح شده است؛ هر کدام از این مکاتب به فراخور شناخت حاصله خود از انسان، برنامه و متن و محتوای خود را در راستای آن تنظیم و ارائه می‌دهند تا به زعم خود درمان‌گر دردهای انسان و پاسخگوی نیازهای مختلف او باشند.

علوم انسانی به عنوان بخشی از علوم تولید شده برای پاسخگویی به نیازهای انسانی، بستگی فراوانی به کیفیت شناخت حاصله از انسان دارد؛ به بیان دیگر سامان‌یابی کیفیت، محتوا، جهت‌گیری و... علوم انسانی ارتباط مستقیمی با شناخت حاصله از انسان دارد فلذًا استفاده و بکارگیری علوم انسانی‌ای که بر مبنای شناختی مادی از انسان حاصل آمده برای کسانی که بعد جامع‌تری از انسان را خواهان و به آن معتقد‌ند خطایی مغض خواهد بود که نه تنها عایدی برای آن‌ها نخواهد داشت. بلکه خواسته یا ناخواسته او را در مسیری قرار خواهد داد که بر مبنای رویکرد مادی تنظیم و سامان‌یافته است.

نویسنده در صدد است به بررسی ارتباط بین انسان شناسی و تحقیق‌یابی علوم انسانی اسلام پردازد؛ به بیان دیگر ایده علوم انسانی اسلامی انسان بنیاد، نظریه‌ای است که نویسنده به آن معتقد و با رویکرد درون دینی در صدد اثبات آن است در مرحله بعدی و بعد از اثبات این نظریه، طرح انسان شناسی در دیدگاه اسلامی مطرح خواهد شد و با تحقیقی جامع برای شناخت ابعاد وجودی انسان با رویکردی اسلامی، به بازنوسی و طراحی علوم انسانی اسلامی در حوزه‌های مختلف آن اعم از سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و...)، پرداخته شود و در آن زمان می‌توان علوم انسانی اسلامی شکل گیرد.

۱. مدرس پژوهشگر دانشکده عقیدتی سیاسی شهید محلاتی و دانشآموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث
m.mashayekh68@yahoo.com

به باور نویسنده و همان‌گونه که از آموزه‌های اسلامی نیز متأثر است انتخاب هر روشی برای تدوین علوم انسانی اسلامی بدون ورود در موضوع انسان‌شناسی اسلامی بامولفه‌هایی که دارد، خطای راهبردی خواهد بود که راه به جایی نخواهد برد و ما از مسیر اصلی دور خواهد کرد. آموزه‌های اسلامی منبعی گرانستنگ و بی‌بدیل برای شناخت ابعاد وجودی انسان هستند تا با مراجعته به آن‌ها ضمن شناختی جامع از انسان، آنچه از علوم مرتبط با انسان مورد نیاز است برمنایی اسلامی ومتاسب با جامعه‌ای قرآنی والهی تنظیم و ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی، معرفت نفس، انسان، اسلام، علوم انسانی اسلامی

بازسازی نظریه‌ی اصالت جامعه و بررسی آثار آن بر تحول علوم انسانی

علی اصغر خندان^۱

علامه‌ی طباطبایی در تفسیر برخی آیات قرآن کریم درباره‌ی هوت، اوصاف و سرنوشت جوامع انسانی، برای نخستین بار نظریه‌ی اصالت جامعه را مطرح کرد. استاد مرتضی مطهری این نظریه را مقبول یافت و در آثار متعدد خود، ضمن تأیید آن، به اقامه‌ی استدلال برای آن پرداخت. اما آیه الله مصباح یزدی هیچ‌یک از ادله‌ی اقامه شده برای اثبات اصالت اجتماع به عنوان اثبات واقعیت عینی جامعه را کافی نمی‌داند. عده‌ای سخن آیه الله مصباح را نقد کرده و آن را ناشی از عدم تفکیک میان واقعیت عینی و معقول ثانی فلسفی دانسته‌اند. این ابهام و نزاع ادامه دارد و همچنان شاهد وضع‌گیری‌های موافق و مخالف محققان در این زمینه هستیم.

با عنایت به اهمیت فراوان نظریه‌ی اصالت اجتماع به عنوان یکی از مبانی نظری تحول علوم انسانی، در این مقاله ضمن بازخوانی صورت مسأله و گزارشی از آراء موجود در این عرصه، نشان خواهیم داد که برای بازسازی نظریه‌ی اصالت جامعه، کافی است از منظر تفکر سیستمی به موضوع نگاه کنیم تا به تقریری از نظریه‌ی اصالت جامعه برسیم که هم با نظریه‌ی علامه و استاد مطهری سازگار باشد و هم از نقدهای جاری بر این نظریه مصون بماند. در پایان این مقاله، ابعادی از تأثیر نظریه‌ی اصالت جامعه بر تحول علوم انسانی بررسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: اصالت جامعه، تحول علوم انسانی

لزوم توجه به ساختار علم ضرورتی اجتناب ناپذیر در تحول علوم انسانی

زینب ایزدیان^۱

تحول در علوم انسانی نیازمند بازنگری دقیق و ضعیت موجود و برنامه‌ریزی جامع، مبتنی بر نگاه سیستمی و نظام‌گرای است. بدیهی است هرگونه سه‌ملانگاری یا حرکت شتابزده در فرآیند مدیریت تحول علوم انسانی ما را از هدف اصلی که دستیابی به علوم انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی و توحیدی است دور می‌نماید. نکته‌ای که باید مد نظر قرار گیرد اینست که تحول در علوم انسانی چه از نوع تدریجی باشد و چه از نوع گسسته، نمی‌تواند فرمایشی و دستوری صورت بگیرد و باید در یک مسیر طبیعی اتفاق بیافتد؛ نه آنچنان به حال خود رها شود که هیچ همگرایی و همافزایی بین آموزش و پژوهش‌ها به وجود نماید به طوری که انباست دانشی صورت نگیرد و نیروی تربیت نشود و نه آنچنان دستوری باشد که پژوهشگران و فعالان عرصه علوم انسانی در رشته‌ها و سطوح مختلف احساس کنند فرصتی برای بروز خلاقیت و نوآوری آن‌ها وجود ندارد. در فرآیند مدیریت تحول علوم انسانی و به کارگیری راهبردهای مناسب الزامات متعددی وجود دارد. در این بین یکی از الزامات مهم، توجه به ساختار علم در دو بعد خرد و کلان است. به گونه‌ای که راهبردهای مدیریتی، متناسب و هماهنگ با ساختار طبیعی علم انتخاب گردد. اینکه در هر حوزه علمی به صورت خاص چه مراحلی باید طی شود تا زیش علمی صورت گیرد و نظریات جدید تولید شود و از طرف دیگر اینکه ارتباط جمیع علوم در ذیل یک نقشه جامع چگونه باشد تا ضمن تضمین سعادت انسان به نیازهای اجتماعی او نیز پاسخ داده شود و زمینه حرکت به سمت شکل گیری تمدن اسلامی هموار گردد، موضوع این مقاله است. در این پژوهش نویسنده سعی دارد ضمن بررسی فرآیند زیش علمی در سطح خرد و کلان، ضرورت توجه به ساختار علم در فرآیند تحول علوم انسانی را تبیین نماید.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، مدیریت، ساختار علم، تولید علمی، تحول گسسته، تحول تدریجی.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی، izadian@ut.ac.ir

وحي و نقش معرفت‌شناختي آن در تحول علوم انساني

سيد امير سخاوتيان^۱، محمدحسين عابدين^۲، محمد باقر عباسى^۳

علوم انساني مبتنی بر مجموعه‌اي از مبانی است. اين مبانی شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نظام ارزشی می‌گردد. يكى از مهترین مبانی، معرفت‌شناسی است. زيرا بدون تدوين مؤلفه‌های معرفت و سنجش آن، سایر شناخت‌ها در هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و نظام ارزشی مورد تردید است. يكى از مبادى معرفتی انسان وحى است. نقش آن در تحول علوم انساني از چند جهت قابل بررسى است. جهت اول آن، بررسى اولاً و بالذات وحى و جهت دیگر آن نقش وحى در نظام معرفتی علوم انساني مخصوصاً علوم انساني اسلامي است. در نهايت بررسى نقش وحى در تحول علوم انساني از مبانی و ساختار غربي به مبانی و ساختار الهى است. از آنجايي كه وحى يكى از مبادى معرفتی در تحول علوم انساني است، بررسى سه مسئله بيان شده مخصوصاً مسئله سوم ضرورت می‌يابد. پژوهش حاضر دادها را به روش کتابخانه‌اي جمع آوري و به روش توصيفي-تحليلي بررسى می‌نماید. چشم انداز اين نوشتار، بررسى نسبت وحى با سایر مبانی معرفتی همچون حس، عقل و نقل است كه در پژوهش‌های آينده به آن پرداخته خواهد شد.

كليدواژه‌ها: وحى، علوم انساني، تحول، مبانى، معرفت‌شناختي.

۱. (نويسنده مسئول)، سطح ۴ حوزه علميه قم و دانشجوی دکتری فلسفه‌ی فیزيک دانشگاه باقرالعلوم (عليه السلام)- Sekhava-tian@yahoo.com
۲. سطح ۴ و پژوهشگر حوزه علميه قم
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (عليه السلام) Rara6262@yahoo.com

تحول در علوم انسانی و جریان شناسی آن در جغرافیای علمی ایران

سید امیر سخاوتیان^۱، محمدحسین عابدین^۲، محمدباقر عباسی^۳، مرتضی غربان^۴

تولد تمدن اسلامی مبنی بر تحول در علوم انسانی اسلامی است. از یک سو تحول در علوم انسانی متوقف بر شناخت جریان‌های موجود در آن و مدیریت آنان است او از سوی دیگر آنچه در جامعه علمی کشور ایران مشاهده می‌گردد غالباً علوم انسانی مبنی بر مبانی تمدن غرب است که نیاز به بررسی چگونگی مدیریت آن دارد. از این‌رو برخی از اندیشمندان مسلمان با هدف احیای تمدن اسلامی به تدوین یا تحول در علوم انسانی و نیل آن از مبانی پوزیتیویستی به مبانی اسلامی می‌اندیشند. همه این جریان‌ها در بردارنده‌ی مجموعه از مبانی برگرفته از اندیشمندان بزرگ اسلامی هستند. لکن برخی از آن‌ها به بیان تحول در مبانی، برخی به ارائه راهکار در سطح راهبردی، برخی نیز به ارائه الگو و برخی نیز به روش می‌پردازند. لذا همه آن‌ها در یک سطح به مسئله تحول در علوم انسانی نمی‌پردازند. تحول در علوم انسانی در صورتی امکان پذیر است که همه این جریان‌ها با توجه به مبانی فکری و لایه مورد پژوهش آنان مورد بررسی قرار گیرد. در سایه‌ی این پژوهش‌ها نقد و خلاف آنان مشابه آنان ضرورت می‌باشد. پژوهش حاضر داده‌ها را به روش کتابخانه‌ای جمع آوری و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید. چشم انداز آن نیز بررسی نقاط مشترک آنان با هدف همپوشانی در فرایند تحول علوم انسانی است که در پژوهش‌های آینده به آنان پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، جریان‌ها، تحول، جغرافیای علمی، ایران.

۱. (نویسنده مسئول)، سطح ۴ حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فلسفه‌ی فیزیک دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) - Sekhava.tian@yahoo.com

۲. سطح ۴ و پژوهشگر حوزه علمیه قم

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) Rara6262@yahoo.com mortezagharasban@yahoo.com

بستر سازی برای علوم انسانی بومی- اسلامی یا اسلامی کردن علوم؟

ناصر خدایاری^۱

هدف اصلی این نوشتار، ارائه راهکار مورد نظر در مسیر بومی- اسلامی شدن علوم انسانی در کشور به جای اسلامی کردن آن می باشد. نخستین گام در تولید علوم انسانی بومی- اسلامی چیست؟ سؤال اصلی پژوهش می باشد. گرچه برخی، رسیدن به این مقصود را در گرو اعمال راهکارهایی همچون بازنگری در منابع موجود، تدوین منابع آموزشی جدید، اصلاح نظام آموزشی، جذب هیئت علمی متعدد و... بیان نموده اند، اما به نظر می آید علوم مذکور به عنوان یک ایده آل، برای تحقق خود نیازمند ایجاد بسترها بای است. شکوفایی های علمی بومی در عمدۀ تمدن ها، محصول شرایط فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مناسب خود بوده است. بدون در نظر گرفتن اکولوژی علوم، نمی توان انتظار ظهور علوم انسانی بومی- اسلامی را داشت. به نظر می رسد در عصر جمهوری اسلامی نیز ابتدا باید بسترها و شرایط لازم را برای چنین رشدی فراهم نمود. با توجه به اینکه برای بحث بومی سازی نباید از چارچوب نظری غیر بومی استفاده بکنیم، علیهذا چارچوب نظری تحقیق را اصل اصولی و استنگی ذی المقدمه (علم بومی) به مقدمه (بستر سازی) قرار داده ایم. روش پژوهش حاضر، توصیفی- تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای است. ابتدا به روند بومی- اسلامی سازی علوم انسانی در مدت نزدیک به چهار دهه پرداخته شده و سپس به میزان در راه و در بی راه بودن اشاره شده است. فضول تحقیق بسترها محتوایی و شکلی علوم انسانی بومی- اسلامی است. یافته های پژوهش؛ در همه مقالات و آثار مکتوب به اهمیت بسترها و زیرساخت های علوم انسانی مزبور ولو به صورت خمنی اشاره شده است. نتایج؛ اگر تحقق بسترها مذکور مقدمه ظهور علوم یاد شده می باشد. امروزه با فقدان بسترها بی شکلی و محتوایی متناسب با علوم انسانی بومی اسلامی ایده آل مواجه هستیم. به نظر می رسد تنها راهکار نیل به ایده آل مذکور، تمهید مقدمات و در انتظار نتیجه نشستن است، نه تمرکز به ذی المقدمه بدون تمهید مقدمه یا مقدمات مربوطه.

کلیدواژه ها: بستر سازی، علوم انسانی، بومی کردن علم، اسلامی کردن علم.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، استادیار، nasser.khodayar@gmail.com

سیاست‌پژوهی؛ گره مغفول ناکارآمدی علوم انسانی ایرانی

مسعود درودی^۱

مهمترین و اولین سؤالی که در برخورد با وضعیت علوم انسانی در ایران به ذهن می‌رسد این است که چرا علوم انسانی ناکارآمد است؟ پاسخ به این سؤال ناظر بر کارکرد علوم انسانی و بهویژه علوم اجتماعی در جامعه علمی و آکادمیک ایرانی است. از منظرهای مختلفی می‌توان به این سؤال پاسخ داد. کما اینکه این پاسخ‌ها طی سالیان اخیر در قالب مقالات و پژوهش‌های متعددی ارائه شده است. در این مقاله – که می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های بعدی مفصل‌تری باشد – از چشم‌اندازی متفاوت که عبارت است از «چشم‌انداز سیاست‌گذارانه» به این امر پرداخته شده است. با کاربرست چنین چشم‌اندازی اگر به وضعیت علوم انسانی در ایران نگاهی اندازیم، خلاً بزرگی را که باعث رکود و فاصله گرفتن این علوم از واقعیت‌ها و اقتضایات بومی کشور شده است نمایان می‌شود؛ خلاً «سیاست‌پژوهی» در ادبیات علوم انسانی و علوم اجتماعی ما باعث شده است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها و آموزه‌های علوم انسانی در سطح نظری باقی‌مانده که مانع از اتخاذ رویکردی معطوف به حل مسائل و مشکلات و چالش‌های جامعه‌ی ایرانی شده است. سیاست‌پژوهی به طور مشخص راهبردی بهمنظور علمی کردن سیاست‌ها (منظور برنامه‌های اجرایی در چهت برطرف نمودن یک چالش و مشکل عمومی توسط دولت) است. سیاست‌پژوهی فرآیند انجام پژوهش در خصوص مسئله‌ی اجتماعی مهم با تحلیل آن مسئله به منظور ارائه توصیه‌های عملی، توصیه‌های معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل مسئله است. در قالب سیاست‌پژوهی، سعی می‌گردد تا سیاست‌ها و برنامه‌های عمومی یک دولت و مؤسسات تابعه‌ی آن قبل از اجرایی شدن به محک مراحل یک فرایند سیاست‌پژوهانه گذارد شود؛ در این فرایند مسائل اجتماعی شناسایی می‌شود، اطلاعات حساس جمع‌آوری می‌شود، مفاهیم و فرضیه‌ها ایجاد می‌شود و مهم‌تر از همه برای پژوهش نزد سیاست‌گذاران ایجاد اعتبار می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین علل (اگرچه که می‌توان مهم‌ترین علت هم آن را محسوب نمود) ناکارآمدی علوم انسانی و اجتماعی، فقدان رویکرد سیاست‌پژوهی

۱. (کاندیدای دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران) masouddarroudi@ut.ac.ir
masouddarroudi@gmail.com

در آن هاست. اگر علوم انسانی و اجتماعی رویکرد معطوف به حل مسئله را در خود تقویت می نمود و با نزدیک شدن به واقعیت های موجود و عینی جامعه ایرانی پیوند می خورد، می توانست خود را به وضعیت مطلوب تری به جهت کارکردی ارتقا دهد و موجب تقویت فرایند پیشرفت اسلامی - ایرانی گردد. علوم انسانی منفعل و ساكت در گرداد مشکلات و چالش های روزافزون زیست محیطی، بهداشت، آب، اجتماعی و فرهنگی و... نمی تواند هیچ گاه پاسخگو و کارآمد شود. در پژوهش حاضر سعی می شود از منظری بدیع به این مضل نگریسته شود و علل آن بررسی و راهکارهای برونو رفت از سکوت و ناکارآمدی علوم انسانی و اجتماعی ارائه گردد.

کلیدواژه ها: علوم انسانی، سیاست پژوهی.

نقطه عزیمت، نقشه راه و روند نمای دستیابی به الگوی راهبردی تحول علوم انسانی

عبدالعلی رضایی^۱

فقدان محصولات کارآمد در حوزه علوم انسانی و بروز نابسامانی‌های اجتماعی (در ابعاد سیاسی و فرهنگی و اقتصادی) در جامعه، ریشه در عدم تجانس و مبنا و بنای علوم انسانی موجود با آرمان‌ها و ساختار انقلابی دارد که تغییر اساسی در فرهنگ حاکم بر ایران اسلامی را از اوان پیدایش خود، در دستور کار داشته است. این شکاف اساسی، ضرورت تحول در علوم انسانی را که مبنای انقلاب فرهنگی در هر جامعه‌ای است تمام می‌کند. درواقع این شکاف، از تناقض در مبانی و محتوا و نیز عدم تجانس در برنامه و سازمان مدیریت علوم انسانی حکایت حاکم بر علوم انسانی اجتماعی ر «محتوا، برنامه و سازمان» تحول ر در ابعاد سه‌گانه «نقشه راه «می‌کند و بهنچار، از ضرورت تدوین حاکم بر نقشه است تا در پرتو آن «الگوی مفهومی «سخن می‌گوید. نکته مهم آنکه لازمه تدوین نقشه راه با ابعاد فوق، طراحی تمامی مؤلفه‌ها و موضوعات مؤثر بر فرآیند پیچیده تحول در بنیان‌ها و ساختار انسانی و منابع نرم و سخت مربوط به این علوم را شناخت منسجم کرد و با وزن مشخص، نظام اولویت‌های تحول را در دوران گذار، تدوین نمود. این‌همه، کارکردهای الگوی مفهومی است که زمینه لازم را برای نقشه‌نگاری و سپس تحول عینی در ابعاد پیچیده علوم انسانی فراهم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: الگوی مفهومی، نقشه راه، تحول، علوم انسانی اجتماعی، محتوای دانش، برنامه دانش، سازمان دانش.

۱. عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم معاون مرکز پژوهشی روش علوم و تحقیقات اسلامی منیر@gmail.com, seeamini@yahoo.com

الزامات و راهکارهای عملی در فرآیند تحول و عملیاتی کردن علوم انسانی اسلامی

محمدحسین گلکار^۱

اگر تمدن شبکه پایدار ساختارها و سیستم‌های معرفتی، قانونی و فرهنگی، در مقیاس جمعی است که به دنبال پاسخ‌گویی به هرم نیازهای تک‌نک انسان‌ها است و سطح خودآگاهی را به طور مستمر ارتقاء می‌دهد و اگر دین برای تحقق اهداف خود و حرکت بر اساس هویت خود، ضرورتاً باید برنامه زندگی انسان در شبکه هستی را ارائه کرده باشد پس برای توسعه و پیشرفت در آینده مبتنی بر مدل نیازها، نیاز به کشف مدل‌های علوم انسانی اسلامی بر طرف کننده نیازهای انسان از آیات و روایات داریم. از آنجایی که طبق مبنای دین‌شناسانه، دین حداکثری است و قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها و وصول به رشد و تعالی مادی و معنوی آن‌هاست برای تولید الگوها و مدل‌های زندگی فردی و جمعی بهترین الگویی که می‌توان استفاده کرد خود قرآن می‌باشد و قرآن کریم برای ارائه روش چگونگی عملیاتی نمودن علوم انسانی و ارائه الزامات عملی بهره‌برداری از مدل‌های دینی علوم انسانی با شیوه‌الگوسازی بسیار غنی است. برای عملیاتی نمودن این مدل‌ها با اقتباس از نظر قرآن بعد از تبیین شاخصه‌های الگوی مطلوب در قالب الگوهای مفهومی و الگوهای عینی گذشته و حال و آینده و الگوهای مثبت و منفی، راهکار عملیاتی نمودن این الگوها در سه محور کوتاه‌مدت و میان‌مدت و بلندمدت ارائه گردیده است که می‌تواند زمینه عملیاتی شدن مدل‌های علوم انسانی و درنتیجه تمدن مطلوب دینی را فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: انسان، نیاز، الگوهای توصیفی، الگوهای عینی، پیشرفت، تمدن.

۱. محصل درس خارج حوزه و مدرس سطح یک و دو حوزه و استاد و محقق و عضو هیئت‌علمی و مدیر کارگروه شهرسازی اسلامی
موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، mhgolkar@yahoo.com

کنپیوچر نئچه
روان‌شناسی
اسلامی

۷۳ چکیده مقاله

تحول نیاز انسان به آزادی و اختیار از نگاه قرآن و نظریه‌های مطرح در روانشناسی

جعفر علی‌گلی فیروز جائی^۱

آزادی و اختیار نیازی جهان‌شمول است و گستره‌ی زندگی انسان را دربرمی‌گردد، ضربه به این نیاز طرح‌واره‌های ناسازگار ایجاد می‌کند و تأمین این نیاز، احساس استقلال، خودباوری و شایستگی را فزایش می‌دهد. پژوهش پیش‌رو به شیوه توصیفی تحلیلی، نیاز انسان به آزادی و اختیار را از نگاه اسلام، با بررسی قرآن و منابع روایی و از نگاه روانشناسی مورد بررسی قرار داده است. قرآن کریم حق آزادی انسان را محترم می‌شمارد و انسان را به آزادگی مشروع سوق می‌دهد. از نگاه تحولی به زمینه‌سازی برای آزادی در سنین کودکی تأکید شده است همچنین در این سنین آزادی بیشتر جنبه‌ی مادی دارد اما با رسیدن به سنین رشد عقلی و بدنی، از بین محدودیت‌هایی که برای انسان وجود دارد این تحقیق به آزادی انسان از نیازهای درونی پرداخته است. نیاز به امنیت جانی و مالی، پذیرش و محبت و همچنین احترام و شایستگی مؤثرترین نیازها و حقوق انسان هستند که تأثیر پایداری بر افکار و هیجانات انسان دارند و برای تأمین آن‌ها در قرآن راهبردهای متعددی ارائه شده است. درنتیجه رسیدن به آزادگی کامل از نگاه قرآن از کودکی و با تأمین نیازهای اولیه شروع می‌شود و در سنین رشد عقلی با فراوری از نیازهای مادی به دریافت حمایت و امنیت الهی انسان به آزادگی نزدیکتر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آزادی، اختیار، تحول، نیاز بنیادی.

1. Firouzjahi@gmail.com

بررسی فقهی روش تربیت جنسی اجازه‌خواهی فرزندان هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء (استیذان)

احمد امامی راد^۱

از روش‌های خاص تربیت جنسی فرزندان، روش «استیذان» می‌باشد و مراد از آن، اذن‌خواهی فرزندان و کودکان و دیگر افراد مرتبط، هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاست. بر طبق این روش تربیتی، کودکان و فرزندان هنگام ورود به اتاق خواب اولیاء، اجازه گرفته و بدون اجازه آن‌ها وارد نمی‌شوند. این روش از روش‌های پیشگیرانه از برخی ناbehنجاری‌های جنسی متربی بهشمار می‌آید که در قرآن کریم و برخی روایات مورد توجه ویژه قرار گرفته و استحباب اذن‌خواهی فرزندان غیربالغ هنگام ورود به اتاق خلوت اولیاء قدر متین‌قفن مفاد ادله است. نه سؤال فرعی مورد توجه قرار می‌گیرد. تکلیف کودکان غیربالغ در این زمینه، وظیفه اولیاء، دایرہ شمول مکلفان و اولاد، دخالت یا عدم دخالت جنسیت فرزندان از جمله این فروعات است. چنانچه موضوعیت با عدم موضوعیت سه وقت ذکر شده در آیه شریفه و محدود بودن یا نبودن اوقات خلوت اولیاء نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اوقات خلوت، تحفظ، عورت.

1. ahmademamimoshaver@chmail.ir

عوامل شناختی رضایت جنسی همسران

احمد امامی راد^۱

عوامل متعددی در رضایت از زندگی زناشویی نقش دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل، روابط جنسی سالم و خوشایند است. در این میان، عوامل شناختی از عوامل مهم در این رضایت بهشمار می‌آیند. شناخت تفاوت‌های جنسی مردان و زنان، شناخت هویت جنسی خود و همسر از مسائل لازم در زمینه رضایت‌مندی زناشویی است. تفاوت در بلوغ جنسی و نیاز جنسی از موارد لازمی است که در شناخت تفاوت‌ها از سوی مرد و زن مؤثر است. از سوی دیگر، آگاهی زوجین از حقوق متقابل جنسی و اصلاح باورهای نادرست در این زمینه از ضرورت‌های شناختی همسران می‌باشد. آگاهی‌های زوجین هم در حقوق مشترک و هم در حقوق اختصاصی هر یک از زن و مرد می‌باشد. همچنین آموزش‌های جنسی و کسب مشاوره جنسی در رضایت‌مندی همسران نقش بسزایی خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: هویت جنسی، حقوق جنسی، آموزش جنسی، مشاوره جنسی، باورهای نادرست جنسی.

1. ahmademamimoshaver@chmail.ir

ساخت و هنجاریابی آزمون معنای زندگی بر اساس منابع اسلامی

زهرا حیدری^۱

این پژوهش به منظور سنجش میزان معنای زندگی در افراد بر اساس منابع اسلامی انجام گرفته است. در بخش نظری مقاله از روش توصیفی استفاده شد. برای این منظور از ۲۰۰۰ آیه و روایات بررسی شده ۱۴۲ مورد انتخاب شد که ۳۵ شاخص از آن‌ها استخراج شد که به دلیل استحکام‌بخشی، با نظرات افراد متخصص بررسی شد و با میانگین گرفتن از نظرات آن‌ها بهمنظور تعیین نقطه اشتراک نظرات آن‌ها این تعداد به ۲۱ مورد تنزل پیدا کرد و با بررسی بیشتر و حذف دو مورد که همپوشانی داشت تعداد شاخص‌ها به ۱۹ مورد رسید. که درنهایت با انجام تحلیل عاملی بر کل نمونه این رقم به سه مورد تقلیل یافت و تحت سه عنوان کلی معناداری ارزشی و معناداری معرفتی وی معنایی زندگی قرار گرفت. در بخش عملی از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شد که برای این منظور، سوالات آزمون طراحی شد که پایابی آن با سه روش پایابی مبتنی بر همسانی درونی و پایابی مبتنی بر تنسیف و پایابی بازآمایی بررسی و تأیید شد و روایی آن نیز با سه روش از روایی ملاکی (همگرا - واگرا - نظرخواهی از افراد خبره) و همچنین اجرای تحلیل عاملی بر کل نمونه بررسی و تأیید شد و هنجاریابی آن با اجرای سوالات آزمون بر نمونه چهارصد نفری انجام گرفت. بهاین ترتیب آزمونی با پایابی و روایی و هنجار استاندارد بهمنظور سنجش میزان معنای زندگی در افراد بر اساس منابع اسلامی ساخته شد که می‌توان از آن در زمینه‌های تحقیق و مشاوره و درمان استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، آزمون و هنجاریابی - معنای زندگی و هنجاریابی - هنجاریابی و منابع اسلامی.

ارتباط ابعاد جو عاطفی خانواده و خودتنظیمی وراهبردهای آن در فرزندان

پروانه دودمان^۱ عباس قاتاش^۲ هاجر صفری^۳

هدف پژوهش حاضر بررسی میزان پیش‌بینی ابعاد خودتنظیمی فرزندان (راهبردهای فراشناختی، شناختی و انگیزش) توسط ابعاد جو عاطفی خانواده (محبت، نوازش، تأیید، هدیه، تجربه‌های مشترک، احساس امنیت، اعتماد، تشویق) می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۱۲۰ نفر از دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شیراز می‌باشد. برای سنجش خودتنظیمی از مقیاس خودتنظیمی بو فارد و همکاران (۱۹۹۵) و برای سنجش جو عاطفی خانواده از مقیاس هیل برن (۱۹۶۴) استفاده شده است.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان نشان داد که جو عاطفی خانواده قادر به پیش‌بینی خودتنظیمی، شناخت و فراشناخت می‌باشد. همچنین نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که از بین ۸ خرده مقیاس جو عاطفی خانواده محبت کردن، نوازش کردن، هدیه دادن، تأیید نظرات فرزند توسط والدین، تجربه‌های مشترک بین والدین و فرزندان و احساس امنیت در خانواده قادر به پیش‌بینی خودتنظیمی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: جو عاطفی، خودتنظیمی.

۱. عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور fdoodman@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت

۳. عضو هیئت‌علمی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور fdoodman@gmail.com

ساخت و اعتباریابی مقیاس هوش معنوی دانشجوی مسلمان

محمد فرهوش^۱، احمد عرفانی^۲، عبدالوحید داودی^۳، سکینه قربانی^۴

هوش معنوی، به کارگیری منابع معنوی در جهت سازگاری و افزایش عملکرد است و موجب افزایش بهزیستی روانی می‌شود. هدف این پژوهش ساخت مقیاس هوش معنوی برای دانشجویان مسلمان و اعتباریابی آن بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های تهران، قم و مازندران بود. در این راستا ۲۲۶ نفر از دانشجویان به روش خوشه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های هوش معنوی محقق ساخته، سلامت معنوی (بولوتزین و الیسون، ۱۹۸۲)، دلیستگی به خدا (روات و کرپاتریک، ۲۰۰۲)، بهزیستی روانی (ریف، ۱۹۸۹)، تاب‌آوری (کونور و دیویدسون، ۲۰۰۳)، خودکارآمدی (شرر، ۱۹۸۲)، هدفمندی (ماهولیک و کرامباف، ۱۹۶۹) را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب دشواری، ضریب تشخیص، الگای کرونباخ، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و همبستگی چهت روابی ملاک استفاده شد. همچنین از نرم‌افزارهای spss^{۲۴} و lisrel^{۸.۸} استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مقیاس هوش معنوی دارای ۱۵ گویه و ۳ مؤلفه (احساس نزدیکی به خدا، تاب‌آوری معنوی و هدفمندی معنوی) بوده و از روابی و پایایی مناسبی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، مقیاس هوش معنوی دانشجوی مسلمان، اعتباریابی، ساختار عاملی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مشاوره و راهنمایی، دانشگاه اخلاق و تربیت قم، نویسنده‌ی مسئول مقاله Farhoush.mojahammad@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه اخلاق و تربیت قم
۳. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه لرستان
۴. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه کاشان

نقش عوامل شخصیتی و جنسیت در رابطه‌ی بین جهت‌گیری دینی و رضایت از زندگی در دو گروه طلاب و دانشجویان شهر قم

امین رحمتی^۱

رضایت از زندگی تأثیر بسزایی در افزایش بهزیستی روانی و پیشگیری از آسیب‌های روانی دارد. هدف این پژوهش بررسی نقش عوامل شخصیتی و جنسیت در رابطه‌ی بین جهت‌گیری دینی و رضایت از زندگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانشجویان و طلاب ساکن شهر قم بود. بدین منظور ۷۹۴ نفر از دانشجویان و طلاب به‌طور تصادفی ساده انتخاب شدند و پرسشنامه‌های رضایت از زندگی (دینر، ۱۹۸۵)، جهت‌گیری دینی (هیل، ۱۹۹۹) و شخصیت (گلدبرگ، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها از روش همبستگی مرتبه صفر و همبستگی مرتبه یک (تفکیکی) و Z فیشر و تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که جنسیت و عوامل شخصیتی رابطه جهت‌گیری درونی و رضایت از زندگی را تعدیل می‌کند. در طلاب رضایت از زندگی با جهت‌گیری دینی کل و زیرمقیاس‌های جهت‌گیری دینی بیرونی اجتماعی و فردی رابطه مثبت و معنادار دارد، درحالی که در دانشجویان و همچنین طلاب دانشجو، تنها جهت‌گیری دینی بیرونی اجتماعی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معنادار دارد.

کلیدواژه‌ها: رضایت از زندگی، جهت‌گیری مذهبی، اثر تعدیلی عوامل شخصیت، دانشجویان و طلاب.

نقش واسطه‌گری امید در رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری در متاھلین شهر قم

احمد عرفانی^۱، محمد فرهوش^۲، امین رحمتی^۳

خودمهارگری یکی از ویژگی‌های عالی انسانی است که فرد را در مواجهه با محرك‌های بیرونی و درونی فعال و منشأ اثر ساخته و حس رضایت، آسودگی و سلامت روان را برای اوی به ارمنان می‌آورد. پژوهش حاضر با هدف بررسی واسطه‌گری امید در رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری انجام شده است. بدین منظور ۳۸۴ آزمودنی (۱۹۹ مرد و ۱۸۵ زن) از طلاب و غیرطلاب متاھل ساکن در شهر قم با روش نمونه‌گیری خوش‌های چندمرحله‌ای انتخاب شده و پرسش‌نامه‌های دلبستگی به خدا (کرک پاتریک، ۲۰۰۲)، امید (اسنایدر، ۱۹۹۵) و خودمهارگری (تانجنی، ۲۰۰۴) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اس‌پی‌اس و روش آماری همبستگی و تحلیل مسیر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا با امید (۰/۱۹) و خودمهارگری (۰/۳۱) و امید نیز با خودمهارگری (۰/۱۴) رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین مشخص گردید که امید، رابطه دلبستگی به خدا با خودمهارگری را به طور جزئی واسطه‌گری می‌نماید. از نتایج این تحقیق می‌توان جهت طراحی بسته‌های آموزشی و مداخله‌ای برای ارتقاء خودمهارگری افراد، با توجه به دو متغیر دلبستگی به خدا و امید استفاده نمود.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی به خدا، امید، امیدواری، خودمهارگری، خودکنترلی.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت قم ahmaderfani@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت قم

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت قم

پیش‌بینی شادکامی بر اساس سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری دینی در دانشجویان و طلاب شهر قم

امین رحمتی^۱، محمد فرهوش^۲، احمد عرفانی^۳، محمد سعید نصر اصفهانی^۴

شادکامی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های بهزیستی روانی است. شادکامی احساس مثبتی است که آسیب‌پذیری در برابر ناکامی‌ها را کاهش می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شادکامی بر اساس سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری مذهبی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان و طلاب شهر قم بودند که ۶۴۰ نفر (۳۲۲ مرد و ۳۲۰ زن) برای گروه نمونه این پژوهش انتخاب شدند. ایشان پرسش‌نامه‌های سبک زندگی اسلامی (کاویانی، ۱۳۹۰)، جهت‌گیری دینی (هیل، ۱۹۹۹) و شادکامی فاعلی (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۴ و با روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام، تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین تمامی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری دینی کل با شادکامی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. ($P < 0.01$) نتایج رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام نشان داد که هنگامی که مؤلفه‌های جهت‌گیری دینی و ابعاد سبک زندگی اسلامی به طور همزمان در مدل پیش‌بینی شادکامی وارد می‌شوند، تنها متغیرهای زمان‌شناسی (۰/۱۷۲)، تفکر و علم (۰/۸۹۰)، جهت‌گیری دینی برونی فردی (۱۱/۰۶)، خانواده (۱۱/۰۶) و اجتماعی (۱۱/۰۶) قادرند شادکامی را به طور معناداری پیش‌بینی کنند.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، جهت‌گیری مذهبی، شادکامی.

اصول و معیارهای اعتبارشناختی فهم علمی از متون اسلامی در علوم انسانی

مسعود نورعلیزاده میانجی^۱

به هدف بررسی اصول و مبانی اعتبارشناختی معرفتی و ارائهٔ معیارهای اعتبارسنجی فهم علمی از متون اسلامی در علوم انسانی، این پژوهش انجام گرفت. پژوهش کنونی با به کارگیری روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در صدد پاسخ به این گونه سوالات است که یافته‌های «روش فهم علمی از متون اسلامی» چگونه می‌تواند ما را به کشف حقیقت و معرفت علمی برساند و از اعتبار لازم برخوردار باشد؟

با مینا قرار دادن «مؤلف محوری از دریچهٔ فهم روشنمند متون» و حفظ اصالت یافته‌های تفہمی با اتخاذ رویکرد «نگاه از درون متن به بیرون» و با عبور از حصرگرایی اعتبارشناختی روش‌های تجربی و ارزیابی روند درست به کارگیری روش فهم و اجتهاد، می‌توان میزان فهم صحیح و روشنمند از متون اسلامی را مورد سنجش قرار داد. این مهم با لحاظ «معیارهای اعتبارسنجی فهم صحیح از متون اسلامی» تحقق می‌یابد که عبارت‌انداز: (۱) انطباق با قواعد فهم زبان‌شناختی؛ (۲) انطباق با قواعد فهم معناشناختی؛ (۳) سازوارگی درونی و عدم تعارض با مبانی اسلامی؛ (۴) هماهنگی و تطابق با عقل برهانی؛ و (۵) هماهنگ با واقعیت‌های انسانی و عدم تعارض با یافته‌های قطعی علوم.

کلیدواژه‌ها: اعتبارشناختی، فهم علمی، متون اسلامی، علوم انسانی، معیارهای اعتبار، اعتبارسنجی.

۱. دانش آموخته سطح عالی حوزه و دانش پژوه دکتری روان‌شناسی Mnoor57@Gmail.com

«عزت نفس» معادلی مناسب‌تر از «حرمت خود» برای «self-esteem»

محمد فرهوش^۱، رضا مهکام^۲، علی همت بناری^۳

«self-esteem» احساس ارزشمندی و توانمندی است، برخی از روان‌شناسان، «حرمت خود» و برخی «عزت نفس» را معادل مناسبی برای «self-esteem» می‌دانند. هدف این پژوهش بررسی دلایل این دو گروه و انتخاب معادل فارسی مناسب برای «self-esteem» بود. با توجه به ماهیت «self-esteem»، ادبیات پژوهشی و شیوه‌نامه فرهنگستان علوم، واژه‌ی عزت نفس معادل مناسب‌تری برای «self-esteem» است. با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت «عزت نفس» و «حرمت خود» به یک معناست و تفکیک بین معنای این دو واژه نادرست است.
کلیدواژه‌ها: عزت نفس، حرمت خود، «self-esteem».

۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی دانشگاه اخلاق و تربیت Farhoush.mohammad@gmail.com

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم و دکترای روان‌شناسی عمومی از مؤسسه امام خمینی

۳. سطح چهار حوزه علمیه قم و استادیار جامعه المصطفی العالمیه

درمانگری شناختی از منظر قرآن

سلمان نعمتی،^۱ علی محمد صالحی،^۲ محمد Mehdi صفوی‌ای^۳

درمانگری شناختی تا چه حدی با معارف قرآن تطابق دارد؟ هدف پژوهش حاضر به دست آوردن نظر قرآن در مورد درمانگری شناختی است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آیات بسیاری در قرآن مرتبط با موضوع پژوهش هستند. قرآن کریم در آیات متعددی به دنبال تغییر، اصلاح و ایجاد شناخت، بهمنظور تغییر در رفتار و هدایت است. به نظر می‌رسد قرآن حداقل سه دسته آیات درباره شناخت دارد؛ آیاتی که مبانی شناختی قرآن هستند، آیاتی که روش‌های تغییر و اصلاح شناخت را بیان می‌کنند و آیاتی که به جنبه آسیب‌شناسی شناخت می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، درمانگری، درمانگری شناختی، شناخت.

۱. دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش روانشناسی جامعه المصطفی salmannemati@chmail.com
۲. دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش روانشناسی جامعه المصطفی asajad45@yahoo.com
۳. دانشیار و عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی m_safurayi@miu.ac.ir

تحلیل روان‌شناختی آرامش ناشی از ازدواج در قرآن

سلمان نعمتی^۱، سید محمود طیب حسینی^۲، محمدرضا احمدی^۳، رحیم نارویی نصرتی^۴

آرامش ناشی از ازدواج چگونه آرامشی است؟ چگونه حاصل می‌شود؟ آیا با آرامشی که از نماز و ذکر و دعا حاصل می‌شود تفاوت دارد؟ هدف پژوهش حاضر تبیین روان‌شناختی آرامش ناشی از ازدواج است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خداوند برای جبران خستگی‌ها و برطرف شدن اضطراب‌ها، منابعی برای کسب آرامش قرار داده است. بعضی از این منابع، برای تعادل حیاتی و زندگی اجتماعی انسان ضروری هستند و بعضی دیگر، تعالی و تکامل روحی فرد را موجب می‌شوند. یکی از این منابع، که برای تعادل حیاتی، ارضای نیاز به پیوند جویی و انس و صمیمیت، انسان به آن نیاز دارد ازدواج است. بر اساس آیات قرآن خداوند، انسان‌ها را به گونه‌ای از یک حقیقت و در دو جنس با خصوصیات جسمی و روانی متفاوت آفریده است که نیازهای جسمی و عاطفی‌شان با تعامل با یکدیگر تأمین شود. به همین دلیل به هم گرایش و تمایل دارند و وقتی به هم می‌رسند و نیازشان رفع می‌شود آرام می‌گیرند. با توجه به واقعیات زندگی خانوادگی منابع اسلامی، دلالت بر این معنا ندارند که صرف اینکه زن و مردی باهم ازدواج کنند، به آرامش می‌رسند، بلکه در مقام بیان این مطلب است که خداوند متعال به صورت اقتضایی تمھیدات لازم را برای رسیدن همسران به خوشنودی عاطفی در خانواده فراهم کرده است و ازین رو تحقق عینی این هدف در بودن شرایط و نبودن موانع است.

کلیدواژه‌ها: آرامش روانی، ازدواج، قرآن، آرامش در پرتو ازدواج.

۱. سلمان نعمتی، دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه.

۲. دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

۴. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

تحلیل روان‌شناختی رشد و تکامل اجتماعی از نگاه قرآن

سلمان نعمتی^۱، محمدمهری صفورایی^۲

انسان موجودی اجتماعی است و به برقراری ارتباط با دیگران نیازمند است؛ چراکه بسیاری از نیازهای عالی انسان و شکوفا شدن استعدادها و توانایی‌هایش از طریق تعامل بین فردی و ارتباطات اجتماعی می‌تواند فلیت یابد. آیا در منابع اسلامی و خصوصاً قرآن به این بعد از ابعاد رشد انسان توجه شده است. هدف پژوهش حاضر ابتدا یافتن آیات مرتبط با این بحث در قرآن و سپس ارائه تحلیلی روان‌شناختی از این آیات است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. بهمنظور بیان ویژگی‌های رشد و تکامل انسان از نگاه قرآن، از روش توصیفی و برای تحلیل روان‌شناختی از رشد و تکامل اجتماعی از روش تحلیلی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رشد اجتماعی از نگاه قرآن در نخستین گام متوجه شکوفاسازی میل آدمیان به دیگر گرایی و زندگی جمعی است. جفت آفرینی و قرار دادن میل به زندگی جمعی در فطرت آدمیان در چارچوب ربویت تشریعی او که همان ارسال رسل و انزال کتب است، زندگی اجتماعی را ثابت و ساماندهی می‌کند. حج، نماز جموعه و جماعت، اصل اخوت، مواسات، نفی رهبانیت از جمله آموزه‌هایی هستند که ربویت تشریعی را به ربویت تکوینی در شکل دهی زندگی اجتماعی پیوند زده‌اند. زندگی اجتماعی به‌طور طبیعی بر سه ستون تفاوت‌های فردی، نیاز دوسویه و تسخیر در قالب همیاری و همکاری استوار می‌شود.

کلیدواژه‌ها: رشد، رشد اجتماعی، قرآن، روان‌شناسی

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی موسسه علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه. Salman.n@chmail.ir
۲. دانشیار روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه. M-safurayi@miu.ac.ir

ساخت آزمون اولیه آرامش روانی در پرتو ازدواج بر اساس منابع اسلامی

سلمان نعمتی^۱، محمدرضا احمدی^۲، رحیم نارویی نصرتی^۳

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه آرامش روانی همسران بر اساس منابع اسلامی صورت گرفت. بهمنظور جمع‌آوری آموزه‌های دین اسلام، روش توصیفی مورداستفاده قرار گرفته است و برای ارزیابی روایی و اعتبار مقایسه، از روش پیمایشی استفاده شده است. ابزار استفاده شده در کنار آزمون محقق ساخته، پرسشنامه حالت-رگه اضطراب اسپیلبرگ می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تأمین نیازهای مالی، ارضای نیازهای جنسی و عاطفی و ایمان مناسب و متناسب همسران چهار عامل اصلی در ایجاد آرامش روانی همسران می‌باشند. روایی محتوای سازه مذکور توسط کارشناسان خبره تأیید شده است. روایی ملاک با محاسبه ضرب همبستگی مقیاس حاضر با پرسشنامه حالت-رگه اضطراب اسپیلبرگ در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. روایی سازه، با محاسبه همبستگی هر کدام از خرده‌آزمون‌ها با نمره کل و همچنین همبستگی خردآزمون‌ها با یکدیگر در حد مطلوبی قرار دارد. اعتبار آزمون نیز با اجرا بر روی نمونه ۱۰۸ نفری و محاسبه آلفای کرونباخ برابر با ۰/۴۲۹، تأیید شد.

کلیدواژه‌ها: آزمون اولیه، آرامش روانی، ازدواج، منابع اسلامی، آرامش در پرتو ازدواج.

-
۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی موسسه علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه. Salman.n@chmail.ir
 ۲. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). m.r.Ahmadi313@gmail.com
 ۳. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). narooeinorsati@gmail.com

رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی، رضایت از زندگی و افسردگی در زنان خانه‌دار شهر اصفهان

مهدی شریفی رنانی^۱، محمدرضا احمدی^۲

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه پاییندی به سبک زندگی اسلامی با میزان افسردگی و رضایت از زندگی و شادکامی صورت پذیرفت. جامعه آماری زنان خانه‌دار شهر اصفهان است و نمونه پژوهش ۳۰۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب شدند. این تحقیق از نوع همبستگی می‌باشد. ابزار مورداستفاده در این پژوهش، پرسشنامه سبک زندگی اسلامی کاویانی، پرسشنامه افسردگی بک، پرسشنامه رضایت از زندگی داینر و پرسشنامه شادکامی آکسفورد می‌باشد. داده‌ها بر اساس ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره تحلیل شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که سبک زندگی اسلامی با افسردگی رابطه معنادار و معکوس دارد، و با رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مستقیم و معنادار دارد. یافته دیگر اینکه سبک زندگی اسلامی می‌تواند افسردگی، رضایت از زندگی و شادکامی را پیش‌بینی نماید. بر اساس یافته‌های این تحقیق افرادی که از سبک زندگی اسلامی برخوردارند، کمتر دچار افسردگی می‌شوند و رضایت از زندگی و شادکامی آن‌ها بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، افسردگی، شادکامی، رضایت از زندگی.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خواراسگان.

mahdi.sharifi1365@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

m.r.Ahmadi313@Gmail.com

الگوی اسلامی کاربست «انعطاف‌پذیری» در روابط همسران

عبدالله عمامی^۱

با توجه به افزایش طلاق و آسیب‌های خانواده، ساماندهی و بهبود مسائل ارتباطی همسران، یکی از اولویت‌های زمان حاضر است. از مهم‌ترین عواملی که در برخی نظریات خانواده بر آن تأکید می‌شود و بر همه حوزه‌های ارتباطی همسران شمول دارد، «انعطاف‌پذیری» است؛ که در روایات، دارای کارکرد حل مسئله، تنش‌زدایی، محبت افزایی، رشد اقتصادی، کامیابی و تعالی بخشی، دانسته شده است. در قرآن و روایات، کلیدوازه «فق» و ۱۵ واژه دیگر؛ [«لین»، «مداراًه»، «هون»، «یسر»، «سهله»، «قسوت»، «قوت»، «مهل»، «مَوْدَّة»، «رزانه»، «وقار»، «اناه»، «دلل»، «لطف»، «تعطف»، گویای این مفهوم‌اند؛ که تحلیل محتوی متون آن‌ها، ما را به شبکه معنایی «انعطاف‌پذیری» می‌رساند. نوشتار حاضر، در تحلیل این شبکه، عناصر پنج گانه [«پذیرش»، «همراهی»، «میانه‌روی»، «آسان‌گیری»، «تأنی»]، را به عنوان مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری به دست آورده است. در گام بعد، شاخص‌ها و ابعاد آن را در گونه‌های مختلف ارتباطی همسران بررسی کرده و سپس الگوی جامع کاربست آن را پیشنهاد کرده است؛ تا بدانیم «مکانیسم دستیابی به آن از منظر اسلام چیست؛ چگونه، در چه زمینه‌ها و شرایطی، با چه روش‌ها و مهارت‌هایی؟ و در چه مراحلی، محقق می‌شود؟». این الگو می‌تواند به عنوان گامی در راستای روان‌شناسی اسلامی، مکمل الگوهای رابط انعطاف‌پذیری در روانشناسی خانواده مثل مدل دور ترکیبی خانواده (CMF)؛ السون (۱۹۹۹) قرار گرفته و جهت مداخلات بالینی و آموزش همسران، استفاده شود.

کلیدوازه‌ها: انعطاف‌پذیری (Flexibility)، خانواده (Family)، روابط همسران (Relations between couple)، الگوسازی (Modeling).

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و پژوهشگر پژوهشگاه اخلاق و روانشناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث emadi.a@hadith.ir

تریبیت دینی در عصر ارتباطات با رویکرد روان‌شناسی اسلامی

سید عباسعلی فروغی^۱

انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، جامعه جهانی را به واسطه توسعه پیشرفت در حوزه وسائل ارتباطی در دو بعد زمان و مکان متراکم نموده است. حاصل این توسعه و پیشرفت شکل‌گیری دهکده جهانی است. دهکده‌ای که در آن انسان‌ها هرچند بسیار به هم نزدیک شده و از بی‌خبری رهایی یافته‌اند؛ اما در مقابل به واسطه ظهور ارتباطات نوین و پدیده جهانی شدن به‌ویژه در حوزه فرهنگ، با نالمنی جهانی مواجه می‌باشند، زیرا هویت فرهنگی و دینی جوامع جهان از سوی کشورهای پی‌شرفت‌هه تهدید می‌گردد. کاستلز جهان آینده را صحنه کارزار و قدرت معتبر یعنی: جهانی شدن و هویت می‌داند. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۳۳)

امروزه احساس زندگی در یک جهان تا حد زیادی نتیجه برد بین‌المللی رسانه‌های ارتباطی است. می‌توان اذعان کرد که جهانی شدن ابعاد مختلفی دارد که همه آن‌ها در سایه فن‌آوری اطلاعات به منصه ظهور رسیده است. (داوری، ۱۳۸۱: ۲۱۳). آنچه در این مقاله مورد نظر است بعد ارتباطی، امکان و سهولت ارتباطات جهانی است از این‌روی گرچه موضوع تحت عنوان «جهانی شدن» می‌گنجد؛ اما برای مشخص نمودن بعد مورد نظر عنوان «عصر ارتباطات» برگزیده شده است.

این نوشتار می‌کوشد تا ضمن نگاه بازشناختی و روان‌شناختی به ارتباطات نوین و ماهیت آن، به بررسی تعامل و تقابل‌های آن با دین و تربیت دینی پردازد. نیز سعی می‌شود از خلال مباحث کلی، ایده‌های مربوط به جایگاه تربیت با رویکرد روان‌شناسی اسلامی در فضای ارتباطی جدید مورد کنکاش واقع شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، ارتباطات، روان‌شناسی، اسلام.

1. ghalamestan@gmail.com

رابطه سبک‌های دلستگی با پاییندی مذهبی

مصطفی علیپور^۱، علیرضا فاضلی مهرآبادی^۲

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های دلستگی با پاییندی مذهبی دانش آموزان بود. گروه نمونه پژوهش شامل ۲۹۷ دانش آموز پسر دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی مناطق چهارگانه شهر قم بود. برای نمونه‌گیری این طرح از روش خوش‌های چندمرحله‌ای استفاده شد. ابزارهای گردآوری اطلاعات شامل مقیاس دلستگی هازن و شیور (۱۹۸۷)، مقیاس پاییندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸) بود. برای تحلیل داده‌ها از همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شد. یافته‌ها نشان داد سبک دلستگی اینم با دوسوگرایی مذهبی و ناپاییندی مذهبی رابطه منفی معناداری دارد اما سبک‌های دلستگی اجتنابی و دوسوگرا رابطه مثبت معناداری با دوسوگرایی مذهبی و ناپاییندی مذهبی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک‌های دلستگی اجتنابی و دوسوگرا به صورت مثبت ناپاییندی مذهبی و دوسوگرایی مذهبی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین سبک دلستگی اینم به صورت منفی دوسوگرایی مذهبی و سبک دلستگی اجتنابی به صورت منفی پاییندی مذهبی را پیش‌بینی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های دلستگی، پاییندی مذهبی، دوسوگرایی مذهبی، ناپاییندی مذهبی.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه آزاد اصفهان m.alipoor1353@gmail.com
۲. دانشجوی دکترای روانشناسی سلامت

تحلیل هویت نوجوانی با توجه به دینداری، سبک‌های دلبستگی و عوامل شخصیتی

محمد شمس^۱، علی فتحی آشتیانی^۲، حمیدرضا حسن‌آبادی^۳

هدف اصلی پژوهش حاضر آزمون بررسی رابطه چندگانه هویت فردی بر اساس دین‌داری، سبک‌های دلبستگی و عوامل شخصیتی بود. به این منظور تعداد ۶۱۶ نفر از طلاب حوزه علمیه، جامعه الزهراء (سلام الله عليهما) قم و دانشجویان دانشگاه دولتی اراک که به صورت در دسترس انتخاب شدند، به پرسش‌نامه‌های سبک‌های هویت بروزنگی- (ISI) (NEO)، دینداری خدایاری‌فرد، سبک‌های دلبستگی هازن و شبور (AAI) و پنج عاملی شخصیت نئو فرم کوتاه- (FFI) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، نسخه ۲۱، و با روش رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج ضرایب رگرسیونی استاندارد شده به دست آمده از عوامل شخصیت ($\beta = 0.55$) و دینداری ($P < 0.05$) نشان داد که این دو متغیر می‌توانند سبک هویت را پیش‌بینی کنند. ضرایب رگرسیونی استاندارد شده سبک دلبستگی ($\beta = 0.40$) نشان داد که سبک دلبستگی توائی‌پیش‌بینی سبک هویت را ندارد. نتیجه اینکه عوامل شخصیت و دینداری می‌توانند ۶۷ درصد از واریانس سبک‌های هویت را تبیین کنند، در حالی که سبک‌های دلبستگی نقش معناداری در پیش‌بینی سبک‌های هویت ندارند.

کلیدواژه‌ها: هویت فردی، دینداری، سبک‌های دلبستگی، عوامل شخصیت.

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته رشته روان‌شناسی، مقطع کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

msh2976@yahoo.com

۲. استاد تمام دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) تهران

۳. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران

ساخت و اعتبار بابی پرسش نامه اولیه سلامت هیجانی بر اساس منابع اسلامی

احمد تمسکی^۱، محمود اصفهانیان^۲

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه سلامت هیجانی بر اساس منابع اسلامی انجام گرفت. برای مطالعه منابع اسلامی از روش توصیفی و تحلیل محتوا و برای ارزیابی روایی و اعتبار آزمون، از روش پیمایشی با انتخاب نمونه ۱۰۰ نفری استفاده شد. ساختار برداشت شده از منابع اسلامی برای سلامت هیجانی شامل ۴ مؤلفه آگاهی بر هیجان‌ها، موقعیت‌شناسی، ابراز و برانگیختگی مناسب هیجانی و تنظیم و کنترل هیجان‌ها است. روایی این ساختار از نظر کارشناسان خبره‌ی دین و روان‌شناسی تأیید شد و گوییه‌ها از آن به دست آمد. مطابقت گوییه‌ها با مستندات نیز از نظر کارشناسان تأیید و گوییه‌های نهایی اجرا شد. برای سنجش روایی ملاکی، نسخه ۷۶ سؤالی این آزمون همزمان با پرسش‌نامه بهزیستی ذهنی اجرا شد که نتیجه همبستگی معناداری $R = 0.39$ را نشان داد. همبستگی بالا بین مؤلفه‌ها با کل آزمون و بین گوییه‌ها، نشان‌دهنده روایی سازه بود. اعتبار آزمون به‌واسطه بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ در سطح ۹۵٪ به دست آمد. دونیمه‌سازی نیز اعتباری در حد ۸۹٪ و ۹۲٪ برای دونیمه را نشان داد.

کلیدواژه‌ها: سلامت، هیجان، سلامت هیجانی، ساخت، آزمون، روایی و اعتبار، منابع اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، tamasoki@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی مشیت‌گرا دانشگاه قرآن و حدیث، Mahmod83225@gmail.com

فرآیندهای تغییر مثبت بر اساس مفهوم عقل: تدوین یک مدل مفهومی در منابع اسلامی

مهدی عباسی^۱

فرآیندهای تغییر، شامل فعالیت‌های آشکار یا ناآشکاری اند که انسان‌ها برای تغییر دادن هیجان، تفکر، رفتار یا روابط مربوط به مشکلات خود به آن‌ها می‌پردازند. از جمله اهداف پژوهشگران این حوزه، شناسایی سازوکارها یا فرآیندهای واقعی تغییر است که در اکثر روش‌های درمانی حضور دارند. صرفه‌جویی در هزینه‌ها و افزایش کارآمدی و اثربخشی روش‌های مختلف درمانی از جمله ضرورت‌های برسی این فرآیندهای مشترک تغییر است. در میان نظریه‌های مختلف درباره‌ی فرآیندهای تغییر، مدل برآمده از منابع اسلامی مبتنی بر مفهوم عقل می‌تواند فرآیندهای تغییر را تبیین کند. هدف از این پژوهش، کشف فرآیندهای تغییر مثبت بر اساس مفهوم عقل در منابع اسلامی است. بدین منظور با روش توصیف و تحلیل محتوای منابع اسلامی (قرآن و حدیث) آموزه‌های اسلامی درباره‌ی عقل طبقه‌بندی، مقوله‌بندی و تحلیل شد. بررسی آیات و روایات اسلامی نتایج چندی را به دنبال داشت از جمله: ۱- عقل سازه‌ای بنیادی در نظام روان‌شناختی انسان است که رشد و تحول می‌یابد و کارکردهای روان‌شناختی متعدد دارد؛ ۲- تغییر و تحول انسان بین سلامت و مرض روانی به‌واسطه‌ی تغییر عقل است؛ ۳- عقل دارای دو کارکرد کلی افزایش آگاهی و مهارگری خویشتن است، کارکرد افزایش آگاهی به‌واسطه‌ی فرایندهای دانش‌افزایی، استدلال، تشخیص و انتخاب محقق می‌شود و مهارگری از طریق فرآیندهای روی‌آوری (اشتیاق)، بازداری (پرهیز)، طلب (اراده) و تاب‌آوری کارکرد دارد. بررسی‌ها در مقایسه با موضوع پژوهش در روانشناسی نشان داد که عقل را می‌توان به عنوان سازه‌ای روان‌شناختی در نظر گرفت از توانمندی‌های معینی را برای فعال شدن فرآیندهای تغییر دارد.

کلیدواژه‌ها: تغییر مثبت، عقل.

1. ym.abbasi@gmail.com

عمیاقی سازی قرآن پژوهی روان‌شناسی

محمد رضا حاتمی^۱

جایگاه ممتاز قرآن کریم در میان منابع دینی، گرایش روزافزون به مطالعه معتبرترین کتاب و گسترش قرآن پژوهی در موضوعات مختلف، هر کدام بهانه‌ای قابل اعتنا برای بسط و توسعه راهکارهای استفاده از قرآن را توجیه می‌نمایند. از جهتی نیز، مطرح شدن پرسش‌های فراروی قرآن پژوهان روان‌شناسی، ایشان را ملزم به استفاده از یک روش پژوهش برای بهره‌مند شدن از آموزه‌های قرآن کریم می‌نماید چراکه دستیابی به معانی و مقاصد آیات قرآن در گرو تفسیر آیات و تفسیر آیات، در گرو «روش تفسیر» است. در نوشтар حاضر روش گردآوری و دسته‌بندی آیات و همچنین تحلیل آیات از طریق تفسیر موضوعی مورد توجه می‌باشد. زیرا با این روش است که پژوهنده قرآنی، از همه آیاتی که موضوع یکسانی دارند در پی کشف نظریه قرآن کریم درباره یک مسئله برمی‌آید.

کلیدواژه‌ها: مراحل تفسیر موضوعی، عملیاتی سازی تفسیر، قرآن پژوهی روان‌شناسی.

ساخت و اعتباریابی مقیاس عفو و گذشت بر اساس آموزه‌های اسلام

حسن کریمی^۱

این پژوهش در پی طراحی، ساخت و اعتباریابی مقیاس «عفو و گذشت با نگاه به منابع اسلامی» به منظور سنجش میزان عفو و گذشت در میان دانشجویان و طلاب گرامی است. بدین منظور، ابتدا با استفاده از منابع معتبر اسلامی، مؤلفه‌های عفو و گذشت تهییه و سپس بر اساس مؤلفه‌های اصلی، سوالات طراحی شد، سوالات بعد از داوری تخصصی توسط اساتید و کارشناسان، و همچنین اجرای آموزشی و حذف برخی سوالات با همبستگی پایین به ۳۴ سوال تقسیل و مقیاس اصلی با ۳۶ سوال آماده اجرای نهایی شد و روی نمونه ۳۶۰ نفری دانشجویان دانشگاه قم و همچنین طلاب موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند اجرا گردید. نتایج تحلیل عاملی با روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش معتمد نشان داد که مقیاس دارای ۶ عامل «کینه‌توزی، بخشش همدلانه، چشم‌پوشی، بخشش کریمانه، رویکرد ترمیمی و کنترل خشم» است.

یافته‌های حاصل از این پژوهش با کمک نرمافزار SPSS به دست آمد، همچنین مقیاس عفو با روایی محتوا‌بی بالا و آلفای کرونباخ ۰/۹۰۶ به تأیید رسید.

نتیجه‌گیری: مقیاس عفو از دیدگاه اسلام روایی و اعتبار بالایی دارد و می‌تواند میزان عفو افراد را سنجد.

کلیدواژه‌ها: مقیاس عفو، روانشناسی مثبت، عفو، انتقام، کینه، بخشش، اسلام، گذشت، فضایل و توانمندی‌ها.

بورسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت معنوی و سلامت عمومی دانش آموزان متوسطه دوم شهر ایلام در سال ۱۳۹۴

محمدحسین فریادی^۱، فتح الله محمدیان^۲

سلامت معنوی از جمله مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه جهانی روانشناسان مطرح شده و دو سازه معنویت و سلامت را با هم ترکیب کرده است. از جمله عوامل مرتبط با سلامت معنوی و سلامت عمومی، سبک زندگی اسلامی است. تحقیقات در زمینه رابطه سلامت معنوی و سبک زندگی، اغلب بیانگر رابطه‌ای مثبت بین آن‌ها بوده است. همچنین رابطه بین سلامت عمومی و سبک زندگی اسلامی در برخی مطالعات گزارش شده است. اما رابطه همزمان سبک زندگی اسلامی با سلامت معنوی و سلامت عمومی گزارش نشده است. بنابراین هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت معنوی و سلامت عمومی در دانش آموزان دیبرستان‌های شهر ایلام بود. روش پژوهش از حیث نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی و همبستگی بود. داده‌های لازم برای آزمون فرضیه‌ها از طریق سه پرسشنامه سبک زندگی اسلامی مهدی‌زاده، سلامت معنوی پولوتزین و الیسون و سلامت عمومی گلدبیرگ گردآوری شده‌اند. جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر ایلام به تعداد ۲۲۵ نفر بوده که این تعداد بر اساس تعداد متغیرهای هر پرسشنامه تعیین گردیده و به عنوان نمونه انتخاب و از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشای استفاده شده است و پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و ورود داده‌ها به نرم‌افزار spss، تحلیل داده‌ها، با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی انجام گرفت. نتایج نشان داد که سبک زندگی اسلامی دانش آموزان نوجوان شهر ایلام رابطه معناداری با سلامت معنوی و سلامت عمومی آن‌ها دارد و دانش آموزانی که از سبک زندگی اسلامی بالاتری برخوردار بودند دارای سلامت معنوی بالاتر و مشکلات سلامت عمومی کمتر بودند.

کلیدواژه‌ها: سلامت عمومی، سلامت معنوی، سبک زندگی اسلامی نوجوانان.

۱. محمدحسین فریادی، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی ایلام،

(نويسنده مسئول)، پست الکترونیک mhf1414@gmail.com

۲. فتح الله محمدیان، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

بازتیبیان سبک زندگی در گستره روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام

حمید مهدیزاده^۱

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم سبک زندگی با رویکرد روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام انجام شد.

روشن: روش پژوهش حاضر به لحاظ جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها «توصیفی- تحلیلی» است؛ بدین صورت که برای استخراج تعریف دقیق سبک زندگی و نیز سبک زندگی اسلامی به گزاره‌های دینی و متون روان‌شناسی و کتاب‌های لغت مراجعه شده است و با روش توصیفی- تحلیلی اطلاعات به دست آمده تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: در بررسی و تحلیل واژه «سبک» سه تعریف ارائه گردید. در ادامه به ارائه تعریف‌های سبک زندگی در سه رویکرد جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اسلامی پرداخته شد و پس از بررسی تفاوت‌ها و وجود مشترک سه رویکرد در محورهای مختلف، تعریف‌های مناسبی ارائه گردید و در پایان، تلاش برای ارائه تعریف سبک زندگی اسلامی به عنوان مصداقی از سبک زندگی، با استفاده از منابع اسلامی صورت گرفت.

نتیجه گیری: با توجه بررسی‌ها و مقایسه‌های انجام شده در محورهای نه گانه، تعریف روان‌شناسی و اسلامی در باب سبک زندگی بسیار نزدیک به هم هستند. البته تعریف سبک زندگی اسلامی به عنوان مصداقی از سبک زندگی، قید انتساب با اسلام را در زمینه روش و هدف با خود همراه دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، روان‌شناسی اسلامی، سنت، سیره.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه؛ عضوی پوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی؛ amirmahdizeh@yahoo.com

مبانی تربیت اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی

سمیه السادات موسوی^۱

انسان در طول زندگی، پیوسته نیازمند تعامل با دیگران است و برای تحقق هر چه بهتر اهداف خود در روابط میان فردی، ناگزیر از توجه به تربیت اجتماعی است؛ ازین رو، ضروری است که طراحی یک نظام تربیتی در ساحت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. در میان ارکان نظام تربیت اجتماعی، مبانی به عنوان منبع استخراج اهداف، اصول و روش‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند؛ چراکه قوت و ضعف هر نظام تربیتی به میزان اتقان و صحت مبانی آن بستگی دارد. پژوهش حاضر کوشیده است تا با روش کتابخانه‌ای و از طریق توصیف و تحلیل داده‌ها، مبانی تربیت اجتماعی را با نگرش به منابع اسلامی به دست آورد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبانی تربیت اجتماعی را می‌توان ذیل چند مبانی کلی با عنوانی «مبانی جامعه‌شناسنخی»، «مبانی انسان‌شناسنخی» و «مبانی روان‌شناسنخی» گنجاند. مبانی جامعه‌شناسنخی مواردی از قبیل اجتماعی بودن انسان، تأثیر و تأثر متقابل انسان و محیط اجتماعی، فرهنگ‌پذیری و مسئولیت اجتماعی انسان را شامل می‌شود. از جمله مبانی انسان‌شناسنخی می‌توان به برخورداری انسان‌ها از فطرت مشترک و کرامت ذاتی اشاره کرد. ذیل مبانی روان‌شناسنخی نیز دو مبانی هیجانی بودن و مهروز بودن انسان قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت اجتماعی، مبانی تربیت، مبانی جامعه‌شناسنخی، مبانی انسان‌شناسنخی، مبانی روان‌شناسنخی.

مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی از نظر اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا

حمیدرضا جعفری^۱ فرید براثی سده^۲ محمد تقی تبیک^۳

مثبت‌نگری یکی از مباحث موردپژوهش در روان‌شناسی بوده و بعد از رشد و توسعه روان‌شناسی مثبت‌گرا این موضوع مورد توجه بیشتری واقع شده است. در دین مبین اسلام نیز مثبت‌نگری از قدمت و سابقه‌ای روش نسبت به پژوهش‌های روان‌شناسی برخوردار است و پیشینه‌ای حداقل چهارده قرنی دارد.

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی از نگاه معارف اسلام و روان‌شناسی مثبت‌گرا چیست؟ و همچنین وجود اشتراک و تمایز دستاوردهای روان‌شناسی با آموزه‌های اسلامی در خصوص مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی کدام است؟ مطالب گردآوری شده با روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد نوشتاری و نرم‌افزارهای علمی و پژوهشی، به شیوه توصیفی- تحلیلی و اجتهادی موردنرسی قرار گرفت. بررسی نشان داد که مثبت‌اندیشی از دیدگاه اسلامی دارای پنج مؤلفه شناخت و آگاهی، تفسیر مثبت، اطمینان به حصول پیامد، امید و رفتار همسو با مثبت‌اندیشی است. پس از استخراج مؤلفه‌های فوق، به مقایسه آن با آنچه در منابع روان‌شناسی در زمینه مؤلفه‌های مثبت‌اندیشی آمده است، پرداخته شده است. نتایج نشان داد اگرچه فعالیت‌های خوبی در روان‌شناسی در خصوص مثبت‌اندیشی صورت پذیرفته است ولی الگوی موردنظر در آموزه‌های اسلامی، درباره مؤلفه‌های مربوط از جامیعت بیشتری برخوردار است. در پایان پژوهش، ضمن بیان وجود اشتراک میان این دو دیدگاه، به وجود تمایز نظر اسلام و روان‌شناسی در این باب پرداخته شده است و پیشنهادهایی برای تحقیقات آتی عرضه گشته است.

کلیدواژه‌ها: مثبت‌اندیشی، اسلام، روان‌شناسی مثبت‌گرا.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی با گرایش مثبت‌گرا موسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، سطح چهارم حوزه علمیه قم h.r.jafari.59@gmail.com

۲. دکتری تخصصی روان‌شناسی - مدیر گروه روان‌شناسی اسلامی دانشکده قرآن و حدیث

۳. کارشناسی ارشد روان‌شناسی مثبت موسسه آموزش عالی امام خمینی (ره)

کارآمدی برنامه ذکرگویی در کاهش اضطراب

مسعود نورعلیزاده میانجی^۱، ابذر رضایی^۲، سید هانی موسوی^۳

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه سلامت روانی و رشد تکنیک‌های درمان اختلالات روانی، باز بشر امروز در اعماق وجود خود از یک اضطراب ناشناخته رنج می‌برد. پژوهش حاضر با هدف بررسی کارآمدی یک شیوه درمانی از نوع مداخلات معنوی - اسلامی در کاهش اضطراب، با بهره‌گیری از ذکرها و دعاهای مؤثر در متون اسلامی، انجام شد. طرح این پژوهش، آزمایشی از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون، با گروه گواه در لیست انتظار بود. جامعه آماری کلیه زندانیان مرد زندان مرکزی قم بودند. بدین منظور از بین زندانیانی که از اضطراب رنج می‌برندن و بالاتر از رنج طبیعی در سطح اختلال، بالاترین نمره اضطراب را داشتند، ۴۰ نفر (که در نهایت با ریزش افرادی، ۳۶ نفر) انتخاب شده و بهطور تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش مقیاس اضطراب کتل و پروتکل آموزشی و برنامه ذکرگویی در مورد اضطراب و بر اساس منابع اسلامی بود که در قالب ۷ جلسه آموزشی - توجیهی و طی ۴۰ روز تمرین ارائه شد.

داده‌های گردآوری شده توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون لوین نشان داد پیش‌فرض تساوی واریانس‌ها برای نمرات پس‌آزمون متغیر اضطراب تأیید می‌شود. تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داد که میانگین نمرات اضطراب گروه آزمایش نسبت به گروه گواه در مرحله پس‌آزمون کاهش معناداری پیدا کرده است ($F=50/22$) و ($P<0.001$). نتایج این پژوهش نشان داد که ذکر و یاد خدا اثر آرامبخشی و کاهنگی اضطراب دارد. برنامه ذکرگویی می‌تواند به عنوان یک عامل مؤثر در کاهش اضطراب تعمیم‌یافته استفاده شود و از پروتکل این برنامه می‌توان به عنوان درمان مکمل اختلالات اضطرابی بهره برد.

کلیدواژه‌ها: اضطراب، ذکرگویی، دعا، اختلالات روانی، زندانیان، مداخلات معنوی - اسلامی.

۱. دانش‌پژوه دکترای روان‌شناسی، mnoor57@gmail.com

۲. دانش‌پژوه دکترای روان‌شناسی،

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی شناختی.

ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی از نگاه قرآن و روایات

جعفر هوشیاری^۱، محمدمهردی صفورایی پاریزی^۲

خانواده در نگاه قرآنی، منظومه‌ای مقدس با مرزهای روش و صريح است که حفظ آن مرزها بر همگان لازم و عبور از آن‌ها پیامدهای متعددی در پی دارد. امروزه با توجه به تغییر نگاه به خانواده و رواج الگوهای نوین و نامتعارف آن، ساختار کلی خانواده دستخوش تغییراتی شده است که تابهنجاری و عدم پایبندی به مرزهای خانواده یکی از عوامل زیربنایی آن است. پژوهش حاضر باهدف ارزیابی مرزهای خانواده در روان‌شناسی و تبیین مرزها از دیدگاه اسلام، به روش توصیفی و تحلیل محتوای آیات قرآن و روایات مخصوصین علیهم السلام انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد؛ در رویکرد اسلامی؛ خانواده مقدس، مرزها واقعی و دارای جعل الهی است. درمان تعارضات خانوادگی برگشت و پایبندی به مرزهای الهی می‌باشد. مرزهای خانواده؛ اوامر، نواهی و رخصت‌های الهی هستند که باهدف تنظیم کارکرد و تعالی خانواده و اعضای آن بیان شده است. مرزهای درونی و بیرونی خانواده دارای سه نوع (اعتقادی، اخلاقی و رفتاری) با دو کیفیت «الزامی غیر منعطف و غیر الزامی منعطف» است. تقدم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی، کیفیت تکوین و اتحاد خانواده، حدود روابط جنسی همسران، حفظ حریم خانه و خانواده، قوانین ناظر به تعاملات اعضای خانواده باهم و با سایرین و سلسله‌مراتب حجاب از جمله مهم‌ترین مرزهای خانواده می‌باشند. رویکرد ساختنگر به دلیل عدم تطابق با آموزه‌های اسلامی، در جوامع دینی قابل اجرا نبوده و برگشت به مرزهای دینی خانواده پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، مرزهای خانواده، قرآن، روان‌شناسی، رویکرد ساختاری خانواده.

۱. دانشپژوه حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی و عضو گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزش عالی بنت‌الهی. Mahdeh1359@yahoo.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه. M_safurayi@miu.ac.ir

مبانی ارزش‌شناختی سبک زندگی مؤمنانه از دیدگاه قرآن کریم

محمدمهردی صفورایی^۱، پاریزی^۲، حلیمه اخلاقی^۲

مفهوم «سبک زندگی»، رویکردی نوین در عرصه علوم اجتماعی است که در چند دهه اخیر توجه بسیاری از متغیران رشته‌های گوناگون علمی را به خود جلب کرده و بخش قابل توجهی از پژوهش‌های بنیادی و میدانی را به خود اختصاص داده است. خاستگاه متفاوت سبک‌های زندگی بشر را می‌توان در باورها، تفکرات، مبانی و نوع نگاه به انسان، هستی، اهداف، زندگی، ارزش‌ها و در الگوهای رفتاری بشر جستجو کرد. سؤال آن است که مهم‌ترین مبانی ارزش‌شناختی از دیدگاه قرآن برای دستیابی به سبک زندگی مؤمنانه و حیات طیبه کدام‌اند؟ در نوشتار پیش‌رو، با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی به روش اسنادی، مبانی ارزش‌شناختی سبک زندگی به بحث و بررسی گذارد. شده است.

بررسی مهم‌ترین «مبانی ارزش‌شناختی سبک زندگی از دیدگاه قرآن»، چارچوب کلی و استانداردهای سبک زندگی مؤمنانه و در مرحله متعالی‌تر، حیات طیبه را تعیین می‌کند و موجب تمایز این نوع سبک زندگی از دیگر سبک‌های زندگی رایج بشر می‌شود. از واکاوی «مبانی ارزش‌شناختی»، ایدئولوژی توحیدی به دست آمد که؛ ابتناء ارزش‌ها بر واقعیت‌ها، ارزشمندی حسن فعلی و فاعلی در هر کنش، سلسله مراتبی بودن ارزش‌ها، وابستگی ارزش‌ها به ارزش غایبی از مهم‌ترین مبانی آن و تعیین کننده بایدها و نبایدهای سبک زندگی است.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، حیات طیبه، ارزش‌ها، تقوا، عبودیت، ایمان.

۱. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، هیئت‌علمی جامعه المصطفی العالمیه، m_safurayi@miu.ac.ir

۲. دکتری تفسیر تطبیقی، موسسه آموزش عالی بنت‌الهدی، h.akhlaqi@yahoo.com

تحلیل روان‌شناختی ایمان دینی

سید مهدی صالحیان^۱، محمد رضا سالاری فر^۲

تناظر ایمان و آرامش در آیات و روایات، اهمیت بررسی روان‌شناختی ایمان را نشان می‌دهد. ایمان به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین دینی در شاخه‌های علوم اسلامی و علوم انسانی، مورد توجه محققان قرار گرفته است. این تحقیق، با بررسی مفهوم ایمان در دانش دینی و تفاوت تعریف آن در علوم مختلف، در صدد تبیین روان‌شناختی ایمان دینی است. روش پژوهش توصیفی- تحلیلی و روش فهم حدیث و تفسیر قرآن در مکتب اهل‌بیت(ع) است. این تحقیق، به نقد تعاریف روان‌شناختی موجود از ایمان می‌پردازد. بر اساس نتایج این تحقیق، ایمان دینی واجد سه بعد شناختی، هیجانی و رفتاری است که در ضمن رابطه فرد با خود، با انسان‌های دیگر، با سایر موجودات محسوس (هستی) و با نامحسوسات (معنویات) تحقق می‌یابد و ابعاد دوازده‌گانه‌ای را شامل می‌شود. تعریف ایمان دینی در نگاه روان‌شناختی عبارت است از: «ارتباط تمامیت‌یافته‌ی شناختی، هیجانی و رفتاری انسان با خود، دیگران، هستی و نامحسوسات (معنویات)». می‌بینی بر تعریف ارائه شده، کل نگری در روابط ایمانی، تعالی، اختیاری بودن ایمان، تشکیک‌پذیری و لزوم تعامل در جهت هم‌راستایی روابط ایمانی به عنوان ویژگی‌های ایمان تلقی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ایمان، آرامش، معنویت، تحلیل روان‌شناختی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، Menhaj110@chmail.ir
۲. استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه msalasrifar@rihu.ac.ir

اولویت‌های پژوهشی روان‌شناسی دین

حمید مهدی زاده^۱، سید هانی موسوی^۲، علیرضا فاضلی مهرآبادی^۳، محمد تقی تیک^۴

هدف: هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و تعیین اولویت‌های پژوهشی در روان‌شناسی دین است تا با فراهم ساختن اطلاعات صحیح و کافی، گامی مؤثر در زمینه برنامه‌ریزی پژوهشی و انجام پژوهش‌های دارای اولویت بردارد.
روش: این پژوهش کیفی و ترکیبی از روش پیمایشی، تحلیل محتوا و تکنیک دلفی است. جامعه آماری در شناسایی نیازها کلیه منابع استنادی، انسانی و سازمانی در زمینه روان‌شناسی دین است. جامعه آماری در اولویت‌بندی شامل کلیه متخصصان در زمینه روان‌شناسی دین است و نمونه آماری در بخش شناسایی نیاز، شامل ۵۰۲ منبع درمجموع منابع استنادی، انسانی و سازمانی می‌شود. نمونه آماری در بخش اولویت‌بندی در گرایش‌های مختلف روان‌شناسی، شامل ۳۵ نفر از متخصصان و کارشناسان می‌شود که با روش نمونه‌گیری هدف‌دار و با توجه به تخصص هریک از کارشناسان انتخاب شدند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش شامل دستیابی به ۴۰۰ عنوان پژوهشی در روان‌شناسی دین در ۱۴ گرایش روان‌شناسی است که ۷۰ عنوان دارای اولویت الف (اولویت خیلی زیاد)، ۱۵۰ عنوان دارای اولویت ب (اولویت زیاد)، ۱۲۰ عنوان دارای اولویت ج (اولویت متوسط) و ۶۵ عنوان دارای اولویت د (اولویت کم) می‌باشد. بیشترین عنوان دارای اولویت الف و ب، در گرایش‌های روان‌شناسی مثبت، روان‌شناسی اجتماعی و روان‌شناسی خانواده بود و کمترین عنوان دارای اولویت الف و ب در گرایش‌های آسیب‌شناسی روانی، روان‌سنگی و روش تحقیق بود.

نتیجه‌گیری: با توجه به وجود بیشترین اولویت در گرایش روان‌شناسی مثبت، اجتماعی و خانواده، پژوهش در این زمینه به پژوهشگران توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: نیازستجی پژوهشی، اولویت‌یابی، روان‌شناسی دینی، روان‌شناسی دین.

-
۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه.
 ۲. کارشناس ارشد روان‌شناسی شناختی، پژوهشکده علوم شناختی.
 ۳. دانشجوی دکترا روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران.
 ۴. دانشجوی دکترا روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تربیت مدرس.

تبیین سازه حزم (آینده‌نگری) بر اساس منابع اسلامی

نوید خاکبازان^۱، حمید رفیعی هنر

پژوهش حاضر با هدف بررسی مفهوم حزم و آینده‌نگری در روانشناسی و منابع اسلامی و تعیین مؤلفه‌ها و مقوله‌های سازه حزم انجام شده است. یافته‌های روان‌شناسی از طریق بررسی و تبیین منابع مختلف روانشناسی به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. مؤلفه‌ها و مقوله‌های سازه حزم نیز به روش توصیفی-تحلیلی بر اساس رتبه‌بندی کتب روابی با استفاده از رتبه «الف» و «ب» استخراج و تبیین شده است. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهد که مفهوم جامع سازه حزم عبارت است از: مهارت شناختی (کیاست) که فرد با استفاده از ظرفیت‌های گذشته و حال به پیامدهای آینده رویدادها توجه نموده (سیر زمانی) و در زمان حال آگاهانه به اقدامات منطقی (اقدام آگاهانه) روی می‌آورد. همچنین سازه مذکور مشتمل بر سه مؤلفه اصلی کیاست، سیر زمانی و اقدام آگاهانه و ۱۰ مقوله با عنوان خرده مؤلفه‌ها می‌باشد. یافته‌های مذکور قابلیت بهره‌برداری جهت طراحی سسته‌های آموزشی و تربیتی را دارد.

کلیدواژه‌ها: آینده‌نگری، حزم، کیاست، سیر زمانی، پیش‌آگاهی، غایت نگری، روش‌بینی و فضیلت.

حیای همسران در منابع اسلامی و رابطه آن با ناسازگاری زناشویی

محمدمهردی عباسی‌آغوی^۱

روابط همسری یکی از عمیق‌ترین و اثرگذارترین روابط در طول زندگی آدمی است که گاه با نابسامانی‌ها و ناسازگاری‌هایی روبرو می‌گردد. مؤلفه‌های گوناگونی می‌تواند با ناسازگاری‌های زناشویی در ارتباط باشد که از آن جمله متغیرهای شخصیتی همسران است. یکی از این متغیرها که در عین توجه فراوان در تعالیم اسلامی کمتر در ارتباط با ناسازگاری زناشویی به صورت کمی مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر حیا است. هدف این پژوهش مطالعه حیای همسران در تعالیم اسلامی و رابطه آن با ناسازگاری‌های زناشویی است. حیای همسران بر اساس قرآن و روایات مورد بررسی قرار گرفت. با استفاده از روش همبستگی آزمون‌های تعارض زناشویی (MCQR) و آزمون حیا (گلزاری) روی ۱۴۰ نمونه (۶۵ مرد متأهل و ۷۵ زن متأهل) که به صورت تصادفی خوشبای انتخاب شده بودند، اجرا گردید. بر اساس نتایج بدست آمده، رابطه همبستگی مثبت و معنادار بین حیای منفی (از جمله که‌رویی) و ناسازگاری‌های زناشویی وجود دارد. بین حیای از خدا و حیای از خود و ناسازگاری‌های زناشویی همبستگی منفی و معنادار به دست آمد. همان‌طور که حیای زنان به طور معنادار بیش از مردان بود، حیای آنان ارتباط بیشتری نسبت به حیای مردان، با ناسازگاری زناشویی نشان داد که این مطلب همسو با برخی تحقیقات تجربی پیشین و تعالیم دین اسلام است.

کلیدواژه‌ها: حیا، حیای مثبت، حیای منفی، ناسازگاری‌های زناشویی، تعارض زناشویی.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی (مؤسسۀ امام)، سطح چهار حوزه علمیه، استاد سطح عالی حوزه علمیه قم (دانشیار غیر هیئت‌علمی) mahdi.abbasi202@gmail.com

تبیین رابطه نفس و بدن بر اساس مراتب عوالم وجود

محمدمهری عباسی آغوش^۱

رابطه نفس و بدن و چگونگی آن از مسائل مهم فلسفه و نیز روان‌شناسی است. مسئله‌ای که از دیرباز مطرح بوده و پاسخ‌های گوناگونی را از اندیشمندان مختلف به خود دیده است. برای دست‌یابی به مکتب روان‌شناسی اسلامی بی‌تردید باید در مسئله نفس و بدن به پاسخی درخور دست یافت. دو سؤال مهم‌تر در این زمینه آن است که آیا انسان یک وجود است یا دو وجود و اگر یک وجود است چگونه بدن و نفس که یکی مادی و دیگری مجرد است در یکدیگر اثر می‌گذارند؟ در پاسخ برخی یگانه‌انگار و برخی دیدگاه‌ها دوگانه‌انگار شده‌اند. ضمن اشاره به دیدگاه‌های مختلف در روان‌شناسی، فلسفه غرب و فلسفه اسلامی (مشائیان، اشراقتیان و متاآلهان) با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی هر کدام پرداخته‌ایم. با نقد دیدگاهی که انسان را دارای دو نفس انسانی و نباتی می‌داند به دیدگاه جدیدی دست یافته‌ایم. انسان دارای سه مرتبه مادی، نفسانی و عقلانی است که هر یک معادل هر یک از عوالم سه‌گانه وجود است. انسان اکنون در هر سه عالم با هر مرتبه حضور دارد و موانعی باعث شده توجه به حضور در عوالم دیگر نداشته باشد. مراتب در عین مغایرت یک وجود را به گونه وحدت در کثرت تشکیل داده‌اند و این شئون در هم تأثیر و تأثیر دارند.

کلیدواژه‌ها: رابطه نفس و بدن، روان و تن، مراتب نفس، عوالم وجود، تجرد نفس.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی (مؤسسه امام)، سطح چهار حوزه علمیه، استاد سطح عالی حوزه علمیه قم (دانشیار غیر هیئت‌علمی) mahdi.abbasii202@gmail.com

اعتباریابی و رواسازی آزمون جهت‌گیری مذهبی در دانش آموزان دبیرستانی

حمید مهدیزاده^۱، حسن تقیان^۲، مسعود آذربایجانی^۳

هدف: پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی و رواسازی آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام در نوجوانان دبیرستانی، انجام شد.

روش‌ها و ابزار: بدین منظور، نخست روایی محتوایی و صوری آزمون جهت‌گیری مذهبی، طی مراحل گوناگون شامل ارجاع آزمون به کارشناسان دین‌شناس دارای تخصص روان‌شناسی، مشورت با اساتید روان‌سنجی و روش تحقیق و نیز اجرای آزمایشی بررسی شد. پس از حصول اطمینان از اعتبار شکل و محتوای آزمون، آزمون جهت‌گیری مذهبی، اجرا شد. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر قم (۱۵-۲۰ سال) بودند. ۵۷۸ نفر به روش نمونه‌گیری خوش‌هایی چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابزار این پژوهش عبارت بود از آزمون جهت‌گیری مذهبی و آزمون سبک زندگی اسلامی. داده‌ها، با روش تحلیل عاملی اکتشافی با شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی و تحلیل مانوا تحلیل شدند.

یافته‌ها: بررسی روایی محتوایی و صوری به اصلاح ۲ سؤال و حذف ۳ سؤال نامناسب برای نوجوانان انجامید. ضریب آلفای کرونباخ آزمون برابر با ۰/۹۱ بودست آمد. تعداد عوامل در نمونه جمعیت نوجوان دارای ۴ عامل است که برخلاف نسخه اصلی و اجرشده در میان بزرگسالان است که مشتمل بر دو عامل بود. این عامل‌ها ۳۴ درصد واریانس جهت‌گیری مذهبی در نوجوانان را تبیین کرد. در نتیجه تحلیل عاملی، ۱۴ سؤال به عنوان سؤال‌های نامناسب حذف شدند. روایی همزمان آزمون جهت‌گیری مذهبی با آزمون سبک زندگی اسلامی نیز (۷۰/۰)، از طریق ضریب همبستگی پیرسون، به دست آمد.

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه؛ عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی. amirmahdizeh@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری سنجش آموزش دانشگاه تهران و عضو هیئت‌علمی جامعه المصطفی العالمیه.

۳. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی.

نتیجه‌گیری: با توجه به روایی عاملی، روایی همگرا و پایابی مناسب آزمون جهت‌گیری مذهبی در میان نوجوانان، استفاده از آن در پژوهش‌های مربوط به نوجوانان توصیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری مذهبی، اعتباریابی، رواسازی، سنجش دین‌داری، روان‌شناسی اسلامی.

ارتباط معنا و سبک زندگی در گستره قرآن کریم و مقایسه آن با دیدگاه ویکتور فرانکل

محمد عجمین،^۱ ابوالقاسم بشیری، رحیم ناروئی

پژوهش حاضر باهدف بررسی ارتباط معنای زندگی با سبک زندگی از نگاه قرآن کریم و مقایسه آن با دیدگاه ویکتور فرانکل، انجام شد. روش این پژوهش در متون دینی، روش اجتهادی بوده و در بررسی دیدگاه فرانکل از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد: معنای زندگی از دیدگاه قرآن کریم، دارای سه نوع مؤلفه‌ی شناختی، نگرشی و انگیزشی است. ارتباط این معنا با شاخص‌های سبک زندگی، در چهار محور ارتباط با خود، خدا، انسان‌های دیگر و طبیعت، حیطه سبک زندگی اسلامی را نشان می‌دهد. معنای زندگی از دیدگاه فرانکل، بر دو نوع مؤلفه شناختی و رفتاری استوار است. در دیدگاه وی ارتباط معنای زندگی و سبک زندگی با نفی سبک‌هایی چون لذت طلبی، سبک زندگی مبتنی بر توجه به بیرون از خود را تأیید می‌کند. این دو دیدگاه علاوه بر اختلاف در مبانی انسان شناسانه، در چیستی و چگونگی کشف معنا و ارتباط آن با سبک زندگی با یکدیگر اختلاف دارند.

کلیدواژه‌ها: زندگی، معنای زندگی، سبک زندگی، قرآن کریم.

نقش سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی شادکامی در بین دانشجویان و طلاب شهر قم

احمد عرفانی^۱ حسین رادمرد^۲ امین رحمتی^۳ رضا وظیفه‌مند^۴

شادکامی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های بهزیستی روانی است. شادکامی احساس مثبتی است که آسیب‌پذیری در برابر ناکامی، نالمیدی و عاطفه منفی را کاهش می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی شادکامی انجام شده است. با توجه به جامعه آماری این پژوهش که شامل دانشجویان و طلاب شهر قم بود، ۴۱۵ آزمودنی از دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد قم، دانشگاه قم، دانشپژوهان موسسه امام خمینی (ره)، طلاب جامعه‌الزهرا و تعدادی از طلاب مدارس حوزه علمیه قم با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و پرسشنامه سبک زندگی اسلامی (کاویانی، ۱۳۹۰)، مقیاس تجدید نظرشده جهت‌گیری دینی (هیل، ۱۹۹۹) و مقیاس شادی فاعلی (لیوبومرسکی و لپر، ۱۹۹۹) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون چند متغیره، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری مذهبی، با شادکامی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر آن بود که متغیرهای سبک زندگی اسلامی و جهت‌گیری مذهبی می‌توانند واریانس متغیر شادکامی را پیش‌بینی و تبیین نمایند. (P<0/10).

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، جهت‌گیری مذهبی، شادکامی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت.

فطرت: چیستی و چگونگی تأثیر آن بر ویژگی‌های افراد

رضا وظیفه‌مند^۱

فطرت از مقوله‌های بحث‌انگیز و کانون توجه انسان‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان است تا جایی که فطرت را «ام المعارف مسائل انسانی» دانسته‌اند. هدف از تحقیق حاضر، «تصویف چگونگی تأثیر فطرت بر ویژگی‌های افراد» است. این تحقیق از نوع بنیادی است که اطلاعات آن به روش توصیفی- تحلیلی استخراج، دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل شده است. نتایج حاصل نشان داد که انسان‌ها دارای ظرفیتی ویژه به نام فطرت الهی هستند که گرچه در نگاه اول می‌تواند ذیل مبحث عوامل تشکیل‌دهنده شخصیت انسان وارد مباحث روان‌شناسی گردد؛ اما درنهایت نتوانست سهمی متفاوت از سایر عوامل به خود اختصاص دهد. تأثیر فطرت بر ویژگی‌های انسان نیز بدین گونه است که دارا بودن استعدادی ویژه به نام فطرت او را از موجوداتی همچون ملائک و حیوانات متمایز می‌کند؛ اما این گونه هم نیست که نوع انسان‌ها به سبب دارا بودن چنین ظرفیتی، تفاوتی در ویژگی‌های فردی (چیزی که در روان‌شناسی شخصیت به دنبال آن هستیم) با یکدیگر نداشته باشند. و مفهوم «تفاوت در شدت و ضعف استعدادهای فطری» و «انحراف فطرت» می‌توانند تبیین کننده ویژگی‌های منحصر به فرد انسان‌ها باشند. در انتهای مقاله نیز به عنوان یک مصدق و کار عملی در جهت چگونگی تبیین تأثیر فطرت بر ویژگی‌های انسانی، موضوع «وجدان اخلاقی» را بررسی فطری یا اکتسابی بودن آن، آغاز و به بیان منشاء تفاوت افراد در این ویژگی پرداختیم.

کلیدواژه‌ها: فطرت، شخصیت، وجدان اخلاقی، انحراف فطرت، غریزه.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت Vazifehmand59@gmail.com

پیش‌بینی خودمهارگری بر اساس روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی به خدا در مردان و زنان متأهل شهرستان لنگرود

رضا وظیفه‌مند^۱، امین‌رحمتی^۲، حسین رادمرد^۳، احمد عرفانی^۴، محمد فرهوش^۵

«خودمهارگری» به عنوان توانایی عالی انسانی برای یک زندگی ارزشمند، امری اجتناب‌ناپذیر است. خودمهارگری توانایی تنظیم و مهار تعمدی، هشیار و نیازمند به تلاش تمایلات، رفتارها، افکار و هیجانات خویش، به گونه‌ای که مستلزم متوقف نمودن هدفی برای رسیدن به هدفی با سودمندی طولانی‌مدت‌تر و رساندن خود تا حد معیارهایی چون آرمان‌ها، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی می‌باشد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه و دلبستگی به خدا با خودمهارگری بود. بدین منظور ۳۹۰ آزمودنی از میان کلیه زنان و مردان متأهل شهرستان لنگرود با روش نمونه‌گیری خوش‌های چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۸)، دلبستگی به خدا (روات و کرک پاتریک، ۲۰۰۲) و خودمهارگری (تانجنی و همکاران، ۲۰۰۴) پاسخ دادند. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش، از روش‌های اماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که خودمهارگری با دلبستگی اینم به خدا رابطه معنادار مثبت و با دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی به خدا رابطه معنادار منفی دارد. همچنین خودمهارگری با روان‌بنه ایشار رابطه معنادار منفی و با سایر روان‌بنه‌ها رابطه معنادار مثبت دارد. دلبستگی اضطرابی و روان‌بنه‌های شرم، ایشار، اطاعت، بی‌اعتمادی، بازاری هیجانی، عیب‌جویی افراطی و استحقاق به طور معناداری، خودمهارگری را پیش‌بینی کردند. (P<0/۱۰).

کلیدواژه‌ها: روان‌بنه‌های ناسازگار اولیه، دلبستگی به خدا، خودمهارگری.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت Vazifehmand59@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت h.r1360@yahoo.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

پیش‌بینی تابآوری فردی بر اساس ابعاد تصور از خدا با واسطه‌گری کارکرد خانواده در معلمان استان خراسان جنوبی

رضا وظیفه‌مند^۱، امین رحمتی^۲، حسین رادمرد^۳، احمد عرفانی^۴، محمد فرهوش^۵

«تابآوری» نقش مهمی در مقاومت موفقیت‌آمیز اعضای خانواده در برابر موقعیت‌های چالش‌برانگیز داشته و عاملی مهم برای حل مشکلات و غلبه بر آن‌هاست. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای کارکرد خانواده در رابطه تصور از خدا با تابآوری است. بدین منظور ۳۸۶ نفر از معلمان استان خراسان جنوبی با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه تصور از خدا (لانسنس، ۱۹۹۷) مقیاس تابآوری (کانر و دیوبیدسون، ۲۰۰۳) و مقیاس کارکرد خانواده مک‌مستر (۱۹۸۳) استفاده شد. نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که بین همه خرده مقیاس‌های تصور از خدا با تابآوری رابطه مثبت معنادار و با کارکرد ناسالم خانواده رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که تابآوری توسط تصور از خدا قابل پیش‌بینی است و ۴۱/۹ درصد از واریانس آن را تبیین می‌کند. نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که قدرت پیش‌بینی کنندگی تابآوری مربوط به سه خرده مقیاس تصور حضور، محبت و خیرخواهی خدا می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اصلی پژوهش، طبق روش بارون و کنی (۱۹۸۶) نیز نشان داد که کارکرد خانواده رابطه هریک از سه خرده مقیاس حضور، محبت و خیرخواهی با تابآوری را واسطه‌گری جزئی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تابآوری، تصور از خدا، کارکرد خانواده.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت Vazifehmand59@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت h.r1360@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

ارزیابی اثربخشی پروتکل درمانی قرآنی برای افسردگی سرشکستگی؛ یک مطالعه موردنی

فاطمه فیاض^۱، هادی بهرامی احسان^۲، احمد رضا اخوت^۳

افسردگی سرشکستگی، حالتی از یأس، ناکامی و احساس شکستی فراگیر نسبت به بینتیجه بودن عمل است که علت آن دارا بودن علم بیهوده و کار بیهوده، ضعف تفکر، ولايتناپذيری، فقدان باور به روز حساب و بیرغبتی در تعییر باورها و کسالت است و منجر به ايجاد احساس نارضایتی، سرشکستگی و نامیدی از تعییر میشود. سه واژه غاشیه، خاشعه و عامله ناصبه واژگان افسردگی در سوره غاشیه‌اند که دو مورد اول نشانه‌ای و مورد آخر علی است. نشانگان بروز یافته در انواع شش گانه افسردگی از منظر قرآن تا حدود زیادی با يكديگر مشاهده دارند اما در فرایندهای علی متفاوت‌اند. درمان اختصاصی افسردگی به مداخلاتی می‌پردازد که بهطور خاص علتهای بروز نوع خاصی از افسردگی را برطرف می‌کند. در افسردگی سرشکستگی، عدم تفکر حقیقی در مورد رفتارها و بدون پشتونه بودن اعمال در مواجهه با ناکامی موجب فراگیر شدن وضعیتی می‌شود که در آن انسان همه اعمال خود را بربادرفته دیده، احساس شکست و ناتوانی می‌کند و رضایتی از اعمال خود احساس نمی‌کند به‌این ترتیب در غم و اندوه فرو می‌رود. محوریت درمان در افسردگی سرشکستگی فعال کردن تفکر به نحوی است که از عجله یا کندی در انتخاب اهداف در زندگی اذیک طرف و انتخاب مسیرهای رسیدن به اهداف از طرف دیگر جلوگیری کرده و فرد را در توان برنامه‌ریزی مبتنی بر قصدهای اخروی توانمند سازد.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان داد، بسته درمانی قرآنی برای اختلال سرشکستگی توانست موجب کاهش قابل توجه نشانه‌های اختلال افسردگی سرشکستگی و هم‌چنین نمرات آزمون بک شود. این بسته درمانی هم‌چنین توانست اثرات مثبت درمان را حداقل تا سه ماه پس از اتمام مداخله حفظ کند.

نتیجه‌گیری: مداخلاتی که بر لزوم رفع ریشه‌های علی اختلال تأکید می‌کند، دارای اثرات پایدارتری نسبت به

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران fatemeh.fayyaz@gmail.com

۲. دانشیار روانشناسی، دانشگاه تهران

۳. پژوهشگر قرآن، دانشگاه تهران

دیگر مداخلات متمرکز بر نشانه‌ها هستند. کوتاه‌مدت بودن، اختصاصی بودن و اثربخش بودن این بسته درمانی برای اختلال افسردگی از نقاط قوت آن در مقایسه با دیگر مداخلات محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: افسردگی سرشکستگی، افسردگی، قرآن، درمان اختصاصی.

افسردگی از منظر قرآن کریم؛ پیشنهاد چار چوب‌های تشخیصی

فاطمه فیاض^۱، هادی بهرامی احسان^۲، احمد رضا اخوت^۳

اختلال افسردگی یکی از رایج‌ترین اختلالات روانی در بین جمعیت عمومی است که مدل‌های نظری بسیاری را در علم روانشناسی به خود اختصاص داده است. متأسفانه در مورد ریشه‌ها و فرایندهای زیرینایی این اختلال، هنوز توافقی بین نظریه‌پردازان به وجود نیامده است. در این اختلال، فرآگیر شدن غم و اندوه و فقدان لذت، فرد را به سمت نالمیدی و پوچی، اختلال در برنامه‌های زندگی، کسالت، کندی و تغییرات جسمانی پیش می‌برد و زمینه رشد و حرکت را از فرد سلب می‌کند. یکی از منابع قابل اتکای نظریه‌پردازی، رجوع به وحی یعنی متقن تربین منبع فهم حقیقت در عالم است. ناتوانی در کشف کامل علتها و عوامل زیرینایی انواع اختلالات و تمرکز بر مطالعه موضوعات همبسته و وابسته، از محدودیت‌های علوم انسانی است که رجوع به وحی می‌تواند آن را رفع نموده و با ایجاد تصویری جامع و مانع از مفاهیم، تسهیل‌گر تدوین چارچوب‌های نظری جدید باشد. هدف از این مطالعه، فهم اختلال افسردگی از منظر قرآن کریم و تدوین صورت‌بندی تشخیصی مبتنی بر آن بود.

نتایج: ۱۴ واژه به دست آمده برای اختلال افسردگی در قرآن کریم در شش سوره مربوطه، مطالعه شدند و شش نوع افسردگی همراه با فرایندهای منحصر به فرد مفهوم‌پردازی شدند. این شش نوع که از سوره‌های غاشیه، فجر، طه، عبس، مطوفین و محمد ص به دست آمدند به ترتیب شامل افسردگی سرشکستگی، افسردگی ناشی از حقارت، افسردگی معنوی، افسردگی مقایسه‌ای-ازدواگریانه، افسردگی تطفیفی و افسردگی ولايت ستیزانه نام‌گذاری شدند. در هر یک از این انواع، رابطه فرد با موضوعی خاص شامل خود، خدا، پدیده‌ها، دوستان، دیگران و ولی (مرجع باید و نباید) دچار اختلال می‌شود. بر اساس مدل ساختار وجودی انسان (اخوت، ۱۳۸۹) مؤلفه‌های این انواع، دسته‌بندی شدند و در مرحله بعد ساختار تشخیصی آن‌ها به دست آمدند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، افسردگی سرشکستگی، افسردگی ناشی از حقارت، افسردگی معنوی، افسردگی ازدواگری، افسردگی تطفیفی، افسردگی ولايت ستیزانه.

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران fatemeh.fayyaz@gmail.com

۲. دانشیار روانشناسی، دانشگاه تهران

۳. پژوهشگر قرآن، دانشگاه تهران

نقش میانجی خودکارآمدی و تابآوری در رابطه‌ی هوش معنوی و رضایت از زندگی دانش آموزان دبیرستانی شهر قم

محمد فرهوش^۱

هدف این پژوهش، بررسی نقش واسطه‌ای خودکارآمدی و تابآوری در رابطه‌ی هوش معنوی و رضایت از زندگی بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانش آموزان دبیرستانی شهر قم بود. بدین منظور ۲۶۹ نفر از دانش آموزان به روش طبقه‌ای (۱۲۷ پسر و ۱۴۲ دختر) انتخاب شدند و پرسشنامه‌های رضایت از زندگی (دینر، ۱۹۸۵)، هوش معنوی (عبداللهزاده، ۱۳۸۸)، خودکارآمدی (شر، ۱۹۸۲) و تابآوری (کونور و دیویدسون، ۲۰۰۳) را تکمیل کردند. در تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی، تحلیل مسیر بر اساس مدل بارون و کنی و نرم افزار spss24 و Amos24 استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رضایت از زندگی با هوش معنوی ($0/24$) و خودکارآمدی ($0/42$) و تابآوری ($0/72$) رابطه‌ی معنادار ($P<0/00$) داشت و رابطه‌ی هوش معنوی و رضایت از زندگی را خودکارآمدی و تابآوری واسطه‌گری نکردند، از آنجاکه هوش معنوی به طور مستقیم ($0/28$) تأثیر داشت، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده متغیرهای واسطه‌ی دیگری در رابطه‌ی هوش معنوی و رضایت از زندگی بررسی شوند.

کلیدواژه‌ها: رضایت از زندگی، هوش معنوی، میانجی گری خودکارآمدی و تابآوری.

نقش خوشبینی سرشتی و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی رضایت از زندگی در بین دانشجویان و طلاب شهر قم

حسین رضائیان بلندی^۱، امین رحمتی^۲، محمد سعید نصر اصفهانی^۳

با تغییر رویکرد علم روان‌شناسی از تمرکز بر آسیب‌شناسی به سوی جنبه‌های مثبت انسان، شناسایی عوامل مرتبط با رضایت از زندگی و تعیین نقش خوشبینی سرشتی و باورهای مذهبی دارای اهمیت می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خوشبینی سرشتی و جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی رضایت از زندگی انجام شده است. بدین منظور ۳۸۰ آزمودنی از جامعه طلاب و دانشجویان قم به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های جهت‌گیری زندگی (شییر و کارور، ۱۹۸۵)، جهت‌گیری مذهبی (هیل، ۱۹۹۹) و رضایت از زندگی (بیانی و گودرزی، ۱۳۸۶) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss و روش آماری همبستگی و رگرسیون چند متغیره، تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که بین خوشبینی سرشتی و جهت‌گیری مذهبی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این ترتیب، با افزایش نمره در خوشبینی سرشتی و جهت‌گیری مذهبی، نمرات رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای پیش‌بین از توان خوبی برای پیش‌بینی رضایت از زندگی برخوردار هستند. با در نظر گرفتن نتایج فوق به نظر می‌رسد جهت افزایش رضایت از زندگی، برنامه‌هایی برای تقویت و ترویج سازه‌های مثبتی همچون خوشبینی و باورهای مذهبی، بسیار ضروری است. **کلیدواژه‌ها:** خوشبینی سرشتی، جهت‌گیری مذهبی، رضایت از زندگی.

۱. نویسنده مسئول: کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) @h.rezaeian@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی اسلامی مؤسسه عالی اخلاق و تربیت

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

اختیار تعمیم‌یافته و بسیط در تحول اخلاقی

محمد رضا کیومرثی اسکویی^۱

عوامل و موانع تحول در اخلاق از مسائل مهم علم اخلاق و تربیت می‌باشد. در این بین آنچه کمتر مورد توجه است ویژگی اثربخشی عنصر اختیار است. عمل اختیاری انسان را می‌توان در قالب «عمل صالح» در قرآن تحلیل کرد. فارغ از عوامل اولیه ایجاد انگیزه برای یک عمل صالح، مانند آموزش و تربیت، آن جهه در تداوم یک رفتار اخلاقی و نیز تعمیم‌پذیری آن به سایر صفات اخلاقی مؤثر است ویژگی ارادی بودن و از روی اختیار انجام دادن یک عمل اخلاقی است. نکته حاصل از این مقاله نشان می‌دهد که انجام اختیاری اعمال صالح، از یکسو به تقویت و تداوم همان عمل منجر می‌شود. از سوی دیگر اراده‌ی عادت شده، حداقل در برخی صفات اخلاقی، به سایر صفات توسعه می‌باید. یعنی دارنده یک صفت اخلاقی خاص، در صورت تکرار و تداوم، سایر صفات اخلاقی را هم به سوی خود جلب خواهد کرد. تعمیم‌پذیری اختیار، شامل تحول منفی در صفات ضد اخلاقی نیز می‌باشد. به عنوان مثال صفت صالح «ذکر» و «هوای نفس» به عنوان مصادیق هر دو گروه بررسی شده است. پژوهش‌های سابق، قرآن و عمدتاً تفاسیر در این زمینه مطالعه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: خلق، تحول اخلاقی، عمل صالح، اختیار بسیط، اختیار تعمیم‌یافته.

۱. دکترای مدرسی معارف گراشیش اخلاق. عضو هیئت‌علمی دانشگاه قرآن و حدیث. kioomarsy@yahoo.com

رابطه نگرش دینی، مهارت‌های ارتباط بین فردی با تابآوری در سربازان

سعید سالاری مقدم^۱، محمدرضا احمدی^۲، علیرضا رنجبر^۳

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه سطح دینداری، مهارت‌های ارتباط بین فردی با تابآوری سربازان یکی از پادگان‌های نظامی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. به همین منظور با استفاده از جامعه آماری پژوهش، نمونه‌ای به تعداد ۲۰۰ آزمودنی انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵)، مهارت‌های ارتباط بین فردی منجمی‌زاده (۱۳۹۱) و تابآوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد ابعاد دینداری با روابط بین فردی و تابآوری ارتباط مثبت معنادار دارند و برخی ابعاد دینداری پیش‌بینی کننده‌ی خوبی برای تابآوری می‌باشند. همچنین نتایج نشان داد که بین مهارت‌های ارتباط بین فردی و تابآوری رابطه مثبت معنادار وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: دینداری، مهارت‌های ارتباط بین فردی، تابآوری، سربازان.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
saeedsalari110@gmail.com

۲. استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

تبیین مدل عملکردی خودمهارگری بر اساس منابع اسلامی

حمید رفیعی هنر انوید خاکبازان

خودمهارگری یک سازه روان‌شناسی است که در شاخه‌های مختلف روان‌شناسی همچون شخصیت، تحولی، اجتماعی و بالینی نمود یافته و حیطه‌های روان‌شناسی سازمانی، تربیتی و دین نیز از این موضوع بهره‌های مختلفی برده‌اند. با این حال به اعتقاد پژوهشگران، همچنان چالشی در زمینه شکل‌گیری و عملکرد خودمهارگری وجود داشته و مشخص نیست خودمهارگری، چگونه بازداری‌ها را به راه انداخته، و فرد چگونه از طریق این فرآیند، به تنظیم افکار، رفتار و تمایلات خود می‌پردازد؟ علاوه بر این، خودمهارگری پیوند عمیقی با دین و اخلاق داشته که در آموزه‌های ادیان به شدت بدان پرداخته شده، اما او لاً به اعتقاد روان‌شناسان آنچه هنوز در زمینه خودمهارگری مبهم باقی مانده، سازه «خودمهارگری معنوی» بوده؛ ثانیاً پایه اطلاعات فعلی بر اساس آموزه‌های مسیحیت و یهود بوده و از آموزه‌های غنی دین اسلام کمتر سخن به میان آمده است. بنابراین ضرورت تبیین مدل اسلامی در تبیین نحوه عملکرد خودمهارگری نمایان می‌شود.

پژوهشگران در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر اساس «سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی» (رفیعی هنر، جان‌بزرگی و دیگران، ۱۳۹۳) به ارائه یک مدل پیشنهادی در «عملکرد خودمهارگری» پرداخته و آن را در ضمن دو فضیلت اخلاقی «عفت» و «حلم» تبیین نموده‌اند.

یافته‌ها حکایت از آن دارد که مدل عملکردی خودمهارگری اسلامی یک مدل سیستمی با دو فرآیند پس‌خوراندی است که از طریق آن، نحوه برانگیخته شدن تکاش‌های وسوسه‌انگیز و نحوه مهار و تنظیم آن‌ها توصیف می‌شود. در طی فرآیند اول، اولین درون داد، «کشش درونی به انجام یا ترک یک فعالیت» (وسوسه) است. فرد پس از مواجهه با یک وسوسه، آن را با «معیار» مورد پذیرش موردنسبتش قرار داده؛ در صورتی که مخالف معیارهایش باشد؛ «انگیزش‌های مهارکننده» در روان او فعال گشته و در نتیجه، خود را از آن وسوسه بازمی‌دارد. اما با توجه به دشواری‌های مهار، مجددًا وسوسه‌های مبنی بر ترک خودمهارگری در روان فرد فعال گشته که زمینه‌ساز فعالیت فرآیند دوم خودمهارگری خواهد بود. در فرآیند دوم، فرد پس از «مقایسه مجدد» وضعیت موجود با معیار بالادستی خود (هدف متعالی)؛ به فعال سازی

«انگیزش تداوم بخش»(صبر) اقدام نموده و این بار، برونداد سیستم، «تداوم مهار» خواهد بود که موجب پایداری این عمل گشته، و از این طریق روان فرد نسبت به مهار و تنظیم تمایلات ثبات خواهد یافت.
به وسیله مدل عملکرد خدمهارگری اسلامی، می‌توان نحوه عملکرد فضایل و رذایل اخلاقی را تبیین نموده و بر اساس آن به طراحی الگوهای کارآمد در حفظ تعادل روانی و تعالی یافتن انسان اقدام کرده و از قبل آن به تبیین «انسان سالم» و «انسان متعالی» پرداخت.
کلیدواژه‌ها: خدمهارگری، مدل عملکردی.

درآمدی بر فلسفه رفتارگرایی و نقد آن

محمد زارعی توبخانه^۱، مسعود آذری‌جانی^۲، محمد تقی موحد ابطحی^۳

پژوهش حاضر با هدف بررسی فلسفه رفتارگرایی به رشتہ تحریر درآمده است. روش پژوهش، تحلیل محتوا است که بر اساس آن، متون روان‌شناسی و منابع اسلامی مرتبط مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از تحلیل متون مذکور حکایت از آن دارد که رفتارگرایی با پذیرش جسمانی‌نگری، فلسفه پوزیتیویستی و دیدگاه داروینیسم، کنشی‌نگری آمریکایی و با ارائه اصول پدیده‌گرایی، محیط‌گرایی و عملیات‌گرایی، پدیده‌های مشاهده‌پذیر را معتبر می‌داند و پدیده‌های درون ارگانیزمی را نادیده می‌گیرد. بدین ترتیب ذهن، سیستم عصبی، مذهب و مفاهیم مرتبط با آن را نادیده می‌گیرد. انتقادات اساسی رفتارگرایی را می‌توان در ناتوانی در فرازوه، ناتوانی در تحلیل، ناتوانی علی، ناتوانی در تحلیل ادراک کلی، رد درون‌نگری، بی‌توجهی به فطریات و عملیات‌گرایی افراطی دانست. این مکتب با انکار متفاوتیک، دیدگاه ماتریالیستی به انسان، محدود کردن مطالعه به رفتار آشکار، نادیده گرفتن مسئولیت فردی در تعیین سرنوشت و نادیده گرفتن معرفت فلسفی و وحیانی از آموزه‌های اسلامی جدا می‌شود و در مسائلی مانند: اهمیت یادگیری، اهمیت محیط و تربیت، اهمیت دستورات رفتاری در مسائل تربیتی، فردی، خانوادگی و اجتماعی، استفاده از تقویت‌کننده‌ها با متون دینی همسوی دارد. همچنین، در مفروضه‌های انسان‌شناسی مانند عدم دیدگاه بدینانه به ماهیت انسان، تأثیرپذیری بیشتر از محیط، تغییرپذیری و شناخت‌پذیر بودن با متون اسلامی همسوی دارد.

کلیدواژه‌ها: فلسفه رفتارگرایی، مذهب، پوزیتیویسم، انسان‌شناسی.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mohammad1358z@gmail.com

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mazarbayejani@rihu.ac.ir

۳. دکتری فلسفه علوم و فناوری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی smtmabtahi@gmail.com

معناشناسی محبت و واژگان مرتبط در قرآن کریم و مقایسه‌ی آن در نظریات مطرح روانشناسی

جعفر علی‌گلی فیروزجایی^۱، عباسعلی شاملی، امین رحمتی

توجه مثبت و محبت نیاز بنیادین انسان است و سلامت روان به دریافت بهموضع و به اندازه محبت، بهویژه در کودکی بستگی دارد. شالوده ادیان توحیدی بهویژه اسلام بر محبت بنا شده است. هدف از این تحقیق معناشناسی مفهوم محبت و واژگان مرتبط در قرآن کریم و متون عربی و مقایسه‌ی آن در نظریات مطرح روانشناسی است. اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. غیر از محبت واژگان دیگری مانند مودت و رحمت نیز این مفهوم را می‌رسانند. واژه‌ی «محبت» نزدیکترین و شدیدترین معنا را در مفهوم توجه مثبت و علاقه‌ی قلبی نشان می‌دهد. این معنا در «مودت» باشد کمتر و برخواسته از مصلحت و حکمت است همچنین طرف مقابل آن را دریافت و احساس می‌کند. «رحمت» نوعی توجه مثبت، پذیرش و مهربانی است که بر فرد نیازمندی ابراز می‌شود. نظریات مطرح روانشناسی «محبت» را به عنوان نیاز اولیه انسان مطرح می‌کنند این محبت می‌باشد ابراز شود که نزدیک به معنای «مودت» در قرآن است. همچنین پیش از ابراز محبت انسان‌ها نیازمند پذیرش و توجه مثبت هستند تا احساس تعلق به شکل باثبات در فرد شکل گیرد و این مفاهیم نزدیک به معنای «رحمت» هستند. درنتیجه هر یک از واژگان در قرآن بر محدوده‌ی معنایی مشخصی دلالت دارند که جایگاه دقیقی در جمله را نیازمند هستند.

کلیدواژه‌ها: محبت، رحمت، مودت، توجه مثبت، معناشناسی.

تبیین رابطه نفس و بدن بر اساس منابع اسلامی (با تأکید بر نظر ملاصدرا): بیان رویکردها و تحلیل روان‌شناختی

رحیم ناروئی نصرتی^۱

پژوهش حاضر به هدف تبیین نحوه رابطه نفس و بدن بر اساس منابع اسلامی با تأکید بر نظر ملاصدرا رویکرد به همراه تحلیلی روان‌شناختی انجام شده است. بدین منظور به قرآن، روایات و نقطه نظرات اندیشمندان مسلمان بهویژه ملاصدرا و همچنین ادبیات مسئله در دانش روان‌شناسی مراجعه گردید. یافته‌ها در دو گستره روان‌شناسی و رویکرد اسلامی به کمک روش توصیفی- تحلیلی مقایسه و تجزیه و تحلیل گردید. نتایج نشان داد مسئله نحوه تأثیرگذاری نفس و بدن و یا روان و مغز با یکنکه به صورت گستردگی در روان‌شناسی و منابع اسلامی از آن بحث شده است، اما همچنان این بنیادی‌ترین مسئله فلسفه، روان‌شناسی و روان‌پژوهشی به صورت حل نشده، بلکه به نظر دیوبدام و لف لاینحل باقی مانده است.

همچنین با دقت در منابع اسلامی به خصوص نقطه نظرات اندیشمندان مسلمان بهویژه ملاصدرا به دست آمد که رابطه از طرف نفس با بدن با نحوه رابطه از طرف بدن با نفس، برخلاف برداشت عمومی از یک سخن یعنی تأثیر و تأثیری نیست بلکه این دو رابطه کاملاً با همدیگر متفاوت هستند. رابطه از طرف نفس با بدن که مرتبه پایین‌تری نسبت به نفس می‌باشد رابطه سببی - مسببی بوده و هر تغییری در نفس حتی اراده انجام یک فعالیت خاص، تفسیر یک چیز و حتی از نظر گذراندن چیزی، بدن را به نحو سببیت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما بدن چون صرفاً علت اعدادی و مادی برای نفس است، تغییرات بدن به نحو سببیت صرفاً نظام منسجم بدن را تغییر می‌دهد، ولی سبب برای تغییرات روانی ماهیت تعلقی نفس به بدن است نه دگرگون‌سازی‌های بدنی. پس دو سخن رابطه وجود دارد. ۱- رابطه تأثیری- تأثیری به عبارت دیگر سببی - مسببی که از طرف نفس به بدن اعمال می‌شود و ۲- رابطه از نوع همراهی و همبستگی که از طرف بدن با نفس برقرار است. بنابراین رابطه نفس و بدن بر اساس منابع اسلامی به خصوص نظر ملاصدرا برخلاف برداشت اندیشمندان، تعاملی نیست بلکه تأثیر و تأثیری از طرف نفس با بدن و همراهی و همبستگی از طرف بدن با نفس می‌باشد. در سایه چنین تبیینی مسائل مربوط به نفس و بدن و با یکنکه روان‌شناختی روان و مغز توجیهی روشن و

۱. عضو هیئت‌علمی مؤسسه امام خمینی (ره)؛ گروه روان‌شناسی rnarooei@yahoo.com

قابل انطباق بر مصادیق مختلف می‌یابد و امور متعدد تاکنون حل نشده حلی مناسب می‌یابد.
کلیدواژه‌ها: نفس، بدن، منابع اسلامی، ملاصدرا، ماهیت تعلقی، رابطه تأثیر و تأثری، رابطه همبستگی.

چشم انداز شکل گیری روان‌شناسی بر اساس مبانی قرآنی: رویکرد مقایسه‌ای – تحلیلی

رحیم ناروئی نصرتی^۱

پژوهش حاضر به هدف ارائه چشم‌اندازی از روان‌شناسی اسلامی بر اساس مبانی قرآنی در مقایسه با رویکردهای عمدۀ روان‌شناسی به انجام رسید. بدین منظور به منابع اسلامی بهخصوص قرآن مراجعه شد. مبانی روان‌شناسی اسلامی در گستره هستی شناختی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، الهیاتی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی استخراج گردید. سپس این مبانی با مبانی روان‌شناسی موجود به روش توصیفی – تحلیلی مقایسه و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که روان‌شناسی اسلامی در شش بعد اساسی با روان‌شناسی موجود تفاوت بنیادین دارد: (الف) موضوع، (ب) عوامل و فرایندهای تغییر روان‌شناسی (ج) گستره (د) هدف (ه) مسائل (و) و روش بررسی.

کلیدواژه‌ها: چشم‌انداز، شکل گیری روان‌شناسی، مبانی، رویکرد مقایسه‌ای تحلیلی، ایمان (اذعان نفسانی).

۱. عضو هیئت‌علمی مؤسسه امام خمینی (ره)؛ گروه روان‌شناسی rnarooei@yahoo.com

بررسی فرآیند شکل‌گیری اختلال وسوسات-اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی

حسین علی‌پور^۱ رحیم ناروئی نصرتی^۲ محمد رضا احمدی^۳

هدف این پژوهش بررسی فرآیند شکل‌گیری اختلال وسوسات-اجباری طهارت و نجاست بر اساس منابع اسلامی است. بدین منظور این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شد که پس از طی فرایند منبع شناسی و دسته‌بندی منابع و سپس تدوین، تنظیم، طبقه‌بندی، تلخیص و بیان مفهوم انبوی از داده‌های گردآوری شده از این منابع و کاهش آن‌ها به بخش‌های قابل‌کنترل و تفسیر، مبانی نظری این اختلال از منابع اسلامی استخراج شده و در مرحله بعد از مبانی نظری به دست آمده، فرآیند شکل‌گیری این اختلال به دست آمد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بر اساس منابع اسلامی این اختلال دارای فرآیند شکل‌گیری شش مرحله‌ای بدین ترتیب است: ۱- قرار گرفتن در موقعیت وسوسات-اجباری طهارت و نجاست، ۲- انتخاب، ۳- وسوسه و اضطراب، ۴- تمایل به وسوس، ۵- انجام عمل وسوسی، ۶- بازگشت به ابتدای چرخه و قرار گرفتن در موقعیت وسوسات-اجباری طهارت و نجاست برای بار بعدی.

کلیدواژه‌ها: فرآیند شکل‌گیری، وسوسات-اجباری، طهارت و نجاست، منابع اسلامی.

۱. کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت h.alipoor555@gmail.com

۲. عضو هیئت‌علمی مؤسسه امام خمینی (ره)؛ گروه روان‌شناسی rnarooei@yahoo.com

۳. استادیار گروه روانشناسی مؤسسه علمی و پژوهشی امام خمینی (ره)، مدیر گروه رشته روانشناسی اسلامی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت. m.r.ahmadi313@gmail.com

الگوی امید بر اساس منابع اسلامی و طراحی برنامه درمانی آن

میبین صالحی^۱، عباس پسندیده^۲، مسعود جانبزرگی^۳، سید کاظم رسولزاده طباطبائی^۴

هدف از این پژوهش تدوین الگوی امید بر اساس منابع اسلامی و طراحی برنامه درمانی آن بود. از دو روش استفاده شد: روش توصیفی تحلیلی در گزاره‌های دینی (روش اجتهاد دانش دینی) برای تدوین الگوی امید و روش توصیفی برای بررسی روایی پروتکل درمانی. جهت بررسی محتوای پروتکل از ضریب تطابق کنдал و آزمون معناداری خی دو برای بررسی میزان تطابق و معناداری نظرات کارشناسان برای ارزیابی صحت برداشت‌های قرآنی و روایی و مطابقت فنون پیشنهادی پروتکل امیدرمانگری با اهداف هر جلسه استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مفهوم امید در رویکرد اسلامی دارای الگویی سه مؤلفه‌ای است که هر مؤلفه دو زیر مؤلفه دارد: عاملیت (عاملیت شخصی، عاملیت الهی)، اسباب (اسباب مادی، اسباب فرامادی)، هدف (هدف مادی، هدف توحیدی). همچنین محور در این الگو، هدفی توحیدی است. با توجه به نظر متخصصان تأثیرگذار بودن فنون پیشنهادی نیز بر این مؤلفه‌ها تأیید گردید. بر این اساس پروتکل امیدرمانگری اسلامی در ۸ جلسه گروه درمانی ۱۲۰ دقیقه‌ای تدوین شد. در این جلسات سه مؤلفه امید، موانع آن‌ها و راهبردهای رفع موانع و تقویت آن‌ها مطرح می‌گردد. در پایان پیشنهادهایی جهت استفاده پروتکل امیدرمانگری ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: امید، الگوی امید، امیدرمانگری اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: دکترای روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mobinsalehi@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث

۳. دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

فروزنده‌پروری اسلامی: اصول و کاربرد آموزه‌های اسلامی در تربیت فرزندان

مبین صالحی^۱

هدف از این پژوهش بررسی اصول فرزندپروری اسلامی و تدوین الگوی آن بر اساس متون اسلامی است. برای استخراج اصول فرزندپروری اسلامی و ساخت الگوی آموزشی آن از توصیف و تحلیل گزاره‌های دینی در منابع اسلامی، یافته‌های روان‌شناسی و تجربه بالینی استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند، علاوه بر اهدافی مانند افزایش آرامش در خانواده و تربیت رفتاری و شناختی کودک، هدف غایی فرزندپروری اسلامی، تعالی توحیدی کودک است. ابزار رسیدن به این هدف نیز شامل توصیه‌هایی مانند تکریم کودک و توجه به سن کودک و دو دسته از روش‌های افزایش رفتار مطلوب (مانند محبت به کودک، مقدم داشتن در توجه، تماس جسمی و تشویق و تحسین) و کاهش رفتار نامطلوب (مانند تعاقل، سرزنش و بی محلی کردن (هجر)) است. بر این اساس الگوی فرزندپروری اسلامی در ۵ جلسه گروهی ۹۰ دقیقه‌ای تدوین شد.

کلیدواژه‌ها: فرزندپروری اسلامی، تربیت توحیدی، روش‌های اصلاح رفتار، بسته آموزش فرزندپروری

بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سبک زندگی اسلامی (ILST) در نوجوانان دبیرستانی

حمید مهدیزاده^۱، جعفر بوالهری^۲، محمدرضا فلسفی نژاد^۳

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سبک زندگی اسلامی (ILST) در نوجوانان دبیرستانی، انجام شد.

روش‌ها و ابزار؛ بدین منظور، نخست روایی محتوایی و صوری آزمون سبک زندگی اسلامی، طی مراحل گوناگون شامل ارجاع آزمون به کارشناسان دین‌شناس دارای تخصص روان‌شناسی، مشورت با اساتید روان‌سنجی و روش تحقیق و نیز اجرای آزمایشی بررسی شد. پس از حصول اطمینان از اعتبار شکل و محتوای آزمون، آزمون سبک زندگی اسلامی اجرا شد. جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر قم (۱۵-۲۰ سال) بودند. نفر به روش نمونه‌گیری خوش‌هایی چندمرحله‌ای انتخاب گردیدند. ابزار این پژوهش عبارت بود از آزمون سبک زندگی اسلامی کاویانی و آزمون جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی. داده‌ها، با روش تحلیل عاملی و تحلیل مانوا تحلیل شدند.

یافته‌ها: بررسی روایی محتوایی و صوری به اصلاح ۱۲ سؤال و حذف ۹ سؤال نامناسب برای نوجوانان انجامید. ضریب آلفای کرونباخ آزمون برابر با ۰/۸۴ است. تعداد عوامل در نمونه جمعیت نوجوان همانند نسخه اصلی در میان بزرگسالان دارای ۹ عامل است، اما نام تعداد زیادی از عوامل متفاوت از نسخه اصلی آن است. این عوامل تحت عنوان عبادی، روشنفکری منفی، خودکنترلی، تعهد، ارتباط مثبت، خردورزی، دنیاخواهی، فعل بودن و بی‌تفاوتی با مشورت ۵ تن از اساتید نام‌گذاری شدند. این عامل‌ها ۳/۹۳ درصد واریانس سبک زندگی در نوجوانان را تبیین کرد. درنتیجه تحلیل عاملی، ۸ سؤال به عنوان سؤال‌های نامناسب حذف شدند. روایی همزمان آزمون سبک زندگی اسلامی نیز با آزمون جهت‌گیری مذهبی (۷/۰)، از طریق ضریب همبستگی پیرسون، به دست آمد.

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی و عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اسلامی. amirmahdizeh@yahoo.com

۲. استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳. دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

نتیجه‌گیری: با توجه به روایی عاملی، روایی همگرا و پایایی مناسب «آزمون سبک زندگی اسلامی-نسخه نوجوانان» (ILST-AV)، استفاده از آن در پژوهش‌های مربوط به نوجوانان توصیه می‌گردد.
کلیدواژه‌ها: سبک زندگی اسلامی، روان‌سنگی، سنجش دین، روان‌شناسی اسلامی، جهت‌گیری مذهبی.

تریبیت دو جنسیتی از دیدگاه اسلام

سیده زهرا موسوی^۱

تریبیت دو جنسیتی، یک نظریه تربیتی است که طبق آن فرد، به گونه‌ای تربیت می‌شود که ویژگی‌های زنانه و مردانه را توأم‌ان داشته باشد تا بتواند متناسب با موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد، مردانه یا زنانه رفتار کند. از آنجاکه ماهیت این دیدگاه به عنوان یک نظریه جدید تربیتی، چندان روشن نیست، لازم است ابتدا تبیین روشنی از آن صورت گیرد و سپس، موضع اسلام نسبت به این رویکرد تربیتی مشخص شود تا به عنوان معیاری جهت برخورد صحیح با آن در اختیار مسلمانان قرار گیرد. از این‌رو، پژوهش حاضر با توجه به منابع اسلامی و سایر منابع مربوط، از جمله روانشناسی و جامعه‌شناسی و ... با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی دیدگاه اسلام در خصوص جنسیت پرداخته است. در نهایت این نتیجه حاصل شد که اسلام انسان‌ها را از نظر ارزشی یکسان می‌داند، ولی قائل به تناسب میان جنس و نقش‌های جنسیتی است. به این معنا که هر جنس را دارای ویژگی‌هایی می‌داند که حق طبیعی او محسوب می‌شود و سعادت او در شکوفایی همان استعدادها و ویژگی‌ها است. برخی از این ویژگی‌ها از طریق نقش‌های جنسیتی شکوفا می‌شود که موجب سعادت فرد و جامعه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت دو جنسیتی، آنдрوزنی، نقش جنسیتی زن، نقش جنسیتی مرد، هویت جنسی.

درآمدی بر نظریه آلفرد آدلر با رویکرد دینی

محمد زارعی توپخانه^۱، مهناز یاری^۲، سمیه نادی ظفرآبادی^۳، مسعود جانبزرگی^۴

روان‌شناسی فردی آلفرد آدلر از نظریات مطرح روان پویشی است که تأثیر زیادی بر جامعه روان‌شناسی بر جای گذاشته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی جایگاه دین در نظریه آدلر و ارزیابی این نظریه بر اساس متون اسلامی به رشته تحریر در آمده است. روش پژوهش، تحلیل محتوا است که منابع اسلامی و متون روان‌شناسی مرتبط با آن مطالعه و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس روان‌شناسی فردی، مذهب و معنویت در رشد شخصیت جایگاه ویژه‌ای دارد و مفاهیم اساسی هدف نهایی، تلاش برای برتری و کمال، تکالیف زندگی، نیروی خلاق، غایتمندی و علاقه اجتماعی با مذهب و معنویت در ارتباط هستند. یافته دیگر نشان می‌دهد اگرچه مبانی فکری سوسیالیستی، اومانیستی و داروینیستی بر نظریه روان‌شناسی فردی حاکم است اما در مفاهیم اساسی هدف نهایی، تلاش برای برتری و کمال، تکالیف زندگی، نیروی خلاق، غایتمندی و علاقه اجتماعی با آموزه‌های اسلامی به طور نسبی یا کامل همسوئی وجود دارد. درمجموع این نظریه همسوئی مناسبی با دیدگاه اسلامی دارد.

کلیدواژه‌ها: آلفرد آدلر، مذهب و روان‌شناسی فردی.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mohammad1358z@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد کرمانشاه.

۳. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد کرمانشاه.

۴. دانشیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پیش‌بینی سهل‌انگاری و تعهد سازمانی بر اساس اخلاق کار اسلامی

سوسن علیزاده فرد^۱

مقدمه: هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین اخلاق کار اسلامی و سهل‌انگاری و تعهد سازمانی است و اینکه آیا اخلاق کار اسلامی می‌تواند میزان سهل‌انگاری یا تعهد سازمانی را پیش‌بینی نماید؟

روش: به این منظور گروه نمونه ۳۰۰ نفری از کارکنان دانشگاه پیام نور استان تهران با روش نمونه‌گیری خوشبایی چندمرحله‌ای انتخاب شد. اطلاعات با استفاده از آزمون سهل‌انگاری سازمانی صفاری نبا و رازلیقی، آزمون تعهد سازمانی آن و مایر و پرسشنامه اخلاق کار اسلامی اخلاقی گداوری شد. جهت بررسی داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین اخلاق کار اسلامی با سهل‌انگاری رابطه منفی معنادار؛ و با ابعاد تعهد سازمانی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین اخلاق کار اسلامی می‌تواند سهل‌انگاری سازمانی، و سبک عاطفی و هنجاری تعهد سازمانی را به صورت معناداری پیش‌بینی نماید؛ اما اگرچه اخلاق اسلامی با سبک مستمر رابطه مثبت معنادار دارد اما نمی‌تواند به طور معناداری آن را پیش‌بینی کند.

نتیجه‌گیری: از مجموع یافته‌ها می‌توان به اهمیت نقش اخلاق کار اسلامی در سازمان و اثران مثبت آن پی برد که این امر دارای تلویحات کاربردی برای متخصصان در تدوین مداخلات سازمانی در ارتباط با پیشگیری از سهل‌انگاری سازمانی و بالا بردن تعهد سازمانی کارکنان خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: سهل‌انگاری سازمانی، تعهد سازمانی، اخلاق کار اسلامی.

۱. دکتری روانشناسی تخصصی؛ استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور Salizadehfard@gmail.com

مدل یابی رابطه ابعاد دینداری و سلامت روان

سوسن علیزاده فرد^۱

مقدمه: هدف از این پژوهش بررسی سلامت روان و ابعاد دینداری (شناخت، باور، عواطف و التزام به وظایف دینی) و طراحی مدل علی بین آنها می‌باشد.

روش: به این منظور گروه نمونه ۱۵۰۰ نفری از دانشجویان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شد. اطلاعات با استفاده از آزمون سنجش دینداری (خداواری فرد، ۱۳۸۵) و آزمون سلامت روان GHQ گردآوری شد. جهت بررسی داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین دینداری و سلامت روان ارتباط مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بررسی مدل ارتباطی نشان می‌دهد که این مدل از برآش مناسبی برخوردار است و مهم‌ترین معرف متغیر مکنون دینداری، باور بوده و پس از آن به ترتیب التزام به وظایف دینی، عواطف و شناخت قرار دارند.

نتیجه‌گیری: از مجموع یافته‌ها می‌توان اهمیت نقش ابعاد مختلف دینداری بر سلامت روان را نتیجه گرفت که این امر دارای تلویحات کاربردی برای متخصصان و روانشناسان در تدوین مداخلات سلامت روان است.

کلیدواژه‌ها: ابعاد دینداری، سلامت روان، مدل علی.

بررسی رابطه همانندی/تضاد ویژگی شخصیتی (درون گرایی/برون گرایی) و رضایت زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین

جواد مصلحی^۱

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه همانندی/تضاد ویژگی شخصیتی (درون گرایی/برون گرایی) و رضایت زناشویی با توجه به پایبندی مذهبی زوجین انجام شده است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی می‌باشد و به روش پس رویدادی انجام شده است. بدین منظور، ۱۱۶ زوج از دانشجویان دانشگاه بجنورد و دانش پژوهان مؤسسه امام خمینی (ره)، که حداقل یکسال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود، با استفاده از پرسشنامه‌های «شخصیت نئو» (کاستا و مک‌کری، ۶۰ سؤالی)، «رضایت زناشویی اسلامی» (جدیری، ۵۰ سؤالی) و «پایبندی مذهبی» (جان‌بزرگی، ۶۰ سؤالی) مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها به کمک شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکنده‌گی، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T، آزمون F، آزمون LSD و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ویژگی شخصیتی درون گرایی/برون گرایی تاثیر خاص و معناداری بر سطح رضامندی زناشویی ندارد. همچنین میان همانندی/تضاد این ویژگی شخصیتی با رضامندی زناشویی نیز رابطه‌ای پیدا نشد که بنابر آن، ترکیب مطلوبی از زوجین را برای پیش‌بینی بیشترین سطح رضامندی زناشویی نمی‌توان ارائه داد. نتیجه دیگر اینکه در زوجینی که از نظر ویژگی درون گرایی/برون گرایی با یکدیگر متفاوت بودند، پایبندی آنان به مذهب نیز متفاوت می‌شد. اما میان پایبندی مذهبی زوجین با رضامندی زناشویی آن‌ها رابطه معنادار مثبت وجود دارد. رضامندی زناشویی زوجینی که هر دو پایبند به مذهب هستند، از رضامندی زوجینی که هر دو ناپایبند به مذهب هستند، بیشتر می‌باشد. همچنین افراد درون گرا و برون گرا در میزان پایبندی مذهبی متفاوت می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: رضایت زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، درون گرایی، برون گرایی، همانند/متضاد، پایبندی مذهبی.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره) javadmoslehi1@Gmail.com

خطاهای اسنادی و نقش آن در رفتار انسان از منظر قرآن کریم

هادی عبدالی^۱ محمد رضا احمدی^۲

هدف پژوهش حاضر بررسی خطاهای اسنادی از منظر قرآن کریم می‌باشد. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی بود. بدین منظور به منابع معتبر روان‌شناسی در زمینه خطاهای اسنادی و آیات قران کریم مراجعه و آیات در این زمینه گردآوری شد. سپس به تفاسیر معتبر شیعه و سنی مراجعه و آیات مورد تحلیل قرار گرفت. طبق یافته‌های پژوهش، خطای اسنادی در قران به سوگیری‌هایی در اسناد اشاره دارد که با باورهای درست دینی تناسب ندارند یا برای جامعه و روابط انسانی ضررند. اسناد درست این است که همه امور به امر خداوند اتفاق می‌افتد، نعمت‌ها به لطف خداوند است و سختی‌ها، به خاطر اعمال خود انسان است. در مورد افعال دیگران توصیه شده است که در جامعه دینی، رفتار برادران دینی که ظاهری ناشایست دارند، حمل بر صحّت و معنای مثبت شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که قران هشت خطای اسنادی را معرفی می‌کند. شش خطای اسنادی از نظر مفهومی مشابه خطای اسنادی خدمت به خود و یک خط مشابه خطای بنیادی اسناد می‌باشد. وجه مشترک غالب خطاهای اسنادی که قران معرفی می‌کند، فرار از مسئولیت است که با دلیل انگیزشی خطاهای اسنادی که در روان‌شناسی مطرح می‌شود، تناسب دارد. از جمله آثار خطاهای اسنادی می‌توان به غرور و تکبر، یاس و نامبده، تنبی، کمک نکردن به دیگران اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: اسناد، خطاهای اسنادی.

۱. فارغ‌التحصیل مقطع ارشد روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی .h.abdoli313@gmail.com
۲- استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی M.r.ahmadi313@gmail.com.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه قم na.torabi@gmail.com

«نسبت لذت، رنج و معنای زندگی» باتکیه بر آراء ابن سینا

نفیسه توابی^۱

یکی از دلایل گرفتار شدن انسان در پوچانگاری و بی معنایی زندگی، مواجهه او با رنج‌ها و شرور زندگی است. از جمله راهکارهایی که برای برونو رفت از بی معنایی زندگی و معنابخشی بدان از جانب مکاتب لذت‌گرا مطرح شده استغراق در لذات مادی است. در این میان فیلسوفان مسلمان از جمله ابن سینا نگاهی متفاوت به نسبت «رنج، لذت و معنای زندگی» دارند که در تافقی با نظریه مکاتب لذت‌گراست.

در این مقاله پس از تبیین مراتب حیات، لذت و رنج از نگاه ابن سینا به صورت سازی دیدگاه ناآوشته او در پاسخ به پرسش «نسبت لذت، رنج و معنای زندگی» می‌پردازیم. در نگاه ابن سینا که برخاسته از دین است، زندگی مانند مجموعه‌ای واحد در دنیا و آخرت جریان دارد؛ لذت و رنج که نوعی ادراک حضوری است در یک تقسیم‌بندی کلی و با توجه به قوای نفس، به دو دسته حسی و عقلی یا دنیوی و اخروی تقسیم می‌شوند. هر یک از قوای نفس کمالات، لذات و رنج‌های متناسب با خود را دارند و نوع کمال نگری و لذت طلبی انسان، ارتباطی مستقیم با معناداری یا بی معنایی زندگی او و کیفیت مواجهه او با لذت و رنج دارد. بر همین اساس، لذت و رنج که با توجه به مرتبه ادراکی انسان و کمالات و نواقص مورد نظر او اموری نسبی‌اند، از جهتی می‌توانند معنا بخش زندگی با فاقد معنادار بودن آن باشند؛ اما از آنجاکه بعد متعالی و حقیقی وجود انسان، عقل اوست و لذت و سعادت حقیقی انسان، ادراک و نیل به کمالات عقلی است، تنها لذت عقلی معنای حقیقی به زندگی می‌دهد. افراط در لذات حسی نه تنها معنایی زودگذر و وهمی به زندگی انسان می‌بخشد و او را به بی ارزشی، بی هدفی و پوچانگاری سوق می‌دهند، بلکه برخی از آن‌ها سبب رنج‌های اخروی یا شقاوت حقیقی می‌گردند. با توجه به نگاه عقلانی ابن سینا رنج‌های زودگذر حسی و دنیاگیری باعث بی معنایی زندگی نمی‌شوند. مقاله حاضر نتایج اخلاقی، تربیتی و روان‌شناسی دارد.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، لذت، رنج، لذت عقلی، کمال.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

بررسی فقهی - روان‌شناختی توصیه به زدن زنان در قرآن کریم

احمدرضا دردشتی^۱، محمود اصفهانیان^۲

یکی از مسائلی که در راستای انتقاد به نظام حقوقی - فقهی اسلام از سوی مخالفان مطرح می‌شود، مسئله توصیه قرآن کریم به زدن زنان در صورت خودداری از فرمابری همسر است. منتظران می‌گویند: ۱. تجویز زدن زنان از سوی قرآن با کرامت آنان سازگار نیست. ۲. این حکم می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانوادگی یا تشدید آن شود. ۳. زدن زن نه تنها او را به راه نمی‌آورد، بلکه موجب نفرت‌انگیزی و عامل مضاعفی برای سرکشی او می‌شود. ۴. مردی که زنش را می‌زند و او را مجبور به همخوابی می‌کند، از این آمیزش اجباری و دردناک چه سودی می‌برد؟! ۵. این حکم یکی از دلایلی است که اتهام ترویج خشونت، زن‌ستیزی و مردسالاری درباره اسلام را توجیه و تبیین می‌کند! در نوشтар حاضر ضمن ارائه تبیین جامع و تازه‌ای از بعد فقهی این مسئله، به تحلیل و توضیح اهم حکمت‌های روان‌شناختی و تربیتی موجود در این راهبرد قرآنی پرداخته‌ایم.

کلیدواژه‌ها: ضرب، موعظه، راهبرد تربیتی، عدالت حقوقی.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی مثبت‌گرا دانشگاه قرآن و حدیث. mahmod83225@gmail.com
۲. استادیار فلسفه دانشگاه پیام نور، abosko@gmail.com

گروه و سهم آن در تکامل روحی و شخصیتی انسان در اسلام

عباس اسکوئیان^۱، یاسمن گروسیان^۲

بی تردید تحول انسان و گرایش او به معرفت و عمل صحیح، مهم‌ترین هدف هر دینی است. این تحول گاه از درون فرد و در اثر تأمل و تفکر درونی می‌جوشد مانند آنچه در اصحاب کهف می‌بینیم و گاه تحت تأثیر تعلیمات یک راهنمای است، آن چنان که غالباً در دعوت پیامبران و پیشوایان دینی دیده می‌شود. امروزه اما یکی از شیوه‌های رایج برای اصلاح رفوارهای نادرست انسان‌ها، قرار دادن آن‌ها در ضمن گروه‌های اجتماعی و به تعبیری «گروه‌درمانی» است. این موضوع موردنوجه پیشوایان دینی هم بوده است و تحول افراد در ضمن گروه‌ها در تاریخ اسلام و در سیره‌ی پیشوایان دینی قابل مشاهده است. بررسی مکانیسم چنین تأثیرگذاری و شیوه‌ی استفاده‌ی از آن‌ها در آیینه آیات و روایات می‌تواند به ما در مسیر اصلاح آسیب‌های اخلاقی افراد یاری برساند.

کلیدواژه‌ها: گروه‌درمانی، قرآن، روایات، شخصیت، نگرش.

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه مازندران، Yasaman.grn@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری فلسفه دین دانشگاه پیام نور، Sadra.taghipour13@gmail.com

موانع تأثیرگذاری بر نگرش از نکاه آیات و روایات

صدرالتفی پور^۱، فائزه یعقوبی^۲، نگین طباطبایی^۳

مهنمترین شیوه برای تغییر رفتار هر انسانی، تغییر نگرش است. این موضوع هم از منظر روان‌شناسی و هم از منظر تربیت دینی حائز اهمیت است، اما در بسیاری از اوقات تغییر این نگرش با موافع و مقاومت‌هایی روبرو می‌شود. این مقاومت‌ها گاه از نوع معرفتی است و گاه از نوع غیرمعرفتی. از میان این دو نوع موافع، موافع و مقاومت‌های غیرمعرفتی انشعابات متعددی به خود می‌پذیرد و طیف وسیعی از موضوعات، از جمله نحوه معيشت، تعلقات عاطفی، تیپ شخصیتی، ترس و مواردی مانند آن را شامل می‌شود. در این مقاله در پی آن هستیم تا این موافع و مقاومت‌ها را از منظر قرآن و روایات بررسی کرده و راه حل گذر از آن‌ها را از این منابع استخراج نماییم.

کلیدواژه‌ها: نگرش، انگیزش، تربیت دینی، روان‌شناسی

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه مازندران، Yaghoobi.fa@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه مازندران، Omidmorakab@gmail.com
۳. دانشجوی دکتری فلسفه دین دانشگاه پیام نور، Sadra.taghipour13@gmail.com

تأثیر عوامل ژنتیکی بر مؤلفه‌های شخصیتی و روانی

صدرال تقی پور^۱، منیر لاغر فیروز جائی^۲

تریبیت انسان و بلکه خلق و خود رفتار او، از دو مسیر متفاوت ریشه می‌گیرند. گاه محسول اراده و اختیار انسان و تحت تأثیر عوامل معرفتی هستند و گاه از عوامل غیرمعرفتی‌ای مانند آنچه محیط به آن‌ها القامی کند تأثیر می‌پذیرند. در این میان یکی از عواملی که از منظر اسلام بر سلوک و رفتار انسانی تأثیر می‌گذارد، عوامل ارشی است. هرچند این عوامل اراده انسان را از میان نمی‌برند و کماکان فرد این توانایی را دارد که در مسیر حق و حقیقت گام بردارد، لیکن تأثیر عوامل ژنتیکی بر سهوالت یا صعوبتِ حرکت در مسیر حق را نمی‌توان انکار کرد. بررسی شیوه و کیفیت این تأثیر، می‌تواند برای روان‌شناسی جدید هم در جهت پیش‌بینی رفتار انسانی و کنترل و اداره آن از قبیل، کارساز باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، ژنتیک، اخلاق، شخصیت، روان‌شناسی

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه مازندران، Monir.firouzjaei@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه دین دانشگاه پیام نور، Sadra.taghipour13@gmail.com

رابطه‌ی شخصیت و گرایش به گناه از منظر روایات

صدرال تقی پور^۱، کوثر رحیمی^۲

با وجود آنکه همه‌ی انسان‌ها در معرض امیالی قرار دارند که آن‌ها را به سمت وسوی گناه می‌کشاند لیکن نوع نگاهی که هر کسی به شخصیت و من خود دارد در میزان و شدت این گرایش مؤثر است، تا اندازه‌ای که حتی در روایات درباره‌ی کسی که شخصیت خود را خرد و حقیر می‌بیند، حذر داده شده است. در روان‌شناسی جدید هم درباره‌ی تأثیر انگیزش‌ها و نگرش‌ها در عمل انسان بسیار سخن گفته شده است. با آنکه گناه مقوله‌ای دینی است، لیکن به عنوان رفتاری که ریشه در انگیزش‌ها و نگرش‌های انسانی دارد از این منظر قابل بررسی است.

کلیدواژه‌ها: گناه، انگیزش، نگرش، شخصیت.

۱. دانشجوی کارشناسی روان‌شناسی دانشگاه مازندران، Miremehr@chmail.ir
۲. دانشجوی دکتری قرآن و علوم جامعه المصطفی العالمیه: asajad45@yahoo.com

تجلی حالات روان‌شناختی در بدن بر اساس قرآن و روانشناسی

علی محمد صالحی^۱، محمد مهدی صفوی‌ایی^۲

امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «هیچ کس چیزی را در دل پنهان نداشت مگر که آن چیز، در گفتن‌های ناخودآگاه زبانش و گونه‌های چهره‌اش پدید آمد»^۳ ابن سینا می‌گوید: حالات نفسانی و اندیشه‌ها بر بدن تأثیر می‌گذارد؛ این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی، و بر مبنای قرآن و روانشناسی به دنبال توصیف و تبیین حالات روان‌شناختی انسان است که در بدن ظهر و تجلی پیدا می‌کند. در کنار این هدف اصلی، اهداف دیگری همچون اشتراکات و تفاوت‌های قرآن و روانشناسی در این زمینه هم مدنظر بوده است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که آیات متعددی ظهور قوی و برخی از آن‌ها، صراحت دارند که احساسات آدمی نظیر خشم، ترس، خوشحالی و... هر یک به نوبه خود بر بدن و فعالیت آن اثر می‌گذارند. همچنین آیات قابل توجهی دلالت صریح دارند که ظهر و تجلی این حالات نفسانی در چهره بیشتر است تا اعضای دیگر بدن.

کلیدواژه‌ها: روان، بدن، تجلی، حالات روان‌شناختی.

۱. استادیار جامعه المصطفی العالمیہ

۲. «ما أَصْبَرَ أَحَدَ شَيْئًا إِلَّا ظَهَرَ فِي فَلَّاتِ لِسَانِهِ وَصَفَحَاتِ وَجْهِهِ» نهج البلاغه، حکمت .۲۶

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. yasdaqiq@gmail.com

رابطه میان معنویت با بهزیستی روان‌شناختی و معنای زندگی دانشجویان

آمنه دقیقی خداشهری^۱، مرسدہ رفیعی^۲

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان معنویت با بهزیستی روان‌شناختی و معنای زندگی در میان دانشجویان انجام شده است، بدین منظور تعداد ۱۲۴ نفر از دانشجویان مرکز علمی کاربردی بهزیستی استان گیلان، از میان ۷۰۰ نفر کل دانشجویان این مرکز با استفاده از جدول مورگان به شیوه در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های محقق ساخته طلاعلاءات جمعیت شناختی، پرسشنامه معنای زندگی MLQ استگر و همکاران (۲۰۰۶)، پرسشنامه سلامت روان کلدبرگ و هیلر GHQ-28 و پرسشنامه سنجش معنویت هال و ادوارذ (نسخه naire)، پرسشنامه سلامت روان کلدبرگ و هیلر GHQ-28 و پرسشنامه سنجش معنویت هال و ادوارذ (نسخه تجدیدنظر شده) پاسخ دادند و نتایج بررسی‌های آماری نشان داد که:

۱. میان نمره کل معنویت و بهزیستی روان‌شناختی دانشجویان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

۲. میان نمره کلی معنویت و معنای زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین در بررسی فرضیات فرعی نیز یافته‌ها نشان داد میان اضطراب و معنویت، افسردگی و معنویت رابطه معناداری وجود داشت. این ارتباط در برخی خرده مقیاس‌های معنویت از قبیل پذیرش واقعیت، نامیدی، بی‌ثباتی و بهزیستی روان‌شناختی نیز دیده شد.

از سویی دیگر، رابطه میان تلاش برای جستجوی معنا و معنویت و نیز دستیابی معنا و معنویت، معنای زندگی و آگاهی، معنای زندگی و پذیرش واقعیت، معنای زندگی و بزرگنمایی، معنای زندگی و بی‌ثباتی، معنای زندگی و مدیریت برداشت نیز معنادار بودند.

کلیدواژه‌ها: معنای زندگی، بهزیستی روان‌شناختی.

۱. دکتری روانشناسی علوم رفتاری، مدرس مرکز علمی کاربردی بهزیستی استان گیلان
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ erfanuni2015@gmail.com

نقش باورهای دینی در سلامت روانی (با تأکید بر قرآن کریم)

محمدحسین توحیدی فرد^۱، ابراهیم نوری^۲

در میان تمامی دانش‌های بشری، علومی که با جان و روان انسان ارتباط دارد، از منزلت و شرافت ویژه‌ای در گستره حیات بشری برخوردار است. در رویکرد اسلامی سلامت روان، به معنای تعادل نیازها و نظامهای درونی و گرایش‌های فطری و جسمانی انسان است و علامت آن این است که آدمی در پرتو رهنماههای عقل و هدایت آموزه‌های وحی، آنچه را موجب زینت روح و دانش می‌شود و او را به خدای تعالی نزدیک می‌سازد، برمی‌گزیند. بررسی رابطه دین و باورهای مذهبی بر سلامت روانی از دیدگاه قرآن کریم، به شناخت نقش، جایگاه و میزان تأثیرگذاری این مقوله در سلامت روانی کمک به سزاگی می‌نماید. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و در چهار بخش، به مفهوم سلامت روان، نقش دین و باورهای مذهبی، عوامل زمینه‌ساز آن و آثار پاییندی به این باورها بر سلامت روان پرداخته است. با مطالعه نوشتار حاضر در می‌یابیم که بین ابعاد مختلف دین‌داری و معنویت باسلامت روانی رابطه مثبتی وجود دارد به گونه‌ای که باورهای دینی می‌توانند فرد را به سوی کمال، تعالی و درنتیجه سلامت روانی و درنهایت سلامت اجتماعی هدایت کنند.

کلیدواژه‌ها: سلامت روان، قرآن کریم، دین، ثمرات دین داری.

۱. استادیار الهیات و معارف اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان، enoori@theo.usb.ac.ir
۲. فارغ‌التحصیل دانشگاه ویسکانسین ghobaryb@yahoo.com

پژوهش انسان کامل هدف نهایی روانشناسی اسلامی

باقر غباری بناب^۱

موضوع انسان کامل و چگونگی حرکت و سیر و سلوک به سوی کمال انسانی آنچنان که در متون دینی و عرفانی مطرح شده است یکی از مشغله‌های بزرگ روانشناسی اسلامی است. هیچ وقت مشغله ذهنی انسان‌ها از انسان کامل و ویژگی‌های آن، رابطه آن با خدا و با مردم و با طبیعت و خویشتن از ذهن عرفا، فیلسوفان و روانشناسان به دور نبوده است.

حضرت علی (ع) به عنوان نمونه ازلی در یکی از جنگ‌ها خود را قرآن ناطق خوانده که ادعای عارفانه و به حقی است و حضرت نبی اکرم علاوه بر اینکه سوار بر بال‌های حضرت جبرئیل به آسمان هفت‌تم صعود کرده "کُنْتُ نَبِيًّا وَآدَمُ بَنَى الْمَاءِ وَالْطَّينِ". زمانی که آدم هنوز بین گل و آب بود خداوند گل او را خمیر می‌کرد تا شایسته دمیدن روح خود شود نبی خوانده شده است. "حقیقت محمدی" که از صورت‌های ازلی در روانشناسی اسلامی می‌باشد در روانشناسی اسلامی مطرح می‌شود. در بحث‌های عرفانی اسلامی و همچنین روانشناسی اعمق نقش خضر (الیاس نبی و ...) را به عنوان انسان کامل و حرکت به سوی انسان‌ها برای هدایت آنان نمی‌توان نادیده گرفت. مسئله ولايت در اسلام شیعی از لحاظ روانشناسی اسلامی در مورد انسان کامل و نقش آن در هستی است. از عرفای بزرگی که در مورد انسان کامل مطالعی نوشته‌اند و به بحث انسان کامل علاقه نشان داده‌اند: عبدالکریم جبلی، محی‌الدین ابن عربی و عزیز الدین نسفی و از متاخرین مرتضی مطهری رامی توان نام برد. متأسفانه در چهل سال گذشته آنقدر که لازم بود به موضوع انسان کامل در بستر فرهنگی شیعی پرداخته نشده و ارتباط آن با روانشناسی اسلامی تبیین نشده است. پژوهش خاص با استفاده از متون دینی در صدد پر کردن این خلاً پژوهشی می‌باشد. این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که با کشف ویژگی‌های انسان کامل ورود این ایده از فلسفه و عرفان به حوزه روانشناسی می‌تواند معنای دیگر به پدیدار شناختی این موضوع در روان انسان بیفزاید و راههای اندازه‌گیری آن (حرکت به سوی انسان کامل شدن) در پیوستاری مشخص می‌شود و روش‌های مداخله حرکت به سوی کمال شناخته می‌شود، عوامل بازدارنده و تسهیل‌کننده حرکت افقی و عمودی به

سوی کمال انسانی آنچنانکه در متون دینی است هموار می‌گردد و در اصل مقاله به توضیح این مسائل و سیاری از مسائل دیگر که در تبیین کمال و انسان کامل می‌توانند مفید باشند مورد بررسی قرار خواهند گرفت.
کلیدواژه‌ها: انسان کامل، انسان کامل در مکتب شیعه، ولایت، فرایند حرکت به سوی کمال، روانشناسی اسلامی، تدوین الگو برای تشریح و تبیین انسان کامل

کمپیوٹن گلخانے
ارتباطات و
جامعہ شناسی
اسلامی

۳۵ چکیده مقالہ

جامعه شناسی خانواده با رویکرد سه وجهی^۱

سید سعید زاهد زاهدانی^۲

در این مقاله بر اساس رویکرد سه وجهی به جامعه شناسی اسلامی، به بیان جامعه شناسی خانواده می پردازیم. در رویکرد سه وجهی با استعانت از اندیشه هستی شناسانه شهید مطهری در مورد رابطه فرد و جامعه و از دیدگاه فلسفه شدن و یا فلسفه چگونگی ارائه شده توسط مرحوم آیت الله سید منیر الدین حسینی الهاشمی به ارائه نظریه ای مبادرت ورزیدیم. در این نظریه گفته می شود که فرد و جمع و رابطه در تشکلات اجتماعی همه ذی اثر یا فاعل می باشند. به عبارت دیگر هر تشكل اجتماعی از تقویم این سه با یکدیگر شکل می گیرد. در این مقاله بر اساس رویکرد سه وجهی، در مورد جامعه شناسی خانواده به نظریه پردازی خواهیم پرداخت و الگوئی برای توصیف، تبیین و تحلیل خانواده به دست خواهیم داد. اجمالا می توان گفت که در خانواده سه نوع فرد ایفای نقش می کنند: پدر، مادر و فرزند یا فرزندان. این افراد در زمینه اجتماعی با سه زیر نظام: سیاست، فرهنگ و اقتصاد عمل می کنند و نوع موضعگیری آن ها (رابطه) در مقابل این زمینه از طریق گرایش، بینش و دانش فرهنگی در اخلاق، اعتقاد و رفتارشان انعکاس می پاید. در بررسی هر یک از این سه بخش به ۲۷ عامل تشکیل دهنده در جامعه شناسی خانواده دست می یابیم. برای مطالعه هر خانواده به صورت موردي می باید این سه ۲۷ عامل را شناسائی نمائیم. برای عملیاتی شدن این نظریه به عنوان نمونه به الگوی خانواده در دو فرهنگ دوره قاجار و دوران حاضر اشاراتی خواهیم داشت.

کلیدواژه‌ها: جامعه شناختی خانواده، نقش والدین و فرزندان، سیاست در خانواده، فرهنگ در خانواده، اقتصاد در خانواده.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله نظریه پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. دانشیار جامعه شناسی دانشگاه شیراز zahedani@shirazu.ac.ir

روش استقرائی-قیاسی نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی^۱

حسین بستان (نجفی)^۲

بحث و بررسی پیرامون روش نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی، بحثی نسبتاً بدیع و تقریباً ناشناخته در محیط‌های علمی و دانشگاهی است. این بحث از نظر جایگاه معرفتی به حوزه مطالعات موسوم به علم دینی و به طور خاص جامعه‌شناسی اسلامی تعلق دارد و بر پیش‌فرض‌هایی استوار است که عمدها در آن حوزه مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرند. اما با قطع نظر از اهمیت این پیش‌فرض‌های فلسفی، به بار نشستن اندیشه علم دینی در شرایط کنونی پیش از هر چیز به معرفی دقیق و نظاممند روش تحقیق آن بستگی دارد و تازمانی که این اتفاق رخ ندهد، نباید انتظار داشت اندیشه‌مزبور، حتی موافقت نسبی اجتماع اهل علم را کسب کند.

بر این اساس، این نوشتار با هدف پیشبرد ادبیات بحث علم دینی بهویژه در زمینه روش علم دینی به معرفی روشی تلفیقی می‌پردازد که بر استفاده از ظرفیت‌های اجتهاد (روش تخصصی فهم و تفسیر متون دینی) و روش‌های علوم اجتماعی در جهت افزایش تعامل میان آنها در مقام نظریه‌پردازی استوار است. حاصل این تلاش، ارائه روشی شش مرحله‌ای برای نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی است که دو راهبرد استقرائي و قیاسی را به طور طولی با هم ترکیب می‌کند. مراحل شش گانه این روش عبارتند از: تدوین پرسش تحقیق، موری بر ادبیات بحث، جستجو و استخراج گزاره‌های مرتبط با مسئله تحقیق در متون دینی، گزاره‌پردازی، ساخت مدل نظری انتزاعی و ساخت مدل تجربی انضمایم.

از آنجا که تطبیق مباحث بر مثال‌های مشخص در انتقال بهتر آنها تأثیر بسزایی دارد، دو مسئله بی‌ثباتی خانواده و عرفی‌شدن از مسائل بسیار مهم در حوزه‌های جامعه‌شناسی خانواده و جامعه‌شناسی دین، به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: عرفی شدن، نظریه‌سازی دینی، علوم اجتماعی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه hbostan@rihu.ac.ir

نسبت عدالت طبقاتی و بافت فیزیکی شهر پس از ورود اسلام به ایران

سید سعید زاهدانی^۱، مهدی مقدسی^۲

مقاله حاضر در پی بررسی تحولات بافت فیزیکی شهرهای ایرانی پس از ورود اسلام به این کشور و یافتن عنصر یا عناصری اصلی است که این تحولات را موجب شده است. پژوهش انجام شده با ارائه این نظریه که ساختار اجتماعی غیرتمرکزگرا باعث شکل گرفتن بافت شهری غیرتمرکزگرا شده که امکانات در سطح آن توزیع می‌گردد، بر آن است که «عدالت طبقاتی» مهم‌ترین عامل تغییر و تحولات است که به‌تبع اهمیت اصل «برابری» در ساختار اجتماعی جامعه مسلمین در بافت فیزیکی شهرهای ایرانی بروز کرده است. این مطالعه بهخصوص با توجه به لزوم بازنگری در الگوهای شهرسازی موجود و تهییه الگوهای شهرسازی برگینای اصول دین مبین اسلام ضرورت می‌باید. در پژوهش حاضر که به صورت تاریخی - تطبیقی و با استفاده از اسناد صورت گرفته به مقایسه ساختار اجتماعی و بافت فیزیکی شهرهای ایرانی در دو مقطع پیش و پس از ورود اسلام به این کشور می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: اسلام، عدالت، ساختار اجتماعی، بافت فیزیکی، شهر، دوره ساسانی.

۱. دانشیار بخش جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز.
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

بازتعریف مفهوم «سبک زندگی» براساس نظریه «اعتباریات» علامه طباطبایی (ره)

مسعود کریمی بیرونوند^۱

در رابطه با مفاهیم علوم اجتماعی از جمله «سبک زندگی» نیازمند داشتن تعاریفی هستیم که ضمن وفاداری به بیادهای فکری و فرهنگی بومی و توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی، قابلیت گفتوگو یا رقابت با نظریات مدرن غربی را داشته باشد. در نوشتار پیش رو در پاسخ به چیستی مفهوم «سبک زندگی» با مروری بر تعاریفی که در دیدگاههای مختلف از سبک زندگی ارائه شده است، در نهایت با محوریت نظریه «اعتباریات» علامه طباطبایی (ره) و با روش منطقی به تحلیل و تعریف مفهوم «سبک زندگی» و سپس به شرح ویژگی‌های عام و خاص آن پرداخته ایم، طوری که با استفاده از آن، بتوان در مورد تحقیقات و تحلیل‌های علمی رایج در این‌باره و نیز مسائل عملی مربوط به سبک زندگی در جامعه اسلامی-ایرانی به روشنی نظر داد.

بر این اساس «سبک زندگی» الگویی متمایز و همگرا از باورها، گرایش‌ها و رفتارهایی است که انسان‌ها در ارتباط با شرایط محیطی خود، آگاهانه برای ارضاء تمایلات نفسانی برآمده از نیازهای طبیعی شان اعتبار می‌کنند و یا به طور مختصر «سبک زندگی» عبارت است از: «الگویی متمایز کنش‌های اعتباری ناشی از تمایلات نفسانی».

از مهم‌ترین دستاوردهای این تعریف آن است که اولاً جامع افراد بوده، حوزه سبک زندگی را بدون دلیل موجه محدود نمی‌کند و می‌تواند عناصر و اجزاء آن را در بخش‌ها و لایه‌های مختلف توضیح دهد. ثانیاً مانع اغیار بوده و برخلاف برخی تعاریف، اموری که خارج از حوزه زندگی ارادی و انسانی اند را کنار می‌گذارد، ثالثاً ضمن توجه به جنبه‌های سلیقه‌ای، تکثر و تغییرپذیری «سبک زندگی» با تأکید بر لزوم هماهنگی با نیازهای تکوینی وجود انسان با استفاده از فطرت، عقل و وحی، امکان ارزیابی علمی و ارزشی کلیت و اجزاء آن را می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: تعریف، سبک زندگی، علامه طباطبایی، اعتباریات، کنش‌های نفسانی.

۱. دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه علامه طباطبایی؛ masoodvand@chmail.ir

بازشناسی و عیارسنجی دو روایت رئالیستی برای تبیین جنبش اجتماعی

رضا نظریان^۱

جنبش اجتماعی نمونه‌ای از یک کنش اثرگذار است. سؤال این است که تحت چه شرایطی کنش اثرگذار (جنبش اجتماعی) به وقوع می‌پیوندد و چگونه تاریخ توسط انسان‌ها تحول می‌یابد. با مروری بر نظریات جامعه شناسان در این باره درمی‌یابیم که پاسخ‌های متفاوتی به این سؤال واحد داده شده است. از نظریات فردگرا، جمع‌گرا و رابطه‌گرا تا نظریات تلفیقی همه در پی پاسخ‌گویی به این سؤال مهم بوده‌اند. به طور کلی نظریات تلفیقی نسبت به نظریات فردگرا، جمع‌گرا و رابطه‌گرا، از موققیت بیشتری در تبیین جنبش اجتماعی برخوردار بوده‌اند. از جمله منطق‌هایی که با رویکرد تلفیقی به وجود آمده‌اند می‌توان به منطق دیالکتیک، منطق تبیینی- تفهیمی و منطق رئالیستی اشاره کرد. این مقاله ضمن اشاره‌ای مختصر به منطق دیالکتیک و منطق تبیینی- تفهیمی، رسالت شرح منطق رئالیستی در تبیین جنبش اجتماعی را بر عهده گرفته است. از آنجاکه نظریه پردازان رئالیست نیز در تبیین جنبش اجتماعی، علیرغم اشتراکات مهم، اختلافات اساسی نیز دارند، نیاز است تا روش مقایسه‌ای عیار هر کدام از آن‌ها سنجیده شود. دو روایت برجسته در تبیین رئالیستی جنبش اجتماعی عبارت است از نظریه اصالت فرد، جمع و رابطه زاهد زاهدانی و نظریه کنشگر- شبکه برونو لاتور. نگارنده برای عیارسنجی این دو روایت رئالیستی از جنبش اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران را - به عنوان یک نمونه موردی- در ترازوی این دو نظریه قرار می‌دهد تا بررسی کند کدامیک از این دو نظریه وسیله سنجش دقیق‌تری را به ارمغان می‌آورد. نتیجه‌ای که از این مقاله به دست می‌آید امکانات و محدودیت‌های هر کدام از این دو نظریه را در تبیین کنش اثرگذار یادآور می‌شود.

کلیدواژه‌ها: کنشگر- شبکه، اصالت فرد- جمع- رابطه، جنبش اجتماعی، رئالیسم.

بررسی عوامل ناکارآمدی و ناپایداری جنبیش‌های سیاسی- مذهبی

مریم مؤمنی^۱، سید سعید زاهد زاهدانی^۲

در این مقاله سعی در تبیین عوامل ناکارآمدی و ناپایداری جنبیش‌های سیاسی- مذهبی در جهان اسلام شده است. روش به کار گرفته شده در این مقاله تاریخی- استنادی است. این مقاله با مروری بر جنبیش‌های سیاسی- مذهبی جهان اسلام و دلایل شکست آن‌ها با در نظر گرفتن شرایط تاریخی و بستر اجتماعی، ایدئولوژی و رهبری، پیروان جنبش در سعی در تبیین این مهم دارد. همچنین مصدقه‌های تاریخی جنبیش‌های دینی در جهان اسلام (تونس، یمن، بحرین) مورد بررسی قرار گرفته است. نداشتن اهداف شامل و جهانی، مقطعی بودن اهداف، رهبری متکثرا، تن دادن به استبداد خارجی، هضم شدن در سکولاریسم و مهم‌تر از آن نداشتن طرح مدیریت کلان که ناشی از عدم ورود اندیشه‌های دینی از سطح انتزاع به سطح واقعیت تجربی است از جمله مهم‌ترین علل بی ثباتی جنبیش‌های سیاسی مذهبی دانسته شده است.

کلیدواژه‌ها: ناکارآمدی، جنبش سیاسی، مذهب، مدیریت کلان، مدل.

۱. دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران- دانشگاه شیراز، m.momeni70@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی و رئیس پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز، zahedani@shirazu.ac.ir

بررسی میزان همدلی گزاره‌های بنیادین جامعه‌شناسی، با دین-اسلام

محمد مسعود سعیدی^۱

در بحث از علم اسلامی، اگر- بر طبق یک نظر مشهور- اخذ گزاره‌های بنیادی علم از منابع اسلامی را ملاک اسلامی بودن آن علم بدانیم، میزان عدم تعارض گزاره‌های بنیادی آن علم با اندیشه‌ی اسلامی نیز ملاک میزان همدلی آن علم با دین اسلام خواهد بود. به دلایل معرفت‌شناختی، آزمودن امکان وجود یک علم جامعه‌شناسی همدلای‌تر با دین، بسی ساده‌تر و راهگشایر از تأسیس یک علم جدید مورد وفاق، با کارایی لازم است. در این مقاله، برای بررسی چیستی گزاره‌های بنیانی و پیش‌فرض‌های عمومی در علم جامعه‌شناسی، مباحث مهم فلسفی و روشی مربوط به جامعه‌شناسی در منابع کاویده می‌شود، و گزاره‌های بنیانی و عمومی کشف یا استنباط می‌گردد، و برای بررسی سازگاری یا ناسازگاری پیش‌فرض‌های به دست آمده، با دین اسلام، به مقتضای نوع نگاه و هدف مقاله، ملاک اندیشه و جهان‌بینی اسلامی، برداشت مشهور و رایج بین متخصصان دین شناس است. بررسی حاضر نشان می‌دهد که پیش‌فرض‌های غالباً معرفت‌شناختی و روش‌شناختی عمومی در جامعه‌شناسی معاصر با اندیشه‌ی راجح اسلامی منافات ندارد، به این معنا که در محدوده و حیطه‌ی خود که قلمرو تجربه است با اندیشه‌ی اسلامی در این قلمرو، ناسازگار نیست، و نسبت به قلمرو فراتجربی نیز ساخت است. جامعه‌شناسی (نه نظریه یا نظریه‌های خاص در آن) را این لحاظ، و به این معنا، می‌توان همدل با دین اسلام دانست. اکنون، دو راه بالنسبه ساده‌تر پیش روست: راه اول، پایه‌ریزی عملی جامعه‌شناسی اسلامی با الهام گرفتن از گزاره‌های بنیانی و عمومی استخراج شده، و استنباط محتواهای هم‌ارز از منابع اسلامی به عنوان گزاره‌های بنیانی و عمومی جایگزین- اگر علم اسلامی را ممکن می‌دانیم، راه دوم، پرداختن نظریه‌هایی با پیش‌فرض‌های قریب اسلامی، با تکیه بر همین مبانی استخراج شده‌ی جامعه‌شناسی معاصر.

کلیدواژه‌ها: علم اسلامی، جامعه‌شناسی، همدلی، گزاره‌های بنیانی، جهان‌بینی اسلامی، معرفت‌شناختی.

آرامش زن در خانواده

(مطالعه‌ی موردی: زنان میان سال و متّهل شهر شیراز)

دکتر سید سعید زاهدانی^۱، سیده فاطمه ساجدی^۲

آرامش زنان در خانواده یکی از نشانه‌های سلامت خانواده می‌باشد. هدف: این پژوهش مطالعه‌ی چگونگی رسیدن زنان متّهل به آرامش در خانواده دلایل فرزند شهر شیراز، با توجه به روابط و باورهای آن‌ها می‌باشد. پرسش اساسی ما این است که چگونه اعضای خانواده می‌توانند به آرامش دست یابند؟ نظریه: همدلی، همفکری و همکاری در خانواده بین زن و شوهر موجب آرامش آنان خواهد بود. این همدلی، همفکری و همکاری اگر بر مبنای عامل محکم و استواری باشد آرامش دوام خواهد یافت اما اگر پایگاه آن هماهنگی، مبنای استواری نباشد و یا همدلی، همفکری و همکاری بر یک مبنا وجود نداشته باشد، احساس امنیت هم متزلزل می‌گردد. در این تحقیق همدلی، همفکری و همکاری بر اساس سه مبنای ایمان به «خداآوند»، «ثروت» و «قدرت» مورد مطالعه قرار گرفته است. روش: روش پژوهش کیفی و از نوع مطالعه موردی می‌باشد. تکنیک گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق با ۲۱ نفر از زنان شهر شیراز بوده که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. نتایج: در خانواده همدلی، همفکری و همکاری همه‌ی اعضای خانواده افراد را به آرامش می‌رساند و یک نفر به تنها یی نمی‌تواند خانواده را به سرانجام آرامش بخش خود برساند. همچنین همدلی، همفکری و همکاری اعضای خانواده بر اساس باور خدامحور آرامش کامل و بر اساس باورهای قدرت و ثروت محصور، آرامش نسبی را در خانواده به همراه دارد و نیز عدم همدلی، همفکری و همکاری موجب ناآرامی در خانواده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، زن، آرامش، مودت، همدلی، همفکری، همکاری.

۱. دانشیار بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز؛ zahedani@shirazu.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه شیراز؛ Fa.sajedi64@gmail.com

خوانشی بر رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی و علوم انسانی اسلامی

مریم مؤمنی^۱

در این نوشتار سعی در تبیین رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی با روش استنادی شده است. در ابتدا مروری بر مفهوم ساخت در فلسفه و معرفت‌شناسی شده و در ادامه بر رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی تأکید شده است. همچنین مؤلفه‌های بنیادین آندیشه برساخت‌گرایی اعم از هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی استخراج شده و با مبانی حاکم بر علوم انسانی مقایسه شده است. همچنین تأثیر برساخت‌گرایی اجتماعی در علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و دیدگاه‌های متفاوت صاحب‌نظران علوم اجتماعی برساخت گرا آورده است.

کلیدواژه‌ها: برساخت‌گرایی، فلسفه، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، m.momeni70@gmail.com

گونه‌شناسی ایستارهای معرفتی دانشجویان نسبت به دین؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف

محمد سیدغراب^۱، صابر جعفری کافی‌آباد^۲

یکی از پیشرفت‌های جامعه‌شناسی دین فرازی از الگوهای صلب و تک‌بعدی «دین‌داری» به سمت الگوهای پیچیده‌تر دین‌داری یا «دین‌داری‌ها» است. فاقد قدر مشترک بودن افرادی با الگوهای دین‌داری متفاوت، امکان مقایسه‌ی تطبیقی و اندازه‌گیری در مقیاسی واحد را سلب می‌کند. چنین وضعیتی ضرورت گونه‌شناسی نسبت‌های مختلف افراد با مقوله‌ی دین را توجیه می‌کند. این پژوهش درصد گونه‌شناسی ایستارهای معرفتی دانشجویان نسبت به دین است. به‌منظور تعیین موضع و ایستارهای دانشجویان، صرفاً به وجود معرفتی و نگرشی دانشجویان تأکید شده است و در مواردی که از مسائل عملی پرسش شده، موضع معرفتی فرد نسبت به مسئله‌ی مذکور مدنظر بوده است. داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های عمیق با ۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف و در دو مرحله به‌دست آمده‌اند. در این پژوهش از روش نظریه‌ی مبنایی برای تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها در جهت دستیابی به الگوی گونه‌شناسی استفاده شده است. چارچوب مفهومی نیز از رفت‌وبارگشت میان قیاس (ادبیات نظری موجود) و استقراء (داده‌های تجربی حاصل از مصاحبه‌های مرحله‌ی اول) و در شش محور کلی (نگرش به دین و هستی‌شناسی، انتظار از دین، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، غایت و معنای زندگی و مبانی اخلاقی) ثبت شده و مبنای مصاحبه‌های مرحله‌ی دوم قرار گرفته است. نتایج حاصل از کدگزاری داده‌ها ذیل محورهای صورت‌بندی شده در چارچوب مفهومی، در قالب مدلی تحلیلی، الگویی چهاروجهی (راهبردهای هستی‌شناسانه، راهبردهای معرفتی فرد نسبت به دین، موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست و بازتاب ایستارهای معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین) را برای گونه‌شناسی ایستارهای معرفتی دانشجویان نسبت به دین فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: گونه‌شناسی، ایستار معرفتی، دین، دانشجویان، دین‌داری‌ها.

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی نظری- فرهنگی دانشگاه تهران.
seyed466@yahoo.com
saberjafari65@ut.ac.ir

1

2

ir

چگونگی رمزگذاری معانی بیلبوردی در قطار مشهد با استفاده از چهارچوب تحلیلی "رمزگذاری و رمزگشایی" استوارت هال

سیده زهرا طالب کیش^۱، محمد تقی عباسی شوازی^۲

در این پژوهش با استفاده از چهارچوب تحلیلی «رمزگذاری و رمزگشایی» استوارت هال، چگونگی رمزگذاری معانی در قالب دو گفتمان موجود در عکس با اشاره به زیرساخت فنی و چهارچوب دانشی که از آن برای رمزگذاری استفاده شده و محیط اجتماعی تصویر نصب شده، تشریح شده است. این تحقیق با روش نشانه شناختی انجام شده است. دو گفتمان تشیع و گفتمان غرب در مقابل هم به تصویر کشیده شده‌اند که یکی قصد سلطه بر دیگری را دارد. وجود حرم امام رضا(ع) در این شهر نشان از اهمیت گفتمان تشیع در این شهر دارد. در مطالعات فرهنگی متن را باید در قالب بستر اجتماعی خودش بررسی کرد از این رو این شهر با داشتن حرم امام رضا(ع) می‌تواند بستر مناسبی برای این گفتمان باشد. بنابراین چارچوب دانش گفتمان تشیع می‌باشد که در این تصویر «مبارزه یا مقاومت با فرهنگ غرب (سلطه)، ضد توحیدی، شیطان‌پرستی، یا دستگاه تبلیغاتی دشمن) بهمایه مج‌انداختن جوانان و نوجوانان با قوی‌ترین شخصیت‌های رسانه‌ای هالیوود رمزگذاری شده است».

کلیدواژه‌ها: رمزگذاری و رمزگشایی، هال، گفتمان تشیع و غرب.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز. ztalebkish@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز. MtAbbas@rose.shirazu.ac.ir

تحلیل و بررسی اوپاشگری در فوتبال ایران ذیل بحث "فرایند متمدن شدن" نوربرت الیاس

سیده زهرا طالب کیش^۱، دکتر اسفندیار غفاری نسب^۲

پژوهش حاضر در صدد تحلیل و بررسی اوپاشگری در فوتبال ایران ذیل بحث "فرایند متمدن شدن" نوربرت الیاس است. فوتبال با محبوبیتی که در کشور ایران برخوردار است، باید پرورش دهنده بعد عقلانی، جسمانی، اجتماعی، عاطفی و معنوی در جامعه باشد. و با توجه به اینکه جامعه ورزش ما جامعه‌ای برخاسته از ارزش‌های اسلامی است، باید به مسئله پرخاشگری به عنوان امر حدی و مهم توجه شود.

نوربرت الیاس با تأکید بر ضرورت توجه به نسبی بودن تأثیر عوامل مختلف در صورت‌بندی‌ها و فرایند اجتماعی و نیز توجه به صیرورت تاریخی آن‌ها، پایه‌های "جامعه‌شناسی آرایشی" یا به تعبیری دیگر از خود او، "جامعه‌شناسی فرایند" را مستحکم ساخته است. فی‌المثل در فوتبال، افراد ضمن اینکه با تیم مقابل در مبارزه هستند با خودشان هم مبارزه یا به عبارت رایج‌تر رقابت می‌کنند. این رقابت فردی و گروهی که در جریان مستمر حمله و دفاع و ساکن کردن و تحرك بخشیدن انجام می‌گیرد، سیالیتی زیبا به فوتبال می‌بخشد. و عصر متمدن کنونی برای عدم اعمال خشونت بر دیگری، محدودیت‌ها و به یک معنا خشونت‌های بسیاری را در قالب آداب و قواعد رفتاری بر بدن تحمیل می‌کند. به نظر نوربرت الیاس، در عصر جدید، بشر دائمًا خود را کنترل می‌کند و تحت اضطراب قرار می‌دهد. بر اساس این چارچوب تئوریک، خشونت در فوتبال را می‌توان به مثابه نوعی محل زندگی جسمانی در نظر گرفت. محلی برای تجلی و ظهور رفتارها و خشونت‌هایی که به‌طور معمول مجاز شمرده نمی‌شوند.

کلیدواژه‌ها: فرایند متمدن شدن، اضطراب، اوپاشگری در فوتبال، جامعه‌شناسی آرایشی، نوربرت الیاس.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.
ztalebkish@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی دانشگاه شیراز.
yahoo.com@eghfafari ۲۰۰۱

معضل تکثر پارادایمی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و راه حل‌های تلفیقی

قریبان علی فکرت^۱

جامعه‌شناسی از همان بدو تأسیس با معضل تکثر نگرشی و روشی پیوند خورده است: کنت و دورکیم و تا حدودی اسپنسر پدیده‌های اجتماعی را بهسان پدیده‌های طبیعی می‌پنداشتند و از همین رو روش‌های پذیرفته شده در علوم طبیعی را برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی تجویز می‌کردند و تبیین و مهار و پیش‌بینی را به یکسان هدف آن دو در نظر می‌گرفتند؛ درحالی که زیمل و ویر برداشت متفاوت از پدیده‌های اجتماعی و به تعییر دیگر موضوع جامعه‌شناسی داشتند و هم ازین رو روش و نیز اهداف متفاوت برای علوم اجتماعی تعریف نمودند. به موازات گذشت زمان تکثر پارادایمی در جامعه‌شناسی جنبه‌ی پروبلماتیک به خود گرفت و برخی از جامعه‌شناسان بزرگ را وادار به واکنش نمود. در نوشتار فراور نخست به چگونگی و چرایی تکثر پارادایم‌ها در جامعه‌شناسی پرداخته شده و دو نمونه از بنیانی ترین دوگانگی‌های جامعه‌شناسی را به بحث گرفته است و سپس چند دسته از مهم‌ترین و بهروزترین واکنش‌های انجام‌شده را که سعی در فراوری از این دوگانگی‌ها و شکاف‌ها دارند، بررسی کرده است. در نهایت ضمن ارزیابی گذرا از مساعی فوق و نشان دادن پاره‌ی از محدودیت‌ها و کاستی‌های هر کدام؛ به یک تلاش نظری نوصدرایی در جهت حل شکاف محوری در علوم اجتماعی- ساختار و عاملیت- و مفهوم‌سازی متفاوت از جامعه اشارت رفته است.

کلیدواژه‌ها: تکثر پارادایمی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، عاملیت و ساختار، تفسیر و اثبات، رویکرد تلفیقی، رویکرد نوصرایی.

۱. دانشیزه مقطع دکتری جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) qa.fekrat@gmail.com

اصالت فرد، جامعه یا یک نظریه تلفیقی؛ مقایسه دیدگاه شهید مطهری و نوربرت الیاس

سیده زهرا طالب کیش^۱، سید سعید زاهد زاهدانی^۲

در این پژوهش سعی در تبیین نظریه نوربرت الیاس^۳ و مقایسه آن با دیدگاه‌های شهید مطهری در باب فرد و جامعه شده است. این تحقیق با روش اسنادی انجام شده است. در این تحقیق لوازم دستیابی به یک نظریه کامل در توضیح رابطه فرد و جامعه در سه دسته قرار می‌گیرد: ۱- کشف مکانیسم‌های ارتباطی بین فرد و جامعه. ۲- کشف خصوصیات حاکم بر فرد. ۳- کشف خصوصیات حاکم بر جامعه. الیاس توانسته در موردی خاص، به پیشبرد نظری تبیین کمک کنند (به این معنا که نوعی خصوصیت شناسی از فرد و جامعه را انجام داده است؛ اما در بین متفکران مسلمان، شهید مطهری در سطحی بالاتر توانسته علاوه بر خصوصیت شناسی فرد و جامعه، عامل ربط بین این دو سطح را نیز شناسایی کرده و تبیین همه جانبه‌تری ارائه دهد. در نظریه شهید مطهری عنصر سوم مستقل است و در ایجاد توازن بین فرد و جامعه موفق است اما در دیدگاه الیاس به سلطه جمع بر فرد متنه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: فرد، جامعه، تلفیق، مطهری، الیاس.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز. ztalebkish@yahoo.com
۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی و برنامه‌ریزی و رئیس پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز zahedani@shirazu.ac.ir
3. Elias

«هستی‌شناسی اجتماعی» در حکمت صدرایی (بررسی بنیادهای نظری «فلسفه علوم اجتماعی» در حکمت متعالیه)

غلام‌حسین کوشایی^۱

«هستی‌شناسی اجتماعی» به نحوه وجود «موضوعات اجتماعی»، «واقعیت‌های اجتماعی» و «فرایندها و رخدادهای اجتماعی» می‌پردازد و به ایده‌هایی در باب مطالعه ماهیت، ویژگی‌ها، ساختار و عناصر خودآگاه در زندگی اجتماعی توجه می‌کند. اصول هستی‌شناسی صدرایی از جمع افراد، صورت نوعی جامعه را بر محور افق‌های معرفتی و معنوی پدید می‌آورد. انسان در افق تعامل دیالکتیکی وجودی با ساختارها و عناصر ساختاری جامعه ارتباط می‌یابد و این گونه سوژه و ابژه بر مدار واحدی گردhem می‌آید. جامعه، مانند سایر امور وجودی جهان، حاوی «حرکت جوهری» است. عوامل انسانی و کنش‌های نیتمند آن‌ها، کلیت جامعه را به‌سوی کمال یا انحطاط رهمنمون می‌کند. انسان که تلاقي امکان‌ها و فعالیت‌ها است، از خلال عمل صالح و ایمان حقیقی حیث امکانی را عبور می‌دهد و به تجد عقلی و هویت لاهوتی دست می‌یابد. معرفت، امر وجودی و بخشنی از فعالیت‌هایی است که انسان مادی را به هستی لایزال مطلق‌الهی پیوند می‌زند و از این مسیر سعادت انسانی و حیات طیبه انسانی فرصت بروز می‌یابد.

این مقاله در صدد است با بررسی بنیادهای فلسفی حکمت متعالیه، ظهور نظری اندیشه صدرایی را در علوم اجتماعی تحلیل کند. با تحلیل بنیادهای صدرایی علوم اجتماعی، راه بومی کردن علوم اجتماعی هموارتر و امید به شکل‌گیری نظریه‌های اجتماعی اسلامی در مقیاس کلان افزون‌تر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: هستی‌شناسی اجتماعی، نظریه اجتماعی صدرالمتألهین، فلسفه اجتماعی صدرالمتألهین، هستی‌شناسی اجتماعی حکمت صدرایی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی Gh.koosha@gmail.com

جایگاه «انگاره پژوهی» در اندیشه اجتماعی حوزوی (جريان‌شناسی اسلامی‌سازی علوم انسانی در تحقیقات اجتماعی حوزه علمیه قم)

غلامحسین کوشایی^۱

این مقاله در صدد است نشان دهد که مفهوم «انگاره» و رویکرد «انگاره پژوهی» در محافل عملی - پژوهشی حوزوی کی و چگونه فرآگیر گردیده است؛ متغیران حوزوی معاصر بیش از هر زمانی به تحقیقاتی روی آورده‌اند که مبادی فلسفی و متأفیزیکی نظریه‌ها و علوم را آشکار ساخته و زمینه تکوین و تدوین نظریه‌هایی اجتماعی با بنیادهای استوار و قابل قبول در محافل علمی جهان را فراهم آورد. نتیجه حاصل از تحقیق پیش رو این است که مفهوم، نظریه و چارچوب فکری از یک فرهنگ و نظام علمی به فرهنگ و نظام علمی دیگر به صورت تصادفی و دلخواهی منتقل نمی‌شود. انتقال مفهوم و نظریه‌های علمی تابع منطق فرهنگی و زیرساخت‌های نظری است. انگاره‌پژوهی با دخالت سه عنصر اساسی وارد فضای حوزوی گردیده است. ۱. دریچه‌های تعامل فرهنگی میان نظامهای علمی مختلف، ۲. زیرساخت‌های نظری و فلسفی همسو با نظریه‌ها و نظام مفهومی وارد شده و ۳. نخبگان علمی که مدیریت دریچه‌های تعامل و گزینش مفاهیم، روش‌ها و نظریه‌های همسو را بر عهده دارند. این سه عنصر به صورت توانمند زمینه شکل‌گیری انگاره‌پژوهی را در فضای حوزوی دسترسی‌پذیر ساخته است.

کلیدواژه‌ها: انگاره، انگاره‌پژوهی، تفکر اجتماعی حوزوی، جامعه‌شناسی معرفت، اندیشه حوزه، پارادایم.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه علوم اجتماعی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی؛
Gh.koosha@gmail.com

ویژگی‌های قوم پشتون و تأثیر آن بر شکل‌گیری طالبان

محمد محسنی^۱

به اعتقاد مشهور طالبان به دلیل استناد به برخی از آموزه‌های تفکر اسلامی همانند جهاد، در زمرة جنبش‌های بنیادگرای اسلامی ارزیابی شده است. اما بر خلاف این باور عمومی به نظر می‌رسد ساختارهای قومی پشتون یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر ظهور طالبان در دوره معاصر به شمار می‌آید که کمتر بدان توجه شده است. طالبان به دلیل آن که ریشه در فرهنگ و جامعه قبیله‌ای پشتون دارد، دیدگاهها و انگیزه‌های آن‌ها تا حد زیادی الگوها و ارزش‌های فرهنگی محیط اجتماعی پشتون را منعکس می‌کند. تفوق طلبی، اسطوره عصبیت و اصول پشتونوالی از جمله مؤلفه‌های مهم پشتونی است که بر طالبان و فرایند پیدایش آن تأثیرگذار بوده است. زوال هژمونی طولانی‌مدت پشتون‌ها، احساس سرخوردگی شدیدی را میان آن‌ها به وجود آورد. این عقده حقارت هویت جمعی آنان را با چالش مواجه نمود. این امر رادیکالیزه شدن پشتونیسم و ظهور آن در قالب جنبش افراطی طالبان را به همراه داشت. این نوشتار با روش اسنادی به دنبال واکاوی و اثبات این ادعا است که برخی اصول و ویژگی‌های جامعه قبیله‌ای پشتون در شکل‌گیری و شناخت ماهیت طالبان نقش کلیدی دارد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، قوم، قبیله، پشتون، طالبان، افغانستان.

علل خشونت ورزی و عوامل مؤثر بر آن

سید عبدالله حسینی

خشونت وصف رفتارهای انسان که مثل هر پدیده دیگر ناشی از علل خاصی است. چرا انسان‌ها در حالت‌های خاصی خشونت می‌ورزند؟ و چه علل و عواملی در ایجاد و تشدید رفتارهای خشن نقش دارد؟ از نظر فلسفی و اخلاقی، علت اصلی خشونت حالات نفسانی هم چون خشم، تکبر، حسد، طمع، نیاز، هوس، جهل (حق پنداری) و تصور کارآمدی است. اما عوامل درونی و بیرونی متعدد دیگری مثل، عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و فرهنگی تربیتی وجود دارد که چون بر حالات نفسانی انسان، تأثیرگذار است، در خشونت نقش دارد که می‌توان آن‌ها را عوامل تأثیرگذار در خشونت نامید. در این نوشتار، نخست علل پیدایی خشونت بررسی و سپس عوامل مؤثر در حالات نفسانی، معرفی و چگونگی نقش و تأثیر آن تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خانواده، علل، عوامل مؤثر.

خشونت خانوادگی و مسئولیت ما

دکتر سید عبدالله حسینی

زندگی و روابط خانوادگی بستر بخش مهمی از خشونت‌ها در جوامع بشری است. خشونت خانوادگی افروزن بر این که خود یک بحران است، منشأ بحران و آسیب‌های متعدد دیگری هم هست. هرچند مطالعات و تحقیقات زیادی درباره خشونت خانوادگی انجام شده است، اما هنوز زوایای پنهانی در آن وجود دارد. این که خشونت خانوادگی چیست؟ چندگونه است؟ چه پیامدهایی دارد؟ و در قبال آنچه مسئولیت انسانی و دینی داریم؟ مهم‌ترین سؤالاتی مطرح در این مسئله است. در این تحقیق تلاش شده است تا با نگرش جدید، به این سؤال‌ها پاسخ داده.

کلیدواژه‌ها: خشونت، خانواده، خشونت خانوادگی، گونه‌ها، پیامدها.

بایسته‌های روش‌شناختی تولید نظریه در عرصه‌های جدید اجتماعی از منظر اسلامی

حسن یوسف‌زاده^۱

اهمیت سخن از تحوّل در علوم انسانی شاید در خلاً و بدون توجه به ساخته‌های زیست اجتماعی چندان روشن و قابل بحث نباشد. همچنان که در مغرب زمین هم تا زمانی که پیشرفت‌های علوم طبیعی رخ نداد، سخن از علوم انسانی در میان نبود. مهم‌ترین نکته‌ای که علوم انسانی را به مرکز مباحثات دانشگاهی کشاند، پیشرفت‌های مادی در مغرب زمین بود. ظهور و رشد علوم انسانی در ایران نیز مرهون آمدوشده‌ای محصلان ایرانی به فرنگ و نیز انگیزه‌های غربی‌ها برای همراه کردن مشرق زمین با خود در جهت گسترش فرهنگ غرب و ایجاد بازارهای اقتصادی جدید بود. در سال‌های اخیر نیز که از سوی مقام معظم رهبری این بحث به صورت جدی مطرح و مطالبه می‌شود، در بستر نگاه به پیشرفت قابل تبیین است. در همان فضایی که الگوی پیشرفت و سبک زندگی اسلامی مطرح می‌شود، تحوّل در علوم انسانی نیز به طور جد مورد توجه ایشان قرار می‌گیرد. درنتیجه، در نسبت علوم انسانی با پیشرفت و سازوکارهای آن بهتر می‌توان جایگاه این بحث را تبیین کرد. رشد و گسترش علوم انسانی اسلامی در گرو روش‌شناختی‌های دقیق و ارائه راهکارهای علمی متناسب در عرصه‌هایی است که نماد فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌رود. عرصه‌هایی از قبیل الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و سبک زندگی اسلامی به دلیل شمول و کلیتشان همه عرصه‌های علوم انسانی را روبر می‌گیرند و اهتمام به روش‌شناختی و نظریه‌پردازی در این دو عرصه نقطه ثقل تحوّل در علوم انسانی به شمار می‌رود. علوم انسانی همچنان که پیش‌ران توسعه در مغرب زمین به شمار می‌رود، عنصری تعیین‌کننده در تحقق الگوی اسلامی پیشرفت و نیز سبک زندگی اسلامی در جهان اسلام تلقی می‌شود. تغییر مسیر علوم انسانی از رویکردهای غربی به سمت وسوی مسائل اسلامی و حتی بومی، استلزماتی دارد که در این مقاله مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین ترتیب با بهره‌گیری از ظرفیت روش «پیاز پژوهش» ساندرز، در پاسخ به این پرسش که از نگاه اسلامی، نظریه‌پردازی در عرصه‌های جدید دارای چه استلزماتی است، دیدگاه نظری و روش‌شناختی برخی از متفکران اسلامی معاصر (شهید

صدر، محمدتقی جعفری، جوادی آملی، اعرافی، رشاد، عابدی، پارسانیا) در جهت دستیابی به الگوی روش‌شناسانه مناسب در تحوّل علوم انسانی بررسی و نتیجه این شد که ورود به هرگونه مبحث کاربردی ازنظر گاه اسلامی، نیازمند توجه توأمان به فلسفه، اخلاق و فقه بهصورت منظومهای است.

کلیدواژه‌ها: روش‌شناسی، نظریه‌پردازی، علوم انسانی، علوم اسلامی، تحوّل در علوم انسانی، کنگره علوم انسانی.

واکاوی نقش انواع سرمایه در عهدنامه‌ی علی بن ابی طالب با مالک اشتر نخعی

دکتر شیرزاد طایفی^۱

از جمله منابع اصلی و گران‌سنگ برای درک و فهم هر چه بهترین بن‌ماهیه‌های اسلام ناب محمدی، نهج‌البلاغه‌ی علی بن ابی طالب است؛ ازین‌رو، پژوهش‌های قابل اعتماد و ارزشمندی با محوریت نهج‌البلاغه، بهخصوص بخش مکاتبات حضرت علی (ع)، انجام شده و وجوده گوناگون آن مورد واکاوی قرار گرفته است. در این پژوهش، بر آنیم با بهره‌گیری از پژوهش‌های کتاب‌خانه‌ای و استنادی و با تکیه بر روش استقرایی-تحلیلی، به تبیین عهدنامه‌ی علی بن ابی طالب با مالک اشتر نخعی پردازیم. در چارچوب نظری بحث، پی‌بر بوردیو سرمایه را منبعی می‌داند که قدرت به بار می‌آورد و در تقسیم‌بندی جامع، سرمایه را به چهار دسته تقسیم می‌کند: سرمایه‌ی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین. حال، با مطالعه و مذاقه در عهدنامه‌ی حضرت علی (ع) با مالک اشتر، به گونه‌های مختلف با انواع سرمایه-به مفهومی که بوردیو مطرح می‌کند- مواجه می‌شویم که هر یک به صورتی ظرفیت بروز یافته‌اند و مجموع این ظهور و بروز، منجر به ایجاد قدرت می‌شود. از این میان، دو سرمایه‌ی فرهنگی و اقتصادی از بسامد بالاتری برخوردارند و بر اساس آنچه بوردیو مطرح می‌کند، بهره‌مندی از سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی، دو سرمایه‌ی دیگر (اجتماعی و نمادین) را به همراه خواهد داشت که مفاهیم مطرح در عهدنامه و تحلیل کاربردی آن، خود، دلیلی است بر اندیشه‌ی والا و غنای فکری و روحی حضرت علی (ع).

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، مالک اشتر، جامعه‌شناسی، انواع سرمایه، پی‌بر بوردیو.

مدل تبلیغ بین المللی اسلام بر مبنای نظریات ارتباطات بین الملل

احمد اویایی^۱

تبلیغ بین المللی دین اسلام یکی از اصول اساسی دین مبارک اسلام است که در بررسی های کلامی و روایی و قرآنی اثبات می شود. طبیعی است که تبلیغ در عرصه جهانی نیاز به بستر و ابزار مناسب دارد. توسعه تکنولوژی و ورود به عرصه ارتباطات بین الملل که سهولت انتقال پیام و فرهنگ ها را به همراه داشته است می تواند بستر مناسب برای تبلیغ دین در عرصه بین الملل باشد. ارتباطات بین الملل به معنای ارتباطات فراتر از مزهای جغرافیایی و فرهنگی که بر مبنای حقوق بین الملل و قراردادهای و تعهدنامه های بین المللی در جریان است و کارکردهایی چون انتقال افکار و فرهنگ های متفاوت به جهانیان را دارد دارای قابلیت ها و ابزارهایی است که مبلغان دینی می توانند با به کار گیری آن ها مسیر تبلیغ جهانی دین را هموارتر طی کنند. شناخت ارتباطات بین الملل و ظرفیت های آن در جهت تبلیغ بین الملل دین اسلام، مسئله ای است که باید با تحقیق و پژوهش موردنرسی قرار گیرد. با روش توصیفی تحلیلی می توان به بررسی نظریات ارتباطات بین الملل پرداخته و پس از تبیین اصول تبلیغ، به ظرفیت های ارتباطات بین الملل و تبلیغ بین المللی دین دست یافت. در نهایت نظریاتی مانند حوزه عمومی، جامعه اطلاعاتی و جهانی سازی می تواند نظریاتی باشند که توجه به آن ها ظرفیت هایی را در راستای تبلیغ دین روشن می سازد. همچنین در نظر گرفتن قوانین بین المللی ارتباطات مانند اصل آزادی بیان و مذهب در این راستا بسیار راهگشا است. به نظر می رسد در نهایت تدوین مدل تبلیغ بین المللی تنها راه حل استفاده از ظرفیت های ارتباطات بین الملل برای تبلیغ بین المللی دین در عصر ارتباطات می باشد. مدل هفت مرحله ای تبلیغ بین المللی دین که دارای مراحل پژوهش های بنیادین، نتیجه گیری کاربردی، تدوین راهبردها، اعتبار سنجی، اتخاذ تصمیمی، اجرا و بازخورد گیری است می تواند مدلی مطلوب برای حل مسئله تبلیغ جهانی دین باشد.

کلیدواژه ها: ارتباطات بین الملل، تبلیغ بین الملل، نظریات ارتباطات بین الملل، مدل تبلیغ بین الملل، تبلیغ جهانی اسلام.

۱. طلبه خارج حوزه، دانشجوی دکتری ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم قم، ahmad.olyaei@gmail.com

ارزیابی مجدد فرضیه‌های پایه‌ای مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت از راه ارزش‌های دینی

مهدی نصیری^۱

نظریه‌پردازان توسعه جهان سوم، بیشتر ملهم از دو دیدگاه ساخت‌گرایی-کارکردگرایی و دیدگاه تضاد به بحث پیرامون ریشه‌های توسعه و پیشرفت در کشورهای جهان سوم و ارائه راه حل در این زمینه پرداخته‌اند. در این پژوهش، بر اساس رویکرد اول، ابتدا دیدگاه نوسازی کلاسیک نقد و بررسی شده و در نهایت ویژگی‌های فرهنگ شیعی بر اساس چارچوب نظریه نوسازی جدید بیان می‌شود. این پژوهش پس از بیان تاریخچه، خاستگاه، اصول، قضایا و آرای برخی از صاحب‌نظران رویکرد نوسازی کلاسیک، به مقایسه آن با رویکرد نوسازی جدید و اندیشه صاحب‌نظران آن بهویژه در مورد جامعه ایران پرداخته و جایگاه هر یک از این دو نظریه در علوم اجتماعی ایران را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. در این نوشتار اشاره شده که ارزش‌ها و خصایص فرهنگی شیعی نقش به سزاوی در توسعه همه‌جانبه داشته و بستر اجتماعی رابرای رسیدن به پیشرفت فراهم می‌آورد. بهبیان دیگر ویژگی‌های مذهب شیعه نه تنها مانع برای توسعه و پیشرفت نبود بلکه شناخت و کاربست آن زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت است. نکته حائز اهمیت در این مقاله توجه به رابطه برخی از مؤلفه‌های دینی با فرهنگ توسعه و پیشرفت بوده و به برخی از این مؤلفه‌ها اشاره می‌شود. روش این پژوهش توصیفی و تحلیلی بوده و داده‌های اولیه بر اساس روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. هدف اصلی این پژوهش رسیدن به مفهوم توسعه بر اساس مؤلفه‌های و شاخص‌های دینی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه، نوسازی کلاسیک، نوسازی جدید، مذهب شیعه، ارزش‌های دینی.

۱. دکترای جامعه‌شناسی گرایش جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، بورسیه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، mahdinasiri1@yahoo.com

خاستگاه نظریه‌های اطلاع‌رسانی: قرآن یا غرب؟

دکتر حمید قاضی‌زاده^۱، دکتر حیدر مختاری^۲، دکتر نوروز شفیع تبار سماکوش^۳

هدف: هدف این پژوهش بررسی منشاً نظریه‌های عمدی اطلاع‌رسانی و ارتباطات امروزی با واکاوی آن‌ها در دو منبع اصلی قرآن و نظام غرب است تا نقش مؤثر قرآن در تبیین این نظریه‌ها مشخص شود.

روش پژوهش: مطالعه حاضر تحلیلی و هرمنوتیکی است که با واکاوی متون مرتبط و مقایسه‌ی نظریه‌های اطلاع‌رسانی غربی با سوره و آیه‌های قرآن کریم در باب اطلاعات و اطلاع‌رسانی انجام می‌شود.

یافته‌ها: برخلاف ادعای بسیاری که خاستگاه نظریه‌های عمدی اطلاع‌رسانی را زایده‌ی فکر اندیشمندان غربی می‌دانند و توسعه بنگاه‌های سخنپردازی بزرگ را ناشی از تکیه بر نظریه‌های اطلاع‌رسانی غربی تلقی می‌کنند، بررسی دقیق متون و تکیه بر استاندارهای تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و مقایسه‌ی آن‌ها با آیات مرتبط قرآنی نشان می‌دهد، خاستگاه و منشأ پیدایش نظریه‌های عمدی اطلاعاتی قرآن کریم است و این کتاب مقدس، علاوه بر نقش آفرینی را این زمینه، در ابعاد علمی دیگر نیز به طور چشمگیری راه‌گشاست.

نتیجه‌گیری: خاستگاه نظریه‌های مهم اطلاع‌رسانی و نظام‌های اطلاعاتی دنیا قرآن کریم است که در این میان، رسانه‌های غربی، به تأسی از روش قرآن کریم، به شکل پنهانی از قابلیت‌های آن بهره برده و در سایه‌ی غفلت و کم کاری اندیشمندان جهان اسلام، گوی سبقت را از آنان ربوده‌اند. توجه به دیگر قابلیت‌های قرآن و استخراج نظریه‌های جدید از آن از جمله وظایف ما مسلمانان است.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌های اطلاع‌رسانی، قرآن کریم، جهان غرب.

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشگاه پیام نور ghazi.hamid@gmail.com

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. دانشگاه پیام نور mokhtariazad@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف اسلامی. دانشگاه پیام نور n.shafitabar@yahoo.com

بورسی و ارزیابی الگوی حضور اجتماعی زنان از منظر جریانات فکری اسلامی

سید سعید زاهدانی^۱ مریم هاشم پور صادقیان^۲

از دیرباز جریانات فکری متفاوتی در ایران حاکم بوده‌اند و هر یک به گونه‌ای به زن و حضور اجتماعی او نگریسته‌اند. انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ شرایطی را فراهم کرد که منجر به ایجاد نگرش تازه‌ای پیرامون زن شد. هدف اصلی مطالعه حاضر، بررسی و ارزیابی جریانات فکری متفاوتی بوده است که بعد از انقلاب اسلامی در کتاب جریان فکری اصلی انقلاب اسلامی وجود داشته‌اند و هر یک به گونه‌ای به ارائه الگوی حضور اجتماعی زنان پرداخته‌اند. سه جریان سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی و تمدن‌گرایی به عنوان مهم‌ترین جریانات فکری موجود در بستر اسلامی در نظر گرفته شده‌اند. از این‌رو با استفاده از روش استنادی، ابتدا مؤلفه‌های اصلی حاکم بر نگرش هر یک از این جریانات بررسی شدند و سپس رابطه هر مؤلفه با مسائل زنان نیز اشاره شدند؛ نهایتاً، موضع‌گیری خاص این سه جریان نسبت به نحوه حضور اجتماعی زنان به صورت سه رویکرد خانواده گرایی، جامعه‌گرایی و تکامل‌گرایی طبقه‌بندی شد و مدل جامع رویکرد نظری جریان تمدن‌گرایی اسلامی نسبت به حضور اجتماعی زنان ارائه شد. مقایسه این جریانات فکری نشان می‌دهد که جریان تمدن‌گرایی اسلامی با اتخاذ نگرشی مجموعه‌نگرانه و رویکردی تکامل‌گرایانه نسبت به زن، الگوی کامل‌تری را ارائه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: زن، جامعه، سنت‌گرایی اسلامی، تجددگرایی اسلامی، تمدن‌گرایی اسلامی.

۱. دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز و رئیس پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی دانشگاه شیراز.
zahedani@shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو پژوهشکده تحول و ارتقاء علوم انسانی دانشگاه شیراز.
s.mhashempour@rose.shirazu.ac.ir

أنواع اطلاع رسانان و کار کرد آنان از منظر قرآن

نوروز شفیع تبار سماکوش^۱، حمید قاضیزاده^۲، دکتر حیدر مختاری^۳

قرآن در همه‌ی مسائل و برای تمامی دوران‌ها نکاتی ارزنده و آموزنده دارد. مفاهیم علمی امروزی نیز با تدبیر در قرآن آشکار می‌شوند. اطلاعات و مفاهیم مرتبط با آن هم نمونه‌ای از آن هاست. اطلاعات و اطلاع رسانی همواره در زندگی نقش مهمی داشته است و این نقش در دنیای اطلاعات و ارتباطات امروزی برجسته‌تر شده است. هدف این مقاله‌ی اکتشافی - تحلیلی، کشف عوامل اطلاع رسانی (اطلاع رسانان) در قرآن و کار کرد آن‌ها با تأمل در معانی آیات قرآنی و تفاسیر آن هاست. ابتدا مفهوم اطلاع رسانی و اطلاع رسان در متون علمی واکاوی شده و تعریف عملی آن‌ها عرضه شده است. سپس، آیات قرآن و تفسیر آن‌ها در این باب اساس کار قرار گرفته است. طبق نتایج به دست آمده، اطلاع رسانان مختلفی از منظر قرآن دست‌اندرکار اطلاع رسانی درست و غلط با اهدافی خیر و شر، در قالب پیدا و پنهان هستند. توجه به نوع و کار کرد این اطلاع رسانان، راهنمای ما در عرضه، جستجو و کسب اطلاعات در جهان امروز است. توجه به این نمودهای الهام‌بخش، آگاهی ما را از این عوامل عصر اطلاعات بیشتر می‌کند و مبنای تحقیقات جدی و جدیدی را در این عرصه می‌گشاید.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات، اطلاع رسان، اطلاع رسانی، قرآن کریم.

۱ استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور n.shafitabar@yahoo.com

۲ استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور ghazi.hamid@gmail.com

۳ استادیار، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور mokhtariazad@gmail.com

درآمدی بر وظایف روابط عمومی از منظر قرآن کریم

عباس مصلحی پور یزدی^۱، روح الله داوری^۲

روابط عمومی از جهت اصطلاحی به معنای دادن اطلاعات به مردم و تلاش برای تغییر گراییش‌ها و رفتار مردم است. روابط عمومی، چشم و چراغ یک دستگاه و مغز متفسک و موئون محركه یک دستگاه است. بررسی مهم‌ترین وظایف و کارکردهای روابط عمومی اسلامی در یک سازمان و مؤسسه اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم از اهداف نگارش این مقاله است. محور قرار دادن قرآن کریم، تأکید بر اخوت اسلامی، توکل بر خداوند متعال، تواصی به حق، صبر و مرحمت، و بالآخره بهره‌گیری از نظررات دیگران، از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم ناظر به تمامی فعالیت‌های روابط عمومی اسلامی است. تأکید بر تکریم و بزرگداشت شعائر الهی، دقت در محتوای خبر، تأکید بر صداقت و پرهیز از غلو از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم ناظر به فعالیت‌های رسانه‌ای روابط عمومی اسلامی است. **کلیدواژه‌ها:** روابط عمومی اسلامی، وظایف و کارکردهای روابط عمومی اسلامی، قرآن کریم و اطلاع‌رسانی.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام
۲. دانشجوی دکترا تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، rdavari68@gmail.com

رسانه و ذهنیت سیاسی مقایسه ماهواره و رسانه ملی بازتعویف مفاهیم اساسی سلامت در پارادایم اجتهادی تفکر قرآنی

دکتر سید جواد حسینی کوهی خیلی^۱

امروزه بعضی از واژه‌های عمومی و حتی مفاهیم اساسی در علوم به دلایل مختلف از جمله دخالت مبانی، اصول و اعتقادات متفاوت در پارادایم‌های فکری مختلف، معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. در بعضی از مواقع این تفاوت تعاریف "مفاهیم اساسی" در علوم، سبب اختلاف دانشمندان در برداشت‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و عملکردها نیز خواهد شد.

واژگان "سلامت" و مفاهیم اساسی مرتبط با آن نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در پارادایم‌های مختلف معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. هدف اصلی در این پژوهش ضمن بیان تعاریف گوناگون این مفهوم در پارادایم‌های رایج موجود، کشف نوع نگاه و تعریف قرآن از واژگان سلامت و مفاهیم اساسی مرتبط با آن از طریق تفحص اجتهادی، تنها در بخشی از مبانی معرفت‌شناختی در قرآن و آموزه‌های دینی است. قرآن به عنوان کلام وحی و کتاب هدایت، انسان را محور خلقت و جهان هستی دانسته و برای او و تمام شئونات اساسی اش گزاره‌های مستقیم و غیرمستقیمی جهت هدایت به سمت رشد و شکوفایی و رسیدن به کمال انسانی ارائه کرده است.

از جمله این مفاهیم اساسی، مفهوم سلامت و موضوعات وابسته به آن است، که برای فهم دقیق آن می‌باشد، ابتدا این مفاهیم را که اغلب در پارادایم تفکر خاص غربی تعریف شده‌اند، در پارادایم اجتهادی تفکر توحیدی قرآن تعریف، یا به عبارت صحیح‌تر، بازتعویف نمود. تا آنگاه در راستای این فهم دقیق، و بازتعویف مفهوم سلامت و مفاهیم اساسی مرتبط با آن، مبادرت به تدوین شاخص‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و عملکردهای لازم حوزه سلامت در پارادایم تفکر قرآنی نموده و درنهایت به تدوین نظام جامع سلامت در پارادایم تفکر قرآنی پرداخت.

در این پژوهش برای اولین بار، به دلیل اختصار ضمن بر شمردن تنها بعضی از مبانی معرفت‌شناختی سلامت و سلامت اجتماعی از منظر قرآن، مبادرت به بازتعویف مفاهیم اساسی حوزه سلامت مانند، "سلامت"، "بهداشت"، "نظام سلامت"، "سلامت اجتماعی"، در پارادایم اجتهادی تفکر قرآنی نموده و به متفکران و متخصصان این حوزه ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: پارادایم، سلامت، سلامت اجتماعی، نظام سلامت، بهداشت، تفکر قرآنی.

۱. دانشآموخته حوزه علمیه قم - دکترای پزشکی علوم پزشکی کاشان - hosseinikohikheili_javad@yahoo.com

مرور ادبیات مطالعات سبک زندگی در آثار برشی از اندیشمندان مسلمان

سید محمد تقی موسوی فر^۱

سبک زندگی یکی از مباحث نوین و راهبردی عصر حاضر است. توصیف یا تجویز حالات و گفتارها و رفتارهای انسانی در همه ساحت‌های زندگی را سبک زندگی گویند. دین میان اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین برنامه تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت بشر است. جهان‌بینی آن فرامکانی و فرازمانی یعنی جهان‌شمول و جاودانه است. از ارکان تأمین سعادت انسان برنامه‌ریزی برای امور روزمره و مسائل زندگی است. معارف اسلامی تمام ابعاد زندگی را شامل می‌شود و در یکایک این مسائل مبنا یا اصل یا راهکار عملی ارائه می‌دهد. سبک زندگی با کلیدواژه‌های ادب و سنت در منابع اصیل اسلامی قابل پیگیری است و در حوزه اخلاق و احکام نیز علاوه بر آداب و سنن می‌توان در جستجوی مسائل و معارفش بود. اندیشمندان مسلمان نیز از دیرباز دغدغه تدوین و تبیین در این حوزه را داشته‌اند. یکی از کاستی‌های پژوهش‌های اخیر سبک زندگی عدم التفات یا بهره‌وری از میراث سبک زندگی در تاریخ و تمدن و فرهنگ اسلامی است. به این معنا که با نوظهور پنداشتن مسئله سبک زندگی دیگر کسی به پیشینه این مباحث در آثار اسلامی نپرداخته است (و اگر پرداخته بسیار ناقص و اشاره‌وار است). تحقیق حاضر در صدد تبیین و تشریح این مدعای است که اندیشمندان مسلمان از دیرباز دغدغه تبیین و تدوین در این حوزه را داشته‌اند. در این راستا در اولین گام به معرفی و طبقه‌بندی آثار اسلامی در این حوزه پرداخته است و در سه سبک سیره نگاری، اخلاق نقلی و تلفیقی دسته‌بندی نموده و اختصاصات هر یک از این سبک‌ها را بر Shermande است.

شناخت طرفیت‌های پژوهش‌های اندیشمندان مسلمان، برای مطالعات جدید سبک زندگی می‌تواند از طریق شناخت الگو، سبک، ساختار، مبانی و روش‌های این میراث ارزشمند، بسیار راهگشا باشد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، آداب، اخلاق، اندیشمندان مسلمان، مرور ادبیات.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه سراسری قم، رشته تفسیر Mosavifar88@gmail.com

بررسی تطبیقی دکترین ام القری جهان اسلام و شهر جهانی در عصر جهانی شدن

محمد اسکندری نسب^۱، عباس نقی پور^۲، بهمن بخشی^۳، فرامرز بهرامی بهرام زاده^۴

از ابتدای انقلاب اسلامی، دغدغه دولتمردان و مدیران تحقق ایران و خصوصاً شهر تهران به عنوان ام القری جهان اسلام بوده که با جهانی شدن و ایجاد شهرهای جهانی مصادف شده است. دکترین ام القری که ریشه در تفکر جدید جهان اسلام و خصوصاً امام خمینی (ره) و سایر نظریه پردازان جمهوری اسلامی دارد، با ایده شهر جهانی شباهت زیادی دارد گویی می‌توان همزمان هر دو ایده را در یک شهر مانند تهران محقق کرد. درنتیجه این مقاله بر آن است تا با بررسی مفهومی و کارکردی پژوهش جهانی شدن و خصوصیات شهر جهانی، به صورت تطبیقی آن را در کنار ایده ام القری، در صدر اسلام، دوره جمهوری اسلامی و سایر اندیشمندان جهان اسلام، قرار دهد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا ام القری، می‌تواند همزمان شهر جهانی (در ادبیات جهان مدرن) باشد. نتیجه این مقاله نشان می‌دهد که این دو ایده از نظر مفهومی و کارکردی تخالف و تضادهای زیادی دارند و منشأ این ناسازگاری بستر تاریخی متفاوتی رشد و شکل گیری هر یک از این مفاهیم می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شهر جهانی، جهانی شدن، ام القری.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران نویسنده مسئول، eskandar.m1991@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات توسعه، دانشگاه تهران

۴. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد، yahoo.com@faramarzbahrami۴۶

گفتاری در اندیشه اجتماعی اقبال لاهوری

محمد اسکندری نسب^۱، محمد شریعتی تبار، آفرامز بهرامی بهرام زاده^۲

اقبال لاهوری به عنوان یک مصلح اجتماعی نه یک جامعه‌شناس قابل تأمل است و در این مقاله ابتدا تعریف وی از انسان که برگرفته از قرآن، اندیشه عرفانی مولانا و حتی فردگرایی غربی است شرح داده شده و سپس این انسان تعریف شده را در مقوله خودی جای داده تا رابطه بین فرد و جامعه را نشان دهد. درواقع اندیشه خودی هم به گونه‌ای برگرفته از رابطه بین خداشناسی و خودشناسی است که در اینجا اجتماع را به جای خداوند قرار داده تا چنین تأثیر دوطرفه‌ای را نمایان کند و از این یافته خود برای مقاصد سیاسی و اجتماعی ملل مسلمین استفاده می‌کند. همچنین اقبال با رد فردگرایی افسارگسیخته سعی می‌کند بنیادی برای کنترل فردگرایی در نظر بگیرد که موجب بازگشت وی به اصول اولیه اسلام و سنت می‌شود.

در حرکت اندیشه از فرد به اجتماع است که می‌بینیم تحت تأثیر اندیشمندان مسلمان چون شاه ولی‌الله، سید احمدخان و سید جمال الدین قرار دارد. اصول اجتماعی فلسفه اقبال بر پایه اصلی فلسفه ولی‌الله پیرامون اختلافات میان جوهر دین و اصول قرار دارد. تحت تأثیر سید احمدخان و دو مفهوم اسلامی او یعنی خودبیاری و همکاری بین‌المللی قرار گرفت همچنین زیر تصورات جمال الدین در پیرامون احیای احادیث اسلامی و تعبیر تازه‌ای از اسلام است که درنهایت از این خیل تحلیل‌ها نسخه‌ای برای اصلاح جامعه به ما می‌دهد. این نسخه همان اجتهاد است که موجب ارتباط مثبت بین سنت و دنیای جدید می‌شود. وظیفه اجتهاد را بر دوش روشنفکران و شاعران می‌گذارد تا رسالت واقعی آن‌ها در جامعه و نیاز جامعه به چنین اشخاصی را به ما نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: اقبال لاهوری، اسرار خودی، رموز بیخودی، اندیشه اجتماعی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. نویسنده مسئول، .eskandar.m1991@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تهران
۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد، faramarzbahrami46@yahoo.com

آسیب‌های نو ظهور بازی‌های رایانه‌ای در بین دانش آموزان

(فرصت‌ها و چالش‌ها)

(موردمطالعه: شهر آزادشهر)

محمد رضا نعیمی^۱، علی اصغر اصغری^۲، اشرف بای^۳

هدف از نوشتار حاضر بررسی اثرات منفی بازی‌های رایانه‌ای بر دانش آموزان پسر و دختر دوره تحصیلی راهنمایی می‌باشد. تحقیق به روش پیمایشی انجام شده و داده‌ها از یک نمونه ۳۰۰ نفری از دانش آموزان دختر و پسر دوره‌ی راهنمایی شهرستان آزادشهر در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ گردآوری شده است. در پژوهش حاضر ضمن بررسی اثرات منفی و مثبت بازی‌های رایانه‌ای، یکی از اساسی‌ترین اثرات منفی این بازی‌ها که القای خشونت و پرخاشگری است مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق پیرامون ترجیح دانش آموزان برای بازی کردن با برنامه‌های مختلف رایانه‌ای که هم‌سو با یافته‌های محققان دیگر نیز هست، نشان داده که بر حسب انواع و دفعات پرداختن به بازی بیشترین میزان (۴۶/۲۸ درصد) متعلق به بازی‌های مبارزه‌ای و خشونتی است و کمترین میزان (۷/۰۹ درصد) به بازی‌های حل مسئله و اکتشافی تعلق می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: بازی رایانه‌ای، پرخاشگری، خشونت، دانش آموزان، دوره‌های راهنمایی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر r.naeimi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر Asghari.aliasghar@gmail.com

۳. مدرس دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان آزادشهر

تبیین شهر اسلامی

عبدالحسین کلانتری^۱، حسن بخشیزاده^۲

شهر، مينا و فضای برای گردهم آمدن انسان هاست. فضایی که تعاملات انسانی و مسائل اجتماعی در آن رخ می دهد و برحسب پشتونه معرفتی و هستی شناسانه، هویت پیدا می کند. طوری که ما می توانیم از شهر زیبا، شهر صنعتی، شهر غربی و شهر اسلامی حرف بزنیم. این مقاله با استفاده روش تحلیل تمثیلک به تبیین شهر اسلامی با تحلیل منابع مرتبط و اصلی می پردازد که از بین جستجوی آنها در ویگاههای علمی و با توجه به بیشترین ارتباطشان انتخاب شده اند. بر اساس نتایج تحقیق، ۸ تم عمده و ۴ تم محوری در تبیین شهر اسلامی به دست آمده است که منجر به دو مقوله هسته ای با عنوان «پیوند اسلام با شهر» و «تبیین محور بودن شهر اسلامی تا تعریف و نظریه محور بودن آن» شده است. به طور کلی یافته های این تحقیق نشان می دهد که شهر اسلامی، دارای تعاریف متعدد و گاهی متضاد با هم هستند که هر کدام در جای خود دارای نقد و بررسی می باشند، لذا باید آن را تبیین نمود تا تعریف و نظریه پردازی. می توان گفت که شهر اسلامی به پشتونه هویت اسلامی و نمادهای آن است که به این نام مطرح می شود و شهری، متفاوت از شهرهای غیر اسلامی است.

کلیدواژه ها: شهر، اسلام، شهر اسلامی.

۱. دانشیار جامعه شناسی دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) kalantari1356@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تهران. hassnbakhshi@ut.ac.ir
(این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جامعه شناسی دانشگاه تهران {با عنوان «تبیین عوامل اجتماعی در دگردیسی ساخت شهر اسلامی در دوره معاصر، موردپژوهی: تهران "شهر اسلامی ایرانی"»} به راهنمایی دکتر عبدالحسین کلانتری و مشاوره جنابان دکتر سید محسن حبیبی و دکتر قاسم زائری است).

علوم اجتماعی از منظر محمدرضا حکیمی

سید سعید زاهد زاهدانی^۱، مهدی مقدسی^۲

محمدرضا حکیمی از جمله علمایی است که در جریان مبارزات فکری معاصر با تجددگرایان برای ارائه علوم اجتماعی اسلامی اهتمام ورزیده است. او که از اندیشمندان مکتب تفکیک می‌باشد، با تکیه بر آیات و روایات، نظرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود را در آثار متعددی منتشر ساخته است. در این مقاله که به روش مطالعات کتابخانه‌ای و با ضروری دانستن تشکیل حکومت اسلامی و با در نظر گرفتن اینکه تولید علوم انسانی و اجتماعی اسلامی برای تشکیل آن الزامی است، پس از ارائه زمینه‌های اجتماعی افکار و مختصراً از زندگی نامه حکیمی، به مبانی نظری وی و اندیشه‌های او در سه حوزه مذکور پرداخته شده است. او احاطه کاملی بر قواعد و قوانین فردی اسلامی دارد و جامعه ایده‌آل ترسیم شده توسط او جامعه‌ای است که هر کس وظیفه خود را بشناسد و اجرا کند و یا از طریق امر به معروف و نهی از منکر و نیز تشکیل حکومت اسلامی زیر نظر معصوم و یا عالم ربانی وادر به اجرای آن گردد. نگاه فردی وی موجب غفلت از توجه به اثرگذاری و خاصیت نظام‌های اجتماعی و در نتیجه احکام اجتماعی اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: حکیمی، اسلام، عدالت، فقر، جامعه.

۱. دانشیار بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول); zahedani@shirazu.ac.ir
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

بررسی اثرات خانه‌های دوم بر توسعه پایدار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی خراسان جنوبی

فرهود گل محمدی^۱، محمد کریم معتمد^۲، سید حمید رضوی^۳، حسین گل محمدی^۴

در ایران مسئله گردشگری و صنعت توریسم تاکنون جایگاه واقعی خود را نیافته است و علیرغم موقعیت مناسب و مساعد جغرافیائی بین دنیای شرق و غرب وجود بسیاری از موهاب طبیعی، فرهنگی و اسلامی و انواع جاذبه‌های قابل عرضه به بازارهای توریستی بین المللی، درآمد ارزی ایران از این بابت بسیار ناچیز بوده است. گردشگری روستایی جزئی از صنعت گردشگری است که می‌تواند با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی مزیت‌ها و محدودیت‌های روستایی در توسعه این مناطق و در نتیجه در توسعه ملی نقشی مؤثر بر عهده داشته باشد. امروزه، گردشگری در مناطق روستایی و دورافتاده اهمیتی ویژه یافته است و برای رفاه جوامع محلی ابزاری بسیار مناسب تلقی می‌شود و ۱۰ درصد از تمامی فعالیت‌های جهانگردی را شامل می‌شود. در دو دهه گذشته بسیاری از افراد در شهرهای بزرگ ایران به دنبال احداث (غلب موارد) و یا خرید و نوسازی (کمتر) یک خانه در مناطق روستایی مستعد و خوش آب و هوا در نزدیکی مکان اقامت خود بوده‌اند که از این خانه‌ها در اصطلاح به نام خانه‌های دوم نام برده می‌شوند و برای تعطیلات آخر هفته و نوروز و تابستان بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. احداث خانه‌های دوم یا خانه‌های تعطیلات با هدف گذران اوقات فراغت در روستاهای ییلاقی شهرستان بیرجند در استان خراسان جنوبی و بویژه روستای خراشاد در ۳۰ کیلومتری بیرجند بیش از یک دهه است که آغاز شده است (به ویژه پس از تشکیل استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۳). در این سال‌ها ساکنان شهرستان بیرجند به محیط‌های طبیعی روستاهای پیرامون و به ویژه روستای ییلاقی خراشاد هجوم آورده‌اند تا بتوانند ایام تعطیلات آخر هفته را در فضایی آرام در کنار خانواده خود سپری کنند. بدین ترتیب، در نواحی روستایی پیرامون شهرستان بیرجند، شکل‌گیری نوعی جدید از منازل مسکونی را شاهد بوده‌ایم

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند (مسئول مکاتبات).

۲. دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه گیلان.

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی ناجا خراسان جنوبی و مدرس دانشگاه‌های استان‌های خراسان جنوبی و رضوی hamid.3021@yahoo.com

۴. کارشناس آموزشی در: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور - قم farhood.gol@gmail.com

که پیدایش آنها به نام «خانه‌های دوم» و گردشگری روستایی اثرات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی خاصی را در این روستاهای بر جای گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: خانه‌های دوم، گردشگری، توسعه پایدار، روستا، خراسان جنوبی.

کمپیوٹن ڈھنچی
تبلیغ و تربیت
اسلامی

۳۳ چکیدہ مقالہ

نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی^۱

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد و از آنجاکه کشور ما بخصوص بعد از ظهور اسلام بافت مذهبی داشته و با اسلام آمیخته است، نمی‌توان میان آن‌ها جدایی قائل شد. سواد فرهنگی حیطه گسترده‌ای دارد، تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا دین و علم در بر می‌گیرد. هدف مقاله حاضر تبیین مفهوم سواد فرهنگی و اهمیت و نقش آن در تحولات علوم انسانی اسلامی است. در این راستا سؤالات زیر مطرح است: مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟ ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی آن کدام‌اند؟ نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟ چه راهکارهایی جهت تحقق سواد فرهنگی بهویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور است؟ از یافته‌های مهم این بررسی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: سواد فرهنگی آن چیزی است که همه تمام اشاره جامعه بهویژه دانش آموزان بایستی از آن آگاه باشند؛ حفاظت از فرهنگ ایرانی - اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. با توجه به اینکه یکی از اهداف سواد فرهنگی حفاظت از فرهنگ بهصورت منسجم و علمی است، در ایران نیز قطعاً حفاظت از فرهنگ اسلامی - ایرانی نیازمند به سواد فرهنگی است. تا در ذیل شعار سواد فرهنگی به دنبال مدیریت صحیح برای هماهنگی و هم‌افزایی و افزایش مسئولیت‌پذیری عموم مردم در این رابطه باشیم.

کلیدواژه‌ها: سواد فرهنگی، علوم انسانی اسلامی.

فلسفه آموزش علوم از نگاه اندیشمندان مسلمان: زمینه‌ای برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

محمدحسن میرزا محمدی^۱

پژوهش حاضر با هدف تبیین فلسفه آموزش علوم از نگاه اندیشمندان مسلمان و استنتاج زمینه‌های آن برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، با استفاده از روش تحلیل مفهومی (از نوع تفسیر مفهوم) انجام شده است. بر این اساس، در ابتدا زمینه فلسفه علم به صورت کلی بیان شده، آنگاه رهیافت‌های علم‌شناسی در تمدن اسلامی شامل رهیافت‌های منطقی - فلسفی، تطبیقی، تاریخی، موردپژوهانه، و اخلاقی معرفی شدند. در مرحله بعد، آموزش علوم از دیدگاه اندیشمندان مسلمان (فارابی و ابن‌سینا) در سه منظر کل گرا - وحدت‌گرا، جزء گرا - تخصص گرا، و ارزش‌گرا مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفت. درنهایت، با توجه به نگاه اندیشمندان مسلمان به فلسفه آموزش علوم، تعلیم و تربیت ارزش‌گرای الهی در سه مؤلفه برنامه درسی، تدریس - یادگیری، و سنجش و ارزیابی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، صورت‌بندی و ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه علم، آموزش علوم، اندیشمندان مسلمان، تعلیم و تربیت ارزش‌گرای الهی، تمدن نوین اسلامی.

بررسی جایگاه و نقش اصل اعتدال در ساحت‌های تربیت از منظر آموزه‌های اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی^۱

آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان، متعادل تربیت شوند به طوری که می‌توان گفت اعتدال در تربیت امری ضروری می‌باشد چراکه فقدان ساختار تربیتی معتدل و شاکله میانه‌روی در آدمی، پیوسته انسان را به افراط و تفریط می‌کشاند ازین‌رو در پژوهش حاضر به جایگاه و نقش اصل اعتدال در ساحت‌های تربیت (دینی و اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی) از منظر آموزه‌های اسلامی پرداخته شده است. برای نیل به اهداف پژوهش از روش تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است در ساحت تربیت دینی و اخلاقی؛ اعتدال در دین، سیره ائمه به عنوان شاخص عینی، اعتدال شاخصه حیات طبیه و در ساحت تربیت اجتماعی؛ اعتدال در دوستی و دشمنی، اعتدال در ستایش و مذمت، اعتدال در مزاح، اعتدال در گفت‌وشنود، اعتدال در پرداختن به خانواده و در ساحت تربیت اقتصادی به اعتدال در مصرف، میانه‌روی در طلب روزی، میانه‌روی اقتصادی و اثرات آن و در ساحت تربیت سیاسی؛ اعتدال در حب وبغض، انتساب کارگزاران معتدل، اعتدال در مدارا و خشونت از مهم‌ترین مصادیق اصل اعتدال در ساحت‌های تربیت از منظر آموزه‌های اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: اصل اعتدال، تربیت اخلاقی، تربیت اجتماعی، تربیت اقتصادی، تربیت سیاسی، آموزه‌های اسلامی.

۱. دانشیار دانشگاه شاهد: farmahinifar@yahoo.com

نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم السلام و کارکردهای روانشناختی-تریبیتی آن

علی نقی فقیه‌ی^۱

هدف پژوهش حاضر تبیین نظریه عقل عاطفی در آموزه‌های اهل‌بیت علیهم السلام و بررسی شرایط و توانمندی‌های عقل عاطفی و کارکردهای تربیتی- روانشناختی آن است. این پژوهش از تحقیقات کیفی است و با روش توصیفی- تحلیلی، به این مسئله پرداخته است که عاطفه از ویژگی‌هایی است که خداوند به عقل داده است و برای ارتقاء و رشد روان‌شناختی آدمی و تربیت صحیح برای رسیدن به سعادت باید عقل عاطفی پرورش یابد. همچنین به این مسئله پرداخته شده که چگونه می‌توان کارکرد عقل را ارتقا داد؟ و پرورش هماهنگ دو بعد شناختی و عاطفی عقل چه آثار تربیتی- روان‌شناختی خواهد داشت؟ نتایج این تحقیق نشان داد که در آموزه‌های امام علی (ع)، عقل در برابر عاطفه نیست بلکه سرچشممه آن است، و تأکید بر این است که جهت بهینه‌سازی کارکرد عقل باید با کمک گرفتن از وحی، علم و تجربه، بعد شناختی و عاطفی به صورت هماهنگ، پرورش یابد. از جمله کارکردهای پرورش هماهنگ جنبه‌های شناختی و عاطفی عقل، رشد شناختی توأم با گرایش محبتی به خدا، انسان‌ها، خود، جهان هستی، زندگی و فضائل انسانی است که متربی را به عملکردهای شایسته و مطلوب سوق می‌دهد و زمینه را برای نیل به حیات قرب و رضوان الهی فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: عقل، عاطفه، هماهنگ‌سازی، کارکردهای روان‌شناختی- تربیتی.

برنامه درسی معنوی (رویکرد قرآنی)

حسن ملکی^۱

برنامه‌ی درسی دربرگیرنده اجرا و مؤلفه‌های گوناگون است که مجموعاً طرحی برای تربیت فرد را به وجود می‌آورد. ممکن است با شنیدن واژه طرح در ارتباط با برنامه درسی نگرش بسته و انقباضی در موضوع تربیت به ذهن برخی متبدار شود؛ لکن مگر در تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان مدارس و جوانان مشغول به تحصیل در دانشگاه‌ها حقیقت غیر از این است؟ مگر ممکن است موضوع تربیت به صورت یک واقعیت و امر بایسته در حیات بشر در ذهن کسی باشد ولی برنامه درسی را به صورت یک طرح نپذیرد؟ نگارنده این مقاله با پذیرش این حقیقت که برای تربیت هدفمند و رو به تعالی باید طرح تربیت تهیه کرد، قصد دارد این طرح را با تأکید بر معنویت مورد کاوش قرار دهد. در خصوص این موضوع از سوی صاحب‌نظران داخل و خارج مقالاتی به رشتہ تحریر درآمده و آثار فکری و علمی به جامعه ارائه شده است ولی با رویکرد قرآنی مورد عنايت لازم قرار نگرفته است. به همین دلیل در عنوان مقاله به طور صریح رویکرد قرآنی ذکر گردیده تفاوت محتوا و جهت‌گیری مقاله حاضر با سایر نوشه‌ها در این خصوص صراحة پیدا کند: بی‌تردید هرگز ادعا این نیست که پیوند برقرار شده در این مقاله بین برنامه درسی و معنویت، بی‌عیب و نقش است؛ ولی این نکته مهم یادآوری می‌گردد که محتواهای این نوشه‌ها از یک باور و اعتقاد عمیق نسبت به موضوع ریشه می‌گیرد. شاید این باور یاری کند تا قسمت ناچیزی از این حقیقت ارزشمند (برنامه درسی معنوی) به رشتہ تحریر درآید.

کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، رویکرد قرآنی.

تبیین اهداف و نکات "تربیت" اخلاقی نوجوان با توجه به مفهوم عاملیت انسان در اندیشه اسلامی

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

هدف این پژوهش، تبیین اهداف و ملاحظات کلی بحران و طوفانی «تربیت اخلاقی نوجوان» بر اساس ماهیت دوران نوجوانی از دیدگاه اسلامی عمل است. با این هدف از دو روش تحلیل مفهومی که کوششی جهت فهم مفاهیم است و روش استنتاجی جهت تبیین و توضیح اهداف و نکات کلی بحرانی و طوفانی تربیت اخلاقی بهره گرفته شده است. فعالیت اخلاقی از نظر رویکرد اسلامی عمل، رفتاری هنجاری است که همیشه بر مبادی شناختی، گرایشی و ارادی ویژه خود مبتنی است. از این جهت، می‌توان بحران‌های اخلاقی در دوران نوجوانی را نیز می‌توان در همین قالب سه‌گانه پی‌جویی کرد. همچنین در این نظرگاه، مفهوم کلی دوران نوجوانی از نظر اخلاقی، «گزینش گری مسئولانه» است که شامل سه مؤلفه گزینه پردازی، گزینش گری و پذیرش مسئولیت پیامدهای گزینش است. بحران و طوفان اخلاقی در دوران نوجوانی اهدافی از این دست را شامل می‌شود: «زاویه جدیدی از آشنایی با امور نیک و بد»، «دست ورزی با امیال» و «گرایش به خوبی‌ها و دوری از زشتی‌ها». علاوه بر این، با نظر به اهداف بحرانی و طوفانی تربیت اخلاقی نوجوان و گزاره‌های واقع‌نگر دوران نوجوانی، ملاحظاتی برای بحران اخلاقی قابل طرح است که برخی از آن‌ها بدین قرارند: «معرفی امور اخلاقی مناسب با استعداد قوه عقلانی و شناختی نوجوان»، «ارتباط نوجوان با محیط غنی اجتماعی - اخلاقی» و «به رسمیت شناختن حدود آزادی سلبی و ایجابی نوجوان».

کلیدواژه‌ها: تربیت اخلاقی، دوران نوجوانی، نظریه اسلامی عمل، اهداف، شناخت، گرایش، اراده

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

fdoodman@gmail.com

اهداف واسطی "تریت" در دوران نوجوانی بر اساس رویکرد اسلامی عمل

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

دوران نوجوانی، دوران بحرانی و طوفان زندگی آدمی است که رویدادهای آن، نقش مهمی در چگونگی حیات وی در دوره‌های بعدی زندگی اش دارد. با این دیدگاه، هر نظریه تربیتی، برای برخورداری از جامعیت باید روش‌هایی نیز برای فعالیت‌های پرورش یافتن در این دوران ارائه دهد. نظریه اسلامی عمل، از یک طرف به دلیل تأکید بر عاملیت متربی و ضرورت وجود سه مبدأ شناختی، گرایشی و ارادی در وی برای تربیت و از طرف دیگر، به علت موقعیت تغییر و وجود دوره نسبیت این مبادی در نوجوان، دوران نوجوانی به عنوان دوره‌ای در حال نوسان بین کودکی و جوانی برای تربیت می‌داند و بر این باور است که مریبان باید در این دوران با فعالیت‌های این دوره بحرانی و طوفان بین کودکی و جوانی، زمینه را برای آغاز تربیت – که با بلوغ انسانی آغاز می‌شود – فراهم آورند. پژوهش حاضر بر آن است تا با مفروض انگاشتن نظریه اسلامی عمل و چهارچوب انسان شناختی آن، تصویری از دوران نوجوانی و اهداف فعالیت‌های این دوره طوفانی در آن فراهم آورد. رویکرد مورد استفاده، روش بسط مفهومی است. در این راستا، ابتدا در تحلیلی استعلایی موارد ضروری اهداف واسطی تربیت استباط شده و تلاش شده است تا از میان آن‌ها، آن دسته از شرط‌هایی که در دوران نوجوانی امکان تحقق دارند، در مقام اهداف دوره طوفان نوجوانی تبیین شوند. برخی اهداف عبارت‌اند از سلامت، پاکی و قوت جسم، آشنایی با آموزه‌های دینی، شامل پیام‌های انسانی، مفاهیم، مناسک و مظاہر دین، افزایش قابلیت انتخاب و دست ورزی با امیال درونی و افزایش گرایش معطوف به مصادیق خیر.

کلیدواژه‌ها: نوجوانی، اهداف، تربیت، طوفان، نظریه اسلامی عمل.

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

fdoodman@gmail.com

بررسی رابطه دین، سبک‌های فرزندپروری، ارتباط با خدا و ادراک از خود در بین دانش آموزان مسلمان و زرتشتی

حمیده زارع^۱، محمدکریم خدابنده^۲، محمود حیدری^۳، علیرضا ملازاده^۴

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه ادراک از سبک‌های فرزندپروری و دین با نوع ادراک فرد از خود و نوع ارتباط او با خدا در بین دانش آموزان زرتشتی و مسلمان طراحی و اجرا گردید. تعداد ۱۱۰ نفر دانش آموز (۵۵ مسلمان و ۵۵ زرتشتی) به عنوان نمونه غیر احتمالی در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه ادراک از شیوه‌های فرزند شیفر آزمون ادراک خود پورحسین و پرسشنامه ابعاد رابط با خدا مظاہری را تکمیل نمودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون خی، تحلیل واریانس چند متغیره، آزمون تعقیبی شفه و ضریب همبستگی پیرسون نشان دادند که، بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری و دین، و بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری و نوع ادراک از خود رابطه وجود ندارد، اما بین دین و ادراک از خود رابطه وجود دارد؛ به طوری که بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه زیر مقیاس‌های خود اجتماعی و خود روانی مسلمانان نسبت به زرتشیان از میانگین بیشتری برخوردار بودند. بین ادراک از سبک‌های فرزندپروری و نوع رابطه با خدا ارتباط معناداری مشاهده نشد، اما بین دین و نوع ارتباط با خدا رابطه معناداری مشاهده شد، بطوریکه بر اساس نتایج آزمون تعقیبی شفه زیرمقیاس‌های ترس از خدا و نیاز به خدا و نمره کل ارتباط با خدا مسلمانان نسبت به زرتشیان از میانگین بیشتری برخوردار بودند. در نهایت بین محبت به خدا و خود اجتماعی و نیز نمره کل ادراک فرد از خود به صورت مستقیم و مثبت معنادار می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که بر نوع ادراک افراد از خود و نوع ارتباط آن‌ها با خدا عواملی فراتر از سبک‌های فرزندپروری تأثیرگذار است، به گونه‌ای که می‌توان گفت افراد محکوم به گذشته خود نیستند. همچنین بین شناخت و ادراک افراد از خود با شناخت آن‌ها از خالق هستی رابطه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: ادراک از سبک‌های فرزندپروری، دین، ادراک خود، رابطه با خدا.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی hamide.zare67@gmail.com

۲. گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳. گروه روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۴. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، گروه روانشناسی بالینی، آشتیان، ایران، alimollazade@yahoo.com

واکاوی فلسفه و تأثیر آن بر بازسازی نظام آموزش و پژوهش

حمیدرضا رضازاده^۱، علیرضا ملازاده^۲

در این مقاله کاستی‌های تعریف فلسفه بهمابه مادر علوم و ناتوانی آن به عنوان یک پایگاه و جایگاه مهم و اساسی در شکل‌گیری روان‌شناسی و آموزش و پژوهش اسلامی موربدرسی قرار گرفته است. قریب به چهار دهه از انقلاب اسلامی در ایران می‌گذرد و در طول این مدت تلاش‌های زیادی در زمینه اسلامی کردن علوم انسانی به ویژه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت انجام شده، لیکن نتیجه چندانی به دست نیامده است. مبانی اساسی این تحول فلسفه است، لیکن هیچ بازنگری در تعریف و مبانی به عنوان سنگ زیربنای این تغییرات مطرح نشده، غافل از این‌که فلسفه اسلامی در تعاریف کنونی در حوزه‌های محدودی از معارف کاربرد دارد و چنان‌که تعریف به روز و مناسبی از آن به عمل نیاید و به زندگی اجتماعی و کاربردی نزدیک نشود، قادر به ایفای نقش مهم خود نخواهد بود. این مقاله دیدگاه‌های خود را در سه محور اصلی به شرح ذیل ارائه می‌کند:

الف: معنی فلسفه و آسیب‌شناسی فلسفه اسلامی؛

ب: تأثیرگذاری فلسفه بر روان‌شناسی و آموزش و پژوهش؛

ج: ضرورت تعریف جدید فلسفه اسلامی برای بازسازی آموزش و پژوهش.

کلیدواژه‌ها: فلسفه، روان‌شناسی، آموزش و پژوهش، بازسازی آموزش و پژوهش.

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، گروه مشاوره و علوم تربیتی
Rezaazade1390@gmail.com

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان، گروه روان‌شناسی بالینی،
alimollazade@yahoo.com

جبر و اختیار از منظر متون اسلامی: رویکردی به تعلیم و تربیت اسلامی اختیار گرا

دکتر رحمت‌الله مرزووقی^۱، نیره حسینی^۲

از منظر متون اسلامی، انسان موجودی صاحب‌اختیار است، مختاری‌تی که در چارچوب قضا و قدر و مشیت الهی قابلِ اعمال می‌باشد. لذا این منظر باید آدمی را بالکوی تعلیم و تربیت اختیارگرا نگریست و طرحی برای تعالی و تربیت وی به عنوان موجودی که از سرمایه‌ای به نام اختیار در میدان قضا و قدر الهی برخوردار می‌باشد، طراحی نمود. تحقیق حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف ارائه چارچوبی برای تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا انجام شده است. در این راستا تلاش شده تا ضمن بررسی مقوله جبر و اختیار از دیدگاه متون اسلامی، دلالت‌های تربیتی آن استخراج و استنباط شود و در نهایت، چارچوبی برای تعلیم و تربیت اسلامی اختیارگرا ارائه گردد. یافته‌های تحقیق حاضر مؤید آن است که انسان از سرمایه الهی اختیار برخوردار است و اساساً ارزش وجودی او به آن است که مختارانه راه تعالی و کمال را برگزیند؛ لذا این سرمایه (اختیار)، مبنای تربیت در چارچوب ارائه شده در نوشتار حاضر به شمار می‌رود و بر همین اساس، کلیه عناصر و اجزاء چارچوب به گونه‌ای تنظیم شده است که به مترابی کمک نماید تا مختارانه و به دور از هرگونه تحمیل و اجبار، در راستای تعالی الهی گام بردارد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، اختیار، مربی، مترابی، تعلیم و تربیت اسلامی اختیار گرا.

۱. استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شیراز؛

rmarzoghi@rose.shirazu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز؛ hosseininayyereh@gmail.com

بررسی پیامدهای تربیتی «منظر گرایی» از دیدگاه نیچه و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی

سید حمیدرضا علوفی^۱، حیدر اسماعیلپور^۲، پروانه دودمان^۳

نقد و بررسی اندیشه‌های گوناگون بشری، نقد و یا همان سنجش نکات مثبت و منفی اندیشه‌های گوناگون افراد و مکاتب گوناگون و به کارگیری آن در نظام تعلیم و تربیت بومی از جمله اموری است که مورد توجه می‌باشد. هدف از این تحقیق بررسی پیامدهای تربیتی حوزه مربوط به انسان‌شناسی منظر گرایی از دیدگاه نیچه و نقد آن بر پایه دیدگاه علامه طباطبایی می‌باشد. روش پژوهش به کاررفته توصیفی – تحلیلی بوده. بدین گونه که اسناد و آثار پس از جمع آوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس نتیجه تحقیق، از دیدگاه نیچه مبانی تربیتی انسان‌شناسه‌ای چون منظر گرایی، نسبی گرایی، تغییر معرفت آدمی و نیز روشی چون دروغ‌گویی در تعلیم و تربیت آدمی را به دنبال دارد. برخلاف نیچه، از دیدگاه علامه طباطبایی، ریشه قدرت آدمی مبتنی بر توحید بوده، معارف امور مطلق و تغییرناپذیر خداوند متعال حوزه رفتاری آدمی را شکل می‌دهد و انسان با اعتقاد به خداوند و پیروی از آموزه راست‌گویی به تعالی و تربیت راستین خود همت می‌گمارد.

کلیدواژه‌ها: منظر گرایی، نسبی گرایی، تربیت، نیچه، علامه طباطبایی.

۱. استاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهری باهنر کرمان

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۳. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی fdoodman@gmail.com

بررسی پیامدهای تربیتی انسان‌شناسی «غور و تکبر» از نظر نیچه و نقد آن بر پایه دیدگاه علامه طباطبائی

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

تعلیم و تربیت و فلسفه (هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی) از مهم‌ترین مسائل انسانی به شمار می‌آید. پیشرفت و تکامل جوامع انسانی در گرو ترسیم موقعیتی شایسته و مناسب از تعلیم و تربیت و لزوم به کارگیری آن در زندگی است. هدف اساسی این تحقیق روشنگری، نقد، تبیین مبانی فلسفی – تربیتی انسان‌شناسی غور و تکبر انسان از دیدگاه نیچه و نقد آن بر پایه نظریه علامه طباطبائی است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که نیچه تنها با باور به مبنای انسان‌شناسانه به تبیین پدیده‌های جهان می‌پردازد. بر این اساس ضمن توجه به انسان، غور، انرژی و تکبر او را منبع نهایی تعیین رفتار آدمی می‌داند. بر اساس این مفهوم و نیز عدم اعتقاد راسخ به نیروی بیرونی چون خداوند، فقط «خود» جایگاهی در فعالیت‌های آدمی را خواهد داشت. دیدگاه نیچه بدین صورت مورد نقد علامه طباطبائی قرار می‌گیرد که علامه با در نظر گرفتن حلم‌ز قدرت، قلمرو و توان خداوند و انسان، بر عکس مفاهیم دیگری را از این نوع تفاوت الهام می‌گیرد؛ عدم تکبر، خشوع و خضوع نسبت به خالق از جمله مواردی است که تأثیرات مهمی را در تربیت به دنبال دارد. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی است که پس از جمع‌آوری اسناد و مدارک به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: انسان‌شناسی، غور، نیچه، علامه طباطبائی.

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی fdoodman@gmail.com

بررسی پیامدهای تربیتی «تفاوت و تنوع» از دیدگاه قرآن

سید حمیدرضا علوی^۱، حیدر اسماعیلپور^۲، پروانه دودمان^۳

بررسی عناصر گوناگون موجود در یک نظام فکری بیانگر فلسفه وجودی و کارکردگایی است که در خلق آثار و پیامدها نقشی اساسی دارد. هدف این مقاله بررسی پیامدهای تربیتی «تفاوت» از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که تفاوتها و تمایز نظام هستی به‌طور کلی و نیز به‌طور خاص در مورد انسان، تأثیری حیات‌بخش در جریان تفکر آدمی به دنبال دارد. تنوع و گوناگونی پدیدهای هستی الهام‌بخش نگرشی نو و تازه به جهان هستی و خداوند زا دارد که به‌طوری بهینه و خوشایند قادر به تبیین و توضیح مسیر هدایت آدمی می‌باشد. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش توصیفی تحلیلی است. بدین صورت که پس از جمع‌آوری و مطالعه اسناد و آثار مربوط به موضوع تحقیق به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: پیامد تربیتی، قرآن، تفاوت.

۱. استاد و عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۳. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی floodman@gmail.com

بررسی پیامدهای تربیتی تغییر پژوهانه‌های تاریخی و فرهنگی از دیدگاه نیچه و نقد آن بر اساس دیدگاه علامه طباطبائی

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

برای بسیاری از نظریات اندیشمندان رشته تاریخ، تاریخ تنها زمانی قابل فهم است که مطابق اصول فهمیدنی باشد و جهت آن تاریخی و یا دارای همان مبانی و اهداف باشد. بنابراین فهم و تعریف این اصول و موضوعات اساساً تکلیف و وظیفه است؛ غایت نگری به سادگی گذشته را قابل فهم نمی‌سازد. اما دوره حال و آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف از این تحقیق بیان تاریخ از دیدگان نیچه و تحلیل و نقد پیامدهای تربیتی آن بر پایه نظریه علامه طباطبائی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد به نظر نیچه تاریخ به سادگی بیانی قابل فهم نیست. از دیدگاه وی تاریخ هنگامی قابل فهم می‌شود که در اصطلاحات فهم موضوع مهم و جوهری آدمی فهمیده شود و این چنین فهمی است که بسیار مهم است. نیچه معتقد است که حوادث تاریخی آغاز و پایان مشخص و محدودی دارند و کمتر موردی ضروری و جهانی می‌باشد. و این که آن‌ها از اتفاقات مشخص و ویژه‌ای در تاریخ ادامه می‌یابند. اتفاقی که نیچه آن را «تصمیمات انسانی» می‌نامد. اساساً نیچه به تاریخ می‌پردازد نه این که از آن به عنوان گذشته‌ای قابل فهم یاد کند، بلکه برای این که نشان دهد تاریخ حاصل «اراده معطوف به قدرت» یا پاسخ انسان به «بدون» یا هستی خود می‌باشد. روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده که اسناد و آثار پس از جمع آوری مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، تربیت، نیچه، طباطبائی.

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی fdoodman@gmail.com

بررسی اهداف تربیتی از دیدگاه امام علی (ع) بر اساس الگوی فرانکنا

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

تعیین اهداف یا اصول بنیادی هنجاری در فلسفه تعلیم و تربیت، خود می‌تواند به صورت یک قیاس عملی تنظیم شود که طی آن موجه بودن اهداف یا اصول مورد نظر نیز مشخص می‌گردد. به جای این که بیان صرف آن‌ها گام نخست ساختار فلسفه تعلیم و تربیت محسوب شود. در نوشته‌های مکتوب امام علی (ع) نیز اهداف یا اصول بنیادی مورد نظر ایشان، همراه با توجیه و تبیین معینی عرضه شده است که می‌توان آن را در قالب قیاس عملی تنظیم نمود. در این قیاس مقدمه نخست، ناظر به گزاره یا گزاره‌هایی هنجارین است که مضمون آن، یک «باید» حیاتی است که انسان چون موجودی دارای حیات، به حکم این «باید» در پی آن است که زندگی خود را حفظ کند و آن را با راحت و سعادت قرین سازد. مقدمه دوم، حاوی گزاره‌هایی است که واقعیت‌هایی را در هستی بیان می‌کند، بهنحوی که تحقق «باید» حیاتی مذکور، درگرو قبول این واقعیت‌هاست. نتیجه قیاس گزاره ه یا گزاره‌هایی هنجارین است که مضمون آن‌ها همان اهداف یا اصول بنیادی است که آدمی باید در پی جویی آن‌ها بپردازد و جسم، فکر، عقیده او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اکنون با تکیه بر دیدگاه نیچه این سه گام عملی را توضیح خواهیم داد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده بدین صورت که اسناد و مدارک بعد از جمع‌آوری مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امام علی (ع)، الگوی فرانکنا، تربیت.

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی fdoodman@gmail.com

بررسی پیامدهای تربیتی «اراده معطوف به قدرت» از دیدگاه نیچه و نقد آن بر پایه دیدگاه علامه طباطبائی

حیدر اسماعیلپور^۱، پروانه دودمان^۲

نقد و بررسی اندیشه‌های گوناگون شری، نقد و یا همان سنجش نکات مثبت و منفی اندیشه‌های گوناگون افراد و مکاتب گوناگون و به کارگیری آن در نظام تعلیم و تربیت بومی از جمله اموری است که مورد توجه می‌باشد. هدف از این تحقیق بررسی پیامدهای تربیتی حوزه مربوط به انسان‌شناسی از دیدگاه نیچه و نقد آن بر پایه نظرات علامه طباطبائی است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده آن است که از دیدگاه نیچه مبانی تربیتی چون اراده معطوف به قدرت، آزادی، آدمی پذیرفتگی است. روش، پرهیز از تواضع را به دنبال دارد. بر اساس نگرش دینی طباطبائی برخلاف نیچه، ریشه قدرت آدمی مبنی بر توحید بوده، امور مطلق جهت تشکیل معرفت آدمی ضروری است. عزت آدمی با توجه به خداوند پذیرفتگی است تکریج‌گاهی ندارد و ذات آدمی را وادار به تواضع در مقابل پروردگار وادار می‌کند.

کلیدواژه‌ها: نیچه، تربیت، اراده معطوف به قدرت، طباطبائی.

۱. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی

۲. عضو هیئت‌علمی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی ffoodman@gmail.com

تریت دین‌بنیان و سبک زندگی

محمد‌هادی یعقوب‌نژاد^۱

زندگی طبیعی انسان معاصر و رفتار انسانی او، با تغییرات عمیقی رویرو شده و در حال تهدید است. گرامی ترین آداب و پایدارترین عقاید دینی از وی گرفته شده و اندیشه‌های مکانیکی؛ شرطی شده و عاریتی، جایگزین آن‌ها می‌گردد. سبک زندگی طبیعی انسان در حال از هم پاشیدن است. تربیت تصنیعی و ساختگی با فرمول‌های از پیش ساخته شده‌ی عمدتاً منعکس‌گرای و سیاست مایانه، در تلاش است جایگزین تربیت فطری^۲، طبیعی^۳ و الهی بشر، گردد. در زندگی انسان معاصر شک و دودلی رسوخ کرده، و احساس اطمینان، آرامش و امنیت را از او گرفته است. برای پیشگیری از این گرفتاری و خطر چه باید کرد؟ پاسخ‌گویی به همین مسئله؛ انگیزه اصلی برای تدوین این مقاله است که انسان، به بینش تنگ‌نظرانه علم جزم‌اندیش بسته نکرده و تربیت دین بنیان، وحدت‌بخش و بحران زدا را بازشناخته و به آن روی آورد تا با این رهنما؛ سبک زندگی وی اصلاح شود و افق آینده‌ی او روشن و تا فرجام هدفمند گردد.

کلیدواژه‌ها: ارزش‌های دینی، راهکارهای تربیت دینی، الگوی تربیتی، سبک زندگی

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی islamicdoc@gmail.com

2. Innate.

3. Natural Education.

خانواده نخستین مدرسه و پدر و مادر نخستین آموزگار

ناصر خدایاری^۱

چیزی که از آموزش پرورش به ذهن متبار می‌شود عبارت است از: مدرسه و آموزگار، منابع درسی و تقویم آموزشی و آزمون‌هایی که در پایان هر ثلث از سال تحصیلی از دانش آموzan به عمل می‌آید. اما هر یک از عناصر یادشده، تعریف خاص خود را داشته و بر مفاهیمی خاص که نوعاً رسمی‌اند دلالت می‌کنند. اما اینکه تعلیم و تربیت کجا، چگونه، توسط چه کسانی، بر مبنای چه فرایندی شکل می‌گیرد باید بیشتر مورد تأمل قرار گیرد. به نظر می‌آید نقطه عزیمت آموزش‌پرورش عبارت است از خانواده است. درواقع در میان عوامل آموزشی و تربیتی ابتدا باید به عامل خانواده تمرکز نمود. عامل خانواده یک عامل ویژه، اصول حاکم بر آن نانوشتة، غیر مدون، و کانونی است آموزشی و تربیتی ولی، بدون تابلو و نشانه که استخوان‌بندی آموزش‌پرورش در آن شکل گرفته و فونداسیون تعلیم و تربیت در آنجا ریخته می‌شود. به‌گونه‌ای که جریان رسمی تعلیم و تربیت به دنبال آن نصفج گرفته و همه بناهای تعلیمی و تربیتی رسمی بر اساس همان مینا چیده می‌شود. قرآن کریم وقتی جایگاه پدر و مادر را برجسته می‌نماید در حقیقت به خروجی خانواده و خروجی تعلیم و تربیت پدر و مادر اشاره می‌نماید. نیز خاستگاه جمله «من علمنی حرفا قد صیرنی عبدال» امیر مؤمنان(ع) ابتدا خانواده است. درواقع خانه به عنوان اولین مسجد، اولین مدرسه، پدر و مادر به عنوان نخستین معلمان تلقی می‌شوند. به نظر می‌آید که تعلیم و تربیت اسلامی به نظام «خانه- مدرسه»، «پدر و مادر معلمی» و «خانه- مسجدی» استوار است و سیستم تعلیم و تربیت رسمی، ابعاد بزرگ نظام مذبور را ترسیم می‌نماید. این پژوهش بر اساس روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: خانواده، نخستین مدرسه، نخستین معلم، آموزش‌پرورش.

۱. عضو هیئت‌علمی گروه علوم پایه دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز
Nasser.khodayar@gmail.com

بورسی نقش تربیتی سنت‌های الهی در علوم انسانی اسلامی

سید امیر سخاوتیان (نویسنده مسئول)^۱، محمدحسین عابدین^۲،
میثم شاهنوریان^۳، هادی عباسی^۴

غایت دین مبین اسلام انسان‌سازی و نیل انسان‌ها به سعادت نهایی است. لذا می‌توان یکی از اهداف آن را تربیت انسان در نظر گرفت. درنتیجه یکی از اهداف عالی در علوم انسانی اسلامی تربیت انسان الهی است. خدای متعال نیز برای نیل به این هدف در نظام عالم هستی مجموعه‌ای از سنت‌های فردی و اجتماعی را تدبیر نموده است که موجب انسان‌سازی با توجه به اراده و اختیار انسان است. یعنی انسان می‌تواند با استفاده از این سنت‌های تدبیر شده، با اختیار خود به سعادت یا شقاوت برسد. در این نظام تربیتی، هم سعادت و هم شقاوت یک سنت الهی است. این سنت‌ها هم از جهت نظام ارزشی قابل بررسی است که از جمله‌ی مبانی خواهد شد و هم از جهت راهکار تربیتی که در این صورت در مجموعه علوم دیگر همچون روانشناسی، اجتماعی و تربیتی قرار می‌گیرد. در این نوشتار به بررسی سنت‌های الهی از جهت دوم پرداخته می‌گردد. پژوهش حاضر داده‌ها را به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و به روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید. چشم‌انداز این نوشتار، بررسی تک‌تک سنت‌ها در لایه‌های متعدد علوم انسانی است که در پژوهش‌های آینده به آن پرداخته می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: نقش تربیتی، سنت‌های الهی، علوم انسانی، وحی، علوم انسانی اسلامی.

۱. سطح ۴ حوزه علمیه قم و داشتجوی دکتری فلسفه‌ی فیزیک دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام)، Sekhavatian@yahoo.com

۲. سطح ۴ و پژوهشگر حوزه علمیه قم

۳. پژوهشگر حوزه علمیه قم

۴. پژوهشگر حوزه علمیه قم

نقش مادر در تربیت نوجوان از منظر علم، سنت و قرآن

سمیه عبدی سقاواز^۱

بنا به عقیده برخی از اندیشمندان، در تحلیل جایگاه خانواده، مادر نقش اول را در تربیت و رشد و بالندگی فرزند دارد؛ چراکه بیشتر سال‌های عمر وی در کنار مادر سپری می‌گردد. قرآن کریم گاه به صورت مستقیم و گاه غیرمستقیم امر مهم تربیت را در رده‌های مختلف سنتی ارزش نهاده و در سوره‌های متعدد (نوح، ابراهیم، یوسف و ...) ضمن بیان سرگذشت انبیاء و فرزندان آنان، به مسئله تربیت فرزند اهمیت داده است. همچنین قرآن کریم با بیان گوشاهای از زندگی بعضی از زنان پاکدامن، الگوهای قرآنی را به همه مادران معرفی نموده است. زنانی همچون حضرات آسیه، مریم، مادر حضرت موسی (علیهم السلام) و فاطمه (سلام... علیها) که الگوی کامل تمام فضائل می‌باشد. با توجه به اینکه هر نسل و دوره از عمر آدمی، تعلیم و تربیت خاصی را می‌طلبد، در این مقاله، به طور اختصاصی به بررسی نقش مادران در تربیت نوجوان از دیدگاه علم، سنت و قرآن به روش اسنادی پرداخته شده است. به عنوان مهم‌ترین یافته این پژوهش می‌توان بیان داشت که با توجه به مشکلات بیشتر تربیتی در دوران بلوغ و نوجوانی، لازم است مادران علاوه بر شناخت و آگاهی بیشتر از شیوه‌های صحیح تربیتی، به جانب و بعد مختلف تربیتی اعم از اخلاقی، عقلانی، اجتماعی، مذهبی، جنسی و سیاسی نیز توجه نمایند.

کلیدواژه‌ها: تربیت، مادر، نوجوانی، علم، سنت، قرآن.

۱. سپرست پژوهش مدرسه علمیه حضرت نرجس (س) zeynab.s1391@gmail.com

خشونت و پرخاشگری در نهاد تعلیم و تربیت افغانستان

احمد بخش اخلاصی^۱

تبیه یکی از روش‌های تربیتی به حساب می‌آید که در موقعیت‌های به خصوصی می‌تواند به عنوان روش بازدارنده و گاه اصلاحی باشد. از میان سه دیدگاه در مورد تبیه بدنی، دیدگاه اعتدالی موردنیزیرش این تحقیق قرار گرفته است. در مراحل کاربرد تبیه به ترتیب هفت مرحله ذکر شده است که آخرین مرحله‌ی آن را تبیه بدنی شکل می‌دهد. تبیه بدنی کودکان از نظر اسلام مهم‌ترین بحث این نوشتۀ را تشکیل می‌دهد که این موضوع در طی شش محور مهم مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. بعد از مباحث تفصیلی مراحل تبیه بدنی و احکام تبیه بدنی کودکان از نظر اسلام، به موضوع تعلیم و تربیت مکتب‌خانه‌ی در محورهای روش آموزشی مکتب‌خانه‌ی، ارزیابی نظام آموزشی مکتب‌خانه‌ی و مراحل تبیه مکتب‌خانه‌ی به بحث گرفته شده است. تعلیم و تربیت جدید در افغانستان، روش‌های تبیه در نظام آموزشی جدید و دلایل تبیه در نهاد آموزشی جدید از موضوعات به روز و زنده‌ی این مقاله است. در پایان این مقاله نتیجه گرفته شده است که تبیه کودکان و شاگردان در نظام آموزشی قدیم و جدید افغانستان مصدق خشونت و پرخاشگری است و هیچ‌گونه توجیه دینی ندارد و سپس پیامدهای این خشونت و پرخاشگری به صورت گذرا بیان شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: پرخاشگری، تعلیم، تربیت، تبیه.

۱. سطح چهار حوزه علمیه، پژوهشگر جامعه المصطفی العالمیه

اشغال زنان در افغانستان؛ ضرورت‌ها، آسیب‌ها، شرایط و راهکارها

محمد‌اصف‌محسنی^۱

از مهم‌ترین مسائلی که پس از تحولات جدید در افغانستان مطرح شده، اشتغال زنان است. اشتغال زنان، در صورت فراهم بودن شرایط، علاوه بر این که پشتونه شرعی و قانونی دارد، از ضرورت‌های ملی و بین‌المللی نیز به شمار می‌رود. اشتغال زنان نه تنها در افزایش رفاه اقتصادی خانواده مؤثر است، بلکه در توسعه همه جانبه ملی نیز نقش تعیین‌کننده دارد. در کشور به‌شدت فقیر و جنگ زده افغانستان که زنان سرپرستی دهها هزار خانواده فقیر را به عهده دارند و جامعه در ابعاد مختلف آموزشی، بهداشتی، فرهنگی و غیره، نیازمند مشارکت فعال زنان می‌باشد، اشتغال زنان از ضرورت مضاعف برخوردار است. به‌علاوه، کشورهای غربی که تمویل کنند و جهت دهنده دولت افغانستان است، توسعه و بهبود جندر را پیش‌شرط کمک‌های خود به افغانستان می‌دانند.

البته ضرورت‌های اشتغال نباید ما را از آسیب‌ها و پیامدهای ویرانگر آن و همچنین از اولویت داشتن اشتغال مردان، به عنوان نان‌آوران خانواده، غافل کند. اشتغال زنان معمولاً با یک سلسله آسیب‌هایی همراه است؛ اما در کشور جنگ‌زده و به‌شدت وابسته افغانستان، این آسیب‌ها بسیار بیشتر نیز هست. سردی روابط زناشویی و تزلزل خانواده، محرومیت فرزندان از عطوفت و تربیت مادری، به تأخیر افتادن ازدواج و فرزند آوری، فشارهای طاقت‌فرسای اشتغال بر زنان شاغل، مشکلات شدید امنیتی، اضطراب‌های روحی و روانی زنان شاغل، سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی از آنان در محل کار و غیره، از مهم‌ترین آسیب‌های است که جامعه اسلامی افغانستان را از ناحیه اشتغال زنان تهدید می‌کند.

با توجه به آسیب‌های که اشتغال زنان به همراه دارد، اسلام و قوانین افغانستان که بر اساس آموزه‌های اسلامی تدوین شده‌اند، یک سلسله شرایط و محدودیت‌های را برای اشتغال زنان در نظر گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها، توجه به ارزش‌های دینی و کرامت انسانی زنان، خانواده‌محوری، تناسب‌محوری و پرهیز از اختلال است. مهم‌ترین راهکار کاهش آسیب‌های اشتغال زنان اصلاح فرهنگی اشتغال با توجه به ارزش‌های اسلامی و واقعیت‌های اجتماعی و مبارزه با تعرضاًت فرهنگی است که نخبگان و عالمان دینی باید در این جهت پیش‌گام باشند. دولت علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی، وظیفه دارد که با وضع قوانین و اتخاذ اقدامات اجرایی و نظارتی لازم، مشکلات امنیتی زنان شاغل را حل

۱. دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و فارغ‌التحصیل سطح چهار جامعه المصطفی (ص) العالیه

نموده و جلو سوءاستفاده‌های اقتصادی و جنسی انجوها و باندهای مافیایی را بگیرد. عالمان دینی و متدينین نیز علاوه بر بیان و تبلیغ احکام شرعی اشتغال زنان، باید با اتخاذ موضع فعال، نظارت اجتماعی و فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را احیا نمایند. اشتغال نیمه‌وقت و فراهم ساختن زمینه اشتغال در درون خانه‌ها، همچنین توجه شایسته به ارزش‌های معنوی و اقتصادی کارهای زنان در خانه و نقش غیرمستقیم آنان در توسعه، در جهت حل مشکلات و کاهش آسیب‌های اشتغال زنان، مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، زنان، اسلام، ضرورت‌ها، شرایط، آسیب‌ها و راهکارها.

چیستی خشونت و گونه‌های خشونت‌ورزی

سید عبدالله حسینی^۱

خشونت به معنای ساختار و رفتار غیرقابل توجیهی است که باعث آسیب و زیانی بر انسان شود. هرچند برای خشونت، گونه متعددی هم چون خشونت جسمی، روانی، جنسی، ساختاری، اقتصادی، گفته‌اند؛ لکن با توجه به این که آسیب یا متوجه جسم انسان است و یا متوجه روح و روان انسان، می‌توان خشونت را به دو گونه کلی خشونت جسمی و روانی دسته‌بندی کرد و همه‌ی گونه‌های خشونت در این دو گونه قابل دسته‌بندی است. از زاویه دیگر با توجه به کاربرد وسیع خشونت در زندگی انسان و ناگزیری از کاربرد آن در زندگی اجتماعی، می‌توان و بلکه باید خشونت را به دو گونه خشونت قابل توجیه و مجاز و خشونت غیر موجّه و غیرمجاز، تقسیم کرد. ظلم و ستم، اصلی‌ترین معیار زشتی خشونت و خشونت غیر موجّه است. نفی ظلم، برقراری عدالت، مصلحت فرد مورد خشونت یا مصلحت ملزم‌هه جمعی، اصلی‌ترین معیارهای توجیه‌گر و تجویز خشونت است. از نظر انگیزه انجام خشونت، چهار گونه خشونت متصور است: خشونت دفاعی، خشونت کنترلی، خشونت کیفری و خشونت تحمیلی. هرچند از نظر مبنای تنها خشونت تحمیلی غیرموجه است، اما بخش زیادی از خشونتهای دفاعی، کنترلی و کیفری هم در واقع سوءاستفاده از این عناوین و مصادق خشونتهای غیرموجه است.

کلیدواژه‌ها: خشونت، گونه‌های خشونت، خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت موجّه، خشونت غیرموجّه.

1. s.nourabadi@yahoo.com

تبیین و تحلیل ماهیت بومی‌سازی بانگاه تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی در برنامه درسی علوم انسانی

سولماز نورآبادی^۱، یداله اسفندیاری^۲

در سال‌های اخیر طرح تحول در تعلیم و تربیت و برنامه درسی، یکی از مباحث مهم در محافل علمی بوده است. این موضوع دلالت بر آن دارد که برنامه‌های اجراشده در نظام آموزشی به دلایل مختلف به اهداف تعیین شده به صورت کامل دست نیافته‌اند. از عمدۀ ترین این دلایل «عدم توجه به بومی‌سازی و اسلامی‌سازی در برنامه درسی بهویژه در برنامه درسی علوم انسانی» است. در برنامه درسی که چارچوب وارداتی و ترجمه‌شده به‌وقور به چشم می‌خورد، توجه اندک به آداب و رسوم، فرهنگ، شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و مهم‌تر از همه بعد دینی و اسلامی جامعه پرواضح می‌باشد. درحالی که فرهنگ و تمدن ما ز کامل‌ترین و بالاترین مرتبه تعالیم‌الله نشأت می‌گیرد، نظام آموزشی نتوانسته مدل مناسب تربیتی ارائه دهد که با شرایط فرهنگی و دینی در سراسر کشور متناسب باشد. جهت دستیابی به پاسخی برای این مسئله، از روش تحلیلی-استنتاجی بهره گرفته شده است. علاوه بر مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، نظریات متخصصان حوزه علوم تربیتی و جامعه‌شناسی نیز مورد بررسی و نقد قرار گرفته است. یافته‌های عمدۀ این پژوهش حاکی از آن است که جهت تحول در علوم انسانی، لازم است در برنامه درسی علاوه بر بکارگیری تجربیات علمی دیگر کشورها، از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی غنی خود، بهره‌مند شده و حتی گامی فراتر نهاده و این الگوی برخاسته از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی به جهانیان معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی، برنامه درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، علوم انسانی.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران. s.nourabadi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شاهد.
esfandyari3757@gmail.com

«تأمّلی در معناشناسی واژه «اسوه» در قرآن و حدیث»

محمدمهری کامیابی^۱، حسن طارمی راد^۲، فضل الله خالقیان^۳

نقش اسوه و الگو در تکوین شخصیت آدمی و سعادت وی انکارناپذیر است. به همین سبب در آموزه‌های دینی و دیگر علوم نیز به این بحث پرداخته شده است. کلمه اسوه در این موضوع نقش کلیدی داشته و بسیار پرکاربرد است ولی به مرور زمان معنای اولیه این کلمه که در قرآن و روایات نیز به کار رفته مغفول واقع شده است. در این مقاله معنای اصیل واژه اسوه، کاربردها و اقتضایات آن باز کاوی شده است، تا این رهکنگره فهم صحیح تری از معارف و حیانی صورت گیرد. چنانکه واژه اسوه دارای دو معنا و کاربرد است: معنای اولیه آن مداوا، علاج و مرهمی است که سختی کار، غم یا درد را کاهش می‌دهد و معنای ثانوی آن معادل الگو و مقتداست که می‌تواند در امور مختلف به کار برده شود.

کلیدواژه‌ها: اسوه، الگوی تربیتی، تأسی، اقتداء، اسوه حسنی.

۱. دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه دانشگاه قرآن و حدیث، نویسنده مسئول

m.kamyabi@yahoo.com

۲. دانشیار بنیاد دایرة المعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) h_taromi@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث.

دانش‌ها و مهارت‌های تربیتی و ادبی معلمان اثربخش

عبدالغفور جامی رودی^۱، توفیق جامی رودی^۲، توحید جامی رودی

تربیت مصدر باب تعفیل از ماده‌ی «ربی، یربو» به معنی رشد است که در فارسی به آموزش‌وپرورش ترجمه می‌شود. راغب اصفهانی آن را به معنی تربیت و پرورش آورده است و مرحوم دهخدا و معین نیز آن را با معانی پروردن، پرورانیدن، پرورش و...متراffد آورده‌اند. تربیت از نظر اصطلاحی به معنای رشد دادن یا فراهم کردن زمینه‌ی رشد یا شکوفایی استعدادها و به فعلیت رساندن قوای نهفته‌ی یک موجود می‌باشد که علاوه بر انسان، حیوان را نیز شامل می‌شود. در قرآن واژه‌ی تزکیه از فراگیرترین واژه‌هایی است که در مورد تربیت اخلاقی به کار رفته است. از طرفی دیگر از نظر رسول اکرم (ص) انسان با توجه به شگرف و گرانقدر بودنش به معادن طلا و نقره تشبیه شده است. افرادی چون اقبال لاهوری و دکتر سیف و... تعاریف متعددی از تربیت ارائه داشته‌اند که هر کدام از آن‌ها نیاز به بحث و زمانی طولانی دارد. در تربیت انسان می‌توان از شیوه‌های مختلفی هم چون: احساس هم دردی و همدلی، توجه به احساسات و احترام به شخصیت دانش‌آموز، پرورش استعدادهای شاگردان و... بهره جست. در این مقاله نویسنده سعی کرده است با استناد به آیات و روایات و نیز آرای اندیشمندان اسلامی، پس از نگاهی به معنای لنوى و اصطلاحی تربیت، ویژگی‌های تربیتی مربی پرورشی و روش‌های تربیتی را مورد بررسی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: آموزش، الگو، پرورش، تربیت، تهذیب، محبت، مربی، همدلی.

۱. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش‌وپرورش شهرستان خواص (مدیر دبیرستان حافظ ابرو) toufigh74@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی فرش دانشگاه بیرجند

واکاوی ابعاد تربیت اخلاقی از منظر ملا احمد نراقی

نجمه احمدآبادی آرانی^۱، محسن فرمهینی فراهانی^۲

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ابعاد تربیت اخلاقی از منظر ملا احمد نراقی است تا بتواند سهمی در افزایش دانش‌های بنیادین در این حوزه‌ی معرفتی داشته باشد. ملا احمد نراقی به صورت ژرف به تربیت اخلاقی پرداخته و دلالت‌های قابل توجهی در تربیت اخلاقی، ارائه نموده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که هدف علم اخلاق از منظر نراقی رساندن انسان به سعادت است که رسیدن به سعادت با دفع اخلاق ذمیمه و اوصاف رذیله و کسب ملکات ملیکه و صفات قدسیه با تهذیب نفس صورت خواهد گرفت. وی علم اخلاق را بسان علم طب می‌داند و به جهت مشابهت این دو علم، این علم را علم طب روحانی می‌داند. بر مبنای این پیش‌فرض‌های ایشان در علم اخلاق، مهم‌ترین دلالت‌های تربیت اخلاقی از منظر نراقی مشتمل بر تقدم تزکیه بر تعلیم، ارزیابی مداوم از عملکرد مترتبیان، اولویت مباحث دینی و اخلاقی در برنامه‌های درسی، اعتدال محوری و نقد و نظر را می‌توان اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: ملا احمد نراقی، تربیت اخلاقی، علم اخلاق.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور تهران
najmeh.ahmadabadi@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد farmahinifar@yahoo.com

درآمدی بر آرای فلسفی-تریبیتی ملا احمد نراقی در مثنوی طاقدیس

نجمه احمدآبادی آرانی^۱، محسن فرمهینی فراهانی^۲، حمید احمدی هدایت^۳

هدف پژوهش حاضر، درآمدی بر آرای فلسفی-تریبیتی ملا احمد نراقی در مثنوی طاقدیس است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه‌های فلسفی-تریبیتی ملا احمد نراقی را در دیوان شعر وی، مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است از نظر ملا احمد نراقی، تقرب به خداوند برترین کمال متصور برای انسان است و آن هدف آرمانی است که همه دستگاه و سیستم وجودی انسان برای طی مدارج آن باید تعدیل و تنظیم گردد و انفکاک ارزش‌های معنوی و اخلاقی از فرایندهای تربیتی ممکن نیست از این رو ضروری است که تعلیم و تربیت با محاسبه و برنامه‌ریزی دقیق و با مطالعه اهداف و اصول و روش‌های تربیتی پی‌ریزی گردد. با عنایت به دیوان مثنوی طاقدیس ملا احمد نراقی، در هدف تربیت پرورش عقل ورزی و تفکر، در اصول تربیت اصل کرامت ذاتی انسان، اصل تعالیت، اصل تعلق و در روش‌های تربیتی روش گفتگو و روش حل مسئله را می‌توان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: ملا احمد نراقی، مبانی فلسفی، آرای تعلیم و تربیت، مثنوی طاقدیس

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه پیام نور تهران

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد

۳. h-ahmadi@shahed.ac.ir دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شاهد

تبیین محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی

نیکودیالمه^۱، مرضیه دهقانی^۲، سکینه خوش صفت^۳

پژوهش حاضر با هدف شناسایی محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی و دیدگاه متخصصین به علاوه مقایسه میان آن‌ها صورت گرفته است. این پژوهش از نوع مطالعات کیفی بوده و با رویکرد قیاسی-استقرایی و روش‌های سنتزپژوهی و تحلیل متن انجام شده است. به این معنا که با بررسی مطالعات انجام‌شده مرتبط با شادکامی، در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم اسلامی، مفهوم شادکامی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین محتوای برنامه درسی مدرسه شاد در دانش متعارف شناسایی شدند. سپس روابط مرتبط با عوامل شادکامی در اسلام، جمع‌آوری و تحلیل شده و بر اساس آن محتوای برنامه درسی^۴ مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی تبیین گردید. جامعه آماری شامل کتب معتبر روایی، کتب، مقالات و اسناد مرتبط با موضوع می‌باشد. نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نمونه‌گیری هدفمند است. اعتباربخشی پژوهش با روش مثلث‌سازی نظریه و از طریق مصاحبه با متخصصین علوم اسلامی و علوم تربیتی انجام گرفته است. نتایج، بر اساس آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد ویژگی‌های شناسایی شده برای "محتوا"، بر اساس موضوعات، چگونگی تنظیم و ارائه طبقه‌بندی شده‌اند. مقایسه محتوای برنامه درسی مدرسه شاد در آموزه‌های اسلام با دانش متعارف در ذیل سه مفهوم «نوآوری»، «توسعه» و «حمایت» بیان گردیده‌اند. از وجود افتراق دو دیدگاه می‌توان به محوریت تعالیم دینی، جامعیت و شفافیت بیشتر محتوای برنامه درسی مدرسه شاد بر اساس آموزه‌های اسلامی اشاره نمود.

کلیدواژه‌ها: مدرسه شاد، شادکامی، برنامه درسی، آموزه‌های اسلامی، محتوای

۱. استادیار گروه علوم تربیتی و معارف اسلامی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)-پردیس خواهران

۲. استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

۳. (نویسنده مسئول) کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه امام صادق (ع)-پردیس خواهران.
s_khoshsefat@yahoo.com

تبیین و تحلیل ماهیت بومی‌سازی با نگاه تعلیم و تربیت ایرانی-اسلامی در برنامه درسی علوم انسانی

سولماز نورآبادی^۱، یدالله اسفندیاری^۲

در سال‌های اخیر طرح تحول در آموزش‌وپرورش و برنامه درسی یکی از مباحث مهم در محافل آموزشی و تربیتی بوده است. این موضوع دلالت بر آن دارد که برنامه‌های اجراشده در آموزش‌وپرورش به دلایل مختلف به اهداف تعیین شده به صورت کامل دست نیافته است. از عمدت‌ترین این دلایل «عدم توجه به بومی‌سازی و اسلامی‌سازی در برنامه درسی» است. برنامه‌ریزی درسی از جمله میان‌رشته‌هایی است که اصطلاحات وارداتی و ترجمه‌شده به‌وقور در آن به چشم می‌خورد و این خود نشان از توجه اندک به آداب و رسوم، فرهنگ، شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است. در حالی که فرهنگ و تمدن ما از کامل‌ترین و بالاترین مرتبه تعالیم‌الهی نشأت می‌گیرد، نظام آموزشی نتوانسته مدل مناسب تربیتی ارائه دهد که با شرایط فرهنگی در سراسر کشور متناسب باشد. جهت دستیابی به پاسخی برای این مسئله، از روش تحلیلی-استنتاجی بهره‌گرفته شده است. علاوه بر مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، نظریات متخصصان حوزه علوم تربیتی و جامعه‌شناسی نیز موردنبررسی و نقد قرار گرفته است. یافته‌ها حاکی از آن است که جهت تحول در امر آموزش‌وپرورش لازم است در برنامه‌ریزی درسی علاوه بر بکاربرتن تجربیات دیگر کشورها، از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی غنی خود بهره‌مند شده و حتی گامی فراتر نهاده و این الگوی برخاسته از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی به جهانیان معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: بومی‌سازی، برنامه درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی.

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شاهد تهران s.nourabadi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شاهد تهران esfandyari3757@gmail.com

تبیین و بررسی نقش معلمان و مدارس در خلق ایجاد مؤلفه‌های صلح در حقوق شهروندی

زهرا قنبرپور^۱

امروزه یکی از مؤلفه‌های حقوق شهروندی، «آموزش صلح» می‌باشد و اهرم مورد نیاز معلمان و استادی در برنامه درسی تلقّی می‌شود. معلمان و استادی که ارزش راهبردی آموزش صلح را به عنوان یکی از مؤلفه‌های حقوق شهروندی، باید در ک کنند، و بتوانند از تفاوت‌ها و تنوع فرهنگی در جهت ارتقا فرآیند یاددهی- یادگیری در برنامه درسی استفاده کنند. آموزش صلح شیوه‌ای از اندیشیدن و عمل را به استادی و معلمان آموزش می‌دهد که آنان بتوانند در هر بستر فرهنگی، به گونه‌ای اثربخش‌تر عمل کنند.

پژوهش حاضر، در صدد آن است به شناسایی صلح به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی حقوق شهروندی و میزان آگاهی معلمان دوره پرداخته و رهنمودهای لازم را در این خصوص جهت اعمال در برنامه‌های درسی مشخص می‌گردد. روش انجام این تحقیق توصیفی - تحلیلی است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که اگرچه مدارس به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ترویج فرهنگ شهروندی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، ولی با برنامه‌های موضوع محور، قوانین و مقررات خشک و تربیت مبنی بر نظرات بزرگسالان و سنتی و آموزش‌های اجباری طولانی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، آموزش صلح، مؤلفه‌های صلح، نقش معلمان.

۱. دکترای فلسفه تعلیم و تربیت z_ghanbarpour@ymail.com

نگاهی به جایگاه تفکر در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

حسین حیدریه^۱، علیرضا عراقیه^۲، امیرحسین مهدی زاده^۳

هدف اصلی این پژوهش، بررسی امکان یا امتناع در تحقق تفکر (اندیشه - عقل، تعقل و عقلانیت - تدبیر) در سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران است. برای رسیدن به این هدف از روش تحلیلی، تفسیری استفاده کردیم؛ بنابراین، با نگاه به سبک‌های تفکر استرنبرگ - واگنر (۱۹۹۲) - قانونی، اجرایی، قضایی، کلی نگر، جزئی نگر، آزاداندیش، محافظه‌کار، سلسله مراتبی، تک‌قطبه، الیگارشی، آنارشی، درونی، بیرونی - سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران مورد نقد و بررسی قرار گرفت. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش ایران بر اساس سبک تفکر سلسله مراتبی و بر مبنای آمیزه‌ای از خوانش ایدئولوژیک از دین اسلام تدوین شده است. از این منظر سند تحول به جایگاه تفکر (عقلانیت، اندیشه و...) در همه ساخته‌های تعلیم و تربیت توجه و پژوه داشته است و یکی از چالش‌هایی که سبک سلسله مراتبی برای سند تحول بنیادین ایجاد می‌کند تمایل به کارهای زیاد در یک زمان است.

کلیدواژه‌ها: تفکر، آموزش و پرورش، سبک‌های تفکر، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

۱. کارشناس ارشد رشته تحقیقات آموزش hosseinheydarieh@yahoo.com

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

۳. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

حیات طیبه در سبک زندگی امروزی با تأکید بر آیات و روایات

اعظم ابراهیمی^۱

قرآن، بایدها و نبایدهای بسیاری برای زندگی دارد که رعایت آن‌ها یکی از عوامل شکل‌دهنده سبک زندگی است. قرآن برای سبک زندگی، الگوی خاصی را مدنظر دارد. تعبیر قرآن برای چنین سبکی «حیات طیبه» است که عمل صالح و ایمان دو شرط آن است. بیشتر روایات معصومین در باب توضیح حیات طیبه ناظر به قناعت در زندگی است. از این روایات استفاده می‌شود که رضایت به قناعت و ایمان قلبی زمینه‌ساز زندگی پاکیزه است. قناعت هرگز به معنی نقصان، کمبود و عدم امکانات نیست بلکه تأمین رفاه لازم جسمی و روحی و تلاش برای به ثمر رسیده تمام استعداد انسانی است. این واژه صرفاً در مسائل اقتصادی مطرح نیست بلکه داشتن چنین روحیه‌ای انسان را از ضعف ایمان و حرص زدن که عامل بسیاری از رنج‌های انسان در زندگی است دور می‌کند.

کلیدواژه‌ها: پیامدهای ایمان و عمل صالح، تحلیل مفهومی حیات طیبه، مراتب و ابعاد حیات طیبه، مصداق حیات

طیبه

کمپیوٹر نئے
علوم سیاسی
اسلامی

۳۶ چکیدہ مقالہ

تبیین اصل عزت در سیاست خارجی از منظر اسلام

روح الله داوری^۱، محمدحسین اخوان طبیبی^۲

دین مبین اسلام آخرین دین الهی و کامل‌ترین برنامه تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت بشر است. جهان‌بینی آن فرامکانی و فرازمانی یعنی جهان‌شمول و جاودانه است. معارف اسلامی تمام ابعاد زندگی را شامل می‌شود و در یکایک این مسائل مبنا یا اصل یا راهکار عملی ارائه می‌دهد. یکی از موضوعاتی که دین مبین اسلام به آن اهمیت داده چگونگی رابطه دولت اسلامی با دیگر دولتها و به عبارتی سیاست خارجی است. اصول سیاست خارجی دولت اسلامی باید بر اساس آموزه‌های اسلام بنا نهاده شود و مجریان دولت بر این اساس، رابطه دولت اسلامی را با دیگر دولتها تنظیم نمایند. یکی از اصول بسیار مهمی که در سیاست خارجی مطرح و در اسلام نیز حائز اهمیت است، اصل «عزت» است. به همین منظور این نوشتار در صدد پاسخ به این پرسش است که اصل عزت در سیاست خارجی از منظر اسلام چه جایگاهی دارد؟

در این مقاله پس از تبیین مفهوم عزت و سیاست خارجی، به تبیین این اصل در اسلام پرداخته شده است. ابتدا رابطه این اصل با اصول حکمت و مصلحت، با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی مورد تحلیل قرار گرفته است و در نهایت به این نتیجه دست یافته‌یم که با وجود اینکه این اصول سه‌گانه، سه ضلع مثلث سیاست خارجی را تشکیل داده و مکمل هم هستند، اما اصل عزت در بین این اصول، جایگاهی ویژه دارد؛ زیرا متعلق به انسان حکم می‌کند رابطه‌ای که در آن عزت حاصل نمی‌شود و حتی بر عکس، خواری و ذلت را نصیب انسان می‌سازد، ارزش پیگیری ندارد، چه رسد به آنکه برای آن برنامه‌ریزی هم صورت گیرد. در پایان به رابطه این اصل با نرم‌ش قهرمانانه پرداخته شده و مشخص گردیده نرم‌ش قهرمانانه به معنای دست برداشتن از اصول اسلامی نیست بلکه به معنای مانور هنرمندانه برای دست یافتن به مقصد است. لذا می‌توان گفت نرم‌ش قهرمانانه نه تنها با اصل عزت در تعارض نیست، بلکه در راستای دست‌یابی به همین هدف می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اصل عزت، سیاست خارجی، اسلام، اصول حکمت و مصلحت، نرم‌ش قهرمانانه.

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، rdavari68@gmail.com

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس.

mhat.isu@gmail.com

هستی‌شناسی عدالت؛ بررسی تطبیقی آرای آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز

محمد رضا طاهری^۱

هر نظریه‌ای درباره عدالت بر بنیان‌های نظری استوار است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها بنیان هستی‌شناختی است. این پژوهش تلاش می‌کند تا بنیان هستی‌شناختی عدالت در اسلام و لیبرالیسم را با استفاده از روش تفسیری و تطبیقی روشن سازد. در این راستا آرای دو تن از متفکران بر جسته معاصر – آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز – مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است و نشان داده شده است رالز به لحاظ هستی‌شناختی فردگرا و انسان محور است و در مقابل آیت‌الله جوادی آملی دارای هستی‌شناسی سه‌ضلعی است و بر ترابیط انسان با خداوند و بقیه هستی تأکید دارد. این امر دلالت‌های مهمی در تنظیم نظریه عدالت آن‌ها دارد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، هستی‌شناسی، اسلام، لیبرالیسم، انسان محوری، مراتب هستی، نظام احسن.

۱. دکترای اندیشه سیاسی، پژوهشگر و مترجم، taheri_777@yahoo.com

انسان‌شناسی عدالت؛

بررسی قطبیقی آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز

محمد رضا طاهری^۱

هر نظریه‌ای درباره عدالت مبتنی بر مفروضاتی درباره انسان است. لذا لازمه ارائه نظریه اسلامی عدالت شناخت انسان، حقوق، نیازها و استعدادهای اوست. در این پژوهش با استفاده از روش تفسیری و تطبیقی آرای دو متفکر برجسته معاصر، آیت‌الله جوادی آملی و جان رالز در باب انسان و نسبت آن با عدالت مورد بررسی قرار گرفته است. آیت‌الله جوادی آملی انسان را دارای دو ساحت فطرت و طبیعت می‌داند که باید ساحت فطرت بر طبیعت حاکم شود و این امر دلالت‌های مهمی، بهویشه در قالب حق هدایت، در نظریه‌پردازی درباره عدالت دارد. از سوی دیگر جان رالز بر ویژگی‌هایی مثل آزادی، برابری، معقول بودن، عقلانی بودن و حس عدالت با مرکزیت حق آزادی تأکید دارد که همین امر به بیان اصول عدالت در قالب دو اصل شده است که اصل اول و حاکم آن اصل آزادی است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، انسان‌شناسی، حقوق انسان، مراتب انسانی، آزادی، هدایت.

۱. دکترای اندیشه سیاسی، پژوهشگر و مترجم، taheri_777@yahoo.com

تعویت قدرت نرم جامعه اسلامی در پرتو نماز جماعت

سید محمود طیب‌حسینی^۱، فاطمه لطفی^۲

یکی از منابع قدرت نرم فرهنگ، عقاید و ایدئولوژی رایج در جامعه است. دین اسلام برای ایجاد و گسترش فرهنگ و عقاید مذهبی در جامعه برنامه‌های زیادی را طراحی نموده است. نماز جماعت یکی از مهم‌ترین راهکارهای اسلام برای تقویت بنیه دینی جامعه است. ساختار نماز جماعت به گونه‌ای طراحی شده که عنصر وحدت، یکپارچگی و همدلی میان نمازگزاران را تجلی می‌بخشد؛ عناصری که مهم‌ترین پایه‌های قدرت نرم را تشکیل می‌دهند. پژوهش حاضر با تأمل در کتب روایی شیعه به بررسی روایات مهم پیامبر(ص) و ائمه معصومین در رابطه با زوایای ایجاد قدرت نرم در نماز جماعت پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: نماز جماعت، قدرت نرم، قرآن کریم، روایات، وحدت اسلامی.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. tayyebhoseini@rihu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم. fateme.lotfi.548@gmail.com

امام خمینی (ره) و چالش در اخلاق سیاسی سکولار

معصومه موحد نیا^۱، محمد شجاعیان^۲، سید ابراهیم حسینی^۳

بی تردید نام امام خمینی (ره) بر تارک تاریخ معاصر جهان قرار گرفته است. ایشان احیاگر میراث عظیم اسلامی در جهان امروز است که با تغییر و ایجاد تحول در گفتمان حاکم، توانستند جهان را با یک فضای زیستمانی نوینی مأنوس کنند که مهمترین خصیصه آن، تدبیّن و اسلامیّت است. در واقع، ایشان نگاه و نگرش انساطی و انتطباقی و نیز نحوه کنش و واکنش کاربردی و عملیاتی نسبت به دین را جایگزین نگاه سلبی و منفی به دین کرد. این نوشتار با به پرسش گرفتن ساختار نشانه شناختی و سامانه مفصل‌بندی گفتمان اخلاق سیاسی امام خمینی (ره) و چالش در اخلاق سیاسی سکولار، به دنبال ارائه چارچوبی تبیینی برای تحلیل آن است. هدف نگارندگان آن است که نشان دهنده، با ظهور مکتب امام خمینی (ره) چه چالش‌هایی در اخلاق سیاسی سکولار در جهان معاصر ایجاد شده است. در پاسخ به این موضوع باید تأکید کرد امام خمینی (ره) هم در تعریف اخلاق سیاسی و هم در بیان ویژگی‌های اخلاقی سیاسی محوریت را به دین می‌دهد در حالی که سکولاریسم بر اساس عدم مرجعیت دین، اخلاق سیاسی خویش را بنیان می‌نهاد. اخلاق سیاسی امام بر اصولی دینی استوار است که عبارت‌اند از: خدامحوری، کرامت و عزت انسان، عدالت، رحمت و رافت اسلامی، مشورت و مشارکت‌پذیری. امام در همه این‌ها بر اساس آموزه‌های دینی به تبیین دیدگاه اسلام می‌پردازد. در مقابل، در اصول اخلاق سیاسی سکولاریسم توحید محوری جایگاهی ندارد بلکه انسان محوری جایگزین آن شده و نوع کرامت و عزت انسان، کرامت مادی و حیوانی تعریف می‌شود. رحمت و رافت، نه بر پایه دین که بر پایه و میل انسان تعریف می‌شود. بر اساس مکتب اخلاقی سیاسی امام خمینی (ره)، می‌توان گفت سکولاریسم با اخلاق سیاسی مادی نمی‌تواند ابعاد معنوی انسان را چه به لحاظ فردی و چه به لحاظ اجتماعی سامان دهد. و بالاتر از آن نمی‌تواند دستورالعملی دهد که سبب غلبه فرد بر طاغوت دوران و در مرحله بعد سبب غلبه بر طاغوت‌های بیرون شود.

کلیدواژه‌ها: سکولاریسم، اخلاق سیاسی، حکومت اسلامی، استبداد، امام خمینی (ره).

۱. استادیار گروه فلسفه اخلاق دانشگاه قم

۲. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه shojaiyan@rihu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه پیام نور (گراش اخلاق اسلامی)

بعاد مفهومی عدالت

محمد رضا طاهری^۱

نخستین گام برای ارائه تعریفی از عدالت شناختن ابعاد مختلف مفهومی آن است که در طول تاریخ در کاربردها و تعاریف ارائه شده از آن یافت می‌شود. از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به حقیقت، درستی و درست‌کاری، حقوق، انصاف، آزادی و نفع اشاره کرد. در این پژوهش این ابعاد مفهومی مورد بررسی قرار می‌گیرد و نشان داده می‌شود که نفع و آزادی ابعادی هستند که از دوران رنسانی بدین سو به ابعاد مفهومی غالب در تعریف عدالت تبدیل شده‌اند و این امر از آسیب‌های مهم نظریه‌پردازی درباره عدالت است که باید مورد توجه متفکران اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، حقیقت، درست‌کاری، حق، انصاف، نفع، آزادی.

۱. دکترای اندیشه سیاسی، پژوهشگر و مترجم، ایمیل: taheri_777@yahoo.com

نخبگان شیعه و قاعده نفی سبیل در انقلاب مشروطه (تلقی‌های مختلف از قاعده نفی سبیل از دیدگاه فقهای عصر مشروطه)

حجت‌الله علی محمدی^۱، محمدرضا طاهری^۲، محمد شجاعیان^۳

قاعده نفی سبیل از قواعد مهم و پرکاربرد در فقه و فقه سیاسی شیعه، بهویژه در تاریخ معاصر است. این قاعده با برخورداری از پشتونه کتاب، سنت، اجماع و عقل، علاوه بر پیش نهادن برخی احکام فرعی، راه هرگونه سلطه و نفوذ قدرت‌های سلطه‌گر را به ممالک اسلامی سد کرده است. در عصر مشروطه که مفاهیم جدیدی وارد ادبیات سیاسی ایران شد، این قاعده نیز همچنان ضمن حفظ کارکرد سنتی خود، کارویژه‌ی نوبی پیدا کرد. در نگاه سران موافق و مخالف مشروطه به عنوان نخبگان شیعی جامعه، نفی سبیل معنای خاص خود را داشت؛ به این معنی که سید محمد کاظم بزدی همان کارکرد سنتی این قاعده را بازتاب داد اما علامه نائینی به سلطه، از دریچه استبداد نگریست و نفی سلطه‌ی قدرت‌های استعماری را از زاویه نفی استبداد و کنار زدن ظلم پادشاهان قاجار و یا حاکم محدود نمودن قدرت مطلق آنان با پیشنهاد مدل مشروطه می‌دانست و شیخ فضل الله نوری نفی نفوذ و سلطه‌ی سلطه‌گران و کشورهای استعماری را با راه ندادن به مفاهیم وارداتی و در نتیجه نپذیرفتن بار این مفاهیم تلقی می‌کرد. در این مقاله کوشیده شده است تا جریان نفی سبیل در اندیشه و عمل این سه فقیه نخبه شیعی عصر مشروطه بررسی گردد.

کلیدواژه‌ها: نخبه، نفی سبیل، فقه سیاسی، مشروطه.

۱. دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب talatori1353@gmail.com

۲. دکترای اندیشه سیاسی، محقق و پژوهشگر taheri_777@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه shojaiyan@rihu.ac.ir

نقش نماز جمعه در تقویت قدرت نرم مسلمانان

محمد شجاعیان^۱ / فاطمه لطفی^۲

در دانش سیاسی قدرت به دو گونه عمدۀ قدرت نرم و قدرت است تقسیم می‌گردد. در حوزه قدرت نرم مسائلی همچون فرهنگ، عقاید و ایدئولوژی‌های مقبول جامعه به عنوان مهم‌ترین منابع قدرت نرم مطرح می‌گردند. اقامه نماز جمعه یکی از مهم‌ترین نمودهای تجلی قدرت و اقتدار حکومت اسلامی به شمار می‌رود. برقراری نماز جمعه پس از استقرار حکومت اسلامی و لایت رهبر جامعه گسلی توسط او یا با تشخیص و تنفیذ اختیار به روحانی حائز مراتب، امکان‌پذیر است و اقامه مداوم آن از قدرت روزافزون حاکمیت اسلام حکایت دارد. این اجتماع هفتگی مسلمانان پس از حج بیت‌الله الحرام مهم‌ترین منبع قدرت نرم مسلمانان به شمار می‌رود. هماهنگی میان مردم و اتحاد ایشان و ثبات قدم آن‌ها در شتافتمن به سوی نماز جمعه، به انتظار نماز نشستن و گوش فرادادن به سخنان امام جمعه و اطاعت محض او در اذکار و اعمال نماز نوعی هم‌سویی و انسجام میان مردم را یادآوری می‌نماید که نمودهایی استوار از قدرت نرم جامعه اسلامی را در برابر همگان تجلی می‌بخشد.

کلید واژه‌ها: قدرت، قدرت نرم، حکومت اسلامی، نماز جمعه اتحاد مسلمانین.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه shojaiyan@rihu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی fateme.lotfi.548@gmail.com

رویکردهای سلبی و ايجابی به قیام برای خدا در سیاست (باتأکید بر سوره سبا)

سید محمود طیب حسینی^۱، محمد شجاعیان^۲

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌هایی که می‌توان برای قرآن کریم در نظر گرفت صورت‌بندی مبانی نظری جنبش‌های اجتماعی و سیاسی است. پژوهش حاضر به بررسی یکی از مبانی تئوریک برجسته با عنوان «قیام برای خدا» در عرصه سیاست و حکومت از منظر قرآن کریم با تأکید بر آیه ۴۶ سوره سبا است که در آن آشکارا از ضرورت قیام برای خدا در عرصه سیاست سخن به میان آمده است. دو رویکرد عمدۀ ايجابی و سلبی در تفسیر این آیه برجسته در زمینه قیام برای خدا در عرصه سیاست و حکومت وجود دارد. پژوهش حاضر ضمن بررسی هر یک از این رویکردها به این نتیجه می‌رسد که این دو برداشت باوجود اختلافاتی که دارند در نهایت هر دو به تقویت حکومت دینی به‌ویژه حاکم مشروع اسلامی منجر می‌شوند. با این وجود تفسیر سلبی از قیام برای خدا در عرصه سیاست با سیاق آیه و معنای قیام و موعظه تناسب و هماهنگی بیشتری دارند. بر این اساس مقصود از قیام برای خدا، بازیستاندن و فاصله گرفتن از تجمعات سیاسی- اجتماعی به منظور تخریب چهره حکومت دینی به‌ویژه حاکم مشروع و فقیه جامع الشرایط اسلامی است. این آیه عموم انسان‌ها را به یک موعظه اساسی توصیه می‌کند: دو نفر دو نفر و یا تک‌تک با دوری از هرگونه تجمعات غوغاسالرانه و پرهیاهو که با ابزار تحریک احساسات فرست اندیشه آزادانه را از انسان سلب می‌کند باز ایستند، سپس درباره شخصیت پیامبر و رهبران و مصلحانی که داعیه دعوت به خدا و دین دارند و گذشته و حال آنان تفکر کنند، تا حقانیت آن‌ها، برایشان آشکار شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سیاست، حکومت اسلامی، قیام برای خدا، رهبری، تجمع سیاسی.

۱. دانشیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه tayebh@rihu.ac.ir
۲. استادیار گروه علوم سیاسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه shojaiyan@rihu.ac.ir

نظریه سفیر انقلاب بر اساس قرآن کریم، کوثر کربلا، فرمان مالک اشتر و معراج سعادت: راهکار انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی نمودن مدیران و مردم

دکتر مهدیه سادات خشوعی^۱

هدف این پژوهش، تدوین نظریه سفیر انقلاب بر اساس قرآن کریم، کوثر کربلا، فرمان مالک اشتر و معراج سعادت به عنوان راهکاری جهت انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی نمودن مدیران و مردم بود. روش این پژوهش، نظریه داده بنیاد بوده است. برای دستیابی به هدف پژوهش، عوامل شکوفایی و انحطاط جامعه در قرآن کریم از کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم یعنی جامعه در قرآن (آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۸۷)، کوثر کربلا (آیت‌الله جوادی آملی، ۱۳۹۱)، نامه (فرمان مالک اشتر) در نهج البلاغه (علامه دشتی، ۱۳۸۴؛ علامه فیض‌الاسلام، ۱۳۸۵) و معراج سعادت (ملا نراقی، ۱۳۹۰) به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد معروف انتخاب و به روش نظریه داده بنیاد مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا با تحلیل کتاب تفسیر موضوعی و کوثر کربلا، شاخص‌های مرتبط با فرهنگ انقلابی استخراج و با توجه به اشتراک در محظوظ‌بندی و تعداد ده شاخص فرهنگ انقلابی شناسایی گردید. سپس با توجه به علل، زمینه‌ها، موانع و پیامدها مجدداً هر شاخص مورد طبقه‌بندی قرار گرفت. سپس با توجه به فرمان مالک اشتر و کتاب معراج سعادت، راهکارهای ایجاد شاخص‌های فرهنگ انقلابی به ترتیب در مدیران و مردم استخراج و متناسب با هر شاخص طبقه‌بندی گردید. سپس ارتباط علل، زمینه‌ها، موانع، پیامدها و راهکارها در قالب یک الگو طراحی و با نوشتן قضایا نظریه سفیر انقلاب تدوین و برآش آن موردن بررسی و تأیید قرار گرفت. در مجموع، نقشه انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی نمودن مدیران و مردم بر اساس نظریه سفیر انقلاب ترسیم گردید که بر اساس آن فرهنگ انقلابی ایده‌آل یعنی برخورداری از سه سطح انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی نمودن، زمانی در جامعه حاکم خواهد شد که همه افراد جامعه (کارگزاران نظام و افراد عادی) در کشتی اهل بیت سکنی گزیده و با شناخت شاخص‌های فرهنگ انقلابی، در جهت هجرت از صد انقلابی گری گام برداشته و با سرعت تمام از هم‌دیگر در برخورداری از شاخص‌ها (اعم از کمی و کیفی) سبقت گیرند. **کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، کوثر کربلا، فرمان مالک اشتر، معراج سعادت، نظریه سفیر انقلاب، فرهنگ انقلابی (انقلابی بودن، انقلابی ماندن و انقلابی نمودن).

۱. پژوهشگر فوق دکتری روان‌شناسی صنعتی و سازمانی روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، پست الکترونیک: Khoshouei.mahdиеh@gmail.com

ظرفیت‌های تحول در فقه سیاسی باتکیه بر الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت

محمود ابراهیمی ورکیانی^۱

الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، سندی بالادستی است که در آن راهبردهای پیشرفت کشور با توجه به تأکیدهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حال تدوین است. یکی از موضوعات اساسی این الگو، مباحث فقه سیاسی است. عرصه فقه جولانگاه مسائل نوپیدا و حوادث واقعه است و تأثیر عنصر زمان و مکان بر احکام در این عرصه زیاد است، ازین‌رو فقه برای پاسخگویی به مسائل مبتلاه، نیازمند تشریح بیان اصول کلی جهت انطباق حوادث واقعه با آن کلیات است. بر همین اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که ظرفیت‌های تحول در فقه سیاسی با تکیه بر الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت چیست؟ در پاسخ، این فرضیه را به آزمون گذاشتیم که فقه شیعه، توانایی استنباط احکام و تکالیف مربوط به زندگی فردی و اجتماعی بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را دارد. در ابتدا مدل و شاخصهایی که رهبر انقلاب درباره الگو ترسیم نمودند، بررسی و سپس ظرفیت‌های تحول در فقه سیاسی بر اساس آن شاخصه‌ها موردنبحث قرار می‌گیرد.

حاصل آن که مهم‌ترین شاخص الگو از نظر رهبری، عدالت معرفی شده است. بنابراین فقه چنانچه از فقه فردمحور به فقه جامعه محور تحول پیدا کند، برخوردار از ظرفیت لازم جهت تأمین اصول، قواعد و هنجارهای لازم برای مدیریت جامعه اسلامی بر اساس الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت را دارد.

کلیدواژه‌ها: فقه، الگو، پیشرفت، عدالت، عقل، مصلحت.

^۱.عضو هیئت‌علمی و دکتری گروه معارف اسلامی دانشگاه سمنان. ev_55@yahoo.com

أصول حقوق بشر دوستانه در اسلام و غرب

عبدالحکیم سلیمی^۱

تأثیر بنیادی اصول حقوق بشر دوستانه در پیشگیری از وقوع جنگ و کاهش آلام ناشی از منازعات مسلحانه، مورد تأکید اسلام و حقوق بین الملل است. با عنایت به خاستگاه و حیانی، جامعیت، جاودانگی و رسالت جهانی اسلام و لزوم اسلامی سازی علوم انسانی، ناتوانی حقوق بین الملل در مدیریت جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، انگیزه و ضرورت بررسی تطبیقی اصول حقوق بشر دوستانه، کاملاً مبرهن می‌نماید.

برایند تحقیق نشان می‌دهد، خوشبختانه، اسلام در تشریع اصول حقوق بشر دوستانه پیشگام است. این کتاب آسمانی در پرتو جهان‌بینی توحدی و شناخت عمیق از ماهیت روابط بین الملل خصمانه، چهارده قرن زودتر از حقوق بین الملل، اصول حقوق بشر دوستانه را تشریع و بر رعایت آن در منازعات مسلحانه، تأکید ورزیده است. «خاستگاه و حیانی»، «سبقت زمانی» و «ابتكار» از امتیازات اصول حقوق بشر دوستانه در اسلام است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر دوستانه، اصل کرامت، اصل دعوت، اصل عدالت، اصل احسان، اصل تمکن، اصل تفکیک، اصل تناسب، اصل منع فساد و افساد.

کاربست عدالت در روابط بین الملل

غلام شبر^۱

اصل عدالت در اسلام از جایگاه بلندی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین رسالت‌های انبیای الهی، اقامه قسط و عدل بوده. این یکی از اصول اسلام است که در روابط بین الملل برای تأمین صلح و امنیت، ترقی و شکوفایی، پایداری و ثبات... کشورها نقش بنیادین را یافته اند که در پرتوی اعمال این اصل، دست یافتنی است.

امروزه که تعدی گران جهان با استکبار و ظلم، زیاده‌خواهی و عدم قناعت، امتیاز طلبی و تبعیض و حق کشی و شکستن عهد و پیمان، روابط بین الملل را جریحه‌دار کرده و عدالت را پایمال کرده‌اند به این خاطر صلح و امنیت، ترقی و شکوفایی، پایداری و ثبات... ملت‌ها در مخاطره افتاده است. برای رفع ناامنی و خشونت... در روابط بین الملل عدالت گرایی است و پیامدهای آن که استکبار و ظلم‌ستیزی، پرهیز از زیاده‌خواهی و قناعت، مساوات، رفع تبعیض و رعایت حقوق دیگران و وفا به عهد و پیمان برای خنثی‌سازی تعدی گری و ریشه‌های آن از دیدگاه اسلام پرداخته شود. در این پژوهش به نقشی که پیامدهای عدالت گرایی در ایجاد صلح و امنیت، ترقی و شکوفایی، پایداری و توسعه کشورها می‌تواند داشته باشد، پرداخته شده است.

بنابراین در این پژوهش به این سؤال که عدالت در روابط بین الملل چه کاربستی دارد؟ پاسخ داده و با اشاره به رابطه عدالت با روابط بین الملل، عده چالش‌های روابط بین الملل و ریشه‌های آن، با ابعاد عدالت گرایی اسلامی و پیامدهای آن، مقایسه گردیده است. که درنتیجه تحقیق ابعاد مختلف عدالت موجب محو و تضعیف تعدی گری و ریشه‌های آن در عرصه روابط بین الملل خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، روابط بین الملل، استکبار، تبعیض، قناعت، مساوات.

فقه و تکفیر

فاطمه پیامنی^۱، مهدی چمنی^۲

تکفیر که در میان ادیان و مذاهب محل تضاد آراست، در فقه به معنای نسبت دادن کفر به شخص یا گروهی از مسلمانان است. در میان مذاهب اسلامی، برخی کسی را که مرتكب یکی از گناهان کبیره شود، تکفیر می‌نمایند. گروهی نیز معتقدند که انکار الوهیت، توحید، رسالت و ضروری دین با التفات به ضروری بودن آن، اگر به انکار رسالت بینجامد کفر است. وهابیان، احترام مسلمانان به قبور پیامبر (ص) و اولیای الهی و استغاثه از غیر خدا را شرک دانسته، آشکارا تکفیر مسلمانان، بهویژه شیعیان را با توجیه دینی همراه می‌کنند. در فقه امامیه، ضمن مخالفت با تکفیر، تکفیر کننده مستوجب مجازات تعزیری می‌گردد. باوجود دیدگاه‌های مختلف، آیات و روایات به خوبی چهره تکفیر را برای ما ترسیم می‌نماید. کفر در اصطلاح فقها بیشتر در مقابل اسلام است، ولی در قرآن، غالباً در مقابل ایمان به کاررفته است. از دیدگاه فقهای شیعه و اهل سنت، اگر کسی یکی از ضروریات اسلام را انکار کند، کافر و بیرون از دین است. بر این اساس اگر عقیده‌ای در بین فرقه‌های اسلامی پیرامون مسائل مربوط به توحید، نبوت و غیر آن مطرح شده از ضروریات دین نبوده بلکه جزء مسائل نظری است که انکار آن، خروج از دین نیست.

کلیدواژه‌ها: تکفیر، تکفیر عملی، تکفیر اعتقادی، تکفیر مطلق، تکفیر معین.

۱. دانشجو، کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه آیت الله بروجردی، payamani.fatemeh@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، chegeni_isu@yahoo.com

بررسی ساختار روابط بین الملل موجود از منظر مقام معظم رهبری

مهدی مهدوی اطهر^۱

روابط بین الملل موجود، از سال ۱۹۱۹ پس از جنگ جهانی اول به صورت رشتته علمی تجربی بر اساس مبانی اولینیستی در غرب به جهت پایان دادن به جنگ‌ها و ایجاد صلح در جهان تشکیل شد و تاکنون بر اساس تحول نظریات، ساختار روابط بین الملل نیز دگرگون گردید. با توجه به تحول در جهان اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی و شکوفایی و رشد علمی لازم است روابط بین الملل مبتنی بر یعنیش اسلامی و تفکرات دانشمندان مسلمان بازنگری شود. در همین راستا ضروری است روابط بین الملل از منظر مقام معظم رهبری به عنوان دانشمند اسلامی و رهبر یکی از کشورهای اسلامی پیرامون ساختار روابط بین الملل تبیین گردد و همچنین بر اساس روش آرمان‌گرایی واقع‌بینی ایشان، تبیین ساختار موجود در جهت ترسیم و نیل به وضعیت مطلوب حائز اهمیت است. سؤال اصلی ما این است ساختار موجود از آیت‌الله خامنه‌ای چگونه است؟ و چه انتقاداتی بر آن وارد است؟ در این نوشتار با روش تحلیلی - توصیفی، نشان داده شده است که از منظر مقام معظم رهبری ساختار روابط بین الملل، آثارشی بوده و فاقد قدرت فانقه می‌باشد و از ساختار دوقطبی جنگ سرد به ساختار دوقطبی نظام سلطه و نظام سلطه ستیز با تشکیل سه اردوگاه تعییریافته است و نظام حاکمه و قوانین در راستای استکبار و چیاول در جهت نظام سلطه با بکارگیری ابزارهای گوناگون شکل گرفته است.

کلیدواژه‌ها: ساختار، سلطه، روابط بین الملل، غرب، مقام معظم رهبری.

نظام سازی در فقه اهل بیت (ع) (تبیین و تحلیل عنصر مصلحت)

علی‌اکبر باقری^۱

درواقع اهمیت مصلحت در نظام ولایی و حکومت اسلامی از این روست که نظام اسلامی متضمن احکام ثابت و متغیر و مسئول حل بحران ثابتات دین و متغیرات زمان و مقتضیات متتحول است. اهمیت بحث از مصلحت در نظام سیاسی برآمده از فقه اهل بیت بیشتر حول محور مشروعیت نظام سیاسی حاکم و مطلقه بودن ولایت‌فقیه و حفظ مصالح عمومی است، و هم‌چنین چگونگی ساختارها و نهادهای سیاسی حاکم در آن نظام به طور کلی این نوشتار در پاسخ به این پرسش مهم و اساسی است که آیا نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر فقه اهل بیت (ع) با توجه به احکام ثابت و جاوید آن، به مصالح عمومی و متغیرهای اجتماعی توجه دارد؟ قلمرو و گستره‌ی این امر تا کجا است؟ در مقام پاسخ به این سؤال جایگاه مصلحت در فقه اهل بیت و نقش نظام ساز آن در سه حوزه‌ی مشروعیت، ساختار و نهادهای سیاسی، و کارگزاران و رهبری نظام مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: نظام سازی، فقه اهل بیت، مصلحت، مشروعیت، ساختار، رهبری.

۱. دانش‌آموخته و مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف (انقلاب اسلامی) موسسه امام خمینی (ره)؛ bbb.bagheri11@yahoo.com

تبیین و تحلیل قواعد فقهی—سیاسی مصطففاد از فقه اهل بیت (ع) در حوزه نظام سازی

علی‌اکبر باقری^۱

مکتب فقهی اهل بیت (ع) با توجه به جامعیت و دوام شریعت خاتم، دارای عناصری می‌باشد که با در نظر گرفتن آن‌ها می‌توان در هر عصر و مصری مسائل مستحدثه را خصوصاً در امور مرتبط به نظام و اجتماع مسلمین، رفع و رجوع نمود. یکی از آن عناصر قواعد فقهیه موجود در متن فقه اهل بیت (ع) می‌باشد، که دست فقها را با در نظر گرفتن نقش زمان و مکان در اجتهاد باز گذاشته و با تعریف اصول القاء شده از سوی امامان مucchوم (ع) بر عنانوین و مسائل مستحدثه، موجبات پویایی و بالندگی فقه اهل بیت (ع) را فراهم می‌آورند. یکی از اموری که شارع مقدس قطعاً در متن شریعت خاتم لحاظ کرده امر نظام سازی می‌باشد. در واقع خلاف حکمت و لطف الهی خواهد بود که در زمینه نظام سیاسی جوامع در عصر غیبت، طرح و برنامه‌ای ارائه نکرده باشد. از این رو قطعاً در متن فقه اهل بیت (ع) عناصری هست برای طراحی نظام سیاسی حاکم، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها قواعد فقهیه می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: قواعد فقهی، نظام سازی، فقه اهل بیت، مشروعيت، ساختار، رهبری.

۱. دانشآموخته و مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف (انقلاب اسلامی) موسسه امام خمینی (ره)؛ bbb.bagheri11@yahoo.com

اجتهاد و نظام سازی

علی‌اکبر باقری^۱

در شریعت اسلامی، تشکیل نظام سیاسی مطلوب و شایسته‌ای که مجری قوانین شرع باشد، از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام به حساب می‌رود. این مهم را می‌توان از ماهیت احکام اسلام در متن فقه اهل‌بیت (ع) دریافت؛ به‌گونه‌ای که تعطیلی حکومت و نظام سیاسی، معطلی احکام شریعت را در پی خواهد داشت. در این میان وجود اجتهاد کارآمد در مکتب فقهی اهل‌بیت (ع)، امر مهمی است که به مدد آن می‌توان عناصر و ساختار نظام سیاسی حاکم را به‌نوعی نظاممند و مستجمل و هماهنگ استخراج کرد. بر اساس عنصر اجتهاد، به‌کارگیری توش و توان برای به دست آوردن معیارهای کلی نظام سازی امری حیاتی محسوب می‌گردد. در واقع وظیفه مجتهد آن است که در شرایط متغیر زمانی، احکام موردنیاز را به دست آورد. اجتهاد فقیه در همه ساحت‌ها و حوزه‌های عملی نظام اجتماعی، کاربرد دارد. مهم‌ترین مقوله مربوط به نظام اجتماعی، مقوله حکومت و نظام سیاسی حاکم است که باید کشف قانونمندی‌ها و ضابطه‌های آن از درون کتاب و سنت، با استمداد از عامل اجتهاد استخراج گردد. نظام سازی یکی از مسائل مهم اداره جامعه است و پژوهش پیش رو در صدد بررسی این پرسش اساسی است که نقش مؤلفه اجتهاد در نظام سازی چیست؟

کلیدواژه‌ها: اجتهاد، فقه اهل‌بیت (ع)، نظام، نظام سازی، زمان و مکان، مشروعيت، ساختار.

۱. دانش‌آموخته و مدرس حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری مدرسی معارف (انقلاب اسلامی) موسسه امام خمینی (ره)؛
bagheri11@yahoo.com

چالش‌های پیش روی کاربردی سازی رشته روابط بین‌الملل در ایران: آسیب‌شناسی آثار پژوهشی

علی باقری دولت‌آبادی^۱

هدف پژوهش حاضر آسیب‌شناسی مقالات منتشرشده در خصوص سیاست خارجی ایران از منظر کاربردی سازی رشته روابط بین‌الملل است. پرسش اصلی مقاله این است که چالش‌های فراروی کاربردی سازی رشته روابط بین‌الملل در ایران چیست؟ و این چالش‌ها چگونه خود را در خروجی پژوهشی این رشته که به شکل مقالات علمی پژوهشی است نشان می‌دهند؟ چهارچوب نظری پژوهش را بابطه نظریه و پژوهش از منظر دیدگاه‌های اثبات‌گرا و پساثبات‌گرا شکل می‌دهند. برای این منظور از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. در جریان نگارش مقاله آثار منتشرشده طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۳ در شش فصلنامه علمی پژوهشی بررسی گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه از ۲۹۳ مقاله بررسی شده ۲۰۶ مورد به مسائل خارجی اختصاص داشت تنها ۱۴ مورد به موضوع سیاست خارجی به صورت مستقیم و ۸۶ مورد به صورت غیرمستقیم پرداخته بودند. ۳۶ درصد مقالات دارای تجویز و ۴۲ درصد دارای پیش‌بینی تحولات آینده بودند. فقط ۷/۲ مقالات دارای پیش‌بینی مبتنی بر سناریو بود و الباقی در حد یک یا چند خط درباره آینده صحبت می‌کردند. روش کتابخانه‌ای با ۷۴/۴ درصد روش غالب گرداوری مطالب و نظریه واقع‌گرایی با ۱۶/۲ درصد پرکاربردترین نظریه در مقالات بررسی شده بود. ۶۸/۴ درصد مقالات کوشیده بودند تا نظریه‌ها را بکار بندند و تنها ۲/۷ درصد به نقد آن‌ها پرداخته بودند. بدین ترتیب عدم اهتمام به پیش‌بینی مبتنی بر سناریوسازی، ناکارآمدی نظام آموزشی، فقدان دسترسی به داده‌های پژوهشی، نگاه ابزاری به پژوهش در ایران، قطع ارتباط دانشگاه با نهادهای اجرایی، ضعف نسبی در حوزه دانش نظری و عدم نقد در پژوهش‌ها چالش‌های اصلی پیش روی کاربردی سازی روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: روابط بین‌الملل، سیاست خارجی، پژوهش، دانشگاه، وزارت امور خارجه.

بررسی نقش و جایگاه اخلاق و سیاست در گفتمان سیاسی حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه)

محمدباقر عباسی^۱، شریف ذبیحی مقدم^۲

اخلاق و سیاست در طول عمر بشریت در تعامل با یکدیگر بوده‌اند. گاه آن‌چنان در هم‌آمیخته‌اند که تشخیص مرزهای آن دشوار شده و گاه آن‌چنان از یکدیگر فاصله گرفته‌اند که به دو مفهوم متباین تبدیل گشته‌اند. حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) مرجع عالیقدر و متفکر بزرگ شیعی است که در عصر حاکمیت سکولاریسم و جدایی مرزهای سیاست و اخلاق، نظریه‌ی سیاسی خود را مبنی بر پیوند سیاست و اخلاق، ارائه نمود و آن را مبنای عمل سیاسی- انقلابی خود قرار داد. متفکران و اندیشمندان با توجه به پارادایم فکری و حاکم بر جامعه دیدگاه‌های مختلفی نسبت به رابطه‌ی یا عدم ارتباط این دو ابراز نموده‌اند. با توجه به نظام دانایی حاکم بر اندیشه‌ی اسلامی و شخص حضرت امام خمینی (رحمه‌الله علیه) سازگاری در رابطه‌ی این دو مفهوم می‌توان متصور شد که سودمندی و هدفمندی جامعه‌ی در پرتو سیاست اخلاق مدارانه است.

نمی‌توان یکی را وسیله تحقق دیگری دانست و با دیدی ابزارگونه به آن نگریست. در دیدگاه حضرت امام (رحمه‌الله علیه) سیاست صرفاً در چارچوب اخلاق اسلامی پسندیده و مجاز است و می‌بایست اخلاق مبنای عمل سیاسی قرار گیرد، در غیر این صورت سیاست، عملی شیطانی است که تباہی فرد و جامعه را رغم خواهد زد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، سیاست، امام خمینی(ره).

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (علیه السلام). rara6262@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد اندیشه‌ی سیاسی در اسلام دانشگاه مفید قم. Zabihim20@gmail.com

شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در اسلام

محمد جواد نوروزی^۱، سید عزت‌الله احمدی^۲

پژوهش حاضر با طرح این پرسشن اساسی که شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در اسلام کدام‌اند، این فرضیه را بررسی می‌کند که شاخص‌های فرهنگ سیاسی در سپهر اندیشه اسلامی را می‌توان با روش تحلیلی – توصیفی در سه سطح رفتار سیاسی فردی، رفتار سیاسی اجتماعی و ساختار سیاسی مطرح ساخت. نتایج حاصل از این بررسی را می‌توان در محور تبیین شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در سطح فردی، تقواء، اخلاقی و معنویت‌گرایی، حق محوری، حق مداری، صداقت، درست‌کرداری، امانت‌داری و عدالت‌گرایی برشمرد و شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب در سطح اجتماعی رانیز در محورهایی همچون همبستگی اجتماعی در پرتوی اخوت دینی، خردگرایی و پرهیز از رویه‌های خردستیز، مسئولیت‌پذیری و نظارت همگانی در قالب امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرد و در سطح نظام و ساختار سیاسی شاخص‌های فرهنگ سیاسی مطلوب شایسته‌سالاری عدالت‌مداری و کارآمدی می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، فرهنگ سیاسی، شاخص، ساختار، فرهنگ اسلامی.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

mohadjavadnoroz@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی

Alirstgar@yahoo.com

نقش مفاهیم قرآنی در تولید علم سیاست اسلامی؛ بررسی موردی «جهاد کبیر»

سید مجتبی عزیزی^۱، وحید کرباسی^۲

هر اندیشه و مکتب فکری مبتنی بر یکسری مفاهیم صورت‌بندی می‌شود که برگرفته از جهان‌بینی صاحبان آن اندیشه است. علوم انسانی غربی نیز از این قاعده کلی مستثنی نبوده و بر پایه مفاهیمی شکل گرفته که ریشه در اندیشه‌های سکولاریستی و اومانیستی دارد و به همین خاطر با آموزه‌های دینی در تعارض است. از این روی یکی از مسائل مهم در راستای تولید علوم انسانی- اسلامی، توجه به نقش مفاهیم علوم انسانی و به خصوص مفاهیم قرآنی در این زمینه می‌باشد.

بر همین اساس، سؤال اصلی که این پژوهش به دنبال پاسخ آن است، بر این محور متمرکز شده که «نقش مفاهیم قرآنی از جمله «جهاد کبیر» در تولید علوم سیاسی اسلامی چیست؟». روش به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، روش تحقیق موضوعی قرآن و روش کتابخانه‌ای است. برای پاسخ به سؤال مذکور تلاش شده ابتدا جایگاه و اهمیت مفاهیم علوم انسانی و مفاهیم قرآنی در شکل دهی به علم سیاست تبیین شود و سپس برای توضیح بیشتر مطلب و به عنوان یک نمونه عینی، «جهاد کبیر» مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، با مراجعه به آیات قرآن کریم و مبنای قرار دادن آن‌ها و نیز استفاده از متون تفسیری عامه و خاصه به منظور حفظ روای تحقیق، مفهوم‌شناسی جهاد کبیر صورت پذیرفته و از سوی دیگر تلاش شده با استفاده از بیانات رهبری، ابعاد جهاد کبیر و ملزمات آن تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: مفاهیم علوم انسانی، تولید علوم انسانی- اسلامی، علم سیاست اسلامی، جهاد کبیر، عدم اطاعت از کافران.

۱. عضو هیئت‌علمی گروه اندیشه سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
seyedmojtabaazizi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
v.karbasi110@gmail.com

فرآیند تربیت سیاسی در نظام اسلامی

محمدحسین خلوصی^۱

تربیت سیاسی در نظام سیاسی برخاسته از دین، متشکل از مبانی، اصول و اهداف است که متون دینی در تدوین آن نقش اساسی دارد. اهداف تربیت سیاسی با رویکرد اسلامی را از زوایایی گوانان می‌توان بررسی نمود. بررسی تربیت سیاسی با توجه به مراحل سنی افراد، کاربردی‌تر است. در این چارچوب تربیت سیاسی به عنوان یک فرآیند از امور غیرسیاسی آغاز و سپس به مراحل بسیطتری از این امور می‌انجامد و سرانجام با پختگی سنی فرد، تربیت سیاسی نیز به طور مستقیم سیاسی و مراحل عمیق‌تر آن تدوین می‌گردد. تربیت سیاسی در زمان کودکی به طور مستقیم سیاسی نیست. در دوره نوجوانی فعالیت‌های سیاسی بسیط و آشنا سازی با سیاست مورد توجه قرار می‌گیرد. در آغاز دوره جوانی فرد به عنوان شهروند وارد حوزه سیاسی می‌گردد و در سیاست مشارکت می‌نماید. در دوره بزرگسالی فرد از یک رابطه دوسویه و متقابل میان خود و دولت برخوردار می‌گردد و می‌کوشد در این تبادل فکر و عمل، سیاست به مطلوبیت‌های واقعی خود نزدیک و نزدیک‌تر گردد. در این مقاله، در ویژگی‌های سنی عمدتاً از منابع که با روش‌های تجربی تدوین شده و در تعیین اهداف سیاسی مربوط به یک مقطع سنی از منابع دینی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست، تربیت سیاسی، مشارکت سیاسی، بصیرت، مشورت، نصیحت.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه، دانشجوی دکتری فلسفه سیاسی اسلامی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، m.kholoosi@gmail.com

تبیین مفهوم و مؤلفه‌های شهروندی در فلسفه سیاسی ارسطو و فارابی

محمدحسین خلوصی^۱

سازماندهی حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه از بسترهای فکری فیلسوفان سیاسی بوده است. یکی از منظمهای ترین مباحث فلسفی نسبت به شهروندی در فلسفه سیاسی کلاسیک مربوط به ارسطو می‌باشد. ارسطو در کانون مباحث شهروندی مؤلفه اعدال را قرار می‌دهد. او حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه را بر اساس اصل اعدال صورت‌بندی می‌نماید. پیوند کمال و فضیلت با مؤلفه اعدال از ویژگی‌های بنیادین شهروندی در نظام فلسفی ارسطو می‌باشد. فارابی به عنوان بنیان‌گذار فلسفه سیاسی اسلامی با سه عنصر بنیادین به شهروندی می‌پردازد که عبارت است از حقیقت، فضیلت و سعادت. او حقیقت را در مرکز نظام شهروندی خود قرار داده و ارتباط وثیقی میان شریعت و فلسفه برقرار می‌نماید. شهروندی حقیقت گرایانه فارابی بر اساس تعامل نزدیک شریعت و فلسفه بازسازی می‌گردد. معروف ناب حاصل شده از این تعامل است که به عنوان مؤلفه بنیادین در مرکزیت گفتمان شهروندی در فلسفه فارابی قرار می‌گیرد. حقوق و تعهدات متقابل فرد و جامعه در درون نظام مبتنی بر حقیقت سازماندهی می‌گردد که می‌خواهد با به فضیلت رساندن شهروند، سعادت او را میسر سازد. ارزش‌های چون آزادی، برابری، عدالت، مالکیت، قانون‌مداری و دیگر مؤلفه‌های شهروندی با توجه به اقضیّات حاصل از تعامل نزدیک حقیقت، فضیلت و سعادت، مورد توجه قرار می‌گیرد. با استفاده از توصیف، مقایسه و ارزیابی مبتنی بر تحلیل عقلی، موضوع مورد نظر بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: شهروندی، فلسفه سیاسی، حقیقت، اعدال، عدالت، آزادی، ارسطو، فارابی.

۱. دانش پژوه دکتری فلسفه سیاسی اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، M.kholoosi@yahoo.com

بررسی دلالت‌های آیات تبلیغ و اکمال دین بر مشروعيت سیاسی الهی در نظام امامت

غلامرضا بهروزی لک^۱، عباس مددی دادوی^۲

مسئله مقاله حاضر بررسی دلایل نقلی مشروعيت الهی امام در کلام شیعی بر اساس دو آیه اکمال دین و تبلیغ است. (مسئله) این پژوهش از روش توصیفی تحلیلی و با رویکرد فقه الحدیث در کلام نقلی به بررسی مسئله پرداخته است. (روش) بر اساس دلالت آیه تبلیغ، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در اوخر عمر شریف خود مأمور به ابلاغ پیامی از طرف خداوند شده بودند که آن پیام در حقیقت کامل‌کننده دین ایشان بود که با عدم ابلاغ آن، رسالت‌شان ناتمام می‌ماند. با نزول آیه فوق، خداوند دلگرمی و در امان نگاهداشتن ایشان از شر منافقان را وعده دادند که پس از آن و در مسیر بازگشت از آخرین حج خود، با اقرار گرفتن از مردم بر اولی بودن و ولایت داشتن بر خودشان، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان جانشین پس از خود معرفی نمودند.

با توجه به دلالت آیه اکمال، با انتصاب امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان جانشین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از طرف خداوند، مجموعه معارف دینی کامل شد و نعمت ولایت هم که تا روز غدیر، منحصر در خداوند و رسولش بود با این انتصاب، بر امت اسلامی تمام شد و این تدبیر خداوند در نصب جانشین، باعث یأس کفار از تابودی دین اسلام شده بود و خداوند هم از چنین دینی راضی گردید. (یافته‌ها)

کلیدواژه‌ها: مشروعيت سیاسی، نظام امامت، کلام نقلی، آیه تبلیغ، آیه اکمال.

۱. دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) blak@bou.ac.ir

۲. دانشآموخته سطح سه حوزه علمیه قم abbas.meghdadi@yahoo.com

نقش آموزه‌های فقهی در طراحی استراتژی امنیتی و نظامی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نجف لکزایی^۱، محمدعلی همدانی^۲

در یک نگرش کلی، نوع نگاه به جهان و بهبیان دیگر، باورهای دینی می‌تواند جهت‌گیری راهبردهای امنیتی و نظامی را مشخص کند. آنچه در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم، واکاوی نقش آموزه‌های دینی در طراحی استراتژی امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران است.

نگارندگان بر این باور است که آموزه‌های فقهی دربردارنده نقش محوری در طراحی استراتژی امنیتی و نظامی جمهوری اسلامی ایران است پیرامون تشریح مبانی دینی، دیدگاه‌های مختلفی بیان شده است. آنچه در این تحلیل‌ها موردتوجه قرار نگرفته است، نگرش منظومه‌ای به دین است.

همین نگرش نظاممند به دین است که ضرورت استخراج الگوی مطرح شد را دوچندان می‌کند. در این پژوهش نگارنده می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تحلیلی و توصیفی و بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسی امام خمینی (ره) و با توجه به نگرش سه لایه به انسان، نقش آموزه‌های فقهی در طراحی استراتژی امنیتی و نظامی را موردنرسی قرار دهد با این بیان، پرداختن به ابعاد اخلاقی و اعتقادی از حوصله پژوهش حاضر، خارج است.

کلیدواژه‌ها: (فقه سیاسی، منابع فقهی امنیت، امنیت متعالیه، مبانی امنیت در اسلام، اندیشه فقهی امام خمینی (ره)، مسائل استراتژیک و نظامی).

۱. استاد تمام گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)؛ nlakzaee@gmail.com
۲. کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع) و دانشجوی دکتری (سطح چهار)؛ hanedanee@gmail.com

بورسی قدرت نرم در گفتمان فرهنگی عصر نبوی

رشید صیدمیرادی^۱

گرچه نظریه قدرت نرم از نظریات جدید و ابداعی است، اما با بررسی دقیق و همه‌جانبه، مواردی از این گفتمان در بستر تاریخ صدر اسلام و دوران رسالت پیامبر اکرم (ص) خواهیم یافت و بلکه آن را محور اصلی شیوه تبلیغی اسلام در دهه‌های اول می‌بینیم. توجه به گفتمان قدرت نرم عملاً از بدو ظهور اسلام در مقابل قدرت سخت همواره مورد نظر پیامبر (ص) بوده است و این مسئله را می‌توان در حادث و رخدادهای متعدد صدر اسلامی مشاهده نمود. فرهنگ اسلامی دارای مؤلفه‌های بسیاری است که گستره قدرت و نفوذ آن را از شیوه جزیره عربستان به اقصی نقاط جهان انتشار داده که در این میان، توجه به عناصر فرهنگی در ادبیات تبلیغی صدر اسلام دارای جایگاهی ویژه بوده است. این رویکرد فرهنگی اسلام که منبعث از محوریت و اصالت قدرت نرم در کاربست آن می‌باشد، به عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند و کارآمد این حوزه محسوب می‌گردد و پیامبر (ص) با ظرافت و حساسیت خاصی از این الگو جهت پیشبرد اهداف جهانی خود از آن استفاده می‌نمود. در این نوشتار سعی شده است تا ابعاد محدودی از این گفتمان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این مقاله به شیوه توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب تاریخی و روایی نگاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، حضرت محمد (ص)، سیره نبوی، فرهنگ اسلامی.

۱. دانشآموخته کارشناسی ارشد تاریخ مطالعات خلیج‌فارس دانشگاه شهید چمران اهواز، moradi52@ymail.com

طبقه‌بندی و تحلیل مؤلفه‌های هویت اسلامی در خطبه‌های نهج‌البلاغه

دکتر شیرزاد طایفی^۱، سجاد فرخ‌نژاد^۲

هویت، یعنی آنچه برای فرد، قوم، ملت، مذهب، آین و... ارزش تلقی می‌شود؛ پس هویت اسلامی، یعنی آن شاخصه‌ها، مؤلفه‌ها و آداب و رسوم خاص مسلمانان که آن‌ها را از سایر آین‌ها و مذاهب جدا می‌سازد. طبقه‌بندی و تحلیل مؤلفه‌های هویت اسلامی در نهج‌البلاغه که از جمله متون بر جسته‌ی انسانی اسلامی است، می‌تواند بستر و زمینه‌ی بسیار مناسبی برای آشنایی با حقیقت دین اسلام باشد؛ چراکه کلام اهل بیت^(۱) و سیره و رفتار آنان در کنار قرآن کریم، از بهترین و مستندترین منابع درک و دریافت مفاهیم اسلامی است و از طرفی، چون حضرت علی^(۲) اولین امام پس از پیامبر اسلام بوده و رهبری حکومت اسلامی را نیز به عهده داشته است، با ژرفنگری در سخنان ارزشمند ایشان، می‌توان به حقیقت اسلام پی برد. در پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از روش استقرایی- تحلیلی و تکیه بر مطالعات کتاب‌خانه‌ای، خطبه‌های نهج‌البلاغه را به صورت دقیق بازخوانی کردایم و پس از استخراج مؤلفه‌های شاخص دال بر هویت اسلامی از دیدگاه حضرت علی^(۳)، به طبقه‌بندی و تحلیل این مؤلفه‌ها پرداخته‌ایم. دستاوردهای پژوهش گویای این است که آن حضرت، علاوه بر تأکید بر مؤلفه‌هایی که جزو اصول و فروع دین هستند، مؤلفه‌های دیگری را برای مسلمانان لازم می‌دانند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به رعایت اخلاق فردی و اجتماعی، اتحاد در راه حق، تشکیل حکومت اسلامی، پیروی از رهبر جامعه‌ی اسلامی، برائت از آنارشیست‌ها و آشوبگران، دوری از گناه، اهل عمل بودن، دل نبستن به دنیا و... اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: امام علی^(۴)، نهج‌البلاغه، هویت اسلامی، متون اسلامی، مؤلفه‌های دینی و اخلاقی.

۱. دانشیار دانشگاه علامه‌ی طباطبائی تهران. sh_tayefi@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه‌ی طباطبائی تهران.
sajad_farokhnezhad@yahoo.com

تأمّلی در مؤلفه‌های هویت اسلامی در نامه‌های نهج‌البلاغه

محمد شیخ‌الاسلامی^۱

پژوهش پیش‌بر شناخت و بررسی مؤلفه‌های هویت‌بخش اسلامی با تکیه بر نامه‌های کتاب گران‌سنگ و ارزشمند نهج‌البلاغه تمرکز دارد. این جستار، با روش توصیفی و تحلیلی، نگاه ویژه به مقوله‌ی هویت- خاصه هویت اسلامی و دینی- داشته و با استناد بر مکاتبات حضرت امیر (ع) در نهج‌البلاغه، مؤلفه‌های بر جسته‌ی هویت اسلامی را مورد واکاوی قرار داده است؛ هویتی که فرد و جامعه را به سوی ریشه‌های اصیل اسلامی سوق می‌دهد و سهم بهسازی در تقویت ابعاد وجودی انسان، بهخصوص خداباوری و در نهایت ایمان به حق و مفهوم توحید و خدامحوری دارد. در این پژوهش، شاخص‌های معینی برای مؤلفه‌های هویت‌بخش اسلامی در نظر گرفته شده که از آن میان، می‌توان به شاخص باورشناصانه (اعتقادی) که به گزاره‌هایی همچون خداباوری و اعتقاد به کتاب آسمانی اشاره دارد، شاخص روش‌شناسی (رفتاری) که میزان پاییندی به فروع دین، احکام، مناسک و مقولاتی از این دست را شامل می‌شود، شاخص سیاسی که سبب احراز هویت سیاسی مبانی اسلام می‌گردد و نیز شاخص‌های فرهنگی و تاریخی که به ترتیب تعلق به نمادهای اسلامی و فرهنگ و سبک اسلامی دارد و نیز گویای آگاهی‌بخشی نسبت به سیره‌ی پیامبر و بن‌ماهیه‌های فکری اسلام ناب آن حضرت است، اشاره کرد. خودنمایی و تبلور این شاخص‌ها در مکاتبات حضرت امیر (ع) با افراد مختلف و با تفکرات منحصر به فرد هر شخص، نشان از باور استوار و پاییندی عملی ایشان به فرایض دین اسلام از رهگذار مؤلفه‌ها و بر جسته شدن آن‌ها در این مذهب و وجه تمایز شاخص‌های آن با دیگر مذاهب است.

کلیدواژه‌ها: شاخص هویت، هویت اسلامی، نهج‌البلاغه، حضرت امیر (ع)، متون اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی. m.sh0731@yahoo.com

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در معادلات بین الملل و جهان اسلام

علیرضا زرگر^۱، زهرا نفر^۲

پژوهش حاضر، پویش علمی در جهت احصاء مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است که با روش توصیفی تحلیلی به تجزیه و تحلیل آن مؤلفه‌ها می‌پردازد. با عنایت به عبور نظام بین الملل از دوران سنتی به عصر جدید و ورود روش‌ها و فن‌آوری‌های نو جهت تأمین منافع ملی و اهداف خود نیاز به راههای جدید احساس می‌شود. در نظامهای مردمسالار- بهویژه از نوع دینی- رمز تداوم و استمرار نظام سیاسی، نه ابزار و قدرت سخت که قدرت نرم آن جهت تصویرسازی مشبت و کسب اعتبار مشروع در افکار عمومی و جلب قلوب ملت‌های دیگر می‌باشد. قدرت نرم، تلاش برای اشغال فضای ذهنی مردم دیگر جوامع از طریق ایجاد اقناع است. پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که مؤلفه‌های قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟ جمهوری اسلامی ایران با ابتداء به فرهنگ غنی اسلام به مثابه یک مکتب، و با توجه به ظرفیت‌هایی که در ایجاد قدرت نرم دارد، می‌تواند دیگران را جذب و همراه خود سازد و در مقابل، از نفوذ و رخنه هرگونه فرهنگ بیگانه و یا سلطه آن‌ها جلوگیری کند. یافته‌های تحقیق حاکی از این است که شاخص‌هایی چون فرهنگ سیاسی اسلامی، مکتب الهی سیاسی اهل بیت معصوم‌علیه السلام، حضرت امام خمینی‌رحمه‌الله علیه و مقام معظم رهبری‌مد ظله العالی - و ارزش‌هایی چون خدام‌حوری، حق مداری، اخلاق محوری، روحیه انقلابی‌گری، مقاومت و سازش‌ناپذیری، شجاعت، ایشار، شهادت‌طلبی، ولایت‌مداری، معنویت‌گرایی، استقلال‌طلبی، و مردم‌سالاری دینی- تأثیر شگرفی در استحکام پایه‌های سیاسی نظام و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان بین الملل بهویژه جهان اسلام گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: قدرت نرم، جمهوری اسلامی ایران، جهان بین الملل، جهان اسلام.

۱. دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، a.zargar.1976@gmail.com
۲. دکتری علوم سیاسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

واکاوی تأثیر گفتمان اسلام سیاسی حضرت امام خمینی (ره) بر روشنگری امت اسلامی

علیرضا زارگر^۱

پژوهش حاضر به واکاوی نقش اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خمینی (ره) در بیداری اسلامی می‌پردازد. بیداری اسلامی، پدیده‌ای است که در عصر سیطره فکری، فرهنگی و سیاسی استعمار در جهان اسلام از اندیشه‌های بزرگانی چون جمال الدین اسدآبادی آغاز گردید اما نتوانست طرحی نو دراندازد. حضرت امام خمینی (ره) نخستین متفکری بود که بیداری اسلامی را به گفتمان و رفتار سیاسی که احیاگر ارزش‌هastت بدل نمود و توانست با رهبری فکری تحول برانگیز، خیزش اسلامی علیه نظام سلطه و دیکتاتوری‌های دست‌نشانده آن را وارد اراده عمومی مسلمانان، مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش جهان نماید که از ایران شروع و به کشورهای دیگر اسلامی سرایت نمود.

فرض ما در تحقیق فوق این است که گفتمان سیاسی امام خمینی بر آگاهی، روشنگری و بیداری امت اسلامی تأثیر دارد. روش این مقاله، روش کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیل اسنادی و ابزار گردآوری، جمع‌آوری و مطالعه منابع، استخراج داده‌ها، طبقه‌بندی و بهره‌برداری و تحلیل آن‌ها می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اندیشه‌های امام خمینی، بزرگ‌ترین آموزه برای قیام‌های مردمی جهان اسلام است زیرا تفکرات وی بیداری شگرفی در دارالاسلام و مستعمرات جهان غرب ایجاد نمود. نقش امام ترکیب تفکر رهایی اسلامی با اراده جمیعی بود که دستاورد آن ایجاد گفتمان مسلط به نام بیداری ملل اسلامی است. راهبردهای امام در این مسیر عبارت بودند از: احیای اسلام سیاسی، نفی نظام‌های سیاسی غیر مردمی و غرب محور، دفاع از تلافیق دین و سیاست، نفی سلطه و صهیونیسم و روز جهانی قدس، وحدت اسلامی و ...

کلیدواژه‌ها: امام خمینی (ره)، اندیشه سیاسی، ملل اسلامی، خیزش، بیداری اسلامی، نظام سلطه.

۱. دکتری علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، a.zargar.1976@gmail.com

واکاوی نقش آیت‌الله نائینی در جنبش مشروطیت و شکل‌گیری ریشه‌های انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی وی

علیرضا زرگر^۱، زهرا نفر^۲

گرچه نقش علمای اسلامی در پیشبرد جنبش مشروطیت، گواه تاریخ است اما پژوهش حاضر در صدد بررسی اثربخشی آیت‌الله نائینی در شعله‌وری و پیاده‌سازی مشروطه مشروعه می‌باشد که بعدها به عنوان زیربنای فکری و پشتونه حضرت امام خمینی (ره) در تدوین نظریه، طرح ریزی و تأسیس حکومت اسلامی قرار می‌گرفت و در سال ۱۳۵۷ معماری کل سازه نهائی شد. در مقطوعی که تب مشروطیت و قانون خواهی در مملکت بالاست، گروههای فکری از قبیل شاه وقت، روشنفکران غرب‌گرا و دولتهای چپاول گر در تلاش برای جهت‌دهی و مصادره مشروطیت هستند، عالم فقیه احسان مسئولیت کرده و کمر همت بسته و به کشور بازمی‌گرد و به حمایت از مردم، قانون خواهی مشروعه آن‌ها می‌بردازد ایشان متناسب با فضای بسته و استبدادی آن روز به صورت حرکت پله‌ای، ابتدا تلاش برای قطعیت مشروطه نموده چراکه وی معتقد است نفس مشروطه مقدس است و استبداد داخلی را محدود و حق حاکمیت مردم که از تأکیدات آموزه‌های دینی است افزایش می‌دهد اما در مرحله بعد مشروطه مطلوب و قابل پذیرش را از فقط از نوع دینی آن می‌داند و هیچ‌گاه به غیراز مشروطه مشروعه، نه اندیشیده و نه سخن گفته، لذا تمامی مجاھدت‌های مبارز نستوه مسیر حق، در پیاده‌سازی اصول مشروطه دینی بوده که معمول نوع تفکر و اندیشه سیاسی اسلامی وی بوده و به حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی منجر گردید. از این‌رو مقاله فوق از روش توصیفی با رویکرد تحلیل اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی موضوع پرداخته است. بر این اساس فرض اساسی که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که رابطه معناداری بین اندیشه سیاسی نائینی و نقش آفرینی وی در مشروطیت به‌طور مستقیم و پیروزی انقلاب اسلامی به‌طور غیرمستقیم وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: نائینی، مشروطیت، مشروعه، انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی.

۱. دکتری علوم سیاسی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی امین.
a.zagar.1976@gmail.com
۲. دکتری علوم سیاسی، مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر قدس.

جایگاه شریعت در فلسفه‌ی سیاسی ابن‌سینا

فردین جمشیدی مهر^۱

اگرچه ابن‌سینا در حوزه‌ی هستی‌شناسی، اسیر اعتقادات رایج دینی نمی‌شود و تفسیر خاص خویش را از نظام هستی ارائه می‌دهد تا آنجا که مورد تکفیر اهل شریعت قرار می‌گیرد، اما در حوزه‌ی فلسفه‌ی سیاسی بسیار متأثر از خویش، بین مبانی شرعی و مبانی هستی‌شناختی خود ارتباط «نظریه‌ی حکومت» مبانی شرعی است و به نحوی در ایجاد می‌کند. از نگاه او حاکم حقیقی، نبی است و بعد از او خلیفه‌ای که با نص نبی یا اجمع تابعان مشخص می‌شود، حق حکومت دارد. او با نگاهی فقیهانه، قیام کنندگان علیه حاکم صالح را و حتی ساکنان و بی‌تفاوتان به آنان را به مرگ محکوم می‌کند و مبارزه‌ی با آنان را از اعمال مقرّب به درگاه حق تعالی بر می‌شمارد. از نگاه ابن‌سینا کسی که دارای عقل اصیل است و نیز آگاه‌ترین مردم به شریعت باشد، شایستگی لازم برای حکومت را دارد است.

کلیدواژه‌ها: فلسفه سیاسی، شریعت، ابن‌سینا.

۱. دانشجوی دکتری حکمت متعالیه دانشگاه فردوسی مشهد fjamshidimehr@gmail.com

نواندیشی در فلسفه آیات متشابه به منظور رمزگشایی از ضرورت مراجعته به اولی الامر

حسین حیدر پور^۱

"ولايت" از مسائل مهم اعتقادی و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم در مقابله با جنگ نرم دشمن است. سرمایه‌گذاری عظیم‌تر دشمن در تضعیف جایگاه ولايت، نشان از ضرورت پرداختن به این مسئله دارد. اگر در چرايی آيات متشابه ژرفاندیشی شود، به وضوح، احساس نياز مراجعته به اولی الامر فهمیده می‌شود. اين پژوهش با نواندیشی در چرايی آيات متشابه که از آن به "رمز جدول قرائی" تعبير گردیده، راه جديدي را بهسوی حقیقت آيات متشابه که غایتش، ايجاد نياز مراجعته به اولی الامر است گشوده است. غفلت ما از اين منظر، سبب شده تا مخالفان، فرصت تفسير به رأي پيدا کنند. توجه به هدف غايي آيات متشابه از اين زاويه، کشف جديدي است که تاکنون از نگاه محققان پنهان بوده است. اگر آيات متشابه را رمز جدول قرآنی بدانيم، نياز مراجعته به اولی الامر، کشف اين رمز است. پیامبر اسلام (صل الله عليه و آله) زمانی با معرفی على (عليه السلام) در غدیر راه جديد هدایت را کلييد زد، که پيش تر نياز پیمودن اين راه را خداوند بهطور رمزی در آيات متشابه قرار داده بود. نياز مراجعته به اولی الامر اثبات ضرورت ولايت از منظر دیگر؛ و اتمام حجت و آزمونی برای پذيرش امامت بعد از نبوت است. درواقع ابهام موجود در آيات متشابه، بهانه و ايجاد نيازی است برای مراجعته، پذيرش و اطاعت از ولايت است.

کلييدوازه‌ها: نواندیشی، آيات متشابه، اولی الامر، راسخون فی العلم، نياز مراجعته به اولی الامر، ولايت.

۱. مدرس دانشگاه، مدیر موسسه آموزشی نهج البلاغه خراسان شمالی
alavi.farhang@yahoo.com

معیار عادلانه بودن رقابت سیاسی موردمطالعه دستیابی به منصب نمایندگی مجلس

رامین مدلو^۱

مفهوم پیشرفت با آنکه عدالت اجتماعی را مفهومی حقیقی و دینی می‌داند اما جهت پیاده‌سازی آن ناگزیر از فهم وضع موجود و ادراک مردم جامعه از این مفهوم است. نگارندگان در این پژوهش با استفاده از نظریه برابری پیچیده مایکل راولز معیار عدالت در هر حوزه اجتماعی را از دید مردم موهبت اجتماعی مسلط در آن حوزه فرض کرده و با طراحی پرسشنامه‌ای در پی دستیابی به ادراک مردم ایران از موهبت اجتماعی مسلط بر مشارکت سیاسی به عنوان زیرمجموعه حوزه سیاسی در جامعه ایران امروز از بین سه موهبت اجتماعی ثروت، خویشاوندی و دانش بودند. با تحلیل داده‌ها نگارندگان متوجه شدند که مردم به سلطه موهبت اجتماعی دانش در امر مشارکت سیاسی علاقه بیشتری نسبت به دو موهبت اجتماعی دیگر دارند. اما از نظر جمیعت نمونه پژوهش موهبت اجتماعی ثروت نقش بیشتری در مشارکت سیاسی دارد. همچنین جمهوری اسلامی ایران در موهبت اجتماعی خویشاوندی نسبت به دو موهبت دیگر به شرایط یک جامعه عادل نزدیک‌تر شده است.

کلیدواژه‌ها: مفهوم پیشرفت، توسعه، برابری پیچیده، مشارکت سیاسی، عدالت سیاسی.

بررسی تأثیرات استفاده از الگوی مدیریت جهادی بر افزایش سطح امنیت منطقه بلوچستان

علی صالح نیا^۱

مدیریت جهادی الگوی بومی، اصیل و اسلامی از مدیریت است که تبیین آن وظیفه هر سازمان و نهادی در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. استفاده از الگوی مدیریت جهادی در همه جا می‌تواند منشأ اثر باشد اما توجه به این مفهوم و الگو در مسائل امنیتی جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ماهیت پیچیده این مسائل، اهمیت مضاعفی دارد چراکه یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که لازم است سیاست‌گذاران امنیتی هر کشور به آن پیردازند، لزوم استفاده از الگوهای امنیتی کاملاً بومی است که متناسب با شرایط هر کشور تدوین و نگاشته شده‌اند.

یکی از اصلی‌ترین مشکلات امنیتی کشور، مسائل مربوط به منطقه مهم و استراتژیک بلوچستان هست؛ که به دلیل مختلف، پس از انقلاب اسلامی دچار بحران‌های پیچیده امنیتی گشته و همواره فکر سیاست‌گذاران امنیتی کشور و مدیران اجرایی منطقه را به خود مشغول کرده است که به نظر می‌رسد با توجه کردن به الگوی مدیریت جهادی می‌توان تا حد زیادی میزان امنیت این منطقه را افزایش داده و عوامل ناامنی را از بین برد.

پس اولاً باید به خود مفهوم مدیریت جهادی پرداخت و سعی نمود الگویی عملیاتی از آن را ارائه نمود و به صورت دقیق مؤلفه‌های این الگو را بررسی کرد. از طرفی با توجه به این که می‌خواهیم از این الگو برای حل مشکلات و معضلات امنیتی در منطقه بلوچستان استفاده نماییم لازم است علاوه بر توجه به مفهوم امنیت و ویژگی‌های منطقه و مشکلات امنیتی بلوچستان، راهکاری عملیاتی از الگوی مدیریت جهادی برای حل این مسئله ارائه دهیم. در این پژوهش با توجه به مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های مختلف، سعی شده است تا الگویی از مدیریت جهادی برای حل مشکلات امنیتی این منطقه ارائه شود.

کلیدواژه‌ها: مدیریت جهادی، امنیت، بلوچستان، مدیریت اسلامی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه امام صادق (ع). salehnia. isu@gmail.com

کنپیوچر نئخصی
اُقْتَصَاد
اسلامی

۳۱ چکیده مقالہ

لزوم بازنگری در متداول‌واری قالب در مطالعات اقتصاد اسلامی^۱

حسین صوصامی^۲، عباس حاج حسینی

متاسفانه حجم عمدۀ ادبیات اقتصاد اسلامی در دهه‌های گذشته به صورت پیوسته‌هایی است که درون نظام اقتصاد سرمایه‌سالاری تعریف می‌شوند. در حقیقت اغلب اقتصاددانان به دلیل تبعیت از اقتصاد متعارف و عدم التفات به مبانی متافیزیکی و جهان‌بینی حاکم بر نظریه‌های آن، چارچوب اقتصاد سرمایه‌سالاری را به وام گرفته و اقتصاد اسلامی را واگذاشته‌اند.

ادامه استفاده از این روش برای پژوهش و تلخیص اقتصاد اسلامی به تولید علم لاینفع و در نهایت صرف انرژی و هزینه‌های بی‌فایده و کم ثمر منجر می‌شود. این موضوع لزوم توجه به مسیر جدید و مستقل در توسعه اقتصاد اسلامی را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

در این مقاله ضمن بیان شکاف گسترده میان مبانی فکری-فلسفی نظام سرمایه‌سالاری و نظام اسلامی، بر اساس مبانی فکری نظام اسلامی روشنی جهت تدوین علم اقتصاد اسلامی ارائه می‌گردد.
کلیدواژه‌ها: اصول موضوعه اقتصاد، نظریه مصرف، اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد اسلامی، اقتصاد سرمایه‌سالاری.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی

اقتصاد دانشبنیان به عنوان یکی از زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی و تأثیر آن در تحولات نظریات علمی اقتصاد^۱

حسن آقانظری^۲

بی‌شک یکی از زیرساخت‌های اساسی اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی اقتصاد دانشبنیان است.^۳ عملیاتی کردن این سیاست‌ها در روابط عینی اقتصاد ایران برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در مورد این زیرساخت را می‌طلبد تا اینکه هدف اساسی اقتصاد اسلامی در جامعه ایران محقق شود. در واقع به کارگیری دانش به عنوان یک متغیر مستقل همچنانکه در میدان عمل و کاربرد مسیر رشد اقتصاد داخلی را ممکن می‌سازد، از جهت علمی و تئوری نیز مفاهیم علمی اقتصاد را عموماً و نظریات علمی اقتصاد نئوکلاسیک را به طور خاص چار تحول و دگرگونی می‌نماید. این مقاله در راستای تبیین تحول و تغییر این نوع نظریات بر مبنای الگوی اقتصاد دانشبنیان و تأثیر راهبردی آن در اقتصاد ایران تدوین شده است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانشبنیان، اقتصاد اسلامی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه HNazari@rihu.ac.ir

۳. مقام معظم رهبری در ارائه راهکارهای اقدام و عمل برای اقتصاد مقاومتی چنین تصریح فرموده‌اند: «... بنابراین دانش بنیان شدن بخش‌های مهم اقتصاد داخلی یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام گیرد» (ماهnamه علمی- تحلیلی اقتصاد مقاومتی سال سوم شماره ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵، مقاله ۱۰ اقدام و عمل برای اقتصاد مقاومتی، ص ۱۴).

الگوی بهره برداری و تخصیص بهینه منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام^۱

محمدعلی متکر آزاد^۲

اقتصاد سرمایه داری جهانی که بدنبال انقلاب صنعتی بر مبنای اصالت سود و محوریت تولید انبوه و رشد اقتصادی مستمر و فزاینده شکل گرفت، پیامدهای منفی ایجاد کرد که در دهه‌های اخیر مورد انتقاد بسیاری از اقتصاددانان اقتصاد متعارف قرار گرفته است. عوارض و خامت بار اقتصاد مادی گرایانه ناشی از نگاه هستی شناسانه و انسان شناسانه مبانی تفکر فلسفی مکاتب پشتیبان چنین نظامهای اقتصادی بوده است. این عوارض که خود را در قالب فقر توده‌ها، مخاطرات زیست محیطی، و از همه مهمتر از خود بیگانگی انسانها و سقوط ارزش‌های انسانی نشان داده است در واقع در ذات این نظامهای اقتصادی قرار دارد.

به عبارت دیگر الگوهای توسعه نظامهای رایج «اقتصاد مبنا» است و در تعریف توسعه و در بیان شاخصهای آن رشد اقتصادی - بدون توجه به ماهیت و پیامدهای آن در زمینه ارزش‌های فرهنگی و انسانی - جایگاه کلیدی پیدا کرده است؛ که این پیامدهای منفی در دهه‌های اخیر مورد انتقاد بسیاری از اقتصاددانان در اردوگاه لیبرالیستی قرار گرفته است. بطوريکه هر یک از آنان پیشنهاداتی در جهت مهار رشد اقتصادی و کاهش آن بمنظور ایجاد برابری‌های اجتماعی و پایداری‌های محیطی و حرکت بسوی پی ریزی یک اقتصاد جدید - حتی با تغییرات نهادی در نظام اقتصادی سرمایه داری - در جهت جایگزینی ارزش‌های انسانی بجای ارزش‌های اقتصادی را پیشنهاد داده‌اند.

در مقابل اقتصاد رایج و الگوی توسعه «اقتصاد مبنا» الگوی توسعه «فرهنگ مبنا» قرار دارد که بر مبنای تفکر توحیدی و در چارچوب هستی شناسی و انسان شناسی آن شکل می‌گیرد. در چارچوب این الگو «رشد انسانی» و پرورش انسان رشد یافته محقق می‌شود و جامعه ایده آل که از آن به جامعه تعالی یافته و به تعبیر قران کریم حیات طبیه یاد می‌شود شکل می‌گیرد. چنین جامعه که جامعه رشد یافته نامیده می‌شود و جایگزین جامعه به اصطلاح توسعه یافته غربی می‌شود، جامعه‌ای است که در آن انسانهای بیشتری به درجات بالاتری از رشد رسیده باشند. وقتی نظام اقتصادی و الگوی توسعه آن چنین هدفی داشته باشد نهادهای آن نیز باید در راستای هدف فوق و

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تبریز m.motafakker@gmail.com

هماهنگ با آن شکل بگیرد. هدف این مقاله تبیین الگو و مدل بهره برداری و تخصیص منابع طبیعی در چارچوب چنین الگویی است. در واقع در این الگو «رشد اقتصادی» در خدمت «رشد انسانی» قرار می‌گیرد و بهره برداری از منابع طبیعی که ودیعه‌ای است الهی در جهت تنعم انسان در مسیر رشد او تنها در این جهت جواز می‌گیرد و تناظری یک به یک میان بهره برداری از هر واحد از منابع طبیعی و ارتقا شاخص رشد انسانی در جامعه ضرورت می‌یابد و زمانی این بهره برداری و تخصیص بهینه خواهد بود که بیشترین ارتقا در شاخص رشد انسانی (به مفهوم اسلامی آن) را موجب گردد به نحوی که با هیچ تخصیص دیگری بهبود در این شاخص میسر نباشد.

در چنین الگویی که در چارچوب نظام اقتصادی اسلام و بر محور ارزشهای فرهنگی آن تحقق می‌یابد، «انسان سعادتمند» با دنیا و آخرتی آباد تکوین می‌یابد و جامعه‌ای مملو از چنین انسانهایی «جامعه سعادتمند» خواهد بود که می‌تواند نشانه‌ای از جامعه «امت-امامت» ای باشد.

باین ترتیب همه خلاها و بحرانهای انسانی، اجتماعی و اقتصادی که تحت عنوانیں مختلف از ذات نظامهای مادی گرا بر می‌خizد نظیر بحرانهای اقتصادی به اصطلاح کمبود منابع، بلای منابع، مخاطرات زیست محیطی و از همه مهمتر بحران هویتی انسان از جامعه بشری رخت بر می‌بندد. در چارچوب چنین نگرشی نظام اقتصادی اسلام با همه نهادهای هماهنگ آن ایجاد می‌شود که هدف آن پرورش انسان الهی و فراهم کردن مقدمات اقتصادی لازم جهت تقرب او به خدا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: الگوی توسعه «فرهنگ مبنا»، منابع طبیعی، تخصیص بهینه منابع، رشد اقتصادی، رشد انسانی.

تطبیق معرفت‌شناختی نظریه اقتصاد مقاومتی در الگوی نظام‌سازی اقتصادی اسلامی و نظریه تاب‌آوری اقتصادی متعارف: تقریری بر الگوی نظریه پردازی در اقتصاد مقاومتی^۱

حجت‌الله عبدالملکی^۲

ماهیت معرفت‌شناختی نظریه اقتصاد مقاومتی نه تنها برای طراحی الگوی نظریه پردازی و روش تحقیق، بلکه پیشتر برای اثبات علمی بودن آن در محاذل آکادمیک محل سؤال است. در وضعیتی که گروهی از محققان با مصادره مبنای اقتصاد مقاومتی به مفهوم متعارف تاب‌آوری^۳ عملأً استقلال معرفت‌شناختی آن از علم اقتصاد متعارف را منتفی می‌کنند، دیدگاه دیگری پایه‌های اقتصاد مقاومتی را در معارف اقتصاد اسلامی جستجو و بدین سبب بر تفاوت ماهوی آن با اقتصاد متعارف تاکید می‌کند. در این نظریه اقتصاد مقاومتی از سخن "نظام‌های اقتصادی اسلامی" دانسته می‌شود و از رهگذر آن، روش شناسی نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی بر پایه الگوی نظام‌سازی در اقتصاد اسلامی استوار می‌گردد. در چنین الگویی شناخت عملیاتی قواعد مکتب اقتصادی اسلام و همزمان تحلیل واقع بینانه بستر فضایی (مکانی-تاریخی) تحقق آن به عنوان دو مقدمه مهم در نظریه پردازی اقتصاد مقاومتی شناخته می‌شوند. الگوی ترکیب معارف پیشین در انشاء قالب ساخت یا نرم مورد نظر نیز ترکیبی از تفکر خلاقانه در کادر سیره معصومین (علیهم السلام) در نظام‌سازی اسلامی خواهد بود.

در این مقاله پس از تطبیق ماهیت معرفت‌شناختی اقتصاد مقاومتی با الگوی تاب‌آوری اقتصادی متعارف و بخش عملیاتی معارف اقتصاد اسلامی (نظام اقتصادی اسلامی)، مقدمات علمی و فرآیند نظریه پردازی (الگوی پاسخ دهنده به سؤالات) در نظریه اقتصاد مقاومتی تبیین می‌گردد. در ادامه تعدادی از نظریات کاربردی تولید شده مبتنی بر رهیافت معرفت‌شناختی و روش شناختی مذکور معرفی شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.
کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، معارف اقتصاد اسلامی، نظام اقتصادی اسلامی، معرفت‌شناسی، روش شناسی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام
-Dr.h.abdolmaleki@gmail.com

فرایند نظام سازی اقتصادی بر اساس مبانی استنباط کلان سیستمی اسلامی^۱

حسین عیوضلو^۲، علی مصطفوی ثانی^۳، مجید کریمی ریزی^۴

اقتصاد اسلامی ریشه در جهان بینی اقتصادی اسلام دارد و هستی شناسی آن از قوانین و برنامه‌های هستی تبعیت می‌کند و بر این مبنای آیات اقتصادی قرآن و تعالیم وحیانی و گزاره‌های مرتبط از احادیث و روایات پیامبر گرامی اسلام و ائمه مسلمین (علیهم السلام) و علاوه بر این، میراث گرانبهای تاریخ و تمدن اسلام و فقه اسلامی نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهنده ماهیت آن دارد.

هسته سخت نظریه‌های اقتصاد اسلامی از مکتب و جهان بینی اسلام تبعیت می‌کند و مفاهیم کیفی و کاربردی آن با تبدیل معیارها و موازین اسلامی به شاخص‌های کمی و عملیاتی ساده سازی می‌شوند. در عین حال اقتصاد اسلامی از قوانین اثباتی که ریشه در حقایق قرآنی و تعالیم وحیانی دارند، برخوردارند. با تکیه بر این مفاهیم و حقایق، علم اقتصاد اسلامی شکل می‌گیرد.

اقتصاد اسلامی با بهره گیری از رویکرد سیستمی و کلان نگر اقتصادی و با تکیه بر قانونمندیهای ثابت و پایدارش که همگی از سنن الهی ریشه می‌گیرند می‌توانند زمینه‌های لازم را برای ایجاد نهادهای اسلامی و اداره عادلانه جامعه ایجاد کند.

عبارت «اقتصاد اسلامی» به عنوان یک مشترک لفظی دارای ابعاد و تفاسیر مختلفی است. هر یک از صاحب‌نظران و متفکران مرتبط با این حوزه دینی و فکری بر اساس بینش‌ها و گرایش‌هایی که داشته‌اند به نحوی بر دامنه و ابعاد آن افروزده‌اند. گستردگی دامنه بحث و اختلاف در ابعاد اقتصاد اسلامی بیش از همه بیانگر میزان انتظاراتی است که درباره آن وجود دارد. بسیاری از مسلمانان در جوامع اسلامی بر اساس شناختی که از اقتصاد صدر اسلام و موازین شرعی دارند انتظارشان این است که رهبران جامعه و کارگزاران نظام اجتماعی با مبنای قرار دادن این الگوهای مشکلات اجتماعی و

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) mostafavisani@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) majidqoran@gmail.com

اقتصادی را مرتفع سازند. این مهم به ویژه در طی نیم قرن اخیر که جوامع اسلامی با ناکارآمدی الگوهای سرمایه داری و سوسیالیستی مواجه بوده‌اند بروز پیشتری یافته است.

قطعاً موضع گیری معتبر شرعی در برابر اصول، مبانی، ارکان و فرایندهای تصمیم‌گیری و رفتاری نهادها و نظامی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ... در دوران معاصر، مسئله اساسی و چالش برانگیز در هر جامعه‌ای می‌باشد، و بر این اساس است که نمی‌توان از فرایند تطبیق موازین اسلامی با ساختارها و نهادها چشم پوشید.

باید توجه داشت که گرچه کشف مکتب اقتصادی اسلام در حوزه بایدها و نبایدهای اقتصادی بر اساس «روش اجتهادی» میسر است، اما در عین حال باید توجه داشت که زیر بنای احکام اسلامی در حوزه اقتصاد، آموزه‌های جهان شناختی و انسان شناختی تکوینی و مجموعه‌ای از روابط اثباتی قابل استخراج از قرآن و روایات است که بر اساس آن قوانین علمی و سنت تکوینی اقتصادی مبتنی بر شریعت اسلام و روایات اسلامی قابل کشف و استخراج است. بدون درک مجموعی و نگاه کلان نگر به اقتصاد اسلامی، امکان تعمیم احکام اسلامی به شرایط امروز ممکن نیست و نمی‌توان کارآمدی و اثر بخشی سیستم اقتصاد اسلامی را از این جهت نشان داد. علاوه بر این امکان پذیری اقتصاد اسلامی در جوامع امروز مستلزم آن است که اقتصاددانان اسلامی بر اساس شناختی که از واقعیت روابط اقتصادی در جوامع اسلامی کسب می‌کنند و بر پایه مبانی و اصول ثابت شریعت اسلام به تولید نظریه‌های راهبردی و سیستمی برای تغییر واقع فعلی همت گمارند. این نظام اقتصاد اسلامی کلان نگر، راه را برای رهبران اسلامی جوامع اسلامی باز می‌کند تا نظریه و راهکاری را که با مبانی اسلامی سازگارتر است انتخاب کنند و زمینه‌های لازم را برای تغییر شرایط بر اساس الزامات این نظریه‌ها فراهم سازند.

نظریه پردازی مبتنی بر موازین اسلامی در عرصه اقتصادی چنانچه به شکل سیستمی و کلان نگر و بر اساس گرایش‌های ثابت اسلام بنیاد نهاده شود باعث ارتقاء قدرت تبیین و پیش بینی نظریات خواهد بود و چنین نظریاتی را می‌توان نظریه‌های پیش رو در عرصه‌های نظری و تجربی دانست. در حالی که بر عکس، علوم اسلامی التقاطی بر گرفته از علوم برآمده از رنسانس بدون درک و تحلیل جامع از شرایط موجود، از آنجا که مبتنی بر کلیت تفکر اسلامی بنا نشده‌اند، باعث تقلیل نگاه‌ها به اسلامی سازی و انفعال و ناکارآمدی آن شده است کما اینکه نمونه‌های کثیری از این مواجهه ناکارامد، از جمله مواجهه بسیط با مفهوم بانکداری و پول، بعد از حدود ۴۰ سال در کشور نتوانسته است انتظارات از نظام بانکداری اسلامی در کشور را برآورده سازد.

اگر بخواهیم با رویکرد سیستمی، سیستم اقتصادی اسلام را بنا بر آنچه گفته شد توصیف کنیم ابتدا لازم است با نگاه کل به جزء و در چارچوب نظریه اقتصاد اسلامی به روش کل نگر و تحلیلی به تبیین آن پردازیم. به همین منظور در این مجال در ابتدا بعد از تبیین روش شناسی و آسیب شناسی روش‌های موجود، ارکان نظریه اقتصاد اسلامی را

توضیح می‌دهیم و برآنیم با ورود به زیر سیستم‌ها نقش و جایگاه اصول و مؤلفه‌های حاکم بر هر یک از ارکان را در فرایند نظام سازی مشخص نماییم و در مرحله بعد فرایند تطبیق موازین اسلامی در صحنه واقعی جامعه و در تطبیق با شرایط منعطف و متغیر زمان و مکان و در چارچوب حوزه عزیمت و رخصت مورد بحث واقع می‌شود و الزامات و استلزمات این رویکرد با استفاده از روش‌هایی که در خصوص نظریه پردازی در عرصه نظام سازی مطرح شده مورد بحث و تجزیه و تحلیل واقع می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظام سازی اقتصادی، نظریه اقتصاد اسلامی

روش تحقیق جامع فقهی - اقتصادی طراحی ابزارهای مالی اسلامی (مخترار^۲)

سیدعباس موسویان^۳ حامد تاجمیری‌با^۴

یکی از عوامل تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی جوامع، راهه ابزارهای متنوع در بازارهای مالی است. بازاری به روز و توان مند است که بتواند ابزارهای مناسب، متنوع و اطمینانبخش را برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی طراحی و استفاده نماید. این در حالی است که طراحی ابزارهای جدید در ایران با دو چالش روپرداز است. اول؛ چالش انطباق ابزارها با شرایط بازار پول و سرمایه کشور و دوم؛ چالش انطباق با آموزه‌های فقه اسلامی است. به بیان روشنتر یک ابزار مالی موفق، افزون بر تطابق با آموزه‌های فقه اسلامی، بایستی از منظر اقتصادی (تطابق با معیارهای اقتصاد خرد و کلان)، مدیریت مالی (شناسایی و مدیریت ریسک‌های مرتبط)، حقوقی (تطابق با قوانین بالادستی) و حسابداری قابل دفاع باشد.

با بررسی اجمالی پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه طراحی ابزارهای مالی، بهوضوح مشخص می‌شود که غالباً این مطالعات روش تحقیق علمی و استانداردی ندارند و هر یک از محققان به فراخور پژوهش خود روشی را برگزیده است، در نتیجه یافته‌های محققان و ابزارهای طراحی شده، از اعتبارسنجی قابل دفاعی برخوردار نیست. تدوین یک روش تحقیق علمی و استاندارد می‌تواند فرایند پژوهش در این زمینه را تسهیل نموده و یافته‌های آنها را از جهت اعتبار ارتقا دهد. مقاله پیش رو می‌کوشد با آسیب‌شناسی دقیق پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه طراحی ابزارهای مالی اسلامی و با استفاده از نقاط قوت و ضعف آنها، روش علمی و استانداردی برای طراحی ابزارهای مالی اسلامی پیشنهاد نماید. روش تحقیق پیشنهادی در صدد است مرافق این روش می‌گیرد و نحوه تأیید علمی آن را ارائه نماید.

۱. در طراحی این روش گرچه از روش‌های تحقیق زیادی استفاده شده است، اما ارائه آن به این صورت جامع که در این مقاله آمده کاملاً نو و ابداعی نویسنده‌گان است، ایده اولیه بخش روش تحقیق فقهی مقاله برای اولین بار در رساله دکتری رسول خوانساری دانشگاه تهران دانشکده مدیریت مالی ارائه شد سپس در چند رساله دکتری در دانشگاه امام صادق (ع) بکار گرفته شد، تکمیل بخش اول و بخش دوم که روش تحقیق مالی اقتصادی است برای اولین بار در رساله دکتری حامد تاجمیر ریاحی در دانشگاه امام صادق (ع) دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، بکار گرفته شد. (واژه «مخترار» حرف اول طراحان روش تحقیق؛ موسویان، خوانساری، تاجمیر و روش تحقیق است).

۲. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۳. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی samosavian@yahoo.com

۴. دانش آموخته دکتری مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق (علیه السلام) hamedtajmir@gmail.com

براساس روش تحقیق پیشنهادی، پژوهشگر بصورت مرحله به مرحله ایده ابزار مالی جدید را در معرض اعتبارسنجی قرار می‌دهد، که این اعتبار سنجی شامل نیازسنجی از ناشران، سرمایه‌گذاران، و بررسی آرای فقهیان، اقتصادانان، حقوقدانان و اساتید حسابداری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: روش پژوهش، فقه مالی، طراحی اوراق بهادر، مالی اسلامی، مهندسی مالی.

توجه عملی به علوم انسانی، نقشی فراگیر در پیشرفت همه جانبه^۱

یدالله دادگر^۲

زمانی که بطور عمیق به مطالعات و کارکردهای دستگاههای مختلف و در فضاهای گوناگون پرداخته می‌شود، خاستگاه و جایگاه توجه یا عدم توجه به علوم انسانی بسیار آشکار می‌گردد. هم نظریه‌های علمی و هم کارکرد دستگاهها و واحدهای مختلف این موضوع را بخوبی اثبات می‌کنند. از این رو اگر قرار است جوامع، مکتب‌ها، اندیشه‌ها و نظامهای مختلف در هر زمینه‌ای (اقتصاد و مانند آن) به پیشرفت معناداری بیاندیشند و مواردی از آن را عملی سازند، بایستی ابعاد گوناگون علوم انسانی را به درستی شناسایی کرده و پیام‌های سیاستی آنها را بطور معناداری عملیاتی نمایند. قدرت بین رشته‌ای، ظرفیت تولید استانداردهای یک زندگی شرافتمدانه، فراهم نمودن ابزارهای پیشرفت در عرصه‌های گوناگون، قدرت نظریه پردازی و مدل سازی، ارائه طریق برای حل دشواری‌های فرد و جامعه، حتا قدرت رساندن جامعه به یک آرامش معنوی و درونی و در نهایت، توان بستر سازی برای پوشش و یا کاستن از شکاف توسعه از خصوصیات اساسی علوم انسانی بوده و پیشرفت در عرصه‌های یاد شده در گرو توجه جدی به نقش علوم انسانی در اندیشه ورزی، برنامه ریزی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌باشد. از این رو این مقاله دنبال برجسته کردن نقش فراگیر این علوم در عرصه‌های مختلف تئوریک، تجربی و مانند آن است. شناسایی حلقه‌های مفتوه و تلاش برای اصلاح عرصه‌های اندیشه‌ای و اجرایی برای پیشرفت همه جانبه و بویژه پیشرفت اقتصادی، از یافته‌ها و پیام‌های سیاستی این اثر می‌باشد. در این مقاله کدهایی از مطالعات موردي در رشته اقتصاد بطور خاص و در دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی بطور کلی و همچنین کدهای مشابهی از توسعه یافتنگی و توسعه نیافتگی مورد تاکید قرار می‌گیرد. در این مقاله نقش ابعاد اقتصادی بدليل قدرت بالای بین رشته‌ای علم اقتصاد در میان سایر علوم انسانی بر جسته‌تر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت همه جانبه، علوم انسانی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. استاد اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی

نظریه پردازی ماهیت پول در اقتصاد اسلامی (نظریه مال اعتباری)^۱

محمد اسماعیل توسلی^۲

در تاریخ تحولات و تکاملی پول به مرحله‌ای رسیدیم که اسکناس که تا پیش از این رسید و حواله پول طلا و نقره بود، عرف نگرش استقلالی به آن پیدا کرد و در ادامه با پیشرفت فناوری به نسخه الکترونیکی و دیجیتالی اسکناس و سکه رسیدیم که بی ماده فیزیکی محض هستند. لذا این پرسش اساسی پیش آمد که پول کنونی از حیث ماهیت و حقیقت چیست؟ پاسخ به این پرسش هم برای اقتصاد اسلامی مهم و اساسی است و هم برای اقتصاد متعارف غرب. اندیشه وران اسلامی و غرب نظریه پردازی‌های ماهیت پول متعددی انجام دادند اما از انجا که مفروضات اساسی این تحلیل‌ها قابل جرح و تعديل است و ثانیاً توانایی توضیح تعدادی از حقایق عرفی و شرعی را ندارند. لذا هیچیک از این دیدگاه‌ها جامع نبوده و رضایت بخش نیستند. در نتیجه لزوم ارائه تحلیلی جدید در باره ماهیت پول امری اجتناب ناپذیر است. پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی، تحلیلی و استنباطی و با رویکرد اعتباری با استناد به قولانیون پولی و واقعیتهای پول کنونی به تحلیل ماهیت آن پرداخته است. این پژوهش نشان می‌دهد، پول در هر دو سطح مفهوم و مصدق اعتباری است. در مورد خاص مفهوم پول هیچکس در فهم تلقی اعتباری از آن اختلافی ندارد. از انجا که میان مفهوم و مصدق عینیت برقرار نیست بنابر این از طریق مفهوم نمی‌توان به حقیقت مصدق دست یافت. تلقی اعتباری در سطح مصدق است که ما را به ماهیت و حقیقت پول رهنمون می‌سازد. فرضیه اساسی تحقیق در باره پول‌های کاغذی (اسکناس) و دیجیتالی کنونی آن است که «پول‌های کنونی در همه مراتب اعتباری است». فهم و تحلیل جزئیات این اعتبار است که می‌تواند دلالت‌های قابل توجهی برای اقتصاد اسلامی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: ماهیت پول، نظریه مال اعتباری، نظریه مالیت اعتباری، نظریه ارزش اسمی، نظریه متالیزم، نظریه

چارتالیزم

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی (ره). metavassoli@gmail.com

یک دفاع فلسفی از به کار گیری متداول‌زی فازی در تبیین رفتارهای اقتصادی انسان در چارچوب فلسفه اسلامی

(رهیافتی برای مدل‌سازی نظریات «هنجاري و اثباتي توامان» در اقتصاد اسلامی)^۱

عطالله رفیعی آستانی^۲

تبیین در چارچوب نظریات علمی به معنای پاسخ‌گویی به دو سؤال اساسی و مهم چرایی و چگونگی شکل گیری پدیده‌های عالم است. در قلمرو علوم اجتماعی، تبیین به معنای پاسخ‌گویی به چرایی و چگونگی شکل گیری رفتارها و پدیده‌های انسانی است. در دانش اقتصاد متعارف با مشابه و ثابت فرض شدن علت و دلیل شکل گیری همه‌ی رفتارهای آدمی، همه‌ی رفتارهای همه‌ی انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها شبیه به هم انگاشته شده و با ارجاع به نظریه انتخاب عقلانی پاسخ خود را می‌یابند. اما واقعیات مشاهده شده حاکی از آن است که رفتارهای همه‌ی انسان‌ها در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها و در ابعاد گوناگون زندگی مشابه نیست. انسان‌ها متفاوت از یکدیگر و متفاوت از گذشته خویش رفتار می‌کنند و نیز رفتار خود را تبیین می‌کنند. در اقتصاد متعارف همه‌ی انسان‌ها یک هدف دارند و آن تحقق حداکثری منافع مادی فردی خویش است که با قدرت عقلانی کامل بهترین راههای وصول به آن را شناسایی و حتی عمل می‌کنند. بنابراین اگر هدف برخی از انسان‌ها با این هدف مفروض متفاوت باشد و یا کاسته یا افزوده‌ای داشته باشد و نیز اگر برخی از انسان‌ها تحت تأثیر جامعه و یا برای جامعه رفتارهای خود را به سامان کنند یا اگر برخی از انسان‌ها عقلاؤ عملاً نتوانند در نقاط بھینه عمل کنند رفتارهای آنان از سوی نظریات دانش اقتصاد متعارف قابل توضیح دادن نیست. به عبارت دیگر رفتارهای انسان‌هایی از این دست از سوی نظریات دانش اقتصاد متعارف قابلیت دیده شدن ندارد. پیش‌فرض اساسی این پژوهش آن است که این مسئله بیش از آنکه به غلط و غیر واقعی بودن فروض شکل گیری رفتار اقتصادی انسان در اقتصاد متعارف برگردد به یک فرض بنیادی تر از آن برمی‌گردد. فرض بنیادی تر از خصوصیات انسان اقتصادی عقلانی، ثابت و شبیه انگاشتن رفتارهای آدمی به دلیل ثابت و شبیه انگاشتن هستی آدمی به عنوان منشاء و عامل شکل گیری رفتارهای آدمی است. اما آیا واقعاً انسان‌ها شبیه با یکدیگر و شبیه با گذشته خویش هستند؟

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران. rafieiatani@iust.ac.ir

این مقاله با استفاده از فلسفه اسلامی به ویژه فلسفه صدرایی نشان می‌دهد که هستی انسان در حال تغییر و تحول وجودی است به همین دلیل رفتارهای انسان دارای منشائی متفاوت از گذشته خویش و متفاوت از دیگران است و دقیقاً به همین دلیل، ریاضیات صفر و یک – که می‌تواند قواعد حاکم بر بود و نبود را صورت بندی کند – ریاضیات مناسی برای فهم و تبیین رفتارهای آدمی نیست. از سوی دیگر از آن جهت که در چارچوب فلسفه اسلامی واقعیت انسانیت انسان بین منهای بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت قابل درجه‌بندی است و انسان با درجات وجودی متفاوت از گذشته خود و دیگران رفتارهای خود را شکل می‌دهد. بنابر این ما به عنوان پژوهشگر با انسان و رفتارهای انسانی متدرج، مشکک، ذومراتب و فازی روبرو هستیم و به همین دلیل با منطق و ریاضیات فازی واقعیت انسان و رفتارهای انسانی بهتر توضیح داده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تبیین در اقتصاد، فلسفه اسلامی، فلسفه اقتصاد، انسان اقتصادی اقتصاد اسلامی، منطق ارسسطوئی، منطق فازی.

پایه‌های نظری اقتصاد اسلامی^۱

ایرج تو تونچیان^۲

اقتصاد اسلامی موضوع نسبتاً جدیدی است که از ابتدای شروع مطالعه جدی در این زمینه بیش از پنج دهه نمی‌گذرد. به منظور دستیابی به یک الگوی واحد اندیشمندانه متعددی عمده‌اً از کشورهای اسلامی همچنان در حال مطالعه و تهیه مقاله و کتاب هستند. پیچیدگیهای موجود در این خصوص از یکطرف و تسلط ذهنی نظام سرمایه داری در افکار پیشگامان از طرف دیگرمانع از تهیه و تنظیم یک الگوی جامع و مانع شده است. زمان کوتاه هم می‌تواند توجیهی برای غفلت ناخواسته مورد استفاده قرار گیرد. تلاش ما نیز در زمرة همین تمریبات فکری است. وامیدواریم در آینده نه چندان دور به یک تفاهم و اجماع بین المللی نسبی برسیم، باید یاد آور شد که گرچه مقدمه و اصول سوم و چهل و سوم قانون اساسی کشورمان به این موضوع از جنبه‌های مختلف پرداخته است ولی مع الاسف از زمان تصویب قانون اساسی تا کنون تحقیقات در این زمینه به دلایل متفاوت نه در سطوح دولتی و نه در مجتمع علمی جدی گرفته نشده است و گزافه نیست اگر گفته شود که حتی در بسیاری از موارد و به عنوان طرف تقاضا مقاومت‌هایی نیز از جهات گوناگون صورت گرفته و می‌گیرد. معهذا مردم مسلمان کشورمان انجام این گونه امور را همچنان جزو مطالبات خود می‌دانند. و در حقیقت آنچه را که مطالبه می‌کنند به ترکیب دو خصلت همزمان و کمیاب نیازمند است که عبارتند از دانائی و شهامت) توافق(که باید انتظار وقوع آنرا همواره داشته باشیم. به منظور ورود به این بحث ضرورت دارد که به نکات زیر توجه نماییم:

(۱) ضرورت رسیدن به این اجماع که آیا اصولاً پارادایمی به عنوان «اقتصاد اسلامی» وجود دارد یا نه؟ در این زمینه باید شرایط احراز یک سیستم اقتصادی بیان شده سپس به این سؤال پاسخ داده شود.

(۲) تا چه حد می‌توان به حجیت مطالعات انجام شده استناد کرد؟ زیرا غالب ونه تمام (مطالعات موجود التقاطی ارجنس ماهیت واقعی اقتصاد سرمایه داری و الحاق سطحی عناوین اسلامی هستند. تعدادی دیگر از نوشته‌ها بدون اشاره به سؤال اول نظامی را به عنوان اقتصاد اسلامی بكلی انکار کرده و آن را از جمله توهمات تعدادی از افراد می‌شمارند. در حالی که اگر با نگاه علمی به متون اصلی اسلامی یعنی قرآن و احادیث و روایات مراجعه کرده و نسبت

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء(س) itoutounchian@yahoo.com

به آنها دقت کافی به عمل آید ثابت خواهد شد که چنین شعارها سطحی بوده و فاقد مبنای علمی هستند. ضرورت دارد که در همین مختصر ادعا کنیم که برای تنظیم سیستم اقتصاد اسلامی بیش از حد کفایت دستور العمل- قاعده و راهنمای وجود دارد که نیاز به تدقیق دارد. بدیهی است که در صورت تحقق این مطالبه دیرینه فضای برای شعارهای بی اساس تنگتر و تنگتر خواهد شد.

الزمات ورود به طراحی الگوی نظام اقتصاد اسلامی عبارتند از:

الف - ورود دست مجازی خداوند در کلیه فعالیت‌های کارگزاران اقتصادی.

ب - عدم اجازه ورود بهره (ربا) در هیچیک ازدر هیچیک از فعالیتها. بدیهی است که این خود تمام فعالیت‌های نظام را تحت تأثیر قرار داده و این خود کفایت می‌کند که هیچگونه اشتراکی با نظام سرمایه‌داری نداشته باشد و نتیجه حاصله پارادایم جدیدی تحت همان نظام بوجود آید.

ج - نکات مثبت این نظام جنبه ایجابی و الزام آور خواهد بود و تمام جنبه‌های منفی نظام سرمایه‌داری جنبه سلبی الزام آور خواهند داشت.

د - در این نظام هدف وسیله را بهیچوجه توجیه نمی‌کند بنا براین الگوی بدبست آمده فرآیند محور خواهد بود. انتظار می‌رود که این مقاله تا حدی بتواند از کچ اندیشه‌ها و سوء تفاهماتی که در این پارادایم در حد وفور وارد شده است جلوگیری نماید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، پایه‌های نظری، الزمات نظام اقتصادی اسلامی

مبانی ارزش شناختی کار از منظر قرآن و حدیث و دلالت‌های آن برای اقتصاد اسلامی

سلمان رضوان خواه^۱

یکی از مسائل مهم در مکتب اسلام پرداختن به کار و پرهیز از بیکاری است. بدنهای که شاید بعد از تقوای الهی کمتر مسئله‌ای باشد که در قرآن و نهج البلاغه و سایر بیانات انبیا و امامان به اندازه حرفه‌آموزی، کسب روزی حلال، تأمین اقتصادی خانواده و افراد تحت تکفل و در کل دنیا و مظاهر آن به آن پرداخته شده باشد. بر این اساس هدف از انجام این پژوهش ارائه‌ی مبانی ارزش شناختی کار برای مجریان مرتبط با کار و فعالیت‌های اقتصادی است تا بتوانند با الهام گرفتن از اندیشه‌های ناب اسلام به تولید شیوه‌های نیل به مشاغل سالم پیردازند. بر این اساس سؤال پژوهشی نیز عبارت است از: مبانی ارزش شناختی کار از منظر قرآن و حدیث و دلالت‌های آن برای اقتصاد اسلامی کدام اند؟ در پژوهش حاضر، با روش تحلیل استنادی، مبانی ارزش شناختی کار از منظر اسلام احصاء شده و موردنرسی قرارگرفته است. جامعه‌ی آماری، قرآن کریم و نیز کلیه‌ی متون روایی در زمینه‌ی موضوع پژوهش است. ابزار پژوهش، فیش بوده و داده‌های حاصل مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرارگرفته است. یافته‌های این پژوهش منجر به استنطاق شش مبنای ارزش شناختی شده است که عبارت اند از: نشاط و شادابی، تقویت شخصیت اجتماعی، جلب رضای پروردگار، هدفمند شدن زندگی، کسب روزی حلال، بی‌نیازی از غیر خدا.

کلیدواژه‌ها: مبانی ارزش شناختی، کار، قرآن، حدیث، اقتصاد اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه خوارزمی. s.kh.yass@gmail.com

اقتصاد، اعتباریات و مسئله اخلاق

عبدالحمید معرفی محمدی^۱

در این مقاله به چگونگی به کارگیری نظریه اعتباریات علامه طباطبایی در حل یکی از مسائل علم اقتصاد یعنی رابطه بین اخلاق و اقتصاد میپردازیم. پیوند بین اخلاق و اقتصاد در سنت ارتدوکس مکتب نئوکلاسیکی اقتصاد همواره چالش برانگیز بوده است. در این سنت تلاش شده است در قالب مفهوم مطلوبیت و در چارچوب اقتصاد رفاه این پیوند برقرار شود. ولی همان طور که نشان داده ایم به دلیل مسائلی چون تضاد خودگرایی و مطلوبیت‌گرایی در چارچوب روش‌شناسی فردگرایانه اقتصاد نئوکلاسیک، این پیوند به سرانجام مطلوب نمی‌رسد، بلکه عملاً اقتصاد رفاه دچار تنافض می‌شود و نمی‌تواند از تجمیع انتخاب‌های فردی به یک انتخاب اجتماعی برسد. ایجاد ارتباط بین اخلاق و اقتصاد مستلزم ایجاد ارتباطی معقول بین ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی است. در رویکرد سویژکتیویستی و فردگرایانه مکتب نئوکلاسیک این حلقه اتصال مطلوبیت است؛ ولیکن به واسطه ذهنی و نسبی شدن ارزش‌ها و بهتبع آن مطلوبیت در این مکتب، معنای مطلوبیت در این رویکرد همواره نامعین باقی می‌ماند و معیاری عینی برای تعیین آن خواهیم داشت. خواهیم دید که با تغییر رویکرد و استفاده از مفهوم اعتباریات علامه، می‌توان را حلی برای این مسئله ارائه داد؛ به این معنا که اگر مطلوبیت بهمثابه یک اعتبار اجتماعی وضع شود، به دلیل ماهیت بین‌الاذهانی اعتباریات از عینیت و اطلاق کافی جهت برقراری پیوند بین ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی برخوردار خواهد بود و لذا امکان پیوندی معقول بین اخلاق و اقتصاد فراهم می‌آید. این رویکرد می‌تواند به عنوان شروعی بر یک روش‌شناسی در اقتصاد اسلامی بر مبنای نظریات علامه نیز مدنظر باشد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد نئوکلاسیک، اعتباریات، اخلاق، علامه طباطبایی، مطلوبیت.

گستره مفهوم عدالت اقتصادی در پرتو تحلیل واژه «میزان» از منظر قرآن

مجتبی راشدی راد^۱

در قرآن مجید بر روی مسئله عدالت اقتصادی و مبارزه با کم‌فروشی و تقلب در وزن تأکید زیاد شده است، در یکجا رعایت این نظم را در ردیف نظام آفرینش در پهنه جهان هستی گذارد و می‌گوید: «وَالسَّمَاءُ رَفِعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ لَا تَطْغُوا فِي الْمِيزَانِ» (الرحمن ۸-۷) آیه اشاره به این دارد که مسئله رعایت عدالت در کیل و وزن مسئله کوچک و کم‌اهمیتی نیست، بلکه جزئی از اصل عدالت و نظم است که حاکم بر سراسر هستی است، در جایی دیگر بالحنی شدید و تهدیدآمیز به این مسئله اشاره می‌کند (مطففين ۱-۴) حتی در حالات بعضی از پیامبران در قرآن مجید آمده است که لبه تیز مبارزه‌ی آن‌ها بعد از مسئله شرک متوجه بحث مهم اقتصادی کم‌فروشی بوده که سرانجام پس از عدم اعتنای آن قوم ظالم به این مسئله با عذاب شدید الهی نابود شدند (هود ۸۵-۸۴) با عنایت به اینکه رعایت عدالت در همه‌چیز و همه‌جا به عنوان یک اصل اساسی بوده که بر کل عالم هستی حکومت می‌کند، بنابراین هرگونه انحراف از این اصل، دارای عاقبت بد است، مخصوصاً در مباحث اقتصادی مثل کم‌فروشی که سرمایه اعتماد را به عنوان رکن مبادرات از بین می‌برد و نظام اقتصادی را به هم می‌ریزد.

پژوهش حاضر با توجه به سیاق آیات و همچنین تحلیل روابط همنشینی واژه «میزان» با واژگان دیگر (در آیات قرآن) که از مسائل مهم علم نوبای معناشناسی است، برای توسعه مفهومی این واژه و کشف معانی متعدد برای آن از قبیل: ترازو، تعدیل و محاسبه آسمان، عالم تعدیل یافته، معیار برای حصول کامل قسط و کوشیده است، دامنه‌ی مفهوم عدالت اقتصادی را در راستای توسعه و تحلیل مفهوم واژه «میزان» تعیین کند و در نهایت پاسخگوی این سؤال خواهد بود که توسعه مفهومی واژه «میزان» در آیات قرآن توانسته دامنه مفهوم عدالت اقتصادی را تعیین کرده و حتی توسعه دهد و یا توانایی این کار را ندارد؟!

کلیدواژه‌ها: میزان، مفهوم عدالت اقتصادی، قرآن، علم معناشناسی.

۱. پژوهشگر سطح چهار حوزه و مدرس تفسیر سطوح عالی مدارس علمیه قم
mojtabarashedirad@gmail.com

مقایسه عوامل مؤثر بر سرمایه و ساختار آن در بانک‌های اسلامی ایران (بدون ربا) و بانکداری بر اساس مؤلفه‌های تجارت جهانی

ابوالقاسم صفرزاده امیری^۱

تصمیم‌گیری در مورد سرمایه به عنوان اهرم مالی، یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مسائل پیش روی بانک‌ها است. ضمن تأکید بر واکاوی عوامل مؤثر بر اهرم مالی، هدف اصلی در این مقایسه عوامل مؤثر بر سرمایه و ساختار آن در بانک‌های اسلامی ایران (بدون ربا) و بانکداری بر اساس مؤلفه‌های تجارت جهانی، در ۱۵ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ است. بدین منظور پس از مرور مبانی نظری و تجربی در زمینه ساختار سرمایه، پارامترها در قالب الگوی تغییر جزئی بر اساس تخمین زن گشتاورهای تعمیم‌یافته‌ی سیستمی در فضای داده‌های تابلویی پویا برآورد شد. یافته‌ها حاکی از آن است که نتایج حاصل از برآوردن‌شان می‌دهد از نظر کارکرد نظریه‌های اقتصاد اسلامی و بانکداری بدون ربا همانند سایر نظریه‌های مدرن در موارد مشابه عمل می‌کنند و مؤلفه‌های آن نیز همان‌گونه روابط را برقرار می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: بانکداری بدون ربا، اهرم مالی، ساختار سرمایه، گشتاورهای تعمیم‌یافته‌ی سیستمی، بانکداری جهانی.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت مالی (مسئول مکاتبات)، masoudsamiri@gmail.com

ارائه الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران (جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه‌بعدی ولی‌فقیه، منطقه و وظایف)

عبدالله‌محمد کاشیان^۱، احمد شعبانی^۲

طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی (خمس و زکات) و مالیات‌های متعارف، به دلیل ارتباط تنگانگی که با مقوله‌های فقهی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین فرهنگی دارد، دارای پیچیدگی‌های زیادی است و همین امر سبب شده است این موضوع به یک موضوع بین‌رشته‌ای تبدیل شود. طراحی چنین الگویی نیازمند آن است که حداقل درباره ۶ مؤلفه موضع‌گیری شود.^۴ مؤلفه مربوط به حوزه جمع‌آوری منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف است که شامل نوع معافیت مالیاتی، مرجع جمع‌آوری کننده، ساختار جغرافیایی و نوع مالیات مشمول تخفیف است و ۲ مؤلفه نیز مربوط به حوزه مصرف است که شامل نوع مصارف خمس و زکات و مالیات و ساختار مصارف آن است. از کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها الگوهای متعددی در حوزه طراحی الگوی یکپارچه‌سازی ایجاد می‌شود. این مقاله به دنبال آن است که با بهره‌گیری از مؤلفه‌های مذکور، ضمن بررسی و نقد پیشنهادهایی که تاکنون در این زمینه ارائه گردیده است، پیشنهادهای جدیدی را ارائه نماید. پیشنهاد ارائه شده دارای یک ساختار جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای و ماتریسی سه‌بعدی شامل ولی‌فقیه، منطقه و وظایف است.

کلیدواژه‌ها: مالیات، خمس، زکات، یکپارچه‌سازی.

۱. دکترای اقتصاد و مدرس دانشگاه a.m.kashian@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

نظریه زیربنا-روبا: خاستگاه، اهمیت و بررسی ریشه خلاً نظریه پردازی در میان پیشگامان اقتصاد اسلامی (با تأکید بر آرای شهید صدر و شهید مطهری)

عبدالله محمد کاشیان^۱، ایمان احمدزاده^۲

بررسی تأثیر متقابل هر یک از نظامهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به عنوان خرد نظامهای یک نظام اجتماعی نقش قابل توجهی در گزینش و تعیین اولویت سیاستهای مربوط به اصلاح امور اجتماعی دارد. در حالی که بررسی این موضوع در اندیشه‌های مارکسیستی و نئو مارکسیستی جایگاه ویژه‌ای دارد و در قالب نظریه زیربنا-روبا ادبیات قابل توجهی را به خود اختصاص داده است، در اندیشه‌های لیبرال این نوع تفکر بسیار کمرنگ است و به همین نسبت در اندیشه‌های متغیران مسلمان جایگاه چندانی ندارد و این درحالی که است که پرداختن به این نظریه تأثیر قابل توجهی در حوزه‌های مربوط به علوم انسانی اسلامی دارد. ادعای مقاله حاضر این است که از آنجاکه نظریه زیربنا روبا حاصل یک تفکر دیالکتیکی و در نتیجه منبع از نظریه ماتریالیسم تاریخی است، متغیران مسلمان صرفاً با نقد دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی دلالت‌های مهم این نظریه را به دست فراموشی سپرده‌اند و با صرف نقد کردن صورت مسئله، در مورد دلالت‌های بسیار مهم بعدی این نظریه، سکوت پیشه کرده‌اند و این درحالی که است که در مقام اجرا و نظر نیاز به یک نظریه در این باره احساس می‌شود. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی توصیفی به بررسی این موضوع می‌پردازد و به خصوص اندیشه شهید صدر و شهید مطهری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، فرهنگ، سیاست، نظام اجتماعی.

۱. دکترای اقتصاد و مدرس دانشگاه a.m.kashian@gmail.com
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، Imanahmadzad5@yahoo.com

وقف و نقش آن در اقتدار ملی با رویکرد اقتصاد مقاومتی

سید صمد حسینی^۱، یونس جبارزاده^۲، اکبر مهری نژاد^۳

سنت حسن وقف جایگاهی مهم در دین مبین اسلام داشته و همواره به عنوان ابزاری کارآمد و اثربخش در جهت حل و فصل مشکلات فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی جامعه اسلامی بوده است. این مقاله به تبیین قابلیت‌های فرهنگی و اجتماعی- اقتصادی وقف می‌پردازد به طوری که سخنان مقام معظم رهبری را در مورد عوامل اقتدار ملی را به عنوان محور بحث قرار داده و نقش وقف را در این موارد جایابی خواهد کرد. به این منظور با استفاده از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای ابتدا به تعریف وقف و اقتصاد مقاومتی پرداخته و سپس نقش وقف را در شکل‌گیری و تقویت معرفت دینی، پیشرفت علمی، و نقش مهم آن در رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی را بیان نموده است.

کلیدواژه‌ها: وقف، اقتدار ملی، اقتصاد مقاومتی.

۱. استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز
s.hosseini@tabrizu.ac.ir
۲. استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز
yjabarzade@tabrizu.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز
akbar_m1368@yahoo.com

تبیین لزوم نگاه فرآیندی به تولید علم اقتصاد مناسب با جامعه مسلمین و تبیین جایگاه سرمایه علمی حوزوی و دانشگاهی در آن

وحید ارشدی^۱

پس از انتشار کتاب ارزشمند «اقتصاددان»، اثر شهید سید محمد باقر صدر (ره)، قابلیت‌های مکتب اقتصادی اسلام در مقابل سایر مکاتب اعمّ از سرمایه‌داری و سوسیالیستی مشخص گردید. طرح دیدگاه این اندیشمند دینی، اقتصاددان مسلمان علاقه‌مند به علم دینی را بر آن داشت تا به سمت تولید علم اقتصاد اسلامی حرکت کنند اما در طی این دوران آنچه احساس می‌شود، آثار علمی منتشرشده در قالب مقالات پژوهشی و ترویجی و کتب دانشگاهی و حوزوی نتوانسته است تقاضای مؤثر و فراگیری در جامعه‌ی مسلمین ایجاد کرده و هنوز این سؤال در ذهن مدیران و مردم درباره وجود یا عدم وجود اصل اقتصاد اسلامی وجود دارد که نشان‌دهنده وجود حلقه‌های مفقوده در این مسیر است. طبق بررسی‌های صورت گرفته در سطح دانشگاه و حوزه این روند موجب شده است تاریخت دانشگاهیان و حوزویان به عنوان سرمایه‌های علمی موردنیاز این شاخه از علم اقتصاد برای ورود به این حوزه مطالعاتی کاهش پیدا کند. در این مقاله تلاش گردیده است با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی این موضوع تبیین گردد که علاقه‌مندان اقتصاد اسلامی، نباید فقط در مقام تولید ادبیات علم اقتصاد (اسلامی) برآیند، بلکه با در نظر گرفتن ظرفیت سرمایه انسانی در حوزه و دانشگاه و اهداف تولید علم به گونه‌ای مسیر حرکت خود را طراحی نموده که به قابل استفاده بودن ادبیات اقتصاد اسلامی در اداره جامعه مسلمین منجر شود به گونه‌ای که در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه برای یافته‌های اقتصاد اسلامی تقاضای مؤثر ایجاد شود. در پایان مقاله الگوی تولید علم اقتصاد در جامعه مسلمین در حوزه دولت‌های غیر سکولار و جایگاه سرمایه انسانی ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: علم اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد مناسب با جامعه مسلمین، روش‌شناسی، سرمایه علمی.

۱. دکترای اقتصاد اسلامی و عضو هیئت‌علمی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
vahidarshadi@mail.com

بورسی مفهوم عدالت اقتصادی در گفتمان انقلاب اسلامی (با محوریت دولت سازندگی و اصولگرایی)

شریف ذبیحی مقدم^۱، محمد باقر عباسی^۲، زهرا نجفی^۳

مفهوم عدالت، یکی از مفاهیم محوری و اصول ذاتی در گفتمان انقلاب اسلامی است، که خرد گفتمان‌های حاکم در دوره‌های مختلف با تفسیر و اعمال سیاست‌های خود سعی در ترسیم و تحقق جامعه‌ای عادلانه داشته‌اند. از آنجاکه تحقق عدالت اقتصادی به عنوان یک هدف، سمت‌وسوی نظام اقتصادی در اسلام است. در انقلاب اسلامی عدالت اقتصادی بیشتر مرتباً بر مفاهیم عدالت توزیعی، توانمندیها و ثروت و برخورداری‌ها در جامعه بوده است، لذا خرد گفتمان‌های حاکم با توجه به داشتن ابهام در تعریف عدالت (ازجمله عدالت اقتصادی)، سیاست‌های خود را در چارچوب این مفاهیم نظام‌مند نموده و در راستای تحقق عدالت اقتصادی موردنظر خود تلاش نموده‌اند، این سیاست‌ها منجر به نتایجی برای جامعه شده است که همچنان تحقق عدالت اقتصادی را با مشکل مواجه ساخته است. لذا از آنجاکه برداشت دولت سازندگی و اصولگرایی از عدالت را روح عملکردی آن‌ها مناسب داشته است. در دولت سازندگی توسعه مقدم بر عدالت فرض شده است یعنی ابتدا کشور باید به توسعه و پیشرفت دست یابد و سپس به سمت عدالت برود، دولت اصولگرای طرح تحول اقتصادی را سلوهی برنامه‌ی عدالت محورانه خود قرارداد، با شتاب‌زدگی عدم درک درست از پارامترهای طرح تحول با ناکامی مواجه شد. لذا این مقاله در پی واکاوی مفهوم عدالت اقتصادی در سیاست‌های دولت سازندگی و اصولگرای است که به چه میزان توانسته‌اند آن را محقق سازند.

کلیدواژه‌ها: عدالت، عدالت اقتصادی، سیاست، گفتمان، خرد گفتمان، سازندگی و اصولگرایی.

۱. کارشناسی ارشد اندیشه‌ی سیاسی در اسلام دانشگاه مفید قم، (نویسنده‌ی مسئول) Zabihim20@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، Rara6262@yahoo.com

۳. مرتب گروه اقتصاد، دانشگاه پیام نور. gmail.com@۲۹.Najafi

ترتیبات خلق پول عادلانه

سید مهدی حسینی دولت‌آبادی^۱

عدالت یکی از ارزش‌ها و معیارهایی است که فلاسفه و مصلحان اجتماعی در طول تاریخ به آن پرداخته‌اند و در قرآن نیز هدف ارسال رسال و انزال کتب آسمانی، قیام مردم جهت برپایی آن بیان شده است. در حوزه اقتصاد، عدالت در عرصه‌هایی مورد رجوع واقع می‌شود که در آن تعارض یا تضاد منافع وجود داشته باشد. یکی از حوزه‌های تعارض منافع که آثار قابل توجهی در توزیع ثروت و درآمد در اقتصاد دارد، ترتیبات خلق پول در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی است. در نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، بانک‌ها امتیاز و حق ویژه خلق پول برخوردارند که منافع قابل توجهی نصیب آن‌ها خواهد کرد. بر این اساس می‌توان عدالت را به عنوان معیار ارزیابی و طراحی ترتیبات خلق پول در نظر گرفت. نکته اساسی در طراحی ترتیبات خلق پول عادلانه آن است که بانک‌ها امکان خلق پول نداشته باشند و منافع ناشی از خلق پول بهطور برابر به همه مردم اختصاص یابد. بدین منظور می‌بایست چارچوبی را طراحی کرد که در آن بدھی بانک‌ها پول نباشد و خلق پول تنها در انحصار بانک مرکزی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: نظام بانکداری مبتنی بر ذخیره جزئی، خلق پول، عدالت، توزیع درآمد، توزیع ثروت.

مبانی اقتصاد مقاومتی در سیره اخلاقی و عملی امام رضا (علیه السلام)

روح الله داوری^۱، عباس مصلوی پور یزدی^۲

حل مسائل اقتصادی کشور از یکسو و رجوع به سیره معصومین (علیهم السلام) از سوی دیگر جهت حل این مسائل، همواره یکی از مباحث مهم مسئولان بوده است. این مقاله که به روش توصیفی- تحلیلی به رشته تحریر درآمده در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی است: مبانی اقتصاد مقاومتی در سیره اخلاقی و عملی امام رضا (علیه السلام) کدامند؟

در این تحقیق پس از تبیین معنای اقتصاد مقاومتی، به اهمیت آن اشاره شده است. در ادامه مبانی اقتصاد مقاومتی با عنایت به سیره اخلاقی و عملی امام رضا (علیه السلام) بررسی شده است. براساس یافته‌های تحقیق اعتقاد به رزاقیت خداوند، توجه ویژه به کار و تلاش، توزیع عادلانه و گردش آزاد ثروت در میان مردم، امنیت اقتصادی، پرهیز از اسراف، ضرورت پرداخت واجبات مالی، پرداخت صدقات مستحبی، رسیدگی مسئولان به مشکلات اقتصادی جامعه و ساده‌زیستی مسئولان و حاکمان جامعه از مهم‌ترین مبانی اقتصاد مقاومتی در سیره حضرت رضا سلام‌الله‌علیه است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، مبانی اقتصاد مقاومتی، سیره اخلاقی و عملی امام رضا (علیه السلام)، اقتصاد اسلامی.

۱. دانشجوی دوره دکتری تفسیر طبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)، rdavari68@gmail.com
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، amusallai@gmail.com

رویکردی جدید به نقش بانک در نظام بانکداری اسلامی

حجت مبین^۱

نظام بانکداری به عنوان یکی از ارکان مهم نظام اقتصادی، در همه کشورها همواره موردتوجه بوده است. پس از پیروزی انقلاب، لزوم بازنگری در مقررات بانکی منجر به تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا گردید. با گذشت قریب به سی و چهار سال از تصویب و اجرای شدن این قانون، به نظر می‌رسد که بانکداری اسلامی همچنان با چالش‌های جدی روبروست. صوری بودن قراردادهای منعقده بین بانک‌ها و مشتریان، عدم مشارکت بانک‌ها در سود و زیان، نامناسب بودن قالب‌های قراردادی و تقابل منافع بانک و مشتریان، از جمله مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظام بانکداری اسلامی است. با تحلیل این ایرادات می‌توان دریافت که علت اصلی این مشکلات، رویکرد نامناسبی است که نسبت به جایگاه بانک در نظام بانکداری فعلی وجود دارد. در نظام بانکداری کنونی، بانک سعی دارد با استفاده از شروط قراردادی حتی الامکان از ماهیت اصلی قرارداد دور شود و مقررات قانونی نیز تا حدود زیادی، زمینه انجام این امر را برای بانک‌ها فراهم نموده‌اند. به نظر می‌رسد، برای حل این چالش‌ها، بایستی مقررات قانونی در زمینه عملیات بانکی، با رویکرد جدیدی موربدازنگری قرار گیرد. برخلاف دیدگاه برخی صاحب‌نظران، به نظر می‌رسد که در بانکداری اسلامی، بانک‌ها بایستی با انجام فعالیت تخصصی و مشارکت واقعی با مشتریان، در سود و زیان حاصله شریک شوند. در این صورت، «قابل منافع بانک و مشتری» به «اشتراک منافع» و نقش بانک در ارتباط با مشتریان از یک «نقش تقابلی» به یک «نقش حمایتی» تغییر می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، قانون عملیات بانکی بدون ربا، قراردادهای بانکی، مشارکت.

۱. استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز hojjat.mobayen@gmail.com

ارائه‌ی نهاد پیشنهادی جهت ساماندهی و عملیاتی نمودن سیاست مالیاتی زکات در کشور

جعفر کوشکی^۱

بررسی اجمالی متن سیاست‌ها و بندهای مطرح شده در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که سیاست هفدهم به بخش مالیات و کارایی آن و درواقع تقویت نظام مالیاتی می‌پردازد؛ بدنهای که بتواند بخش قابل توجهی از نیازمندی‌های بودجه‌ای دولت و کشور را تأمین نماید. در این‌بین زکات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی دولت اسلامی دارای مشکلات و چالش‌های فراوانی ازجمله عدم بهروزرسانی پایه‌ی مالیاتی، دستگاه‌های موازی متولی، بار مالیاتی مضاعف روی مؤدیان مالیاتی، عدم شفافیت احلاعاتی، نبود بانک جامع و نظام یکپارچه مالیاتی می‌باشد. تعیین متولی و مسئول ساماندهی امور زکات می‌تواند یکی از پیشنهادهای ارائه‌شده در راستای کاهش و برطرف نمودن آسیب‌های بیان شده باشد.

بر این اساس در این نوشتار ضمن بررسی برخی نظرات مختلف فقهای امامیه پیرامون آن، به روش توصیفی - تحلیلی از طریق گردآوری اطلاعات اسنادی - کتابخانه‌ای این‌طور نتیجه‌گیری می‌شود که اولاً متولی آن در دوران حضور و غیبت ولی امر در جامعه اسلامی متفاوت می‌باشد. ثانیاً بر مبنای همین تفاوت در دوران حضور ایشان، قدرمتiqen نظرات فقهای این است که در صورت درخواست امام، پرداخت به ایشان واجب است و لذا بر اساس نظر اکثر ایشان، متولی در این دوران امام جامعه می‌باشد. ثالثاً در دوران غیبت و عدم حضور امام در تعیین متولی، فقهای دارای اختلاف‌نظر می‌باشند؛ فرد زکات دهنده، فقهای امین و تفصیل بین این دو گروه جزء نظرات بیان شده در این مسئله می‌باشد. در پایان پس از بررسی و تبیین نظرات بیان شده، همچنین شرایط وضعیت موجود در جامعه اسلامی در عصر کنونی این نظر تقویت می‌گردد که متولی دریافت زکات در دوران حکومت اسلامی امام جامعه می‌باشد و بر این اساس، پرداخت زکات به فقهای امین از شیوه که در دوران کنونی (حضور امام در جامعه) انجام می‌گیرد وجهی ندارد و این سازوکار تنها نظر تعدادی از فقهاء آن‌هم برای دوران فقدان حکومت می‌باشد و لذا باید جای خود را به متولی اصلی آن بدهد تا بتواند با نظر به شناسایی و آگاهی کامل تر نسبت به مواضع مصرف، آن را در جامعه اسلامی هزینه و مصرف نماید.

کلیدواژه‌ها: زکات، متولی دریافت، دوران حکومت اسلامی، دوران غیبت، امام ولی امر، فقهای امین.

بررسی و مقایسه صکوک انتفاعی با قراردادهای تأمین مالی مشابه در اقتصاد متعارف

محمدعلی متکر آزاد^۱، زانا مظفری^۲، سید مهدی موسویان^۳

انتخاب مناسب‌ترین شیوه تأمین مالی با توجه به شرایط اقتصادی یک جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد. مقاله حاضر، با استفاده از روش توصیفی، به بررسی و مقایسه روش‌های تأمین مالی در اقتصاد متعارف و ابزارهای تأمین مالی اسلامی (منتخبی از صکوک انتفاعی) پرداخته است، تا بتواند مزایا و معایب این ابزارها را در مقایسه با هم بسنجد؛ لذا نتایج نشان داد که سیستم تأمین مالی اسلامی بر اساس بخش واقعی اقتصاد عمل خواهد کرد و مبتنی بر تقسیم ریسک و عدم تسلط کامل سرمایه‌بر کار است و نقش‌سوندگی یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب صکوک به حساب می‌آید. هر چند این اوراق با ریسک‌هایی مانند عدم اجرای عقد در زمان مقرر مواجه هستند اما دارای مزایایی نسبت به انواع روش‌های مشابه در اقتصاد متعارف می‌باشد. در نظام مالی اسلامی تطابق بین دریافتی‌ها و پرداختی‌های واسطه مالی وجود دارد، از تعییرهای پدید آمده در طرف دارایی تأثیری نمی‌پذیرد؛ به‌طور کلی، برای پوشش نقص‌های روش قرارداد ساخت می‌توان در ضمن اجرای این قرارداد از اوراق استصناع برای تأمین مالی پروژه استفاده کرد. صکوک اجاره، سند سرمایه‌گذاری مشاع است ولی اوراق قرضه سند استقراض است. قیمت اوراق اجاره تحت تأثیر عواملی چون نوع قرارداد اجاره، نرخ بازدهی اوراق، نرخ بازدهی اوراق رقیب و نرخ تورم قرار دارد و احتمال قرارگیری قیمت بالاتر یا پائین‌تر از قیمت اسمی اولیه آن وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی اسلامی، تأمین مالی متعارف، استصناع، اجاره.

۱. استاد گروه اقتصاد دانشگاه تبریز، m.motafakker@gmil.com

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه تبریز، zana.mozaffari@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تبریز، me.mousavian@gmail.com

بررسی مبانی نظری اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (ع)

حبيب آقا جانی^۱، زهرا اصغر دخت^۲

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در آخرین روز بهمن سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری همچون نوری فرا روی آینده اقتصاد و صنعت کشور قرار داده شد و بدون شک در سالی که مقام عظمای ولایت سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نام‌گذاری فرمودند؛ نگاهی نو، اندیشه‌ای نوین و عزمی راسخ لازم است که در سایه تدبیر اهل بیت و با رائمه راهکارهای اقتصاد مقاومتی از دیدگاه قرآن و اهل بیت (ع) در مقابل تهدیدات دشمنان و به عبارت کلی تر همان جهاد اقتصادی باید همواره مورد توجه اندیشمندان و فرهیختگان این مژزویوم قرار بگیرد. با توجه به آموزه‌های اقتصادی اسلام، مهم‌ترین محور برگرداندن چرخ اقتصادی سالم به ویژه در موقعیت تحریم و فشار دشمنان، جامه عمل پوشاندن به رفتارهای اقتصادی مدنظر قرآن و اهل بیت (ع) با ایجاد تولید سالم و یاکیفیت در جهت چشم‌پوشی مصرف‌کنندگان به محصولات تولیدی بیگانگان و دوری از اسراف و تجمل پرستی مطرح می‌شود. با توجه اهمیت این موضوع در وضعیت فعلی کشور، این پژوهش به بررسی راهکارهای تبیینی اقتصاد مقاومتی در آیات و روایات می‌پردازد و مصدقه‌های عملی آن را در زندگی ائمه (ع) بیان می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، قرآن، اهل بیت (ع).

۱. استادیار اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی دانشگاه تبریز zahra_asd@yahoo.com

اقتصاد مقاومتی با تأکید بر توسعه انسانی از دیدگاه اسلام

زهرا محمدی^۱، حسن صفرنیا^۲

مطابق دیدگاه غرب توسعه انسانی و شاخص‌های مربوط به آن، نهایت توسعه انسانی را در سطح انتخاب‌های انسان به صورت انحصاری در ابعاد مادی بیان می‌کند و ابعاد معنوی را که لازمه دستیابی به بالاترین سطح توسعه‌یافتنگی در همه ابعاد توسعه برای کلیه افراد جامعه می‌باشد، در نظر نمی‌گیرد. بدین منظور مطابق تعالیم اسلامی که محوریت^۳ بعد اعتماد به خداوند، اعتقاد به معاد و پیوند دنیا و آخرت را در راستای توسعه و بهویژه توسعه انسانی، موجب دستیابی انسان به توسعه‌یافتنگی حقیقی می‌داند و نیز با توجه به محور بودن انسان در تعریف توسعه انسانی، در این مقاله سعی شده است با استفاده از روش اسنادی و مراجعه به نهج‌البلاغه، نشان داده شود که با تکیه بر^۴ محور اسلامی که ذکر گردید، شاخص‌های توسعه انسانی شامل: ۱-کسب دانش-۲-طول عمر همراه با سلامتی-۳-برخورداری از سطح مطلوب زندگی، چگونه موجب توسعه انسانی به معنای حقیقی و با در نظر گرفتن حقوق همه افراد جامعه می‌شوند. همچنین در این مقاله طبق دیدگاه اسلام توسعه اقتصادی به عنوان زیرمجموعه‌ای از توسعه انسانی مطرح می‌شود و در این راستا به منظور اجرای مؤثر اقتصاد مقاومتی، عدالت اجتماعی لازمه توسعه اقتصادی بیان می‌گردد. همچنین آموزه‌هایی از اسلام نظیر زهد و قناعت و ترک اسراف، به عنوان وسیله‌ای در جهت دستیابی به هدف موردنظر معرفی می‌شوند و تأکید اصلی بر این است که انسان مطابق دیدگاه اسلام^۵ معیار توسعه انسانی و حتی توسعه اقتصادی را در جهت اهداف والاتری دنبال می‌کند، که او را به «حیات طبیه» برساند که هدف اصلی توسعه‌یافتنگی حقیقی می‌باشد، نه این که صرفاً به گسترش حق انتخاب خود به صورت فردی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، توسعه انسانی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی.

۱. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان
zahramohammadi424@gmail.com

۲. دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقایسه نظریه عدالت راولز و شهید صدر (ره) و کارکرد هر نظریه در کاهش نابرابری در آمدی

سید صدرالدین حسینی مشهدی^۱، حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا مصباحی مقدم^۲

جان راولز کوشیده است در نظریه عدالت خویش راه حلی برای اجرای عدالت در جامعه بشری بیابد. به نظر او ملاک اجرای عدالت فرضی به نام موقعیت اولیه است که در آن بدون در نظر گرفتن سوابق و پیش‌فرضها مشخص می‌شود که چه عملی عادلانه و چه عملی غیرعادلانه است. از سویی دیگر شهید سید محمدباقر صدر (ره) در باب عدالت معتقد است حسن بودن عدالت را عقل درک می‌کند اما در مورد اینکه چه عملی عادلانه است باید از مبنای «حق الطاعه» مدد جست. با وجود تفاوت‌ها و شباهت‌ها، هردوی این نظریات در پی تحقق کاهش نابرابری در آمدی هستند که مقایسه اصول آن‌ها می‌تواند کارکرد هریک را در کاهش نابرابری در آمدی که نتیجه عملی آن‌ها است به خوبی نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: عدالت، جان راولز، شهید صدر، حق الطاعه، موقعیت اولیه، نابرابری در آمدی.

۱. مدرس دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه بزد،

۲. دانشیار عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی، الهیات و ارشاد دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تبیین جوهره اندیشه شهید بهشتی در باب عدالت اجتماعی

علی مصطفوی ثانی^۱

بررسی اندیشه‌های شهید بهشتی در زمینه عدالت به واسطه تأثیر گستردۀ ایشان در نظام‌سازی برای کشور در اوایل انقلاب بعلاوه آشنایی وسیع و نه صرفاً انتزاعی ایشان با نظام سرمایه‌داری به واسطه حضور چندین ساله در کشور آلمان، حائز اهمیت است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به بیان اندیشه شهید بهشتی در زمینه عدالت پرداخته است. از منظر ایشان کاری عادلانه است که با ماندن انسان در مسیر استكمال و رسیدن او به هدفی که در عالم آفرینش برای وی در نظر گرفته شده سازگار و هماهنگ باشد و تنها آن مکتب اجتماعی، در خور پیروی است که بازگشت همه بایدها و نبایدهای آن، به روند تکاملی پویای جهان هستی، از جمله انسان پویای متحرک باشد. در این نگاه امامت عدل ضامن اجرای عدل جامع و کامل در جامعه اسلامی است. از این منظر، عدالت به عنوان قاعده‌ای حاکم بر فقه می‌باشد که در شرایط استثماری و ظالمانه، که قواعد اقتصادی اسلام مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند، با نظارت و دخالت حکومت اسلامی، حرکت بر مسیر قواعد فقهی در مسیر توازن و تعادل اجتماعی قرار می‌گیرد. همچنین در مسیر اجرای احکام نیز، ترسیم ساختار جزئی و نظام جامعه بر اساس خطوط کلی و شناخت و کشف مکانیسم‌های عادلانه، وظیفه دانش‌های اجتماعی است. در حقیقت درک این نکته که در چه شرایطی این قواعد فقهی به استثمار و ظلم می‌انجامد و فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد، ریشه‌یابی و کشف عوامل آن بر مبنای واقعیت‌های جامعه و تحلیل‌های علمی از شئون علم می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: عدالت اجتماعی، هدایت، امامت عدل، استثمار.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع) mostafavisani@gmail.com

دلالتهایی از اشتراکات کشفی در اندیشه‌های فکری علم اقتصاد

محمد Mehdi مجاهدی مؤخر^۱ (نویسنده مسئول)، محمود عیسوی^۲

درک نظام هستی و کشف قواعد حاکم بر آن در حوزه معارف دینی یا برخاسته از رویکرد نقلی مبتنی بر نگرش دینی است و یا مبتنی بر رهیافتی عقلی به مفهوم گسترده آن است. پذیرش دامنه مفهوم عقل، از عقل تجربی مبتنی بر تجربه‌گرایی و ابطال‌پذیری به عقل نیمه تجربی مبتنی بر استدلال ریاضی طیف‌های متفاوتی از مفاهمه و توافق میان مکاتب فکری در علوم انسانی و اجتماعی به‌ویژه علم اقتصاد را آشکار می‌کند.

این مقاله سعی دارد با بیان چند دلالت، برخی از رهیافت‌های کشفی مبتنی بر علوم انسانی اسلامی در مکاتب فکری علم اقتصاد را در حوزه اقتصاد رشد و اقتصاد پولی و به‌طور خاص در زمینه جمعیت، نرخ بهره (که عمدتاً در اندیشه اقتصادی غرب مطرح شده است) را بیان نماید.

این مقاله با تکیه‌بر استدلال ریاضی به بیان دلایل اقتصادی محوریت عامل انسانی رشد اقتصادی، حرمت ربا و بهره‌پولی، اشکالات مکانیسم خلق پول و مزیت‌های الگوی قرض‌الحسنه و تأمین مالی اسلامی به عنوان موارد مورد تأکید در علوم انسانی اسلامی می‌پردازد و به تبیین اشتراکات کشفی که از پارادایم‌های مختلف فکری به دست آمده است پرداخته است. مقاله نتیجه می‌گیرد که نقطه آغازین مباحثه و گفتمان فکری می‌تواند بر پایه اشتراکات کشفی قرار گیرد. این نقطه آغاز نوع استدلال و عمق اندیشه و استواری منطق را در گفتمان انتقادی بیشتر آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: رشد اقتصادی، رشد جمعیت، رشد مصرف، نرخ بهره، پول.

۱. استادیار گروه اقتصاد بازرگانی دانشگاه علامه طباطبائی m_mojahedi2004@yahoo.com
۲. استادیار گروه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

بحران‌های سیستمی در اقتصاد سیاسی ایران و پیشنهاد برونو رفت

عبدالحکیم معرفی^۱؛ محمد رضا حیدری^۲

این مقاله در تلاش است تا به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «آیا بحران‌های نشأت‌گرفته از زیرسیستم اقتصادی ایران به گونه‌ای در زیرسیستم سیاسی مدیریت می‌شود که به یک نظام پایدار در کل سیستم اجتماعی برسیم؟» برای پاسخ به این پرسش الگوی هابرماس در تحلیل بحران در سیستم سرمایه‌داری را مبنای کار خود قرار می‌دهیم و سعی می‌کنیم آن را برای تحلیل اقتصاد سیاسی ایران به کار بگیریم. هابرماس زیرسیستم جامعه‌ای فرهنگی را در تعامل با دو زیرسیستم سیاسی‌اداری و اقتصادی بررسی می‌کند. بحران مشروعیت حاصل کاستی هر یک از زیرسیستم‌ها و اخلال در سایر زیرسیستم‌های است. از آنجاکه توزیع رانت نفت مبنای عملکرد زیرسیستم سیاسی‌اداری در اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران است، شاهد اخلال در سایر زیرسیستم‌ها و انباشت سیستمی بحران در اقتصاد هستیم. راهبرد پیشنهادی این مقاله برای برونو رفت از مارپیچ انباشت سیستمی بحران در اقتصاد ایران تدوین سیاست‌های کلی اصل چهل و پنجم قانون اساسی است.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، رانت، هابرماس، بحران مشروعیت، اصل چهل و پنجم قانون اساسی.

۱. استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان.

۲. استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان mrheidari2001@yahoo.com (نویسنده مسئول).

ماهیت عادلانه‌ی اقتصاد اثباتی؛ تقویری از کارکرد علم اقتصاد

محمد جواد رضایی^۱، مهدی موحدی بکنظر^۲

تصریح تعاریف یا کارکردهای علوم دلالت‌های مهمی در درک ما از ماهیت آن علوم دارد. این مقاله در پی آن است که با ارائه‌ی تعریبی از ماهیت علم اقتصاد، جایگاه ایده‌های عدالت در سیر کار علمی یک اقتصاددان را روشن کند. این مقاله بر اساس رویکرد تحلیلی-نظری و البته با انکا به تصریحات اقتصاددانان نوآور، در پی بازتریفی/بازسازی از ماهیت علم اقتصاد می‌رود. علم اقتصاد، علم مطالعه‌ی شیوه‌ی مواجهه با تعارض منافع بوده که البته این کنکاش متکی بر «دیدگاه تحلیل گر یا عالم اقتصادی راجح به عدالت» شکل می‌گیرد. یکی از دلالت‌های این نگرش، از بین رفن دوگان اقتصاد اثباتی-هنجری در علم اقتصاد است؛ چراکه نه تنها «مشاهدات عالمان» بلکه «نظریه‌پردازی» و «ارائه‌ی تبیین‌های علمی» متأثر از «شیوه‌ی مطلوب مواجهه با تعارض منافع از نظر محقق یا تحلیل گر اقتصادی» است. درنهایت، این مقاله منتقد تلقی جافتاده از تمایز «علم-مذهب» در ادبیات اقتصاد اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: تعارض منافع، عدالت، فلسفه‌ی علم اقتصاد، فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی، دوگان اثباتی-هنجری.

۱. دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق ع Rezaee.mj@gmail.com
۲. دکتری علوم اقتصادی، پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق ع gmail.com@Movahedi

کمپیوٹن ٹڪنولوژی
مذہبیت اسلامی

۱۹ چکیدہ مقالہ

نظریه‌ی «مدیریت راهبردی جهادی»^۱

محسن جاجرمندزاده^۲، محمد جعفر حسینیان^۳، مسلم امیری طبیبی^۴

طرح موضوع راهبردی «مدیریت جهادی» از جانب مقام معظم راهبردی در شرایط کنونی کشور نیازمند فهم عمیق و تبیین مولفه‌ها و پیش‌فرض‌هایی است که بتواند ضرورت و اهمیت پرداختن به این موضوع کلیدی را در شرایط حساس کشور و با توجه به مقتضیات و چالش‌های پیش روی نظام اسلامی-روشن نماید. برای این منظور در این مقاله از یک نگاه کلان و راهبردی به مدیریت جهادی پرداخته شده و نشان داده است که اساساً چرا فهم و درک عمیق این الگوی مدیریتی به عنوان یک الگوی مدیریت بومی و اسلامی، از کلیدی‌ترین مسائل پیش روی نظام اسلامی است. در همین زمینه پیش‌فرض‌های مدیریت راهبردی رایج در مقایسه با اصول موضوعه و پیش‌فرض‌های حاکم بر مدیریت جهادی تحلیل گردیده و مشخص شده است، چگونه مبانی راهبردی مدیریت رایج نمی‌تواند راهگشای چالش‌های پیش روی نظام اداری و سازمان‌های کشور بوده در صورتی که مدیران بخواهند در سطوح خرد و کلان به نظام اسلامی یاری رسانند می‌باشد با پیش‌فرض‌های «عینی و واقعی» و مبتنی بر «اعتقادات دینی و منبعث از اصول اساسی انقلاب اسلامی در درگیری با نظام سلطه جهانی» به نهادینه کردن این الگوی جدید و بومی و اسلامی همت بگمارند. ان شاء الله

کلیدواژه‌ها: پیش‌فرض‌های مدیریت، مدیریت راهبردی، مدیریت جهادی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. هیأت علمی دانشگاه پیام نور شیراز و پژوهشکده تحول در علوم انسانی دانشگاه شیراز m.jajarmizadeh@yahoo.com

۳. هیأت علمی فرهنگستان علوم اسلامی قم

۴. دانش آموخته‌ی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه شیراز

تصمیم‌گیری حجت محور، جایگزینی بهینه برای تصمیم‌گیری رضایت‌بخش در پارادایم تصمیم‌گیری اسلامی

مهردی عزیزی^۱، حسین بختیاری^۲، محمد جواد بهمن‌آبادی^۳

هدف کاربردی سازی تئوری‌های مدیریت تاکنون پژوهش‌گران بسیاری را به خود جذب کرده است. در این میان، مدیریت اسلامی نیز برای رسیدن به چنین هدف مهمی باید تلاشی فراینده داشته باشد. از یک سو، عرصه‌ی تصمیم‌گیری به عنوان محوری ترین موضوع مدیریت، و از سوی دیگر عرصه‌ای که بیش از همه می‌تواند متعلق اسلامی یا غیراسلامی واقع شود، بیش از همه نیاز به کاربردی و عملیاتی شدن دارد. در این پژوهش، با معرفی تصمیم‌گیری اسلامی حجت محور تلاش شده است چشم‌انداز نوینی پیش روی کاربردی سازی تئوری‌های تصمیم‌گیری اسلامی گشوده شود. در این راستا، پژوهش‌گران پس از تبیین چیستی این نوع تصمیم‌گیری، جایگاه مهم و بی‌همتای آن در آموزه‌های اسلامی را به نمایش گذاشته و ویژگی‌های آن را تبیین کرند. پس از این، برای نشان دادن کارایی عملیاتی تصمیم‌گیری اسلامی حجت محور، از مدل سازی کمی و همچنین از آموزه‌های کلامی و اصولی استفاده شد. نتایج حاصل هم در خروجی مدل کمی و هم در تبیین اصولی و کلامی، حاکی از تساوی میزان مطلوبیت نتایج تصمیم‌گیری حجت محور با تصمیم‌گیری مبتنی بر احکام واقعی است. به این منظور، نتایج دونوع مدل تصمیم‌گیری رضایت‌بخش و تصمیم‌گیری بهینه باهم مقایسه شده است. در این راستا با استفاده از رابطه هم‌ارزی میان تصمیم‌گیری رضایت‌بخش و تصمیم‌گیری اسلامی حجت محور با مدل سازی ریاضی و تعیین معیارهای مدل تصمیم‌گیری رضایت‌بخش کارایی عملیاتی این تصمیم‌گیری نشان داده شد. سرانجام پیشنهاداتی به منظور تکمیل فرایند این پژوهش و کاربردی سازی آن ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: تصمیم‌گیری اسلامی، اصل حجت، پژوهش کمی، تصمیم‌گیری عقلایی محدود، تصمیم‌گیری رضایت‌بخش.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) seyedmahdiaziziz@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی و مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق(ع)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت صنعتی

مدیریت استراتژیک اسلامی، راهبرد اصلی تحقق اقتصاد مقاومتی رهیافتی از داستان یوسف نبی (ع)

عباس شفیعی^۱، مصطفی کاظمی نجف‌آبادی^۲

اقتصاد مقاومتی یکی از نیازهای اصلی جامعه اسلامی در همه اعصار است و قرآن کریم به عنوان معجزه جاویدان نسبت به پاسخگویی به این نیاز بی‌تفاوت بوده است. پیامبران الهی در طول دوران رسالت و حکومت خویش، با انواع تهدیدها، تحریم‌ها و بحران‌ها مواجه بوده‌اند که با استعانت از منبع وحی و با تدبیر مناسب توانسته‌اند تصمیماتی را اتخاذ کنند که هم در عصر خودشان ثمریخش بوده و هم برای سایر زمان‌ها و همه جوامع درس آموز و مایه عبرت بوده است. در این مقاله به منظور دستیابی به الگوی تحقق اقتصاد مقاومتی با رهیافتی قرآنی در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش با بهره‌گیری از روش تدبیر داستان محور در قرآن کریم، به الگوی مدیریت استراتژیک حضرت یوسف (ع) در مدیریت بحران اقتصادی خشک‌سالی برای مقاومت‌سازی کشور مصر پرداخته می‌شود. رهیافت‌ها و نتایج تحقیق نشان می‌دهد که این الگو مشتمل بر عناصر دروندادی همچون «چشم‌انداز توحیدی» و عناصر فراییندی همچون «استراتژی‌ها و اصول استراتژیک» و عناصر بروندادی همچون «قدامات استراتژیک» بوده و مالاً در برابر گیرنده تدوین استراتژی، اجرا و ارزیابی استراتژیک است با این تصویر می‌تواند به عنوان الگویی کارساز برای تدوین و اجرای اقتصاد مقاومتی باشد. مدل‌سازی اقتصاد مقاومتی الهام گرفته از الگوی مدیریت استراتژیک یوسف نبی (ع)، می‌تواند کشور را در مدیریت بحران به ساحل آرامش هدایت نماید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، مدیریت استراتژیک، یوسف نبی (ع)، قصص قرآنی.

۱. استاد بار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ashafiee844@gmail.com
۲. استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه mostafakazemi@rihu.ac.ir

الگوی مدیریت استراتژیک در نهادهای خیریه؛ رهیافتی از الگوی مدیریتی حضرت عیسیٰ علیہ السلام

مصطفیٰ کاظمی نجف‌آبادی^۱، عباس شفیعی

اصلولاً نهادهای خیریه از جمله نهادهای غیرانتفاعی است که بر مبنای سوددهی شخصی پایه‌ریزی نشده و اهدافی خیرخواهانه و عمومی را تعقیب می‌کنند؛ با عنایت به این امر، مدیریت در این گونه سازمان‌ها لازم است داوطلبانه، خیرخواهانه و ایشارگرانه و در یک تعبیر معنویت‌گرا باشد این پژوهش در صدد تعریف و تبیین الگوی مناسب با مدیریت نهادهای خیریه با رویکردی استراتژیک با تأکید بر الگوی حضرت عیسیٰ (ع) بوده که با روشی توصیفی - تحلیلی بر مبنای قصص محوری قرآنی انجام می‌یابد. نتایج و دستاوردهای تحقیق نشان می‌دهد که الگوی هرم معکوس با عنایت به شیوه مدیریت استراتژیک حضرت عیسیٰ (ع) می‌تواند برای سازمان‌های خیریه الگویی مناسب بوده و مدیران در سطوح مختلف (عالی، میانی و عملیاتی) می‌توانند با الهام از الگوی مذبور اثربخشی خود را به منصه ظهور گذارند؛ این الگو، بر محور خدمت‌گزاری، تواضع، فروتنی و معنویت پایه‌ریزی گردیده و رهبران و مدیران در این الگو افزون بر تأکید بر خادم بودن خود، خدمت را با نگاه متواضعانه انجام داده و به خدمت خود رنگ معنویت می‌بخشنند و در مسیر خدمت‌گذاری عاشقانه به تجارت معنوی و الهی دلگرم‌اند؛ با توجه به رهیافت‌های قرآنی مشعر به این الگو، مدیران با رویکردی استراتژیک دارای چشم‌انداز و استراتژی‌های توجیهی در دلالان استراتژیک معنویت با ابزاری همچون تواضع و فروتنی مسیر خدمت‌گزاری مادی و معنوی را پیموده و اثربخشی را در نهادهای خیریه عینیت می‌بخشند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت استراتژیک، نهادهای خیریه.

بررسی مغایرت یا عدم مغایرت مؤلفه‌های اساسی علم مدیریت غربی با مبانی اندیشه اسلامی

سید کاظم عبادی^۱

تاریخچه و سیر تطور اندیشه‌های مدیریتی حاکی از این است که رشته‌های مختلف علمی اعم از علوم انسانی و اجتماعی، علوم پایه و علوم فنی و مهندسی بر بستر مبانی فکری و اعتقادی و ارزشی، در شکل‌گیری نظریه‌های مدیریت و سازمان ایفای نقش کرده‌اند. لذا مدیریت غربی نیز ریشه فلسفی و ارزشی خاص خود را دارد که اساس شکل‌گیری نظریه‌های مدیریتی در غرب را تشکیل می‌دهد. در این مقاله تلاش گردیده است ضمن مطالعه سیر تطور نظریه‌های مدیریتی رایج در دو دوره مدرنیسم و پست‌مدرنیسم، ابتدای آن‌ها بر مبانی فلسفی و ارزشی حاکم بر دوره شکل‌گیری این نظریه‌ها نشان داده شود و در انتهای مؤلفه‌های ده‌گانه‌ای به عنوان اساس شکل‌گیری علم مدیریت غربی استخراج شود. در گام بعد با احصاء مبانی اندیشه اسلامی در چهار پایه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی، مغایرت این اصول با اندیشه اسلامی در حوزه مبانی و عدم مغایرت این اصول با اندیشه اسلامی در حوزه تکنیکی و کاربردی حاصل شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت غربی، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، اندیشه اسلامی، اصول، مبانی، مدیریت اسلامی

بررسی و نقد نظامهای تأمین اجتماعی غربی به انگیزه دستیابی به مدل مطلوب

ایمان کاظمی مقدم، مجید اسماعیلی، سعید احمدی ثانی، سید حسن رفعتی زاده و رضا حریری^۱

تأمین اجتماعی مجموعه‌ای از اصول، نهادها و ساختارها است که از طریق برنامه‌ریزی به دنبال رفع معضلات اقشار آسیب‌پذیر است. شکل‌گیری این نظام در غرب با اعتراض اجتماعی اقشار کم‌درآمد آغاز شد. محورهای حمایتی نظامهای تأمین اجتماعی جبران هزینه‌های سالمندی، بیماری، حوادث، از کارافتادگی، بارداری و عائله‌مندی است. هزینه‌های تأمین اجتماعی بر اساس حق بیمه و مالیات تأمین می‌شود. از جمله نواقص مدل‌های موجود تأمین اجتماعی نقش فلسفی در مبانی فکری، تناقض نظام فکری با نظمات تأمین اجتماعی، برنامه‌ریزی غیر شبکه‌ای و غفلت از جایگاه حمایت و تکافل عمومی است. برای دستیابی به مدل مطلوب باید به راهبردهای دینی مراجعه کرد، از جمله راهبردهای دین جهت حل مشکلات اقشار آسیب‌پذیر تدوین نظام شبکه‌ای و فعال کردن حمایت‌ها و تکافل عمومی است.

کلیدواژه‌ها: تأمین اجتماعی، تکافل عمومی، راهبردهای تأمین اجتماعی، منابع تأمین اجتماعی، مبانی تأمین اجتماعی.

۱. محققین موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نبوی، سطح ۳ حوزه علمیه، ikazemi62@gmail.com

سیستم پایه تأمین اجتماعی، گامی به سوی گسترش روشنمند تكافل اجتماعی (نظریه و راهکارهای اجرایی سیستم پایه در فرآیند تولید مدل)

سعید احمدی ثانی^۱، ایمان کاظمی مقدم^۲، مجید اسماعیلی^۳، رضا حریری^۴،
حسن رفعتی^۵

مسئله‌های که در این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی آن هستیم: سیستم پایه تأمین اجتماع (گسترش تكافل عمومی) در فرآیند مدل چیست و چگونه تولید می‌شود؟ از آنجایی که تشریع الهی مطابق تکوین الهی است، یکی از راههای کشف شرع، کشف قواعد و قوانین تکوین است؛ انسان لوحی و طبعه، براساس فطرت الهی و ساختار تکوینی روح و ذهن و بدنش حرکت می‌کند؛ تعامل انسان‌ها نیز در حالت عادی طبیعی، براساس ارتکازهای منبعث از فطرت و تکوین آن‌هاست و همین امر است که «عرف» و «سیره عقلائی» را شکل داده است. در مقاله حاضر به دنبال حالت طبیعی، عادی، عرفی، فطری، عقلائی تأمین اجتماعی می‌باشیم درواقع تأسیس اصل در سیستم تأمین اجتماعی به دست آوردن حالت عقلائی در سیستم می‌باشد با به دست آوردن اصل و پایه سیستم تأمین اجتماعی به یک رأی واحد در بین عرف و سیره عقلایی می‌رسیم که با آن درجایی که ادله کافی برای کشف فرآیندهای پردازش سیستم نداریم از این حالت اولیه استفاده می‌کنیم. دومین استفاده‌ای که از سیستم پایه می‌شود جهت گسترش مفاهیم مرتبط، با مفهوم تأمین اجتماعی و ایجاد پل ارتباطی بین موضوع و آسناد منقول اسلامی می‌باشد. برای تولید این مقاله از روش تحلیل مفهومی استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: سیستم پایه تأمین اجتماعی، تأسیس اصل در تأمین اجتماعی، سیره عقلایی در تأمین اجتماعی، فرآیند طبیعی تأمین اجتماعی.

۱. نویسنده مسئول، هیات علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، hasanesaeedsani@yahoo.com

۲. هیئت علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ikazemi62@gmail.com

۳. هیئت علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، esmaeili815@yahoo.com

۴. هیئت علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، Hariri35@gmail.com

۵. هیئت علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، s.hasanrafati@gmail.com

آسیب‌شناسی و نیاز‌سنجی مدل تأمین اجتماعی ایران در راستای بهینه‌سازی فرایند تکافل اجتماعی

مجید اسماعیلی^۱ ایمان کاظمی مقدم^۲ سعید احمدی ثانی^۳ رضا حریری^۴ حسن رفعتی^۵

سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد بزرگ مردمی با پوشش حدود ۳۵ میلیون نفر در حوزه درمان و بیش از ۱۰ میلیون نفر در حوزه تعهدات پرداخت مستمری (در حال و آینده) است که بزرگ‌ترین سازمان اداری کشور با بیش از ۷۰ هزار نیروی انسانی و دارای بزرگ‌ترین سازمان سرمایه‌گذاری (شستا) می‌باشد. سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یک کلان سیستم بسیار اثرگذار در روند توسعه و پیشرفت یک کشور مطرح است. این سازمان دارای ارتباط اجتناب‌ناپذیری با دیگر نهادها و سازمان‌های کشوری می‌باشد و تأثیرات این نظام و سیستم در مقایسه با دیگر سازمان‌ها و سیستم‌ها بر ثبات و پایداری و یا عدم ثبات و پایداری یک حکومت، بسیار فراوان است. با این وجود از یک جایگاه مدیریتی کارآمد، خلاق و متخصص برخوردار نبوده است که حاصل آن وجود آسیب‌ها و بحران‌های جدی است. ازین‌رو آسیب‌شناسی و نیاز‌شناسی دقیق و همه‌جانبه در تمام عناصر و اجزاء نظام به هدف ارائه راهبردها و راهکارهای عملیاتی برای خروج از وضعیت جاری امری ضروری است. این تحقیق با روش آسیب‌شناسی مولکولی و سیستمی به کشف و شناسایی آسیب‌ها و نیازهای سازمان تأمین اجتماعی پرداخته و در مقام پاسخ به این مسئله است که آسیب‌های پایدار سیستم و نظام تأمین اجتماعی موجود، که مانع از ارائه خروجی مطلوب در فرایندهای سازمان است کدامند؟ حاصل تحقیق، انبوهی از آسیب‌ها است که هر کدام مرتبط با قسمی از سیستم موجود است مانند آسیب‌های مرتبط با مأموریت سازمان، راهبردها، شیوه مدیریت، ارزش‌ها، نقطه شروع، نقطه مرکزی، برنامه حرکت، خروجی و هدف.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی مدل تأمین اجتماعی، ناکارآمدی مدل تأمین اجتماعی موجود، آسیب‌شناسی سازمانی، آسیب‌شناسی فرایند تکافل اجتماعی، آسیب‌شناسی سیستمی و فرایندی، آسیب‌شناسی مولکولی.

۱. نویسنده مسئول، هیئت‌علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، am.esmaeili@yahoo.com

۲. هیئت‌علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، gmail.com@ikazemi62

۳. هیئت‌علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، hasanesaeedsani@yahoo.com

۴. هیئت‌علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، gmail.com@Hariri35

۵. هیئت‌علمی گروه پژوهشی فقه تمدنی، موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، s.hasanrafati@gmail.com

جلوات عقلانیت در ارزشیابی عملکرد: دلالتهای کلام امام علی علیه السلام

احسان رحیمی^۱، حسن دانایی فرد^۲، رضا پاینده^۳

هرچند اهمیت منابع انسانی مدت‌هاست در ادبیات رشته مدیریت مورد تأکید قرار می‌گیرد، اما پیچیدگی و پویایی روزافزون سازمان‌ها و محیط، به منابع انسانی، جایگاهی راهبردی بخشیده است. از این‌رو تمامی سازمان‌ها در پی جذب و پرورش بهترین افراد هستند. آگاهی از مشخصه‌های نیروی کار شایسته، گام آغازین در این مسیر است. متخصصان و پژوهشگران رشته مدیریت، ابعاد و مؤلفه‌های این مشخصه‌ها را در مدل‌های متعددی جمع‌بندی و عرضه کرده‌اند. این پژوهش در قالب پژوهشی نظری و مفهومی بر آن است تا عقلانیت را به عنوان مؤلفه‌ای نو در مدل‌های ارزشیابی و مدیریت عملکرد عرضه کند و شاخص‌های آن را بر اساس کلام امام علی علیه السلام شناسایی کند. از همین رو کلیه احادیث منقول از ایشان در مورد عقل، احصاء، طبقه‌بندی و تحلیل محتوا شده‌اند. بر اساس نتایج بدست‌آمده، عقلانیت در بعد فردی، در سه ساحت شناخت، صفات و افعال انسان قابل طبقه‌بندی است. عقلانیت در ساحت شناخت، حول محور «تمییز»، در ساحت صفات حول محور «اعتدال» و در ساحت افعال، حول محور «عدالت» یا «نقوا» متجلی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: عقلانیت، مدیریت عملکرد، ارزشیابی عملکرد، تمییز، عدالت، اعتدال.

۱. نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خطمنشی گذاری عمومی پردیس فارابی دانشگاه تهران erahimikh@gmail.com

۲. استاد دانشگاه تربیت مدرس hdanaee@modares.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی پردیس فارابی دانشگاه تهران payandeh@isu.ac.ir

شناسایی عناصر قابل تطبیق اصول مدیریت با فرهنگ اسلامی و اولویت‌بندی اجرای آن‌ها در کشور ایران

محمدعلی بهشتی نیا^۱، فاطیما سدادی^۲

در بررسی علل رشد چشم‌گیر کشورهای توسعه‌یافته در مدیریت عوامل مختلفی را می‌توان مدنظر قرار داد. یکی از مهم‌ترین عوامل، اعتقادات و ارزش‌هایی است که به انگیزه‌های رفتاری و حرکت‌های جمعی مردم این کشورها در جوامع سازمانی و اجتماعی شکل داده است. مدیریت یک علم اجتماعی اجرایی است که برای اجرا و عملیاتی شدن بایستی در میان مردم مورد پذیرش قرار بگیرد. بنابراین فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف هر یک بهنوبه‌ی خود در اقدام و عمل مدیریت تأثیرگذار هستند. این پژوهش به ارائه‌ی تصویری از ارتباط اصول مدیریت با فرهنگ اسلامی می‌پردازد. در این راستا تلاش شده است پس از شناسایی عناصر قابل تطبیق اصول مدیریت با فرهنگ اسلامی، به اولویت‌بندی اجرای اصول مدیریت با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در سطحی از فرهنگ اسلامی پرداخته شود که متأثر از ویژگی‌های کشور ایران است. بستر سازی برای تطبیق این اصول با فرهنگ اسلامی موجب افزایش ضمانت اجرایی آن‌ها خواهد شد. نتایج حاصل از اولویت‌بندی به کارگیری الگوهای مدیریتی در کشور ایران بدین ترتیب به دست آمد: ۱. اگر مرتكب اشتباه شدید، بالا فاصله در صدد رفع اشتباه برآید و در مورد مشکل به وجود آمده نگرانی به خود راه ندهید و همین‌ الان برای رفع آن اقدام نمایید، ۲. نگویید چرا این کار انجام نمی‌شود. فکر کنید چگونه می‌توانید آن را انجام دهید و ۳. محصولات یا خدمات را کاملاً با نیازهای مشتریان تطبیق دهید.

کلیدواژه‌ها: مدیریت فرهنگی، مدیریت اسلامی، تولیدناب، کایزن، تحلیل سلسله مراتبی.

۱. (نویسنده مسئول)، استادیار، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. beheshtinia@semnan.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد MBA، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. fatimasedady@semnan.ac.ir

اصول مدیریت اسلامی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه

عوا عرب انصاری^۱

موضوع این مقاله، بررسی اصول مدیریت اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌باشد. هدف از انتخاب این موضوع شناساندن الگوی مناسب مدیریتی است که با پیروی از این الگو عدل و قسط در جامعه حکم‌فرما شود. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای گرد آوری شده است. و بیشتر از منابع روایی و مدیریتی مورد استفاده قرار گرفته است. مباحثی که در این تحقیق بدان پرداخته شده شامل: بحث‌های مقدماتی مدیریت اسلامی که مفهوم شناسی را در خود جای داده، ضرورت مدیریت اسلامی، اصول و مبانی مدیریت اسلامی که از اصول مهم و اساسی آن، رهبری، مشورت، و خودکنترلی یا همان وجودن کاری در مدیریت می‌باشد. بنابراین دریابان نتیجه این مقاله می‌توان گفت که مدیریت اسلامی، مدیریتی است که بر مبنای معنویت و امور دینی و اسلامی شکل گرفته و هدف از آن باید کمال انسانی و ارزش‌های اسلامی باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیر، مدیریت اسلامی، نهج البلاغه.

طراحی مدل جامع ارزیابی عملکرد مدیران بر مبنای شایستگی (با محوریت نامه‌ها و خطبه‌های نهج‌البلاغه)

یحیی میار^۱، حسین علی رمضانی^۲

علم مدیریت در حوزه علوم انسانی در راستای اداره بهینه اجزای یک سیستم برای نائل شدن به هدف تعیین شده؛ که دارای مبادی و مبانی، رویکردها، قواعد، مدل‌ها و فرایندهای مختلفی است که در سیر تاریخ و در پارادایم‌های فکری دچار تطور شده و همچنان در مسیر تکاملی خود گام برمی‌دارد. مکاتب مختلف با جهت‌های خاص به تعریف و جانمایی مفاهیم بنیادی این علم می‌پردازند و یکی از مدعیان در بین این مکاتب؛ مکتب انسان‌ساز اسلام می‌باشد. مکتبی که از حوزه ارزشی و نرماتیو به سمت نظریه‌مند شدن در برابر هجمه و گستره عظیم علوم روز، خصوصاً علم مدیریت در حال تحول می‌باشد. منابع عظیم معرفتی اسلام برای دریافت راهبردها و فرآیندهای مدیریت موجود می‌باشد و باید توسط علمای اسلامی در مسیری منطقی به منصه ظهور رسد. تأکید بر اداره سازمان‌ها توسط منابع انسانی با رویکرد تربیتی از جمله اصول حاکم در مدیریت اسلامی است. نیروی انسانی در سطوح و لایه‌های مختلف در چینشی منطقی بین اجزای سازمان به کنش و واکنش می‌پردازند. در سطوح بالای سازمانی؛ مدیران قرار دارند که نقش سیچ‌کنندگی اجزای سیستم را در راستای اهداف آن ایفا می‌کنند. افرادی که باید با محک شایستگی گزینش، پرورش، انتصاب و ارزیابی شوند. در منابع اسلامی نهج‌البلاغه به عنوان یک منبع اصیل معرفتی برای ترسیم شایستگی‌های مدیران و ارزیابی آن‌ها می‌تواند مبنای عزیمت قرار گیرد. در این میان نامه‌ها و خطبه‌های حضرت علی (ع) خطاب به فرماندهان، مدیران و کارگزاران شاید بهترین منشور ارزیابی مدیران باشد؛ با این اوصاف نویسنده‌گان این نوشتار سعی خواهند نمود با رجوع به این نامه‌ها و خطبه‌ها و بهره‌گیری از راهبرد داده‌بندیاد به تبیین، ترسیم و طراحی مدلی جامع برای ارزیابی شایستگی مدیران سازمان‌ها اقدام نمایند.

کلیدواژه‌ها: مدل، عملکرد، ارزیابی عملکرد، شایستگی.

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)، نویسنده مسئول yahyama77@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه امام حسین (ع) dr.hr1355@gmail.com

تدوین نظریه مدیریت تجربه از دیدگاه اسلام و بررسی وضعیت آن از دیدگاه کارشناسان در یک سازمان دولتی

دکتر مهدیه سادات خشوعی^۱، دکتر حمیدرضا عریضی^۲

این پژوهش با دو هدف تدوین نظریه مدیریت تجربه از دیدگاه اسلام و بررسی وضعیت آن از دیدگاه کارشناسان در یک سازمان دولتی انجام شد. این پژوهش توصیفی و از نوع تحلیلی و پیمایشی است برای دستیابی به هدف اول، کتاب میزان الحكمه (آیت الله محمدی ری شهری، ۱۳۷۷) به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع موارد معروف انتخاب و به روش نظریه داده بنیاد مورد بررسی قرار گرفت. با تحلیل کتاب، مفاهیم مرتبط با مدیریت تجربه استخراج و با توجه به پدیده، زمینه، علت، مداخله‌گر، راهبرد و پیامد مورد طبقه‌بندی قرار گرفت. سپس ارتباط موارد مذکور در قالب یک الگو طراحی و با نوشتן قضایا نظریه مدیریت تجربه از دیدگاه اسلام تدوین و برآش آن مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای دستیابی به هدف دوم نیز بر اساس نظریه مذکور پرسشنامه‌ای با سه مؤلفه در ک اهمیت تجربه، کسب و نگهداری تجربه و به کارگیری تجربه طراحی گردید. سپس تعداد ۴۲ نفر از کارشناسان یک سازمان دولتی در شهر اصفهان به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و دیدگاه آنان در زمینه وضعیت مدیریت تجربه دریافت شد. نتایج آزمونتی وابسته نشان داد از دیدگاه کارشناسان در وضعیت موجود میزان مدیریت تجربه در سازمان پایین تر از وضعیت مطلوب است. همچنین نتایج آزمون فریدمن نشان داد که رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدیریت تجربه در وضعیت موجود به ترتیب شامل کسب و نگهداری تجربه، در ک اهمیت تجربه و به کارگیری تجربه بوده در حالی که در وضعیت مطلوب باید به ترتیب شامل در ک اهمیت تجربه، کسب و نگهداری تجربه و به کارگیری تجربه باشد.

کلیدواژه‌ها: دیدگاه اسلام، مدیریت تجربه، وضعیت موجود و مطلوب.

۱. پژوهشگر فوق دکتری روان‌شناسی صنعتی و سازمانی دانشگاه اصفهان

Khoshouei.mahdieh@gmail.com

۲. استاد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

تبیین مؤلفه‌های رهبری در پارادایم فرانوگرا (پست‌مدرن)

طبیه عباسی^۱ نیکودیالمه^۲ ثریا کاووسی^۳

دنیای اطراف ما دائم در حال تغییر و دگرگونی است و وجود پیچیدگی‌های محیطی، به معنای رودرور شدن سازمان با تعییرات است و زمانی که تعییری در سازمان روی می‌دهد، مهمنه ترین مشخصه سازمان در مواجهه اثربخش با پیچیدگی‌ها، توانایی رهبر سازمان در هدایت کردن است. از جمله پارادایم‌های جدید که در جهت رفع کاستی‌های پارادایم‌های سنتی و نوگرای مدیریت به نیازهای فزاینده و در حال تعییر سازمان و جامعه مطرح شده است، پارادایم فرانوگرا (پست‌مدرن) است. هدف این مقاله، تبیین رهبری در پارادایم فرانوگرا با استفاده از تبیین مؤلفه‌های آن است. در همین راستا، مقاله حاضر با روش تحلیلی - توصیفی، در ابتدا با استفاده از تعاریف رهبری، قدر مشترک تعاریف را که دو عنصر نفوذ و هدایت در راستای اهداف است، به عنوان مؤلفه‌ها و عناصر سازنده رهبری در نظر گرفته و در ادامه به تبیین دو مؤلفه نفوذ و هدایت در رهبری فرانوگرا پرداخته است. نفوذ در رهبری فرانوگرا، فرایند ایجاد نگرش و گرایش در افراد برای ترغیب آنان به منظور حرکت به سمت دست‌یابی به اهداف همراه با میل و اشتیاق تعریف شده است و هدایت، جهت‌دهی و هماهنگی افراد و تیمهای برای اینکه چه وظایفی را انجام دهند و چگونه آن وظایف را انجام دهند، تا بتوانند به اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین شده دست یابند، تعریف شده است. نفوذ در رهبری فرانوگرا با شش اصل اعطای اقتدار توسط گروه به رهبر، درونی بودن منبع تشویق و تنبیه در کارکنان، خودتنظیمی کارکنان، پرداخت برابر به مردان و زنان، وجود چندصدایی و استدلال‌های چندگانه و مشوق‌های گروهی شناخته می‌شود و مؤلفه هدایت با پنج اصل رهبری خدمتگزار، تمرکز زدایی در رهبری، وجود کارراهه‌های مردمخور و زن محور، مردمی و کارمندخور بودن رهبر و الهام‌بخشی رهبر شناخته می‌شود. این مقاله در صدد است با توجه به وجود شباهت ظاهری اصول رهبری فرانوگرا و نگاه اسلام، و لزوم پژوهش در رهبری فرانوگرا، برای رسیدن به یک شناخت صحیح از آن که مرحله‌ای ضروری در جهت رسیدن به شناخت وجوه اشتراک و افتراق دو دیدگاه فرانوگرا و اسلامی است گامی بردارد.

کلیدواژه‌ها: رهبری، فرانوگرایی، نفوذ، هدایت.

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران، t.abbasi@ut.ac.ir

۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام صادق (ع)، nikoo_dialameh@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع)، skavosi@gmail.com، (نویسنده مسئول)

تبیین ابعاد و روش کشف نظریه‌ی اسلامی در دانش مدیریت بر مبنای آرای شهید صدر (ره)

سید صدرالدین حسینی مشهدی^۱، دکتر محمدمهری ذوق‌الفقار زاده^۲

بر اساس آراء شهید صدر (ره) دین اسلام دارای نظریه‌هایی است که موضع کلی اسلام را در هریک از حوزه‌های زندگی اجتماعی بیان می‌کند. ایشان مبتنی بر یک روش‌شناسی خاص به استخراج نظریه‌های اسلامی در حوزه‌های اقتصاد، بانکداری، سیاست و سنت‌های تاریخی مبادرت ورزیده است. ماهیت عمومی روشی که وی برای استخراج این نظریه‌ها بکار گرفته است، زمینه مساعدی را برای کشف نظریه اسلامی در سایر حوزه‌ها از جمله مدیریت فراهم می‌آورد. در این نوشتار، با هدف تبیین «ابعاد» و «روش» نظریه‌سازی اسلامی بر مبنای آراء شهید صدر، ضمن واکاوی ابعاد نظریه‌پردازی در آثار ایشان با تمرکز بر دانش اقتصاد و با توجه به تفاوت‌های ماهوی دانش‌های اقتصاد و مدیریت، وجود این ابعاد، در دانش مدیریت تشریح می‌گردد. تبیین روش این نظریه‌سازی و کاربست آن در مدیریت از دستاوردهای مهم پژوهش حاضر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کشف نظریه‌ی اسلامی در مدیریت مستلزم استفاده از روش تفسیر موضوعی قرآن کریم در جهت پاسخ به سوالات حاصل از تجربیات بشری در دانش مدیریت است. عبور از مراحل این روش که در سه مرحله اصلی ۱) حرکت از موضوع عینی به نص، ۲) حرکت از مدلول جزئی به مدلول مشترک و کلی و ۳) حرکت از سلیقه شخصی به واقعیت، خلاصه می‌شود؛ پژوهشگر را به شناخت «مکتب مدیریتی اسلام»، «نظام مدیریتی اسلام» و «علم مدیریتی اسلام» رهنمون می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: نظام، مکتب، روش‌شناسی واقع‌گرای روش موضوعی، نظریه‌پردازی.

۱. مدرس دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد، نویسنده‌ی مسئول، Hosseini.mgt@gmail.com
۲. استادیار گروه بین‌رشته‌ای دانشکده علوم و فنون نوین دانشگاه تهران، zolfaghari@ut.ac.ir

تبیین نقشه‌ی مدیریت جهاد فرهنگی در تشکل‌های فرهنگی با تکیه بر اندیشه‌ی مقام معظم رهبری (مدخله‌العالی)

غلام‌رضا گودرزی^۱، محمد رحیمی کلیشادی^۲

فرهنگ یک مسئله‌ی اساسی برای هر جامعه‌ای است پس مدیریت آن نیز امری مهم و ضروری است. اگرچه تدوین نقشه‌ی مهندسی فرهنگی و اصلاح سیاست‌ها و ساختارهای سیاسی و اجتماعی بر محور فرهنگ صحیح اسلامی یکی از لوازم حرکت به سمت فرهنگ مطلوب است، اما تا وقتی که مدیران و فعالان فرهنگی درک درستی از مدیریت جهاد فرهنگی و ابزار و وسائل آن نداشته باشند، مشکلی از فرهنگ حل نخواهد شد. هدف این مقاله ارائه‌ی یک نقشه‌ی جامع و کامل در زمینه مدیریت فرهنگی در نهادها و تشکل‌های فرهنگی است. چراکه مقام معظم رهبری «مدخله‌العالی»، در سال‌های اخیر، تأکید ویژه‌ای بر شکل‌گیری جبهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی داشته‌اند. این نقشه شامل دو بخش فرآیند مدیریت جهاد فرهنگی و اصول مدیریت جهاد فرهنگی می‌باشد. فرآیند مدیریت جهاد فرهنگی شامل یک چرخه‌ی چهار مرحله‌ای است که از چهار بخش به ترتیب: شناخت، برنامه‌ریزی، اقدام و ارزیابی تشکیل شده است. و اما بخش دوم یعنی اصول حاکم بر مدیریت جهاد فرهنگی که از دو بخش اصول محتوایی و اصول مدیریتی تشکیل شده است. منظور از این اصول، همان دستورالعمل‌ها، قواعد و معیارهای کلی حاکم بر فرهنگ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت جهاد فرهنگی، فرآیند مدیریت جهاد فرهنگی، اصول مدیریت جهاد فرهنگی، تشکل‌های فرهنگی.

۱. دانشیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) rgodarzi@yahoo.com
۲. دانشجوی دوره‌ی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) rahimi9293@gmail.com

بررسی انتقادی دیدگاه نظریه‌های سازمان و مدیریت در باب انسان بر اساس انسان‌شناسی قرآنی و مفهوم حیات متالهانه

محمد ذاکری^۱، اسماعیل اسدی^۲

با ورود به قرن بیست و یکم از نیروی انسانی به عنوان شریک استراتژیک و بالرزش ترین سرمایه سازمان‌ها یاد می‌شود، به عبارتی منابع انسانی در سازمان‌های امروزی جایگاه محوری پیدا کرده و عملی استراتژیک برای اداره سازمان‌ها قلمداد می‌شود. قبل از هر نوع اظهارنظری در این خصوص اعم از تغییر، تحول و تعالی انسان، می‌بایستی نسبت به شناخت او اقدام نمود. لذا شناخت انسان از اهمیت بیویژه‌ای در میان علماء مکاتب مختلف برخوردار بوده و دانشمندان مختلفی را به خود مشغول ساخته است. به طوری که در تعالیم ادیان آسمانی بهویژه اسلام، پس از مسئله خدا، «انسان» محوری ترین مسئله به شمار آمده و آفرینش جهان، فرستادن پیامبران و نزول کتاب‌های اسلامی، برای رسیدن به او به سعادت نهایی اش صورت گرفته است.

در این مقاله که با استراتژی کیفی، جهت‌گیری انتقادی و روش کتابخانه‌ای تدوین شده است، دیدگاه مکاتب غربی و اسلامی در مورد وجود و ماهیت انسان بهویژه از جنبه تأثیرگذاری بر نظریه‌های نسل‌های مختلف علم مدیریت طرح، و مورد مقایسه و تحلیل انتقادی قرار گرفته است و همچنین تلاش شده است تا با اینتا به مفهوم قرآنی «حی متاله» و تأکید بر دیدگاه‌های علامه جوادی آملی، ضمن تبیین برخی از نارسایی‌های این مفروضات و نظریه‌ها، نگاهی جامع و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی به انسان ارائه شده تا راهگشای طرح نظریه‌های آنی مدیریت گردد..

کلیدواژه‌ها: انسان، انسان‌شناسی، مدیریت، اسلام، حی متاله.

۱. استادیار، گروه مدیریت، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول) m.zakeri@riau.ac.ir
۲. استادیار، دکتری مدیریت دولتی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه هوانی شهرید ستاری esmaeil.asadi@gmail.com

راهبرد تصمیم‌گیری شبکه‌ای دین نقطه عطف تحول در مدیریت خرد و کلان جامعه

محمدحسین گلکار^۱، سید مصطفی حسنی^۲، علی حجازیان^۳

بر اساس نقشه تمدن نیاز با الگوی توسعه و پیشرفت و برای تحقق الگو نیاز به سیستم‌ها و ساختارهای مناسب تمدن ساز داریم. در بین سیستم‌ها و ساختارهایی که عمدتاً از علوم انسانی به دست می‌آید سیستم مدیریت به علت تأثیرگذاری در تمام ساختارهای اداره‌کننده اجتماع نقش حیاتی ایفا می‌کند. عقلانیت بشر دریافته که برای رسیدن به موفقیت در تمام عرصه‌های خرد و کلان زندگی نیاز به مدیریت داریم لذا برای عرصه‌های مختلف، علم مدیریت را تدوین نموده است.

بانگاه سیستمی به مدیریت به این نتیجه می‌رسیم که نقطه مرکزی مدیریت صحیح اتخاذ مدل تصمیم‌گیری مطلوب در مدیریت می‌باشد. و با نگاه سیستمی اسلام به فرآیند مدیریت به این نتیجه می‌رسیم که نقطه مرکزی تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری شبکه‌ای است.

از آنجانی که کل ذرات نظام هستی به صورت شبکه‌ای درهم‌تنیده با هم ارتباط دارند و بر هم نیرو وارد می‌کنند لذا در مدیریت مطلوب انسان خود را در برابر ضرورت تصمیم‌گیری شبکه‌ای با ملاحظه همهٔ فعل و انفعال‌ها بین تمام اجزاء هستی می‌باید. انسان هر تصمیمی که می‌گیرد در حقیقت با کل نظام هستی ارتباط دوطرفه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری برقرار می‌کند و با هر تصمیمی می‌تواند معادلات ارتباطی خود با کل شبکه هستی را تغییر دهد و با تنظیم صحیح معادلات ارتباطی با هستی به سمت هدف حرکت کند.

کلیدواژه‌ها: تمدن، موفقیت، تفکر سیستمی، مدیریت، تصمیم‌گیری، شبکه هستی، تنظیم ارتباطات.

۱. محصل درس خارج حوزه و مدرس سطح یک و دو حوزه و محقق و مدرس و عضو هیئت‌علمی و مدیر کارگروه تحقیقاتی شهرسازی اسلامی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، mhgolkar@yahoo.com

۲. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه خراسان و مدرس و عضو کارگروه تحقیقاتی شهرسازی اسلامی و عضو هیئت‌علمی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، Mostafa4hasani@gmail.com

۳. کارشناس ارشد شهرسازی، عضو کارگروه تحقیقاتی شهرسازی اسلامی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام.

معماری سازمانی اسلامی، ضرورت حیاتی ساخت دولت و تمدن اسلامی

جواد سالمی^۱

معماری سازمانی به عنوان طراح سازمان‌ها و دولت‌های آینده توانایی چینش متغیرها برای ایجاد سازمان‌های مطلوب را دارد. سازمان و دولت غربی و اسلامی دارای تعاریف، ماهیت و اهداف متفاوتی هستند و معماری سازمانی موجود نمی‌تواند هر دو نوع سازمان و دولت را طراحی و پیاده‌سازی کند و خروجی آن تنها یک «سازمان لیبرال» خواهد بود. به همین جهت معتقدیم فرآیند دولت سازی اسلامی با معماری سازمانی فعلی دچار کندی شده است و ما برای اجرای سیستم‌های دینی و ایجاد دولت و تمدن اسلامی باید به دنبال پی‌ریزی «معماری سازمانی اسلامی» باشیم. همچنین به دلیل «بن‌بست سطوح سازمانی و محتوایی مدل‌های توسعه غربی» استفاده از معماری سازمانی غربی کاملاً غیرعقلانی است؛ چنان‌که تجربه شکست نزدیک به دو دهه معماری سازمانی در ایران نیز دلیل دیگری بر این مطلب است. البته معتقدیم این شکست پرهزینه به دلیل اشکالات اجرایی و در سطح تاکتیک نیست؛ بلکه به دلیل تفاوت در زیرساخت‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی ایران با غرب در بهترین حالت‌های اجرایی نیز نتیجه همان شکست خواهد بود. پیوست عمیق محتوا یا همان مدل‌های اجرایی با ساختار یعنی سازمان‌ها در دولت اسلامی دلیل دیگری است که ضرورت معماری سازمانی اسلامی را حیاتی می‌کند. دلیل آخری که تن دادن به سازمان‌ها و معماری سازمانی غیر اسلامی را کاملاً غیرموجه می‌کند، ارتباط وثيق سازمان‌ها با تحقق سبک زندگی اسلامی- ایرانی و ظهور جامعه اسلامی است. بنابراین استنباط اصول و کلیات معماری سازمانی اسلامی برای ادامه انقلاب اسلامی و ایجاد دولت اسلامی حیاتی است تا مخصوصاً بتوانند براساس آن اقسام چهار چوب‌ها را برای سازمان‌های مختلف را فرموله کنند.

کلیدواژه‌ها: دولت اسلامی؛ سازمان لیبرال؛ معماری سازمانی لیبرال؛ سازمان اسلامی؛ معماری سازمانی اسلامی.

۱. طلبه حوزه علمیه اصفهان، سطح دو، javad.114113@gmail.com

کمپیوون ٹڪنوليوجي
فتھ و حقوق اسلامي

۲۹ چکیدہ مقالہ

بررسی مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق بشر

محمد طادی^۱، رضا جلالی

اعلامیه جهان حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ متولد شد. متنی شامل یک مقدمه و ۳۰ بند. تأثیرگذارترین میثاق بشری که در طول تاریخ به اجماع رسیده است. متنی که شرایط آینده بسیاری از کشورها و ملت‌ها را تغییر داد. جنگ‌های بسیاری بر سر مسئله حقوق بشر خ داده است. برای دفاع از حقوق بشر و بسیاری به بیانه دفاع از حقوق بشر. حقوق بشر همان قدر که خوب است به همان اندازه می‌تواند مخرب باشد. بستگی به برداشت‌ها دارد. تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل برداشت‌های گوناگونی از مقوله حقوق بشر دارند. ریشه بسیاری از تنازعات در نوع و زاویه نگاه به مسئله حقوقی بشر خلاصه می‌شود. حقوق بشر چیست؟ اما این بار از نگاه مکاتب مختلف روابط بین‌الملل باید قبول کنیم که نوع نگاه مسئله را به کلی تغییر می‌دهد. در این مقاله تلاش شده با بررسی تطبیقی مبانی حقوق بشر اسلامی با اعلامیه جهانی حقوق در این مقاله تلاش شده است با توجه به تعاریف صحیح و بومی از مبحث حقوق بشر و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر نقاط اشتراک و اختلاف را مشخص نمود و در انتهای با بررسی این نکات به راه حلی دست یافت که علاوه بر بهبود شرایط حقوق بشری در داخل، اختلافات را با سازمان‌های حقوق بشری از جمله کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متعدد به حداقل رساند و فعالیت سازنده‌ای انجام داد.

در انتهای باید توجه داشت علاوه بر سازمان‌های حقوق بشری نظر افکار عمومی و رسانه‌ها هم بسیار در روند شرایط سیاسی یک کشور مثل ایران دخیل است. برای همین راه کارهایی هم برای بهبود نظر افکار عمومی در رابطه با وضعیت حقوق بشر در ایران را ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، قوه قضائی

طراحی نظام جامع حمایت خانواده

فرج الله هدایت‌نیا^۱

تحکیم خانواده از طریق پیشگیری یا ساماندهی مشکلات آن دغدغه مهم مسئولان نظام ج.آ. ایران و کارشناسان مسائل اجتماعی است. طرح‌های متنوعی نیز تاکنون از سوی کارشناسان علوم مختلف برای آن ارائه گردیده است. اما به علت چندلایه بودن مشکلات خانواده، طرح‌های تک‌ساختی متخصصان علوم مختلف نتوانست آن طور که انتظار می‌رود برای مدیریت مشکلات خانواده مؤثر باشد. در یک رویکرد میان‌رشته‌ای و با بهره‌گیری از علوم مرتبط با خانواده، مناشی آسیب‌های خانواده شناسایی گردیده و متناسب با آن نظام جامع حمایت از خانواده طراحی می‌گردد. این طرح مناشی مشکلات خانواده را به نادانی، ناتوانی، نافرمانی بازگردانده و متناسب با این آسیب‌های سه‌گانه، سه راهبرد کلان آگاهی‌بخشی، توان افزایی، و داوری برای مهار آن‌ها موردنرسی قرار گرفته و راهکارهای اجرایی هر یک تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: طرح، نظام، جامع، حمایت، خانواده.

۱. عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی Hedayat47@gmail.com

جایگاه حقوق طبیعی در نظام حقوق شیعی

ایمان سهرابی^۱

اندیشه حقوق طبیعی در گذر تاریخ، تحولات شگرفی به خود دیده است. زمانی مبانی نظری دولت‌ملتهای از امریکا تا اروپا و آسیا را شکل داد و زمانی دیگر کم فروع گشت و کچ عزلت گزید. در همه این سال‌ها اما حقوق طبیعی پابرجا بود؛ تعییر نکرد و تبدیل نشد؛ در بازه‌های زمانی مختلف تفسیر شد و این‌گونه قرائت‌های مختلف از آن شکل گرفت. مبانی حقوق طبیعی نیز پایدار بود و هست؛ مبانی که وسیله کشف و نقد حقوق طبیعی قرار گرفته است. در این بین پژوهایی از تئوری حقوق طبیعی در مبانی نظام حقوق اسلامی به چشم می‌خورد. با این حال از تطبیق مبانی حقوق طبیعی با نظام حقوق شیعی دانسته می‌شود که این دو شباهت‌های چشمگیری دارند هرچند نمی‌توان هر دوی آن‌ها را به یک دیده نگریست.

کلیدواژه‌ها: حقوق طبیعی، اسلام، عقل، کشف.

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی Hedayat47@gmail.com

تأثیر جایگاه اجتماعی مجرمین در تعیین کیفر

محمد رضایی^۱

قبل از ظهور دین مقدس اسلام، دادگاهها به تعییت از طبقات اجتماعی افراد، دارای سلسله مراتب بوده و جایگاه اجتماعی افراد در تعیین نوع و میزان مجازات تأثیر زیادی داشت. در این نوشتار، تأثیر جایگاه اجتماعی مجرمین در تعیین کیفر، با رویکرد توصیفی و تحلیلی بررسی می‌شود. گرچه مکاتب کلاسیک حقوق کیفری، تأکید فراوان بر اصل مساوات داشت. اما به مرور زمان دانشمندان پی برند که این نظر را حل مناسبی برای جلوگیری از جرائم، تحقق عدالت، اصلاح و درمان مجرمین، باز اجتماعی شدن آن‌ها نبوده و باید راهکار جدیدی را پیدا نمود. بر اساس یافته‌های این تحقیق اصل فردی کردن مجازات، عدالت کیفری، اصل احتیاط و تفاوت افراد در موقعیت اجتماعی به عنوان مبانی تأثیر جایگاه اجتماعی افراد بر تعیین کیفر ذکر شده و عواملی مانند قدرت، ثروت، وضعیت خانوادگی و جغرافیا که تشکیل دهنده جایگاه اجتماعی است بر نحوه رفتار قضات و تعیین کیفر از سوی ایشان تأثیرگذار است. سیره معصومین (ع) نیز نشان می‌دهد که ایشان نیز در هنگام تعیین مجازات اوضاع و احوال مجرمین را در نظر گرفته و مناسب با روحیات و جایگاه اجتماعی آن‌ها تصمیم می‌گرفتند. از سوی دیگر نظام تعزیرات در اسلام، نیز جهت برقراری تناسب بین جرم و وضعیت روحی و روانی بزهکاران تأسیس شده و می‌توان ادعا کرد که تعبیر «بمایراه الحاکم» از چنان گسترده‌گی برخوردار است که برخورد با بزهکاران دارای منزلت اجتماعی را نیز شامل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جایگاه اجتماعی، عدالت کیفری، فردی کردن مجازات و اصل احتیاط.

۱. طلبه سطح چهار و دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، rezhadi@gmail.com

ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح هسته‌ای در شرایط اضطرار جنگی

احمد احسانی فر^۱

سلاح هسته‌ای به عنوان مخوفترین و مخاطره‌آمیزترین جنگ‌افزار در اختیار بشر، منشأ تحولات بسیاری در حوزه‌های امنیتی، سیاسی و نظامی بوده است. استفاده از این سلاح در شرایط گوناگون جنگ در دو داشت حقوق و اخلاق بر اساس مکاتب مختلف فکری با آرای متفاوتی مواجه شده است. به همین صورت در حقوق اسلام و مشارب گوناگون فقه اسلامی، استفاده از سلاح هسته‌ای در حالات و عرصه‌های گوناگون جنگ می‌تواند محل بحث و گذراش قرار گیرد. بر اساس ادله موجود در دستگاه فقه امامیه، ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای که بهمانند سلاحی عام الاحلاک و عام الافساد عمل می‌کند، در شرایط عادی جنگ با کمتر ابهامی مواجه است. بلکه در تمامی مکاتب حقوقی و اخلاقی، استفاده از این سلاح در دو حالت جنگی با بیشترین چالش‌ها و انگاره‌ها مواجه شده است که عبارت از از حالت مقابله‌به‌مثل و حالت اضطرار. در حالت نخست، دشمن در ابتدا از این سلاح بهره می‌گیرد و استفاده ثانوی علیه دشمن می‌تواند محل تدقیق قرار گیرد. در حالت دوم، جنگ از وضعیت عادی عبور کرده و دشمن در آستانه غلبه قرار دارد و اگر علیه دشمن از سلاح هسته‌ای استفاده نشود باید منتظر شکست قریب الوقوع بود. مقاله پیش روی بر موضوع دوم تمرکز می‌باشد و در تلاش است تا با رویکرد فقهی، پاسخگوی این سؤال باشد که اگر نزاع و درگیری چنان شدت یابد که لشکریان مسلمان در آستانه شکست قرار گیرند و برای ممانعت از غلبه دشمن راهی بهز استفاده از سلاح هسته‌ای باقی نماند، آیا مقتن نظام تشریعی اسلام چنین استفاده‌ای را در این شرایط مجاز قلمداد می‌کند یا کماکان بر حرمت و ممنوعیت آن پای می‌فشارد.

کلیدواژه‌ها: سلاح هسته‌ای، اضطرار، التحام، بیضه اسلام، حکومت اسلامی.

۱.دانشجوی دکترای حقوق خصوصی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
ehsanifarhamad@gmail.com

تمایز در راههای رسیدن به ارزش و کمال معنوی، به مثابه مبنای تفاوت حقوق زن و مرد

احمدعلی نیازی^۱

حقوق به طور عام و تمایزات حقوقی زن و مرد می‌تواند با ویژگی‌های زیستی، مصالح اجتماعی، ویژگی‌های روانی و رفتاری پیوند داشته باشد. در این پژوهش محور بحث پیوند اخلاق و حقوق است و سخن در این است که آیا حقوق با سعادت و کمال اخلاقی ارتباط دارد یا خیر؟ و دیگر این که این پیوند بین مسائل دو حوزه معرفتی چه نقشی می‌تواند در تساوی یا تمایزات حقوقی زن و مرد داشته باشد؟ از آنجاکه بررسی نظام ارزش‌شناسنامی و انسان‌شناسنامی اسلام نشان دهد که در نگرش اسلام دنیا، مزرعه آخرت و کارکرد دنیا، فراهم ساختن زمینه کسب کمال حقیقی برای انسان است، اخلاق و حقوق نمی‌تواند بریده از هم یا ناسازگار و در تقابل باهم باشند. اسلام در همه ابعاد، از جمله در نظام حقوقی خود، ارزش محور است و اصول اخلاق و کمال نفسانی پایه‌های ارزشی حقوق اسلامی را تشکیل می‌دهند. این تلازم درباره حقوق خانواده اهمیتی مضاعف می‌باشد؛ چراکه قواعد خشک حقوقی هیچ‌گاه نمی‌توانند اهداف خانواده را که تعاون، آرامش، همدلی و همراهی است، تضمین نمایند. با وجود عدم تمایز زن و مرد در اصل امکان کسب سعادت و کمال ارزشی، برخی قرائناً و شواهد بر تفاوت دو جنس در راههای رسیدن به کمال و مصاديق ارزش‌ها وجود دارد. عدم تمایز در اصل استعداد رسیدن به سعادت، مستلزم این نیست که راه رسیدن به آن نیز برای همه یکسان باشد؛ چراکه تمایزات تکوینی دو جنس و تفاوت در کارکرد و نقش‌ها ممکن است در راههای رسیدن به سعادت تمایز ایجاد کند و در برخی موارد، ابزار کسب سعادت برای دو جنس، همسان نباشد.

نتیجه این پژوهش آن است که با وجود زمینه‌های فطری برای دو نوع اخلاق زنانه و مردانه، و نیز کارآمدی روشن دو نوع اخلاق در استحکام خانواده، آرامش روانی همسران، دستیابی به ارزش‌های مطلوب اسلام، نیاز به تلاش و برنامه‌ریزی و فراهم آوری زیرساخت‌ها دارد؛ چراکه تمایزات رفتاری و اخلاقی زنان به صورت جبری و از نوع علت

۱. پژوهشگر و استاد دانشگاه

تامه نیست؛ بلکه از نوع اقتضاء است که نیاز به حمایت دارد. برای فراهم شدن زیرساخت‌ها باید نخست تعلیم و تربیت مناسب طراحی شود که این موضوع از بحث ما خارج است. اما یکی دیگر از راهکارهای حمایت از ارزش‌ها و تقویت آن در اسلام تمایز حقوقی زن و مرد است. این تمایز در نظام حقوقی اسلام در حقوق مالی، حقوق جنسی، حقوق سیاسی و حقوق مدنی *فی الجمله* تجلی یافته است.

کلیدواژه‌ها: ارزش، کمال، زن، مرد، حقوق، اخلاق و تفاوت.

حمایت کیفری از زنان بزه دیده در نظام حقوقی افغانستان

لیاقت‌علی‌امینی^۱

در یک ساختار اجتماعی، زنان تشکیل‌دهنده یک رکن اساسی آن است. اگر این رکن، آسیب‌پذیر گردد، همه ساختار از آن آسیب‌دیده و به جای انسجام و پیشرفت، دچار رجعت و قهقهرا می‌گردد. شواهد عینی نشان می‌دهد که زنان در افغانستان از آسیب‌پذیرترین قشر جامعه بوده و از عوامل گوناگون موجود در بستر اجتماع متاثر و با انواع بدختی‌ها دچار می‌گردند.

تحقیق حاضر پس از ارزیابی علل و عوامل بزه دیدگی زنان، حمایت‌های راهبردی که شامل حمایت‌های حقوقی، سیاسی و قانونی می‌شود را با استناد به قوانین و مقررات و نیز استناد بین‌المللی از زنان افغانستان طرح کرده است. در مرحله پایانی این تحقیق، حمایت کیفری مستند به قوانین جزایی افغانستان به شمول قانون منع خشونت علیه زن به حیث اثرگذارترین اقدام حمایتی موربدیحث قرار گرفته و بر ضرورت حمایت همه‌جانبه از زنان بزه دیده در افغانستان تأکید به عمل آمده است.

کلیدواژه‌ها: بزه دیده، زنان، حمایت کیفری، افغانستان، استناد بین‌المللی.

۱. ماستر حقوق جزا و جرم‌شناسی

بررسی نفقه زوجه در حقوق افغانستان

مرضیه زکیزاده^۱

در نظام حقوقی اسلام، به منظور استحکام نظام خانواده، حقوق و وظایفی متوجه طرفین عقد نکاح می‌باشد. یکی از این حقوق، حق نفقه زن است که مرد مکلف به پرداخت آن است و صراحت آیات و روایات به این مطلب دلالت می‌کند. نفقه به معنی تأمین نیازمندی‌های متعارف معيشتی زوجه است که از جهت دامنه مفهومی، مصاديق، وضعیت نفقه زوجه پس از انحلال نکاح، موانع و موارد سقوط نفقه‌ی زوجه، ضمانت اجرای عدم پرداخت و غیره نیازمند بررسی‌های فقهی و حقوقی می‌باشد که مقاله حاضر به بررسی این مباحث پرداخته است. همچنان با توجه به اینکه یکی از روابط مالی زوجین در حقوق خانواده مسئله نفقه است و در عقد نکاح دائم، تأمین نیازهای اساسی زوجه طبق شرع و قانون بر عهده همسر وی است لذا ضرورت واکاوی این مسئله فزون‌تر مورد توجه واقع شده، به خصوص اینکه مسئله حقوق زن در افغانستان به علت آشagnetی‌های زیاد در سه دهه گذشته، همیشه در حالت وخیم بوده است و تاکنون به‌طور جامع و مانع موردنگرفته است.

کلیدواژه‌ها: نفقه، حقوق مالی، زوجه، خانواده، انحلال نکاح، ضمانت اجراء.

سه رویکرد به عدالت در فقه امامیه

(احمدعلی علیزاده (صادقی))

این مقاله پس از یک بحث کوتاه مقدماتی یعنی: تعریف و نگاه کلی به عدالت و جستجوی مظان این بحث در فقه امامیه، به بررسی سه رویکرد به عدالت در فقه امامیه پرداخته و با ارائه برخی شواهد از گفتار شماری از فقیهان به این نتیجه رسیده که فقهای امامیه به یکی از سه رویکرد در بحث عدالت عنایت داشته‌اند: نگاه حداقلی، حد میانی و حد اکثری به عدالت، و سپس با استناد و اشاره به دیدگاه برخی از فقهای شیعه و نیز طوایفی از نصوص دینی قرآنی و روائی و تبیین قرائت حد اکثری از عدالت در فقه شیعه، این رویکرد را برگزیده و به این نتیجه و جمع‌بندی رسیده که نظریه حد اکثری عدالت در فقه امامیه از دل نصوص دینی و آرای برخی از فقهاء قابل اصطیاد و استفاده است.

کلیدواژه‌ها: حق، عدالت، عدالت اجتماعی، فقه امامیه، اصول، قانون، فقهاء، حداقلی، حد میانی، حد اکثری.

دعاوی محجورین از نگاه (فقه و حقوق)

خالقداد اسدی

محجورین کسانی هستند که اهلیت تصرف ندارند؛ مانند صغیر، مجتلون، سفیه و مفلس (ورشکسته) بنابراین، آن‌ها صلاحیت اقامه دعوا را که از مصادیق تصرف محسوب می‌شود، نیز ندارند. لکن این مسئله به معنی نادیده گرفته شدن حق اقامه دعوا و مراجعه هر شخص به مراجعت صالح بهمنظور احقيق حق ماهوی تضییع شده‌ی خود نیست، فقه و حقوق راهکار دیگری برای صیانت از حقوق محجورین و اشخاص فاقد اهلیت قانونی برای اقامه دعوا، در نظر گرفته است و دعوای آن‌ها از سوی اشخاصی که عنوان سمت نمایندگی از قبیل ولايت، قیومیت، وکالت و غیره دارند، طرح و پیگیری خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: محجورین، دعواه محجورین، ولايت، قیومیت و وکالت.

اصل بی طرفی قاضی و ضمانت اجرای آن (از منظر فقه و حقوق)

خالقداد اسدی

اصل بی طرفی قاضی، نگاه مساوی و غیرجانبدارانه داشتن دادرس به طرفین دعوا است. و قاضی حق ندارد در فرایند دادرسی، از جاده بی طرفی خارج شده اقدام به اعمالی نماید که در اثر آن احتمال پیروزی یکی از طرفین دعوی بیش از طرف دیگر گردد. هدف از این تحقیق که با روش تحلیلی و کتابخانه‌ای انجام شده، بررسی دیدگاه‌های فقه و حقوق نسبت به اصل بی طرفی قاضی است که در هردو دیدگاه مورد توجه می‌باشد و به منظور رعایت این اصل در دادرسی، ضمانت اجراهایی پیش‌بینی گردیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: دادرس، بی طرفی، آداب قضاؤت و جهات رد دادرس

اعاده حیثیت و باز جامعه پذیری مجرمان

عبدالکریم اسکندری^۱

یکی از نهادهای مهم حقوقی اعاده حیثیت است که به دو صورت قانونی و قضایی در نظامهای حقوق کیفری بروز یافته است. هدف از تأسیس این نهاد جبران ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از هتك حیثیت افرادی است که قربانی اشتباهات قضایی گردیده یا محاکومیت قضایی یافته‌اند و هم‌چنین محو ساختن آثار محاکومیت کیفری اشخاصی است که به دنبال ارتکاب جرم و محاکومیت کیفری حتی با تحمل مجازات به‌طور کامل، از حقوق اجتماعی و سیاسی محروم شده‌اند و ادامه این محرومیت علاوه بر این که مغایر با عدالت و انصاف است به سود جامعه نیز نخواهد بود. اعاده حیثیت تدبیری است برای تسهیل حضور آن‌ها و اعمال رأفت اسلامی و انسانی تا مجدداً به جامعه بازگشته و از حقوق اجتماعی و شهروندی بهره‌مند شوند. این نهاد حقوقی از مبانی متفقی مانند جبران خسارت مادی و معنوی، حفظ حیثیت و کرامت انسانی و تربیت‌پذیری انسان در نظام اسلامی، برخوردار و رابطه نزدیک با نهاد «تبه» در فقه اسلامی دارد و لذا در اصلاح، باز جامعه پذیری مجرم و پیشگیری از ارتکاب جرم نقش ارزنده ایفاء می‌کند. قانون گذار باید با توجه به مبانی، آثار و کارکرد اعاده حیثیت مقررات واضح و روشنی را تصویب کند تا از یکسو زمینه طرح شکایات مغرضانه و بی‌اساس از میان بود و قاضی ملزم گردد که نهایت دقت و جامع‌نگری را در صدور حکم و محاکومیت کیفری به کار بند و از سوی دیگر فردی که بعد از تحمل کامل مجازات اصلاح شده و معاشرت نیکوی از خود بروز داده است بتواند با استفاده از اعاده حیثیت به زندگی شرافتمدانه اجتماعی باز گردد و گذشته تاریک خود را جبران نماید.

کلیدواژه‌ها: اعاده حیثیت، مبانی، آثار، باز جامعه پذیری، جبران خسارت معنوی، کرامت ذاتی و تربیت‌پذیری.

جایگاه اخلاق در مقابله به مثل

حسن هوشمند فیروزآبادی^۱

از میان دین، عقل و هنجارهای اجتماعی هر جامعه با پیش‌فرض گرفتن مذهب به عنوان مبنای منشأ صحیح تر برای اخلاق در پی پاسخ به این سؤال هستیم که اساساً آیا مقابله به مثل فعلی اخلاقی است یا ترک آن و عفو بالأخلاق سازگار است؟ و در صورت مثبت بودن سؤال قبل، در شیوه و کیفیت مقابله به مثل کردن تا چه میزان باید اخلاقی عمل نمود و آیا مخاطب اخلاقی عمل نمودن شخص یا دولت زیان دیده و مورد تعدی قرار گرفته است یا شخص یا دولت متعددی و زیان رساننده و یا هر دو؟

با توجه به رویکردهای مختلفی که نسبت به تأثیر اخلاق بر حقوق وجود دارد و با امعان نظر به امکان بررسی مقابله به مثل در سه حیطه حقوق خصوصی، جزا و بین‌الملل به نظر می‌رسد در مقابله به مثل بین‌المللی هم رویکرد مكافات گرایانه جهت سزاده‌ی دولت متجاوز و هم رویکرد نتیجه گرایانه جهت بازدارندگی دولت‌های دیگر و اربعاب آن‌ها و ناتوان‌سازی دولت متجاوز وجود دارد و از میان نظریات مطرح در فلسفه اخلاق، مقابله به مثل بین‌المللی بیشتر نظریه «وظیفه گرایی» توجیه می‌شود اما در مقابله به مثل کیفری و خصوصی می‌توان رویکرد سزاگرایانه و انطباق با

نظریه «فضیلت محور» را مطرح کرد زیرا در هر دو استحقاق، انصاف و مماثلت بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژه‌ها: مقابله به مثل، فضیلت، اخلاق، مماثلت، وظیفه گرایی.

۱. استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر در فلسفه اسلامی

محمد سالم محسنی^۱

مبانی حقوق بشر یکی از مباحث مهم فلسفه حقوق بشر به شمار آمده و در فهم، تبیین و موجه‌سازی این حقوق نقش اساسی ایفا می‌کند. این مبانی در جهان‌بینی و اندیشه‌های انسان‌شناصانه دینی و فلسفی ریشه دارد. از این‌رو، هر تفسیری از حقیقت انسان و ابعاد وجودی او، به پیدایش نظریه خاصی در مبانی حقوق بشر خواهد انجامید؛ چنان‌که امروزه شاهد پدید آمدن نظریه‌های گوناگون در این مسئله هستیم. اندیشمندان غربی مبانی حقوق بشر را به صورت جدی به بررسی گرفته و درباره آن نظریه‌پردازی کرده‌اند، اما در فلسفه اسلامی به آن پرداخته نشده است. پژوهش حاضر، این بحث را در فلسفه اسلامی پی‌می‌گیرد. نگارنده مبانی حقوق بشر را در فلسفه اسلامی به مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی طبقه‌بندی کرده و بحث را به مبانی انسان‌شناختی آن اختصاص می‌دهد. از آنجاکه آموزه‌های انسان‌شناسی فلسفه اسلامی بر محور ذات انسان و استعدادها و نیازهای او در ارتباط با مبدأ و هدف آفرینش سامان یافته است، در این نگارش اصل خدامحوری، استعدادهای فطری بشر، هدفمندی خلقت و کمال خواهی انسان به عنوان مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر تلقی شده و مورد استنباط قرار می‌گیرند. با این بیان، مبانی حقوق بشر در منظومه فکری فلسفه اسلامی، مبانی فطری خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: فلسفه حقوق بشر، مبانی حقوق بشر، مبانی انسان‌شناختی حقوق بشر، مبانی فلسفی حقوق بشر، نظریه‌های توجیهی حقوق بشر.

۱. دکترای فلسفه اسلامی و پژوهشگر فلسفه حقوق؛ ms.muhseni@yahoo.com

ادله اثبات نسب و اثبات آن به وسیله آزمایش ژنتیک در فقه امامیه و حقوق ایران

حوالعرب انصاری^۱

اثبات نسب در حقوق خانواده دارای اهمیت بسیاری است که آثار مهمنی نیز بر آن مترب می‌باشد. امروزه با پیشرفت علم امکان استفاده از آزمایش‌های ژنتیک در دعاوی اثبات نسب وجود دارد. فقط در حجت این آزمایش‌ها بین علماء اختلاف وجود دارد. عده‌ای این آزمایش‌ها را در صورتی می‌پذیرند که علم آور باشد و پذیرش آن را مشروط به علم آور بودن کرده‌اند. و عده‌ای بهطور کلی آزمایش‌های ژنتیک را به عنوان یکی از ادله اثبات نسب حجت نمی‌دانند. و این پژوهش ابتدا به بررسی ادله اثبات نسب پرداخته و هریک از آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. با این حال به دلیل غیر انحصاری بودن ادله اثبات نسب و ظنی بودن آن‌ها می‌توان از آزمایش‌های ژنتیک هم به عنوان دلیل، جدید در دعاوی اثبات نسب، استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: اماره، نسب، اثبات نسب، اقرار، اماره فراش، آزمایش، آزمایش ژنتیک.

۱. طلبه کارشناسی ارشد رشته فقه و اصول، مرکز آموزش عالی حوزه علمیه امام صادق (ع) شاهروود، maryamansari313@gmail.com

ضمانات از نفقة آینده زوجه و آثار آن

اصغر زیرک باروچی^۱

ضمانات از دین آینده به جهت اینکه سبب دین هنوز محقق نشده، مردود شمرده شده است. از این رهگذر، نظر مشهور فقهاء، نفقة را همانند عوض یا شبه عوض در برابر تمکین قرار داده و آن را مشروط به تمکین نموده‌اند. یعنی قوع عقد نکاح، وجوب نفقة را موجب نخواهد شد؛ بلکه وجوب نفقة متوقف بر تمکین تام زوجه می‌باشد. بنابراین، به دلیل رابطه معاوضی نفقة و تمکین و شرطیت تمکین در وجوب نفقة و تحقق آن با تمکین آتی زوجه، ضمانات از نفقة‌ی آینده زوجه باطل اعلام شده است. اما نظر غیر مشهور بر این است که سبب تامه و جوب نفقة، عقد نکاح بوده و به مجرد قوع عقد نکاح، پرداخت نفقة بر زوج واجب می‌شود و نشووز زوجه صرفاً مانع وجوب نفقة است. همچنین، نفقة زوجه برخلاف نفقة‌ی اقارب، از آثار وضعی عقد نکاح بوده و ماهیتاً حکم وضعی است و بر ذمه‌ی زوج می‌آید و ضمان از عهده و حکم تکلیفی اصولاً پذیرفته نیست اما ضمان از حکم وضعی دین مورد قبول است. در این پژوهش با روش تحلیلی و توصیفی، با تبیین ماهیت نفقة از حیث استقلال آن از تمکین و حق و حکم وضعی بودن آن، ضمن تقویت نظر غیرمشهور فقهاء، ضمان نفقة آتیه زوجه اثبات و آثار حقوقی مترتب بر آن نیز بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نکاح، نفقة، زوجه، تمکین، نشووز.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید مدنی آذربایجان zirak161@gmail.com

حق باز فروش کالا در کنوانسیون بیع بین المللی کالا (۱۹۸۰) و امکان سنجی آن در فقه امامیه

علی اکبر جعفری ندوشن^۱

در نظام فقهی و حقوقی ما، ضمانت اجراهای نقض تعهد در عقد بیع در مواردی همچون حق حبس، الزام به پرداخت، حق فسخ به استناد خیار تأخیر ثمن یا خیار نفلیس و تضامین قراردادی نظری وجه التزام و پیش‌بینی حق فسخ ... خلاصه می‌شود. حال آنکه در کنوانسیون بیع بین المللی کالا علاوه بر ضمانت اجراهای معمول با پیش‌بینی حق باز فروش کالا، این اختیار را به هریک از طرفین می‌دهد که در برابر نقض تعهد دیگری که موجب می‌شود تا مبيع در اختیار طرف دیگر باقی بماند با فروش آن به ثالثی در صدد جلوگیری از خسارات ناشی از نقض تعهد برآید. بررسی این نهاد حقوقی در کنوانسیون مزبور و امکان سنجی تأسیس آن در نظام حقوقی ایران به استناد مبانی فقهی اصل لاصره، قاعده احسان، تقاض، قاعده ضرورت و اضطرار، قاعده شروط ... می‌تواند امکان ایجاد حق باز فروش را در موارد لزوم در مقررات مدنی و تجاری ما فراهم کند.

کلیدواژه‌ها: باز فروش کالا، تأخیر غیرمتعارف، لاصره، احسان، تقاض.

عدم اشتراط عین بودن سرمایه در عقد مضاربه

اسماعیل دارابکلائی^۱، محمدحسین اباذری^۲

عقد مضاربه یکی از پرکاربردترین عقودی است که امروزه در میان مردم، تجار، شرکت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی و بهویژه در بانکداری بدون ربا مورد توجه واقع شده است. مضاربه را همچوی مهمن و حیاتی برای به کارگیری سرمایه و نیروی کار در جامعه است. دیدگاه مشهور در رابطه با یکی از ارکان این عقد این است که سرمایه و رأس المال در آن باید عین باشد. این نظر پیامدهایی همچون کاهش رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، تورم و رکود اقتصادی در جامعه را ببار خواهد آورد؛ زیرا با انحصار مضاربه در اعیان، دایره این عقد بسیار مهمن ضيق شده و سبب خروج دو مورد از مهم‌ترین بخش اموال یعنی «دین» و «منفعت» از مضاربه می‌شود. ما در این مقاله با بررسی ادله مشهور فقهاء، نظریه ایشان را مورد تردید قرار داده و با ارائه مستندات دیگری که در روایات، عمومات و عرف وجود داشته است، دیدگاه عدم اشتراط عین در صحت عقد مضاربه را ترجیح داده‌ایم و در نتیجه اگر رأس المال و سرمایه در عقد مضاربه «دین» یا «منفعت» باشد نیز آن عقد صحیح و لازم الاجراء خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: عقد مضاربه، سرمایه، عین، دین، منفعت.

۱. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید بهشتی،

e-darabkolai@sbu.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد واحد بابل

abazarimb@yahoo.com

حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

محمود شفیعی^۱

منشور حقوق شهروندی که در مورخه ۲۹ آذر سال ۱۳۹۵ در همایش قانون اساسی و حقوق ملت برای ایرانیان عرضه گردید؛ فصل تازه‌ای از ادبیات حقوقی و بررسی حقوق شهروندی را ایجاد نمود؛ چندان که پس از این واقعه بزرگ حقوقی، همایش‌ها، هماندیشی‌ها، گزارش‌ها، مقالات و پژوهش‌هایی منعکس شد تا به نحو احسن بدقنده، تبیین و شرح مواد و مباحث آن بپردازند. نکته‌ی اصلی گفتمان سازی «حقوق شهروندی» در عرض دیگر عرصه‌های حقوقی است؛ چراکه احراق حق بدون اطلاع از وجود حق ممکن نیست، فلذا اگر این منشور بتواند دغدغه حقوقی شهروندان را تبدیل به یک اپیدمی، خواست و اراده عمومی کند توفیق یافته است؛ چندان که در اعلامیه حقوق بشر هم ضمانت اجرایی وجود نداشت، اما به دلیل وجود ارزش‌های اساسی و بنیادین حیات آدمی و نحوه اداره کشور، منجر به ایجاد راهکارهای اجرایی و تضمین‌های حقوقی توسط دولت‌ها شد.

یکی از سرفصل‌های حقوق شهروندی بحث «حقوق زنان» است؛ فلذا در منشور حقوق شهروندی نیز به طور خاص در ۷ ماده از ۲۰ ماده به حقوق زنان اختصاص داده شده است؛ اما در نگاه کلی تر این منشور «به مثابه برنامه و خط‌مشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی ملت ایران» تلاش دارد تا زمینه‌ای را فراهم نماید که زنان از همه حقوق این منشور برخوردار شوند؛ چندان که تمام شهروندان به همین مقدار از این حقوق برخوردارند؛ در نتیجه طبق نام منشور، اصل بر «حقوق شهروندی» است، اما به دلیل حساسیتی که نسبت به زنان وجود دارد - همچون کودکان - به طور اختصاصی حقوقی برایشان ذکر گردیده است؛ که نگارنده در این مقاله تصمیم دارد تا با عنایت به مفاد منشور حقوق شهروندی به صورت محوری و دیگر قوانین اختصاصی که به حقوق زنان اختصاص داده شده است؛ مجموعه‌ای از ابعاد گوناگون حقوق زنان در کشورمان را ذکر و تبیین نماید.

کلیدوازه‌ها: حقوق زنان، منشور حقوق شهروندی، شهروند، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمانت.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی تهران. ۹۱۳@gmail.com@Mahmoud.sh

تطبیق آراء جان فینیس و مرتضی مطهری در زمینه حقوق طبیعی

ایمان سهرابی^۱

اندیشه حقوق طبیعی در گذر تاریخ، تحولات شگرفی به خود دیده است. زمانی مبانی نظری دولت‌ملتهای از امریکا تا اروپا و آسیا را شکل داد و زمانی دیگر کم فروغ گشت و کنج عزلت گزید. در همه این سال‌ها اما حقوق طبیعی پابرجا بود؛ تغییر نکرد و تبدیل نشد؛ در بازه‌های زمانی مختلف تفسیر شد و این‌گونه قرائت‌های مختلف از آن شکل گرفت. مبانی حقوق طبیعی نیز پایدار بود و هست؛ مبانی که وسیله کشف و نقد حقوق طبیعی قرار گرفته است. حلقه آخر این تفاسیر و تحولات شگرف به اکنون می‌رسد؛ زمانی که جان فینیس آخرین نفر از سلسله فیلسوفان حقوق طبیعی کتاب «قانون طبیعی و حق‌های طبیعی» را به رشته تحریر درآورده است. در این بین پرتوهایی از تئوری حقوق طبیعی در مبانی نظام حقوق اسلامی به چشم می‌خورد. مرتضی مطهری از معدود نظریه‌پردازان شیعی نظام حقوق اسلامی است که به تفصیل حقوق طبیعی را کنکاش کرده است. با این حال از تطبیق مبانی حقوق طبیعی با نظام حقوق اسلامی دانسته می‌شود که این دو شباهت‌های چشمگیری دارند هرچند نمی‌توان هر دوی آن‌ها را به یکدیده نگریست.

کلیدواژه‌ها: حقوق طبیعی، اسلام، فینیس، مطهری، عقل، کشف.

۱. کارشناسی ارشد حقوق عمومی im.sohrabi@gmail.com

بررسی نتایج کمرنگ شدن نقش مادری در قوانین داخلی و بین المللی؛ با عنایت به حقوق مادران در آیات قرآن

محمودشفیعی^۱

«مادری» عالی ترین نمود خلقت زنانه است، که اگر در قالب معیارهای صحیح خود صورت گیرد، اوج کمال زن محسوب می‌گردد. با این وجود ما شاهد کم شدن اهمیت «نقش مادری» در دنیای امروز هستیم؛ به طوری که مسبب از هم پاشیدگی بینیان خانواده و همچنین موجب تأثیرات نامطلوب در روند رشد جوامع و پیشرفت در ابعاد مختلف شده است. از طرفی بحث «حقوق بشر بین الملل» از نیمه قرن بیستم رشد دوچندانی پیدا کرده و برای آن اسناد بین المللی بسیاری وضع شده است که در طول تاریخ هر کدام به تکامل رسیده و بحث‌های آن عمیق‌تر و گسترده‌تر و البته چالشی‌تر شده؛ اما با این وجود نیز مشکلات آدمی به طور کامل و جامع حل نگردیده است. لذا نگارنده در این مقاله خواهان اثبات این موضوع است که اگر در قوانین بین المللی موجود پیرامون مقام و نقش مادری تجدیدنظر شود و خلاصه‌ای قانونی موجود با عنایت به فرامین قرآنی پیرامون مقام مادر با مشورت و همکاری متخصصین در علوم مختلف به وسیله تصویب مواد جدید، پُر گردد؛ به طور قطع بخش اعظمی از مشکلات در جوامع و همچنین مباحث حقوقی در کشورمان حل و فصل خواهد شد. این در حالی است که فمینیست‌های افراطی در داخل و خارج از ایران، در حال حاضر تلاش روزافزونی مبنی بر حذف مقام مادری و آزادی جامع و کامل برای زن را در دستور کار خود دارند؛ و از طرفی بدون دقت در تفاوت‌های جنسیتی، خواهان برابری زن و مرد از هر نظر می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: نقش مادری، خانواده، اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، فمینیسم.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه علوم قضایی تهران.
Mahmoud.sh0913@gmail.com

ماهیت سیاست‌های شرعی و اصول استنباط آن‌ها از ادله‌ی شرعی

ابوالحسن حسنی^۱

در این مقاله در پی معرفی جدیدی از برخی آموزه‌های فقهی هستیم که نظام کلی نظام معرفتی و نظام اجرایی فقه را تأمین می‌کنند. این نوع آموزه‌ی فقهی را که با عنوان سیاست‌های شرعی معرفی خواهیم کرد، جهتی کلی را نشان می‌دهد که ناظر به پیامد فعل است؛ نه خود فعل. احکام فرعیه باید به طور مدام و به صورت پیش‌رونده در جهت توسعه‌ی متعلق آن سیاست باشد. این سیاست‌ها، هم‌چون احکام فرعیه باید قابل إسناد به شریعت الهی باشند. با این بیان، پرسش اصلی این تحقیق این خواهد بود که سیاست شرعی چیست و چه سخنی از ادله بر آن دلالت دارند. جامعیت دین مستلزم تعمیمی در موضوع فقه است. بر اساس این تعمیم، علم فقه دانشی برای تبیین نظم شرعی ساخته‌های ارادی است. ساخت ارادی اعم از فعل مکلف بوده و شامل اموری چون ساختارهای سازمانی و اجتماعی شده و نظم شرعی تعمیم «احکام تکلیفی» با توجه به مفهوم اعم «ساخته‌های ارادی» است. با این تعمیم، فقیه باید در جستجوی سیاست‌هایی در ادله‌ی شرعیه باشد که بیانگر جهت‌های اساسی سامان بخشی شرعی به ساخته‌های ارادی هستند.

این سیاست‌ها به تکلیف مستقلی اشاره نمی‌کنند؛ بلکه موضوع آن‌ها همان تکالیف دیگر است و قواعدی برای تعریف وضعیت موقفیت و شکست، تعریف راهبرد و آینده‌بیرونی اند. مفاد ادله‌ای که بیانگر این سیاست‌هاییند، اغلب بیانگر اوصاف شریعت یا اراده‌ی تشریعی اند یا در قالب خطابات مقاصدی بیان می‌شوند. این مقاله دو بخش دارد: در بخش اول ماهیت سیاست‌ها و در بخش دوم ادله‌ی آن‌ها معرفی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست‌های شرعی، نظم شرعی، ساخت ارادی.

۱. مرتبی خبرگان بدون مدرک، a.hassani@chmail.ir

بررسی تطبیقی «حق» و «حکم» با محوریت آراء سید محمد کاظم یزدی و میرزای نائینی

علی شفیعی^۱

دانش فقه؛ دانش مدیریت رفتارهای انسان است که این رفتارها یا برآمده از حقوق اند و یا متعلق احکام اند. به همین جهت می‌توان گفت جغرافیای فقه به صورت حداکثری بین دو مقوله «حق» و «حکم» قرار دارد.

سخن گفتن از دو مقوله «حق» و «حکم» و نسبت سنجی بین آن دو بحثی فلسفه حقی و فلسفه فقهی است که شاید بتوان فهمید چرا این بحث در آراء فقیهان پیشین به صورت برجسته مطرح نبوده است. فلسفه حقوق و فلسفه فقهه هر دو از دانش‌های نوبنیادی – البته با اندکی تفاوت بینشان – هستند که چند دهه پیش نیست که مورد اهتمام و توجه قرار گرفته‌اند.

حق و حکم گرچه در درون فقه و آموزه‌های فقهی قرار دارند؛ اما همان‌گونه که اشاره شد پرداختن به آن دو به صورت علمی پیشینه‌ای کهن ندارد. فقدان سابقه آموزشی و پژوهشی جدی به این مقوله در فقه؛ فقیهان بعدی را در پرداختن به آن بهسختی و رنج انداخته است به‌گونه‌ای که هم در تفاوت مفهوم آن دو و هم در معیارهای تفکیک آن دو گاه سخنانی گاه غیر روشنمند گفته شده است.

حق و حکم و تکلیف در نگاه فقیهان از جامعیت برخوردار نبوده است و تعریف و تلقی ایشان از این مقوله موضوعات و مصادیق نوبنیادی حقوق سیاسی و فرهنگی و فکری را در سیاری از موارد مورد بوشش قرار نمی‌دهد. به گمان نگارنده یکی از ظرفیت‌هایی که می‌تواند به بازسازی و نوآوری در فقه کمک کند و فقه را امروزی و پویا نشان دهد پرداختن زرف اندیشانه و همه‌جانبه به دو مقوله «حق» و «حکم» و نسبت سنجی و تبیین معیارهای تفکیک این دو از یکدیگر از یکسو و تعیین حجم و میزان هر یک از آن دو در فقه موجود و مطلوب است.

در این نوشتار پس از طرح مباحثی هم چون مفهوم شناسی و مصداق شناسی «حق» و «حکم»؛ تلاش شده تا آراء فقیهان شیعی با محوریت نظرات دو فقیه برجسته معاصر- سید یزدی و میرزای نائینی - به «حق» و «حکم» گزارش شود و معیارهای تفکیک این دو مقوله در آراء فقیهان و حقوق‌دانان معاصر موردمطالعه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حق، حکم، تکلیف، معیارشناسی حق و حکم.

۱. مدیر گروه فقه کاربردی پژوهشکده اسلام تمدنی و عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. a.shafiei@isca.ac.ir

الزامات و راهکارهای ایجاد نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

(در پرتو قانون اساسی، حقوق بشر اسلامی، اعلامیه پاریس و رویه کشورها)

اکبر طلابکی طرقی^۱

شاید امروز بازترین مصداق «معروف» و «منکر» در سطح جهانی، به ترتیب «رعایت حقوق بشر» و «نقض آن» باشد. بر همین اساس نهادهایی در سطح ملی و بین المللی با هدف حمایت از حقوق بشر ایجاد شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تأسیسی دولت-نهاد به نام نهاد ملی حقوق بشر اشاره نمود که جمهوری اسلامی ایران نیز به ایجاد آن مطابق اصول اعلامیه پاریس تعهد داده است. این مقاله با استناد به قانون اساسی، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و با تکیه بر پژوهش‌های پیشین، امر به معروف و نهی از منکر دولت از سوی مردم را به عنوان مبنا و ضامن حقوق بشر و ملت در جامعه اسلامی مفروض دانسته و برای تحقق الزام اصل هشتم قانون اساسی به تعیین کیفیت این بعد از امر به معروف و نهی از منکر اول^۲: نهاد ملی حقوق بشر را به عنوان نهاد برساخته دولت، دارای ترکیب مردمی و کارویژه نظارت بر دولت مناسب تلقی نموده، ثانیاً: با بررسی تجرب سایر کشورها و با توجه به عدم انطباق کامل نهادهای دارای کارویژه مشابه در جمهوری اسلامی ایران با اصول اعلامیه پاریس، راهکارهای حقوقی ایجاد این نهاد را پیشنهاد داده است.

کلیدواژه‌ها: اصل هشتم قانون اساسی، اعلامیه پاریس، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق بشر اسلامی، نهاد ملی حقوق بشر.

۱. استادیار مرکز مطالعات عالی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران. tala@ut.ac.ir

استقلال ضمانات نامه های بانکی در حقوق تجارت بین الملل، حقوق ایران و فقه امامیه (عبور از تبعیت به سوی استقلال)

سید محمد هادی قبولی درافشان^۱ مصطفی بختیاروند^۲

ضمانات نامه هایی که نزد دیوان داوری ایران و آمریکا، به عنوان یکی از مراجع مهم حقوق تجارت بین الملل، مطرح شده اند از نوع ضمانات نامه های بین المللی و متقابل است که به صورت بدون قید و شرط و عندالمطالبه صادر شده اند و همین وصف نه تنها آن ها را از حوزه حقوق داخلی بیرون می برد، بلکه احکام خاصی را بر آن ها مترتب می سازد که استقلال ضمانات نامه از قرارداد اصلی یا پایه، به عبارت دیگر، وصف تحریدی ضمانات نامه ها مهم ترین آن ها است. در حقوق مدنی ایران، به تبعیت از نظر مشهور فقهاء، اثر عقد ضمان نقل ذمه به ذمه است و در حقوق تجارت، با انعقاد ضمان تجاری، مضمون له در صورت عدم پرداخت دین توسط مضمون عنه می تواند به ضامن مراجعته کند. این حکم در واقع بیانگر نظریه ضم ذمه به ذمه است که از حقوق فرانسه اتخاذ و در حقوق انگلیس هم پذیرفته شده است. این در حالی است که وصف تحریدی ضمانات نامه های بانکی آن ها در موقعیت ویژه ای در تجارت بین الملل قرار داده است. البته این اصل استثنائاتی دارد که عبارت اند از تقلب و تدلیس و جعل. در این مقاله که به روش توصیفی تحلیلی نگارش یافته، ماهیت و وصف تحریدی ضمانات نامه های بانکی به ویژه در اسناد بین المللی و رویه دیوان داوری دعوای ایران و آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه ها: عقد ضمان، ضمانات نامه بانکی، وصف تحریدی، حقوق ایران، فقه امامیه، دیوان داوری ایران و آمریکا.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد: h.ghaboli@um.ac.ir
۲. استادیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم: m.bakhtiarvand@qom.ac.ir

امکان‌سنجی وقف حقوقی معنوی در نظام حقوقی ایران و فقه امامیه در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

امین امیر حسینی^۱

از اصول کلی مندرج در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باید موضع تأمین سرمایه و جذب سرمایه‌گذاری را در نظر گرفت که در این راستا وقف به عنوان یکی از بهترین شیوه‌های سرمایه‌گذار می‌تواند موردنویجه باشد و لذا با توجه به شرایط جدید، مسائل مستحدث در این زمینه را باید مورد مذاقه قرار داده تا با گسترش آن امکان سرمایه‌گذاری را افزایش دهیم. امروزه به علت گسترش روزافرون علم و نیز وجود یک نظام مالکیت فکری قابل حمایت در حوزه حقوق ایران، موضوع وقف اموال مزبور مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است که در این راستا در حقوق ایران وفق مواد ۵۵ و ۶۷ قانون مدنی، دو عنصر عینی بود و نیز قابلیت قبض در عقد وقف اهمیت ویژه‌ای دارد که دو ویژگی مزبور را نمی‌توان در عقد وقف یافت لذا بر این اساس با استناد به ادله‌ای نظیر قابلیت تبیین عرفی عینی بودن و قابلیت قبض و نیز بیان از باب غلبه و نیز استناد به موارد مشابه با اخذ وحدت ملاک از این موارد، می‌توان حکم به امکان وقف حقوق معنوی در نظام حقوقی ایران نموده و بر این اساس به گسترش دامنه مصاديق وقف افزود. در فقه امامیه نیز موضوع مزبور در زمرة شباهات موضوعیه است و عقد وقف هم به لحاظ امضای بودن باید به نحو عرفی تعبیر شود که بر همین اساس، عرف، هم حقوق معنوی را مال داشته و هم حکم به مالیت داشتن و ارزش اقتصادی آن می‌نماید و لذا پذیرش امکان وقف حقوق معنوی مورد پیشنهاد است.

کلیدواژه‌ها: وقف، قابلیت قبض و اقباض، عینی بودن، عقد وقف.

«محدودیت زمینه استفاده در قراردادهای مجوز بهره‌برداری حق اختراع در حقوق اتحادیه اروپایی، آمریکا، ایران و فقه امامی»

سید محمدهادی قبولی درافشان^۱، مصطفی بختیاروند^۲، حجت کرمی^۳

از جمله محدودیتهایی که در قراردادهای مجوز بهره‌برداری برای مجوز گیرنده در نظر گرفته می‌شود، محدودیت زمینه استفاده است که به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد ذکر می‌شود و بر اساس آن مجوز گیرنده از بهره‌برداری از اختراع در یک یا چند زمینه منع می‌شود. از آنجایی که این شرط برای طرفهای قرارداد محدودیتهایی ایجاد می‌کند، ممکن است موجب ورود لطمہ به رقابت آزاد در بازار شود. بنابراین در حقوق رقابت ممنوعیت‌هایی راجع به این شرط محدودکننده در نظر گرفته می‌شود و کشورها در قوانین رقابت به مقابله با آثار ضد رقابتی محدودیت زمینه استفاده پرداخته‌اند. در قوانین اتحادیه اروپایی و آمریکا به‌طور صریح از محدودیت زمینه استفاده نام برده نشده، ولی با توجه به آین‌نامه‌ها و قواعد راهنمای این نظامها می‌توان آن را محدودکننده رقابت دانست. در حقوق ایران با توجه به قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در مواردی که این شرط مخل رقابت باشد ممنوع است. با وجود این، محدودیت زمینه استفاده در مواردی می‌تواند مفید برای رقابت و در نتیجه صحیح باشد. در صورت معلوم و معین و جزیی بودن زمینه محدودشده، بر اساس حقوق موضوعه ایران و فقه امامی نیز می‌توان این شرط را صحیح دانست.

کلیدواژه‌ها: مجوز بهره‌برداری، حق اختراع، محدودیت زمینه استفاده، سلب حق.

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد: h.ghaboli@um.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم: m.bakhtiarvand@qom.ac.ir

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری دانشگاه قم: karamihojat99@yahoo.com

تأثیر نظارت بر ترویج اخلاق با رویکرد به قانون اساسی (آیا نظارت می‌تواند در ترویج اخلاق مؤثر باشد)

اعظم ابراهیمی^۱، ایمان علی‌احمدی^۲

مفهوم نظارت به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی، اساسی و کاربردی در حقوق عمومی می‌باشد شاید یکی از دلایل این امر ارتباط این مفهوم با سایر مفاهیم پیچیده دیگر یعنی: حق، حکومت، حاکمیت، خیر عمومی، منفعت، مصلحت، آزادی، باشد. چه اینکه همه واژگان مذکور به لحاظ ارتباط با قدرت سیاسی و حقوق بشر از حساسیت بالای برخوردارند. نظارت شاکله قدرت راجه‌ت داده و در این میان تأثیر آن بر اخلاق بر تمام جنبه‌های حاکمیت مؤثر است. در تأثیرگذاری اخلاق بر امر نظارت نمی‌توان تردید کرد. اهمیت رعایت اخلاق و گزاره‌های اخلاقی با بروز تکنولوژی‌های جدید مخصوصاً سرعت گسترش شدید اطلاعات در فضای مجازی بیشتر نمایان شده است. نگارنده در این مقاله مختصراً بر آن است تا ضمن بررسی ارتباط این مفهوم کلیدی حقوق عمومی با علم اخلاق، تأثیرگذاری نظارت عمومی بر اخلاق را با نگاه به جایگاه نظارت همگانی در قانون اساسی بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: نظارت عمومی، اخلاق، حقوق، امر به معروف و نهی از منکر.

۱. عضو هیئت‌علمی گروه معارف دانشگاه سمنان azamebrahimi68@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، ahmadi2211@yahoo.com

بررسی اصل برابری در حقوق ایران با تکیه بر قانون اساسی

اعظم ابراهیمی^۱؛ ایمان علی احمدی^۲

به صراحت می‌توان گفت که در دنیای امروز، همه از لحاظ نظری پذیرفته‌اند که انسان‌ها باید برابر باشند و برابری را سنگ نخستین عدالت برشمرده‌اند. اصل برابری به عنوان یکی از حق‌های بنیادین بشری در دوران مختلف تاریخ بشر همواره مورد توجه بوده است و در نظام حقوقی کشورها نیز جایگاه خاصی دارد و اگر از آن به عنوان یکی از قدیمی‌ترین و پایدارترین اصول حقوق عمومی یاد کنیم به گرافه نگفته‌ایم چه اینکه بسیاری از انقلاب‌ها و نهضت‌ها در طول دوران تاریخ حول این مفهوم یعنی برابری و مساوات شکل گرفته است. در مقاله حاضر نگارنده بر آن است با تبیین نگرشی نو نسبت به این حق مهم انسانی و پرداختن به جنبه‌های گوناگون آن با تکیه بر قانون اساسی، برخی از مصادیق و تعارضات موجود در قوانین موضوعه کشور را نیز بیان نماییم. در اهمیت این حق بنیادین بشری همین مسئله کافی است که تحقق اصل کرامت انسانی بدون تحقق اصل برابری و مساوات امکان‌پذیر نبوده و راه به جایی نخواهد برد. چه اینکه در تمام اسناد حقوق بشری برابری را به عنوان ایده نظری مبنا مورد تأکید قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: برابری، مساوات، عدالت، تبعیض، کرامت انسانی، اصول بنیادین حقوقی.

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه سمنان azamebrahimi68@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان ahmadi2211@yahoo.com

**کمپیوون ټڪنوليوجي
هنر و معماري اسلامي**

۲۸ چكیده مقاله

خانه کعبه، الهام بخش در طراحی نیایشگاه مطلوب اسلامی (اصول راهبردی، راهکارها و راه حل های عملی در طراحی شبستان های مساجد)^۱

عبدالحمید نقره کار^۲

رویکردهای معاصر غربی به عالم و آدم و فلسفه هنر و خلق آثار معماری مبتنی بر (مکاتب بشری و بریده از وحی الهی)، دچار بحران در معرفت شناسی و شکاکیت و نسبی گرایی در مجموع مباحث علوم انسانی و از جمله معیارهای حسن شناسی و زیبایی شناسی شده است. تئیجه چنین رویکردهایی پوج گرایی و هرج و مرج (نیمه‌لیسم و آثارشیسم) در حوزه خلق آثار هنری و معماری بوده و در طراحی برخی از مساجد ایرانی و جهان با بدعت‌های ناشایستی روپوش شده است. مکتب اسلام، مبتنی بر (کلام الهی و سنت مخصوصین (س)) به عنوان مکتبی جامع و مانع، خطاناپذیر و تکاملی با دو بال حکمت نظری و حکمت عملی خود، هم اصول فرازمانی و فرامکانی (راهبردی - مفهومی) و هم (راهکارهای عملی) برای خلق آثاری شایسته انسان ارائه نموده است.

در این مقاله بطور خاص یک مصدق معمارانه که با الهام الهی توسط پیامبر او حضرت آدم(ع) ساخته شده است، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد همان‌طور که مفاهیم نظری اسلام یعنی (کلام الهی و سخنان مخصوصین (س)) گزاره‌هایی حقیقی و جامع و مانع و خطاناپذیر تلقی می‌شوند. مانند مفهوم حقیقی عبادت و نیایش، مصادیقی نیز که توسط مخصوصین (ع) ایجاد شده است. نظیر خانه کعبه، علی رغم نسبی و اعتباری بودن کالبد آنها که در عالم طبیعت تجلی یافته است، اما از بعد عناصری نظیر (ایده های هندسی - فضائی)، (نمادها) و (آرایه‌ها) که جزء علوم نیمه تجربی و نیمه تجربیدی محسوب می‌شوند، می‌توانند برای همه زمان‌ها، الهام‌بخش باشند.

در این مقاله مصدق فوق در سه محور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

۱- مهمترین ویژگی‌های (تاریخی و محتوایی).

۲- مهمترین ویژگی‌های (کالبدی و بیرونی).

۳- مهمترین ویژگی‌های (فضایی - هندسی و درونی).

با توجه به مفهوم حقیقی عبادت و جهت و غایت تکاملی انسان‌ها که از منظر اسلامی، امری فطری و غیر قابل

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران noghrekar@iust.ac.ir

تبديل و تحويل است، از منظر نگارنده، خانه کعبه سلول بنیادی تلقی شده که اولاً با الهام از راهبردها و راهکارهای آن، مساجد اصیل دوران اسلامی از بعد (ایده‌های فضایی - هندسی، آرایه‌ها و نمادها) طراحی و ایجاد شده است. دوماً راهبردها و راهکارهای آن از ابعاد فوق معیارهایی برای ارزیابی مساجد شایسته و ناشایسته در اختیار ما می‌گذارد که مهمترین آنها سلسله مراتبی از بسترسازی برای (سیر از کثرت به وحدت)، (از صورت به معنا)، (دونگرائی)، (سکون آفرینی)، (تمرکزگرائی)، (جهت‌گیری قبله) و مناسبسازی فضا برای دو مؤلفه (سخنرانی و نماز جماعت) با بهره‌برداری از هندسه‌های منظم محوردار، قرینه و مرکزگرا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: نیايشگاه مطلوب اسلامی، معماری اسلامی.

نظریه معناشناصی در آثار معماری با استناد به آموزه‌های اسلامی^۱

محمدمنان رئیسی^۲

از مسائل مهم در قلمرو «فلسفه معماری»، ماهیت و چیستی معنا در آثار معماری است. بر این اساس، طی این پژوهش به این پرسش اصلی پرداخته می‌شود که خاستگاه معنای یک اثر معماری چیست و بر اساس این خاستگاه، آیا می‌توان به تعیین معنا در آثار معماری معتقد بود یا خیر؟ بخش اول این پرسش، متناظر با هستی شناسی یا تکوین معنا در آثار معماری است؛ حال آنکه بخش دوم، متناظر با معرفت شناسی یا خوانش و تأویل معنا در آثار معماری است. برای تبیین پاسخ پرسش مذکور، ضمن مقایسه تطبیقی نظریات مختلف، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی و با استناد به آموزه‌های اسلامی، مشخص می‌شود که در مقام تکوین معنای آثار معماری، مهمترین خاستگاه معنای اثر، ایده‌ها و ایده‌آل‌های معمار آن است و گرچه اعتباریاتی نظیر پیش‌دانسته‌های مخاطب نیز بر تکوین معنا مؤثر است، لیکن بر پایه برآیند کلیه عوامل مؤثر بر تکوین معنا، دامنه معنایی اثر معماری، تعیین و نسبتاً بسته است؛ دامنه‌ای که حدود و کیفیت آن در تأویل معنا و در مقام معرفت شناسی معنای آثار معماری شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: تکوین معنا، تأویل معنا، اثر معماری، معمار، مخاطب.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. استادیار معماری دانشگاه قم m.raeesi@qom.ac.ir

بارزهای "هنر" و صفات "هنرمند" در آموزه‌های وحیانی^۱

محمد نقیزاده^۲

یکی از چالش‌های پیش روی کسانی که در مقوله هنر از منظر آموزه‌های دینی و به ویژه از منظر قرآن کریم مطالعه و تحقیق می‌کنند ابهام در تعریف هنر و صفات هنرمند است. در زمینه تعریف قرآن کریم از "هنر" و معرفی خصوصیات "هنرمندان" و ارتباط "هنر" با "هنرمند" سوالات عدیدهای مطرح است؛ و در یافتن پاسخ این سوالات نیز روش‌های گوناگونی متصور است. همچنین درباره موضوعات مختلف مرتبط با "هنر اسلامی" و از جمله در باره رابطه آن با قرآن کریم و از جمله هنرهایی چون خوشنویسی و تذهیب و کتیبه‌ها و قرائت قرآن و امثال اینها مطالب عدیدهای قابل طرح است؛ و محققین از جنبه‌های مختلف به آن پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر بر آن است تا به برخی از اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین موضوعات در باره رابطه هنر و هنرمند از منظر قرآن کریم پردازد. اهم این موضوعات که در واقع سوالاتی از ساحت قرآن کریم می‌باشند، عبارتند از:

۱- تعریف هنر از منظر قرآن کریم، و این که آیا قرآن کریم تعریفی و ویژگی‌هایی را برای هنر ارایه نموده است یا خیر؟ و در صورت ارائه، آن تعریف و ویژگی‌ها کدام‌اند؟

۲- رابطه ویژگی‌های هنر با خصوصیات هنرمند چگونه تبیین شده است؟ در توضیح این سوال و دلیل بی‌جویی خصوصیات هنرمند قابل ذکر است که اولاً، بین هر اثر و خالق اثر رابطه‌های منطقی برقرار است و با شناخت هر یک از آنها (هنرمند یا هنر)، امکان شناخت دیگری (هنر یا هنرمند) وجود دارد؛ و ثانیاً انسان عامل ثابتی است که همواره به عنوان خالق هنر مطرح است، و آثار (یا هنرهای) او ممکن است در دوران‌ها و سرزمین‌های مختلف، متفاوت باشند، و به این ترتیب، آگاهی به ویژگی‌های هنرمند یک ضرورت است.

روش تحقیق نیز روش تحلیلی تفسیری و استدلالی با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم و با استفاده از متن و تفاسیر در دسترس و کشف مواد لازم برای تدوین پاسخ سوالات خواهد بود. در زمینه تعریف هنر و مصاديق آن نیز محتوای اسناد در دسترس که آراء حکماء مسلمان را در بر دارند تحلیل و تعاریف مورد نظر استنتاج خواهند شد. طبیعی است

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.

که شاخص ترین ویژگی‌های والای انسانی که خداوند سبحان در کلام مجیدش معروف نموده است، ویژگی‌ها و صفات هنرمند مسلمان خواهند بود، که باید در آثارش که آیینهٔ او هستند نیز به منصهٔ ظهور برسند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، هنر، آموزه‌های قرآنی، هنرمند.

مسئله حضور اسلامی در محیط انسانی:

بررسی انتقادی پارادایم‌های طرح مسئله در معماری از دیدگاه اسلامی و ارائه پارادایم جایگزین بر مبنای رویکرد رفتاری به عنوان کانون مسئله اسلامی در معماری^۱

مسعود ناری قمی^۲

معماری به عنوان پاسخ کالبدی به مسائل انسانی نوعی نگرش نسبت به معماری از دید عامل مولد آن است؛ براساس اینکه چه مسائلی و با چه سلسله‌مراتبی و چه منشأی به عنوان صورت مسئله‌های اصلی معماری طرح شوند، هشت پارادایم متمایز را میتوان در تاریخ معماری گذشته و معاصر طرح نمود که بحث نظری آن پیشتر از سوی نگارنده طرح و نشر شده است؛ این پارادایمها عبارتند از: بومی، سنتی، هنری، حرфه‌ای، شبه‌بومی، شبه‌هنری، شبه‌حرفه‌ای و شبه‌هنری. این هشت مورد از لحاظ عامل طرح کننده اصلی مسئله، چارچوب مسئله و ایده‌آلگرایی در مسئله با هم تمایز دقیق دارند؛ در این نوشته نخست بررسی انتقادی از این رویکردها از منظر اسلامی ارائه میشود و اینکه آیا این چارچوبهای نظری - عملی، قابلیت کافی برای طرح مسئله معماری را از منظر اسلام دارا هستند یا خیر. سپس براساس شناخت ایجاد شده از ضعف این رویکردها، بویژه در خارج کردن موضوع «قابلیه‌ای رفتار فردی و اجتماعی» از مسئله از یکسو و کنار گذاشتن «اسلامی بودن» از هسته اصلی پارادایم، از سوی دیگر، رویکرد جایگزینی برای طرح مسئله (ونه نحوه حل آن) ارائه و چارچوب نظری آن در قیاس با پارادایم‌های هشت گانه به بحث گذاشته میشود؛ در این پارادایم، جایگاه رفتار اسلامی (به عنوان قالب حضور اسلامی) مورد تأکید است؛ از لحاظ نگرش دینی الگوهای رفتاری اسلامی، مستلزم نوعی شمول و فراگیری اجتماعی و «تیروی بیرونی» برای تحقق است که حتی بیش از وجه معرفتی آن به معمار متخصص به عنوان عامل بیرونی، نیاز دارد. از این رو به نظر میرسد که از لحاظ دینی نیز مسئله بودن رفتار، کاملاً یک طرح مسئله قابل قبول را بدست میدهد. ساخت نظریه کالبدی منطبق با اسلام با تکیه بر الگوهای رفتاری اسلامی در قیاس با محتوای معرفتی، کمتر مورد نظر متخصصین بوده است. خطر تطبیق و تأثیرگذیری از نموهای غربی (مانند آفرینش نظریه معماری لنگ) در ضمن رویکردهای نظری جدید کاملاً وجود دارد. این نوشته سعی دارد ضمن بررسی قابلیتهای متون اصلی سنت برای ارایه نظریه، مسیر رسیدن به آن را بازیابی و ترسیم کند و در ضمن مدل‌های

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قم m.narighomi@gmail.com

ارایه شده، تفاوت ماهوی نظریهپردازی رفتاری - کالبدی منطبق با اسلام را با گونههای پوزیتیویستی به نمایش بگذارد.
کلیدواژه‌ها: نظریه اسلامی، معماری بومی، معماری سنتی، معماری هنری، معماری حرفه‌ای، حضور انسان، رفتار انسان.

نسبت اسلام با مراحل پنجگانه در فرآیندهای انسانی نظریه سلام^۱(SALAM)

طرح مدلی (بنیادی - کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی) فرآیندهای نظری
(آثار هنری، معماری و شهرسازی) و ارائه (راهبردها، راهکارها، راه حلها و نقد)
آنها از منظر اسلامی

عبدالحمید نقره کار^۲

در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی، که بدون آن فرهنگ اسلامی در ایران تثبیت و پایدار نخواهد شد، نیاز مبرم به نقشه راه و ارائه مدل‌هایی است با ساختار و مراحل کامل، منسجم و منطقی که مبتنی بر فرهنگ اسلامی، شالوده نظری اسلام، منابع و مبانی آن، بتواند راهبردهای مفهومی، راهکارهای عملی و راه حل‌های اجرایی و اجتهادی را در موضوعات مختلف تبیین و تشریح نماید.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اصول کلی و عمومی این تمدن تاریخ ساز در قانون اساسی و در رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و در بیانات و راهبردهای تأیید شده توسط مقام معظم رهبری بارها تکرار و توصیه شده است. آنچه توسط شورای تشخیص مصلحت نظام در برنامه‌های مقطعي و چشم‌اندازها ارائه شده است و در نهایت توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه معماری و شهرسازی با نام سند ملی معماری و شهرسازی اسلامی - ایرانی ویرایش هفدهم در دی ماه ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است تا حدودی سیاست‌ها و خوبایت و اقدامات اساسی و کلی را بیان مینماید.

سند فوق فاقد ساختاری است که مراحل، موضوعات و مبانی هر مرحله را تفکیک و رابطه آنها را مشخص نموده باشد تا بتوان از طریق مدلی جامع و مانع، فرآیندهای فردی و اجتماعی انسان‌ها را در ذیل مشیت حکیمانه، مدیرانه و از لی و ابدی الهی مورد ارزیابی و نقد قرار داد. آنچه را که در دانشگاه‌ها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ابتدا با ترجمه و تقلید برنامه‌های آموزشی از کشورهای غربی و سپس تحولات آن مبتنی بر رویکرد غیر دینی سکولاریسم و ضد

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازی از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران noghrekar@iust.ac.ir

دینی لائیسم در حوزه سرفصل و محتوای دروس و آموزش‌ها و پژوهش‌ها اتفاق افتاده است و هنوز با وجود تشکیل کارگروه‌های تحول و ارتقاء علوم انسانی در شورای عالی انقلاب فرهنگی، به خصوص در گروه هنر و معماری و شهرسازی استمرار دارد، حدیث تأسف باری است که جداگانه به آن باید پرداخت.

رویکردی که در مراکز اجرایی نظیر وزارت راه و شهرسازی و شورای عالی معماری و شهرسازی و شهرداری‌ها به خصوص در کلان‌شهرها ادامه یافته است، حدیث تأسف بارتری است که با داده‌های این رساله می‌توان به نقد و ارزیابی آن‌ها پرداخت. بندۀ بارها اعلام کرده‌ام که رویکردهای موجود غیر علمی، غیر عقلانی، غیر انسانی و غیر اسلامی است. مدیران شهری می‌گویند رویکردی اقتصادی است و بندۀ می‌گوییم با یک نگاه جامع، کلان، ملی و پایدار، قطعاً غیر اقتصادی نیز هست. بحث پیرامون این حوزه نیز، جایگاه دیگری دارد، که باید جداگانه به آن پرداخت.

داده‌های این نظریه مبتنی بر فرهنگ اسلامی برای پنج مرحله از فرایندهای انسانی اصولی را به ترتیب به شرح ذیل ارائه نموده است:

۱. اصول (راهبردی- مفهومی)

۲. راهکارهای (عملی- کاربردی)

۳. راهحل‌های (اجتهادی- تخصصی)

۴. ارائه جداولی در جهت ارزیابی کمی و کیفی آثار

۵. اصول حاکم بر تأثیرات کمی و کیفی آثار بر مخاطبین

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، تمدن، مدل، ساختار، فرایند، ابرنظریه، زیبایی، حکمت هنر، اسلام، معماری، راهبردها، راهکارهای راه حل‌ها، اجتهاد تخصصی، ارزیابی کمی و کیفی.

بستر طبیعی، مزاجی و محیطی برای هویت فرهنگی و کالبدی مکان^۱

مهدی حمزه نژاد^۲

این مقاله در جستجوی تبیین نظریه‌ای است که تلاش می‌کند، مزاج طبیعی و محیطی به عنوان یک واسطه که زائیده خصلت‌های اقلیمی و مکانی است را برای هویت فرهنگی و کالبدی معرفی نماید. چنین واسطه‌ای ما را از توجه به اندیشه‌های دینی و ماورائی بی‌نباز نمی‌کند، بلکه با استفاده از نظریه فاسفی رابطه خلق و خو با خلق (طبیعت و اقلیم) در صدد آن است تا سرشناسی خلقی و خلقی هر هویت را در پیوند با هم شناسایی و معرفی نماید. با استفاده از این نظریه می‌توان به شکل مطمئن‌تری ریشه‌های هر سنت فرهنگی را در مزاج محیطی و انسانی منطقه که آن هم ریشه در تجلیات الهی دارد شناسایی و معرفی نمود. به این ترتیب می‌توان بین سنت‌ها (خلق‌ها)، مزاج‌ها (خلق‌ها) و صفات الهی (اخلاق) پیوندهایی را مشاهده کرد و از تایید آنها نسبت به هم برای شناسایی دقیق‌تر شاخصه‌های هر سنت و هویت کمک گرفت. این نظریه علاوه بر تبیین بنیادین فوق می‌تواند شکل کاربردی و عملیاتی نیز پیدا کند و به بررسی مولفه‌های هویتی مورد تأکید در هر اقلیم بپردازد.

کلیدواژه‌ها: هویت فرهنگی و کالبدی، بستر طبیعی، بستر مزاجی و بستر محیطی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ای نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران.

الگوی پیشنهادی محله، با مرکزیت مسجد و فضاهای عمومی موردنیاز در شهر ایرانی-اسلامی^۱

محمد رضا پور جعفر^۲، علی پور جعفر^۳

در این مقاله (که منتج از نظریه ارایه شده با عنوان فوق الذکر در کرسی های نظریه پردازیست) سعی شده است نخست مبانی طراحی محله های مسکونی در شهرهای اسلامی به اختصار از صدر اسلام موردن بررسی قرار گیرد و نقش و جایگاه مسجد به عنوان یکی از عوامل مهم و تعیین کننده ابعاد فیزیکی و همچنین بر طرف کننده بسیاری از نیازهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بخش های مسکونی شهر، مشخص شود.

در این مقاله، مبانی واحدهای همسایگی (به عنوان نظریه رقیب) که ابتدا توسط شهرسازان آمریکایی در سال ۱۹۱۱ ارائه شد و به طور گسترده ای هم حتی در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار گرفت، بررسی گردیده است. سپس از طریق توصیفی - تحلیلی مبانی مربوط به محله ها در شهرهای دوران اسلامی با مبانی طراحی و برنامه ریزی واحدهای همسایگی در غرب مقایسه شد. بدین وسیله برتری مبانی طراحی محله ها در شهرهای اسلامی که مسجد، حسینیه ها، تکایا و یا دیگر ابنيه مذهبی نقش بسزایی در آن داشته، مشخص گردید. از بررسی محله ها در شهرهای اسلامی گذشته چنین استنباط می شود که مسجد نقش بسزایی در ابعاد کیفی طراحی شهرها و بازاراب اجتماعی مسائل نسبت به مبانی طراحی واحدهای همسایگی در غرب که تنها به مسائل فیزیکی و کمی پرداخته و مدرسه ابتدای مرکز آن بوده، داشته است. لازم به توضیح است در اینجا پایداری به معنای تداوم، استمرار و ماندگاری است و ادامه حیات بسیاری از محله های قدیمی در شهرهای کهن ایران خود دلیلی بر این مدعاست.

در پایان، ضمن ارایه الگوی برای محله ایرانی اسلامی، به نکات حائز اهمیتی همچون ایجاد بسترهای بصورت فضای پیشخوان مسجد برای تعاملات اجتماعی به عنوان میدان محله بدون مراحمت تردد (ترافیک) سواره، با در نظر گرفتن نقش مساجد و حسینیه ها به عنوان بنایهای شاخص محله در کنار دیگر کاربری ها، و دسترسی به صورت پیاده و راحت

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله ای نظریه پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. استاد گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، (نویسنده مسئول) Pourja_m@modares.ac.ir

۳. پژوهشگر دکترای شهر سازی، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس a.pourjafar@modares.ac.ir

به آن در؛ طراحی محله‌های مسکونی معاصر در شهرهای جدید، گسترش آتی شهرها و احیای بافت مسکونی موجود در شهرها، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: حدیث، مسجد، فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی، محله، واحد همسایگی.

نظریه طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای^۱

حمید ماجدی^۲

نظریه طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای بر پایه دو اصل کارائی بیشتر در نظام شهرسازی کشور از یک طرف و برابری یا عدالت اجتماعی از طرف دیگر ارائه گردیده است. توجه به چهار محور اساسی شامل توسعه اقتصادی در جهت دستیابی به کارائی بیشتر، توسعه اجتماعی و فرهنگی در جهت دستیابی به عدالت اجتماعی یا برابری بیشتر، توسعه زیست محیطی در جهت دستیابی به توسعه پایدار و تأمین منابع مالی پایدار برای توسعه زیرساخت‌های شهری از نکات اصلی این نظریه قلمداد می‌گردد. نظریه «طرح‌های ساختاری- راهبردی شهری و ناحیه‌ای» به منظور دستیابی به «شهر توسعه و تعالی» که شهری توسعه یافته از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باکیفیت محیط زیست مطلوب می‌باشد، ارائه شده است. ارتقای کیفیت محیط زیست موجبات سرزنشگی شهر و شادی شهروندان، توسعه یافته‌گی اقتصادی امکان کسب معیشت آسان و رفع فقر و محرومیت آنان، توسعه اجتماعی امکان کسب علم و دانش جوانان و توسعه فرهنگی امکان کسب آداب و سنت نیکو را فراهم نموده و بدین ترتیب شهر محل زندگی مردمانی اندیشمند و جوانانی دانشمند می‌شود که آنان خود در ارتقای کیفیت محیط زیست و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر ایفای نقش می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: نظریه، طرح، برنامه، ساختاری، راهبردی، شهر، تعالی، شهرستان، ناحیه، توسعه، عمران، جامع، تفصیلی، هادی، موضوعی، موضوعی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.
۲. عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی.

مبانی نظری نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری^۱

علیرضا عندليب^۲

توازن و تعادل لازمه پایداری یک سیستم است. به هم خوردن موازنۀ میان شاخص‌های «تراز میانگین شهر» در بافت‌های فرسوده به دلیل قطع یا اختلال شبکه‌ها، جریان‌ها و پیوندهای آن، موجب تشدید پدیده عدم توازن و در نتیجه، اختلال در نظم پایدار سیستم این بافت‌ها شده است. رویکرد نظریه نوسازی متوازن به عنوان یک نظریه بومی، معطوف به تلاش برای تغییر الگوهای ناکارآمد و تولید الگویی نوآوارانه است.

این نظریه با هدف دستیابی به توازن در مسیر بررسی، شناخت و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آن، از طریق شناخت و تبیین رابطه بین متغیرهای توازن و نوسازی ارائه شده است. دستیابی به نظریه از سطح ارتباط «ذهنی» به ارتباط «عینی» حرکت کرده و سپس از ارتباط عینی به رابطه ذهنی بازگشته و آن را مورد تائید قرار می‌دهد؛ به این ترتیب حرکت رفت استقرایی و حرکت برگشت قیاسی بوده است.

نظریه نوسازی متوازن سعی دارد توازن را در سیستم نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با شش خرد «هنجری- راهبردی»، «کاربردی- بومی»، «اجتماعی- اقتصادی»، «رویه‌ای- محتوایی»، «تبیینی- تجویزی» و «علمی- عملی» بازتعریف کرده و اصول نوسازی متوازن را تبیین و معرفی نماید. یافته‌های مطالعات انجام شده، چارچوبی را برای «توازن میان دوپارگی‌های متوالی اجزاء و عناصر شبکه‌های موضوعی بافت و توازن شبکه‌های کل سیستم» شامل اصول چهارگانه: توازن (به عنوان سلول بنیادی نوسازی)، پرهیز از پیچیدگی (میان عناصر پیچیده و چندوجهی نوسازی)، توالی دوپارگی‌ها (به عنوان کوچکترین واحد تشخیص، شناسایی و سنجش توازن) و تعامل درونی و بیرونی (برقراری تعاملات پیوسته شبکه‌ها و کل سیستم با یکدیگر) حاصل نموده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه نوسازی متوازن، سیستم، شبکه، بافت فرسوده، توازن، دوپارگی‌های متوالی.

۱. این چکیده با هدف ارائه یک مقاله‌ی نظریه‌پردازانه از سوی نویسنده محترم تنظیم شده است.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران.

شاخصه‌های طراحی محیطی بومی به منظور تأمین سلامت انسان بر مبنای طب سنتی و اسلامی

مهندی حمزه نژاد^۱، زهرا ثروتی^۲

سازگاری معماری و محیط در سنت گذشته، آسایش و آرامش را در زندگی مردم به همراه داشت و امروزه، وابستگی به فن آوری سبب ناسازگاری کالبد با بوم و عدم تأمین آسایش و آرامش زمینه گرای گردیده است. به نظر می‌رسد که حکمت نظری و عملی کهنه از طریق مزاج شناسی، شخصیت محیط را مشخص می‌کرد و برای هر منطقه، کالبد جسمی و ویژگی‌های خاصی را به عنوان الگو معرفی می‌نمود. امروزه برای احیاء این امر، لازم است اصول و الگوهای آن، شناسایی و برای کاربرد طراحانه، تنظیم و معرفی گردد. به همین جهت با رویکرد میان دانشی و روش استنتاجی-تحلیلی، به بررسی مبانی طبی سلامت انسان در چهار وضعیت اقلیمی و شیوه‌های تأمین آن در محیط و در هر یک از این چهار اقلیم می‌پردازیم. این تحقیق، سعی دارد با تنظیم آن‌ها در یک نظام یکپارچه، تعریف جامعی از معماری و شهرسازی بوم گرا و زمینه گرای ارائه دهد. این نظام با بیان مبانی مزاجی وابسته به هر منطقه، دستوراتی در حوزه‌ی آسایش جسمی، عرضه می‌دارد. آسایش جسمی با بیان قواعد بهره‌مندی و پرهیز از باد، آب، آفتاب و خاک در مزاج‌ها و شرایط محیطی متفاوت، شکل می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: زمینه گرایی، مبانی طب سنتی، معماری بوم گرا، مهندسی اقلیمی.

۱. استادیار و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، ir.hamzenejad@iust.ac.ir

۲. مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد مرمت و احیاء بافت‌های تاریخی دانشکده فنی شریعتی تهران، zahraservati8119649@gmail.com

درآمدی بر
نقشه راه تمدن نوین اسلامی
در حوزه آثار (هنری، معماری و شهرسازی)
راهبردهای مفهومی-کاربردی

عبدالحمید نقره کار^۱؛ سلمان نقره کار^۲

با انقلاب معجزه‌آسای اسلامی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران، تحولی شگرف و تاریخ‌ساز در مسیر فرهنگی جهان و تمدن معاصر آن که منبعث از رویکرد انسان‌شناسی غربی ((امانیسم) و جامعه‌شناسی آن با رویکرد (لیبرال - سرمایه‌داری) داشت و دارد، به وجود آمد. فرهنگ اسلامی مبتنی بر میراث همه پیامبران الهی، باطل السحر فرهنگ و تمدن فساد انگیز و ظلم خیز معاصر بوده و داعیه ایجاد تمدنی انسانی، متعالی، فساد برانداز و ظلم‌ستیز داشته و دارد. در این رساله که درآمدی بر نقشه راه این تمدن در حوزه‌های میان دانشی می‌باشد ابتدا با آسیب‌شناسی از وضع موجود مبتنی بر فرهنگ اسلامی و روش تحقیق آن که جامع و مانع بوده و دارای منابع خطانایپذیر می‌باشد به طرح مباحث مریوط به مراحل این فرآیند، یعنی مباحث (زیبایی‌شناسی)، (فلسفه و حکمت هنر)، (حکمت اسلامی و معماری) و سپس به بهره‌برداری (تفسیری - تأویلی) از هنر و معماری آفرینش و تجربیات ارزشمند از آثار اصیل گذشته می‌پردازد.

در انتهای مهم‌ترین اثرات راهبردی ارزش‌های اسلامی را در ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان درآمدی از سبک معماری و شهرسازی مبتنی بر فرهنگ اسلامی در چهارده محور به شرح نمودار (شماره - ۱۶) جمع‌بندی و ارائه می‌نماید. این مقاله بخش اول از یک مجموعه کار تحقیقاتی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی در حوزه آثار هنری و معماری و شهرسازی و ارائه راهبردها، راه کارها و راه حل‌های آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ اسلامی - تمدن اسلامی - زیبایی‌شناسی - حکمت هنر، فرآیندهای انسانی، راهبردها، راه کارها، راه حل‌ها، اجتهاد.

۱. مدیر قطب علمی معماری اسلامی دانشگاه علم و صنعت ایران A_noghrekar@iust.ac.ir
۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه کاشان

مقایسه تقابل زیباشناسانه والاپی و زیبایی ایمانوئل کانت با فلاسفه شرقی و اسلامی و بررسی تأثیرات آن بر اصول زیبایی‌شناسی معماری معابد (با بررسی نمونه موردي: سیر تحول مفاهیم زیبایی والاپی در معماری مساجد گذشته و معاصر ایران)

فاطمه برادران هروی^۱، مهدی حمزه نژاد^۲

بيان معنای دقیق مفاهیم زیبایی والاپی بر اساس نظریه تقابل والاپی و زیبایی ایمانوئل کانت و یافتن معیارهای کلی این مفاهیم و ترکیشان و نمود عینی آن‌ها در معماری اسلامی، بالاخص مساجد امری است که، آشنایی با معارف انسان‌ساز اسلامی و دستاوردهای پر رمز و راز آن فرستی را طلب می‌نماید. تعاریف پایه از مفاهیم پارادوکسیکال زیبایی والاپی در هنر و معماری اسلامی نیازمند تحقیق است، و همچنین با تعاریف موجود در فلسفه، هنر، معماری غربی و اسلامی تفاوت محسوسی دارند، این پژوهش سعی در وضوح این مفاهیم کرده است. مفهوم زیبایی در هنر و معماری معاصر غرب (تعارض بین زیبایی والاپی)، در تحلیل دوران قرون وسطی و سیر تبدیل آن به رنسانس، سیری از والاپی گرایی به زیبایی گرایی بیان شده است، اگرچه دوران گوتیک نمی‌توان مظاہر زیبایی گرایی را تهیه در بعد دینی آن انکار کرد. در فلسفه و هنر و معماری معاصر غرب راههای گوناگونی برای ترکیب والاپی و زیبایی ارائه شده است که زیبایی‌شناسی گروتسکی (زشت گونه) پیتر آیزنمن نمونه‌ای از آن است، اما در معماری مساجد این دوگانه (زیبایی والاپی) به شکلی دیگر مطرح است و علیرغم توجه توان به هر دو مفهوم، گاه مساجد به هر یک از آن‌ها نزدیک شده است. روش رسیدن به هدف نهایی پژوهش، ابتدا به گونه‌شناسی اندیشه‌های فلاسفه و عرفای غربی و اسلامی بر اساس نگرش‌های زیبا گرایی والا گرایی و جامع گرا پرداخته، و سپس با بررسی اصول فلسفی و معیارهای معمارانه برخاسته از هریک از آن‌ها به گونه‌شناسی ادواری مساجد می‌پردازیم. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که؛ معماری مساجد در طول چهار دوره‌ی تکاملی معماری اسلامی سیری از والاگرایی به حالات فرآگیر والاپی-زیبایی دست یافته است، چیزی که مبانی نظری آن را به تدریج عرفای اسلامی تکمیل کردن و مساجد باشکوهی مثل امام و شیخ لطف‌الله و ...

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی، دانشگاه امام رضا، (نویسنده مسئول مکاتبات): f.baradaran94@gmail.com

۲. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران
hamzenejad@iust.ac.ir

ظاهر آن هستند، با این حال اصالت با نیاز والاگرایانه است.
کلیدواژه‌ها: والا بی-زیبایی، کانت، زیبایی‌شناسی معماری، فلاسفه شرقی، گونه‌شناسی ادواری مساجد.

تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه

سمانه تقدیر^۱

شناخت مراتب و فرایند ادراک انسان و نحوه تعامل او با هستی از موضوعات مهم در حوزه معماری است در دوران معاصر صاحب نظران حوزه معماری نسبت به شناخت مراتب ادراک انسان و نقش آن در فرایند خلق و ادراک آثار معماری بیش از پیش توجه نشان داده اند و با انتقاد به دیدگاه مدرن در توجه صرف به مرتبه حسی ادراک آن هم با تمرکز بر حس بینایی، لزوم توجه به همه مراتب ادراک انسان را مطرح می نمایند. البته امروزه حوزه ای که ادراک در آن بررسی می شود بیشتر حوزه روانشناسی محیط است. اما رویکرد پژوهش حاضر متفاوت است. از منظر این پژوهش یکی از مهم ترین حوزه هایی که می تواند در فهم چیستی ادراک و فرایند آن کمک کند فلسفه است. لذا با مینا قرار دادن دیدگاه حکمت متعالیه به عنوان شالوده نظری خود در مرحله اول با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به تعریف انسان، قوای ادراکی و مراتب ادراک انسان و فرایند تحقق پذیری هر یک از مراتب پرداخته و در مرحله بعد با استفاده از روش استنباط و استدلال منطقی به بیان تناظر میان مراتب ادراک انسان و عوالم هستی پرداخته و با کمک مدل هایی مراتب و مراحل ادراک انسان از هستی را تبیین می نماید. و بر اساس آن ها به بیان چگونگی تأثیرگذاری مرتبه ادراک انسان و سطح تعامل او با هستی بر شکل گیری کیفیت آثار معماری می پردازد.

بر اساس پژوهش صورت گرفته می توان گفت انسان دارای چهار سطح ادراک (حسی، خیالی، عقلی و شهودی) متناظر با عوالم هستی است. و قوای ظاهری (بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) و باطنی (حس مشترک، خیال، واهمه، حافظه، متصرفه) به تحقق ادراک او کمک می کنند. مطالعات نشان می دهد ادراک انسان منجر به ایجاد خزانه ای از معنا و صورت در نفس انسان می شود که این خزانه مهم ترین منبع شکل دهی به ایده ها در انسان هنرمند است. زیرا انسان معمار با کمک قوه متصرفه خود و با مراجعته به خزانه معنا و صورت در نفس خود اقدام به آفرینش می نماید لذا کیفیت محتوا این خزانه بر کیفیت خلق آثار معماری تأثیرگذار است. همچنین بر اساس دیدگاه حکمت متعالیه استعدادهای ذاتی انسان و مهارت های اکتسابی او نیز در کیفیت آثار معماری مؤثر هستند.

کلیدواژه ها: مراتب ادراک، فرایند ادراک، خلق، آثار معماری، حکمت متعالیه.

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

ارزیابی راهبردهای تولید دانش اسلامی، با تأکید بر مطالعات شهرسازی

احسان شریفیان^۱، محمد سیدغраб^۲

دانش‌های برآمده از یک تمدن با ارائه تفسیری از هستی مبتنی بر گزاره‌های بنیادین تمدنی و تجویز منطبق با نیازهای آن، نقش برجسته‌ای در میزان گستردگی و مقبولیت مبانی نظری و فراوردهای عینی برآمده از آن تمدن و پیشبرد و توفیق آن بازی می‌کنند. بنابراین تولید دانش اسلامی و برنامه‌ریزی، مدیریت و اتخاذ سیاست‌های پژوهشی مناسب، از اساسی‌ترین عناصر برای هموارسازی بسط تمدن است. این مقاله با بررسی فرایند تولید علم، مدلی جهت دستیابی به پارادایم دانش اسلامی و درنتیجه بسط این دانش، پیشنهاد داده و اقتضایات مهم آن را به صورت مختصراً بررسی می‌نماید. سپس با بررسی مطالعات شهرسازی اسلامی با توجه به بسترها مناسب این رشته در جریان تولید علم دینی، این مسئله را مطرح می‌کند که چرا تاکنون محصولات این مطالعات نتوانسته‌اند در این رشته مرافق فرآیند تولید دانش را طی نموده، پارادایم شهرسازی اسلامی را تحقق بخشنده و درنتیجه به جریان غالب و کارآمد تبدیل بشوند. پاسخ این پرسش را باید در راهبردهایی دنبال کرد که بهمثابه نقشه راه کلان تحقیقات عمل کرده و جایگاه پژوهش‌های انجام‌شده در فرآیند تولید دانش را مشخص می‌کنند. از این‌رو بر اساس روش فراتحلیل، راهبردهای مختلفی در مطالعات مختلف این حوزه، شناسایی شدند که می‌توانند الگوهای عامی جهت تولید علم دینی در سایر رشته‌ها نیز باشند. این راهبردها عبارتنداز: نقد مدرنیته، بومی‌سازی، دیالکتیک، سنت‌پژوهی، تحدید فقهی، ناب‌پژوهی، خردپژوهی، تمام‌پژوهی و نیاز‌پژوهی. پس از طرح این گونه‌شناسی، سعی شده است انگاره‌های اصلی مندرج در هر راهبرد تبیین شده و با پیگیری نقش هر راهبرد در فرآیند شکل دهی پارادایم دانش اسلامی، ارزیابی جامعی از مزایا و معایب آن‌ها ارائه گردد. با توجه به این بررسی‌ها، به نظر می‌رسد ناکارآمدی جریان شهرسازی اسلامی، ریشه در راهبردهایی دارد که بر فعالیت‌های اصحاب این عرصه سایه افکنده است و عملاً توجه بسزایی به پیش‌فرض‌ها، اقتضایات نظری و ثمرات عینی آن‌ها نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: تولید علم دینی، مدیریت تحول در علوم انسانی اسلامی، پارادایم دانش اسلامی، شهرسازی اسلامی، گونه‌شناسی راهبردهای تولید علم.

۱. داشتجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس ehsansharifian00@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره) seyed466@yahoo.com

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم

سارا بهمنی کازرونی^۱، امیرحسین جمشیدی^۲، علیرضا حیدری^۳

ما در خانه دو نیت را تعقیب می‌کنیم. بدیان دیگر در مفهوم سکنی گزیدن تلاش‌های ما معطوف به برآوردن دو خواسته است. نخست خواسته آسایش است. باید آسوده باشیم از آنچه ما را تهدید می‌کند و آسوده باشیم در اکتساب چیزهایی که نیازهای ما را بهتر مرتყع می‌کند. در دوره‌های مختلف تاریخی شاهد هستیم که انسان‌ها با ابداعات و ابتکارات خود تلاش می‌کردند، تدابیری بیندیشند تا آنکه آسایش بیشتری برای خود فراهم آورند. زمانی خانه، تنها سرپناهی بود در مقابل تهدیدات و به مثابه محافظه عمل می‌کرد. تهدیداتی مثل تابش شدید آفتاب، باد مزاحم و سرمای شدید. هرچه که بود، انسان تلاش می‌کرد در برابر موانع بتواند مقاومت کند. در حقیقت خانه باید این نیازها را تأمین می‌کرد. از طرف دیگر به نیازهای انسان هم پاسخ می‌داده است؛ مانند نیاز به پخت‌وپز، استراحت، خلوت و... این شیوه منجر به آن شده است که در دوران معاصر شکل سکنی گزیدن ما دچار تحولات فراوانی شود و به این اعتبار سبک زندگی مان هم تعییرات فراوانی به خود بینند و به تعییر و تحول خود ادامه می‌دهد.

در این مقاله با بررسی مقررات معماری و شهرسازی که الزامات و مصوبات موجود در بستر طراحی مسکن است، خواهیم پرداخت تا نسبت میان مشخصه‌های سبک زندگی در ایران و شکل محل سکونت را قیاس کنیم و رابطه میان این دو را مور不死 بررسی قرار دهیم. هدف اصلی ما در این مقاله بررسی این مسئله خواهد بود که مقررات معماری و شهرسازی، چه تأثیری بر عدم تحقق سبک زندگی دارند، این پاسخ‌ها نهایتاً عدم حضور سبک زندگی در معماری امروزی رقم می‌زنند، و این سبک زندگی بر زیستان در نوع خاصی از کالبد معمارانه تأثیر می‌گذارد که در این مقاله مور不死 بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، مقررات معماری، معماری معاصر، مسکن ایرانی.

۱. کارشناسی ارشد معماری، مدرس دانشگاه آزاد واحد کازرون sara_bahmani1368@yahoo.com

۲. پژوهشگر دکتری معماری، مدرس دانشکده هنر و معماری شیراز، jamshidi.amirhossien@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه آزاد، واحد کازرون

ارزیابی انتقادی معماری اسلامی در دوران معاصر

علی علی شیر^۱

معماری اسلامی مثل هر سنت معماری اصیل دیگر ریشه در مبانی هستی - معرفت‌شناختی‌ای دارد که معمار مسلمان با آن‌ها به ساحت معماری نزدیک شده و ازین طریق با مخاطبان خود وارد دیالوگ شده است تا مخاطبان او نیز بسته به اینکه با چه پیش‌فرض‌هایی به آثار او نگریسته باشند معانی متفاوتی را برای آن‌ها در نظر بگیرند. اما مهم‌تر از معانی متفاوتی که مخاطبان معماری اسلامی در تبیین و تفسیر آن ارائه می‌دهند تلاش برای فهم این مطلب است که چرا معماری اسلامی نتوانست در عصر حاضر، شکوه و عظمتی را که قبلاً داشت حفظ کند و صرفاً به تکرار و تقلید آثار گذشته با متریالهای جدید پرداخت، غافل از آنکه با تکرار و تقلید سبک‌های گذشته و تغییر دادن متریالها از یک طرف، و نازیدن و تفاخر به گذشته‌ای که گذشته و رفته است از طرف دیگر، هیچ سنت اصیلی شکل نمی‌گیرد. البته پروفسور نصر در تبیین این سکون و اضمحلال هنر اسلامی به‌طور عام و معماری اسلامی به‌طور خاص، به درستی بر این عقیده‌اند که هر وقت و هر کجا که هنر اسلامی به اوج خلاقیت و کمال دست یافته جریان عقلانی - معنوی سنت اسلامی با اقتدار حضور داشته است، و بر عکس هر وقت وجه معنوی عقلانی اسلام دستخوش اضمحلال گشته یا غایب شده، از کیفیت هنر اسلامی هم کاسته شده است. اگرچه تبیین پروفسور نصر درست می‌نماید اما مسئله این است که آیا می‌توان در عصر انبیاشین با تکرار و تقلید سنت‌های فلسفی عرفانی گذشته به‌مثابه مبانی هنر و معماری اسلامی به یک سنت هنری اصیل دست یافت؟ آیا آن سنت‌های عرفانی فلسفی نباید با عیار نقد سنجیده شوند تا بعد از دیالوگ با میراث علمی - فلسفی - هنری معاصر، با ظاهری دیگر در هنر و معماری اسلامی عصر حاضر تجلی یابند؟ ما در این مقاله به نقد مشهورترین تبیین‌های معماری اسلامی می‌پردازیم و در مسیر ارائه رویکردی جدید در تبیین و تفسیر معماری اسلامی گام برمی‌داریم.

کلیدواژه‌ها: معماری اسلامی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، معماری معاصر.

شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان قیمت با نگرش اسلامی

پریسا محمدصادقی^۱، مهدی حمزه نژاد^۲

در سده اخیر با گسترش دولت‌های جدید سیاست‌های گوناگون دولتی در زمینه توسعه مسکن ارزان قیمت در دنیا و بهویژه کشورهای اسلامی دنبال شده که در بیشتر آن‌ها فاقد سطح حداقلی از کیفیت بوده‌اند و یا در صورت تأمین کیفیت برای اقشار ضعیف اجتماعی غیرقابل دسترس بوده‌اند. بر این اساس تعریف مرز حداقلی کیفیت بهویژه بر اساس ارزش‌های اسلامی و ایرانی اهمیت ویژه‌ای دارد. اگرچه در تحقیقات زیادی کیفیت و شاخص‌های مسکن مطلوب از منظر اسلام بر اساس آیات و روایات و احادیث تنظیم شده‌اند ولی در هیچ‌یک به رابطه سطوح اقتصادی با این سطوح کیفی توجه نشده است در حالی اقتصاد عامل مداخله‌گر جدی در تعریف کیفیت است. این تحقیق قصد دارد توجه به این شاخصه‌های کیفی را در سه سطح اشرافی، متوسط و فقیرانه مورد بررسی قرار دهد. شاخصه‌های کیفی مسکن بر اساس تحقیقات قبلی حریم، عدم مرتفع سازی، وسعت، آرامش سکوت‌نمای خانه، شرافت مکانی (به لحاظ روابط اجتماعی)، روابط همسایگی، عناصر طبیعت‌گرایی، تزیینات انتخاب شدن و تحلیل‌ها با تشریح استنباطی محقق و تأیید خبرگانی آن‌ها صورت گرفته است. بر اساس نتایج بدست‌آمده همه شاخصه‌های فوق برای اقشار ضعیف نیز تحقق‌پذیرند و اولیای دینی گذشته و امروز برای هر دو کرانه بالا و پایین اقتصادی این امر الگوسازی ارزشمندی ارائه نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، کیفیت، مسکن اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، نویسنده مسئول

mohammadsadeghip@yahoo

۲. استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران

بررسی تأثیر قواعد اخلاقی - فقهی در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری رهیافتی بر اصلاح ساختار شورای عالی و کمیسیون ماده «۵» طرح تفصیلی

سید مجید هاشمی طغراجردی^۱

شناخت ارکان معماري شهر سنتی در گرو شناخت علوم اسلامی و قواعد حقوقی انتظام بخش به آن می باشد. تعالیم اسلامی به سه حوزه مرتبط عقاید، اخلاق و فقه تقسیم شده است. اخلاق به عنوان نظام کنترل کننده رفتارها به تعریف حقوق فرد و جامعه پرداخته و فقه الگوهای رفتاری مطابق با شریعت را بیان می نماید. نظر به اینکه هر فضا مناسب با الگوی رفتاری ساکنیش شکل می گیرد، سازوکار تفسیر و اجرای شریعت در فرآیند معماري و شهرسازی شهرهای سنتی رخ داده و محیط آنها در واقع به عنوان تعاملی بین این علوم و فرایند برنامه ریزی و اجرا محسوب می گردد. این مقاله برای فهم دلایل نابسامانی در شهرهای معاصر ایران با این سؤال روپرتو بوده که مابین علوم اسلامی با حقوق مدنی و همچنین ضوابط و مقررات معماري و شهرسازی معاصر ایران چه رابطه ای وجود دارد؟ این پژوهش که با روش مطالعات تحلیلی - توصیفی شروع شده، نشان می دهد که قوانین معاصر همانند قانون مدنی در هماهنگی با اخلاق و فقه شکل گرفته ولی جدائی این رابطه در تدوین ضوابط معماري و شهرسازی معاصر موجب توزیع نامتعادل ثروت شده و مهم ترین دلیل شکل گیری حکومت اسلامی که رعایت عدالت اجتماعی و گسترش دوستی مابین مردم می باشد را به شدت مورد تعریض قرار داده است. در شریعت اسلامی مسلمانان موظف شده اند هر یک از رفتارهای خود را در ترازوی صفاتی چون «واجب»، «مستحب»، «مباح»، «حرام» و «مکروه» قرار داده، درستی یا نادرستی آن را سنجیده، نسبت به انجام یا دوری از آن اقدام نمایند لذا عمل حرامی همانند تعریض به حریم خصوصی خانه دیگران اصولاً با طبیعت انسان ناسازگار است. این مقاله با تطبیق نتایج نشان داده، برای سهولت فروش تراکم که یکی از مهم ترین دلایل نابسامانی کلان شهرهای ایران از جمله تهران می باشد ساختار کمیسیون ماده «۵» تغییر یافته و با نبودن نهاد فقهی حقوقی همانند شورای عالی شهرسازی این شورا از منظر حقوقی و شرعی دچار مشکل جدی

۱. دکتراي معماري و استاديار دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان مأمور در دانشگاه شهيد رجايي تهران.
sm.hashemi50@gmail.com

شده است. لازم به ذکر است که هیچ قاعده و قانونی در حوزه زندگی شهری نباید رذایل اخلاقی را رشد دهد و فضایل اخلاقی چون توجه به حلال و پرهیز از حرام را در نزد مردم کوچک و خقیر جلوه دهد.

کلیدواژه‌ها: قواعد اخلاقی- حقوقی، حلال و حرام، عدالت اجتماعی، کمیسیون ماده «۵» شورای عالی، قانون مدنی.

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی^۱ (نمونه پژوهش: ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)

پرديس بهمني^۲

اشیا نقش قابل توجهی در زندگی و بهتیغ آن، تمدن و فرهنگ دارند. انسان همواره کاربر اشیا است و علاوه بر کاربردهایی که از هر شیء انتظار می‌رود، نقش، فرم و تزیینات آن‌ها نیز موردنظر قرار می‌گیرد و در ادراک و ارتباط انسان و اشیا قابل اهمیت می‌باشد. هدف اصلی از این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر طراحی ظروف خانگی به عنوان زیرمجموعه اشیای مورداستفاده در قرون اولیه اسلامی ایران است.

روش تحقیق این پژوهش در گروه تحقیقات کیفی و به صورت تاریخی - تفسیری می‌باشد. با توجه به رویکرد زمینه‌گرایی، سه مقوله ساختار ظاهری، ساختار عملکردی و ساختار محتوایی برای طراحی ظروف خانگی طراحی گردید. سپس، ابتدا اوضاع اجتماعی سده‌های مورد نظر موردنبررسی و تحقیق قرار گرفته و آنگاه طبقه‌بندی ظاهری و محتوایی ظروف خانگی به صورت جداگانه بررسی شده است. در طبقه‌بندی ظاهری ظروف خانگی این قرون، با توجه به جنس اشیا، که اولین عنصر از عناصر گشتالت می‌باشد، سه گروه شبیه، سفال و فلز، هفت گونه مختلف ظروف خانگی شناسایی گردیده و خصوصیات هر کدام تعریف شده است. در مرحله بعد با توجه به نقش جغرافیا، اقلیم، عوامل فرهنگی و مذهبی، در زمینه گرایی فرهنگی - اجتماعی، با معرفی نمادها و نقوش جلوه‌گر شده در ظروف خانگی، طبقه‌بندی محتوایی صورت گرفته که درنهایت نقوش مرتبه با نور و آب از اهمیت ویژه‌ای در هویت‌سازی این ظروف برخوردار بوده است.

با توجه به هدف و فرضیه پژوهش، عوامل مؤثر بر طراحی ظروف خانگی ایران در قرون اولیه اسلامی، جغرافیا و اقلیم، سنت‌های مذهبی قبل از اسلام، تفکر و باورهای اسلامی و به وجود آمدن گروههای اجتماعی به همراه آداب و عادات غذایی ایرانی مسلمان است. نتیجه این پژوهش، طراحی و شکل‌گیری ظروف خانگی را در چهار بخش: ساختار

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری پژوهش هنر در دانشگاه هنر نگارنده می‌باشد که در شانزدهمین دوره پایان‌نامه سال دانشجویی از سوی جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۵ مورد تقدیر قرار گرفته است
2. bahmanip@iust.ac.ir

و ترکیب‌بندی ظروف، بازتاب سنت‌های کهن، تأثیر از باورهای اسلامی و هماهنگی با نیازهای استفاده‌گران، ارائه می‌نماید. به نظر می‌رسد در بسیاری از ظروف خانگی، سنت‌های کهن و باورهای اسلامی در نقش و فرم‌های نمادین مرتبط با آب و نور با هم ترکیب شده است. به عنوان مثال نقوش هندسی عناصر طبیعت مانند آب، زمین و خورشید، در کنار نقوش گیاهی به صورت نقوش اسلامی و برگ و نیمبرگ مخصوصاً در ترکیب با نقوش کتبه‌ای به چشم می‌خوردند و نقوش حیوانی نیز در تنوعی از تجرد و انتزاع به تصویر کشیده شده‌اند که به نظر می‌رسد ریشه در تفکر نمادین طراحان داشته است. نقوش انسانی نیز علاوه بر تصویرگری شاهان و جنگجویان، شخصیت‌های اسطوره‌ای مرتبط با آب و نور را می‌نمایند. در نهایت نگارنده کلمه مخفف ماناک را جهت معرفی مبانی طراحی اشیا در قرون اولیه اسلامی ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: طراحی، نقش و نماد، زمینه گرافی، ظروف خانگی، قرون اولیه اسلامی، هنر اسلامی، ماناک.

تأثیر سیمای خانه در طبقات اقتصادی شهر مشهد بر آسیب‌های اجتماعی

وحیده فکری^۱

شکاف و جدایی‌گزینی اجتماعی (social segregation) در روند تحولات فضایی- کالبدی محلات و مناطق مختلف یک شهر پدیده مطلوبی نیست و موجب تفکیک طبقات اجتماعی در شهر می‌شود که می‌تواند منشاً اصلی برخی دوگانگی‌ها و تضادهای جدی بین محلات بالا و پایین طبقات اقتصادی- اجتماعی گردد (خیرالدین، ۱۳۹۲، ۴۳). یکی از مهم‌ترین تضادهای قابل مشاهده، تضاد بین سیما یا نمای خانه‌ها در طبقات مختلف اقتصادی- اجتماعی شهر است. از این‌رو تحقیق حاضر به بررسی نابرابری‌های سیمای خانه در طبقات اقتصادی شهر مشهد و چگونگی ارتباط آن با آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. درواقع در پی پاسخ به این سوالات است که سیمای خانه (نما) چگونه باشد که اختلاف طبقات اقتصادی منجر به اختلاف طبقات اجتماعی نشود؟ تأثیر سیمای خانه بر سیمای شهر و رابطه‌ی آن با طبقات اقتصادی چگونه است؟ کدام نوع نما حرمت و شأن انسانی را حفظ می‌کند؟ روش تحقیق، توصیفی استدلای بوده و سطح درآمد به عنوان معیاری برای طبقه‌بندی محلات شهر مشهد انتخاب گردید تا امکان مقایسه ایجاد شود.

کلیدواژه‌ها: سیمای خانه، طبقات اقتصادی، طبقات اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی.

۱. دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد، رشته معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، Raha_f41@yahoo.com

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمالگرای انسانی

عاطفه ظریف فیروز عسگری^۱، مهدی حمزه نژاد^۲

معماری با ساختارهای فکری و اندیشه‌ای افراد بسیاری در طول تاریخ عجین بود است. انسان‌شناسی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین ارکان بر تمامی اعمال بشر، و علی‌الخصوص معماری شایسته مطالعه‌ی باشد که البته نظریات مختلف در این باب از دانشمندان و فلاسفه موجود است. معماران امروز بیشتر در پی یافتن مدلی هستند که پاسخگوی رفتارهای انسانی باشد اما با مطالعه بیشتر بر روی انسان‌ها و پژوهش‌های انسان‌شناسی می‌توان دریافت که تنها توجه به عوامل رفتاری در طراحی نمی‌تواند درجه رضایت کاربر را بالا برد، همان‌گونه که در مطالعات علمی روانشناس انسان‌گرا مازلو اثبات شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بررسی روابط در پی یافتن فاکتورهایی برای ایجاد یک کیفیت بهتر برای معماری بر اساس مدل‌های ارائه شده از انسان توسط یک حکیم مسلمان و یک روانشناس انسان‌گرای غرب است. بر اساس یافته‌های این پژوهش مدل‌های استكمالی ارائه شده توسط مازلو و ملاصدرا علی‌رغم تفاوت‌های بینشی و روشی شباهت‌های فراوانی به هم دارند با این نکته که مدل ملاصدرا کامل‌تر و شامل‌تر از مدل مازلو می‌باشد. در پژوهش حاضر مدل‌های نظری استكمال انسانی ملاصدرا و مازلو به‌نوعی با استفاده از مفاهیم استنباطی واسطه‌ای به نظامهای کالبدی، کارکرده یا معنایی نسبت داده شده، و ترجمان این نظامها در جسم معماری به عنوان چکلیست طراحی معماری کمال‌گرای انسانی با توجه به مدل‌های استكمالی مازلو و ملاصدرا ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: استكمال انسان - نفس - نیازها - مظاهر کمال - معماری کمالگرای

۱. دانشجو کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع)
atefeh.zarif@imamreza.ac.ir

۲. دکترای معماری - عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت ایران
hamzenejad@iust.ac.ir

تشخص خود جمعی از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری و نمود آن در معماری و شهرسازی

عاطفه ظریف فیروز عسگری^۱، مهدی حمزه نژاد^۲

«خود جمعی» یا «من جمعی» مولود حیات اجتماعی است. هویت یا شخصیت از دو منظر قابل بررسی است یکی فردی دیگری جمعی. درین باره مفسران زیادی از شاخه‌های مختلف علوم انسانی نظریاتی را مطرح کرده‌اند از جمله فلاسفه، روانشناسان، جامعه شناسان و... اما بررسی این مفهوم در علوم اسلامی و اثبات پدیده‌هایی که مولود این خود جمعی می‌باشد تابه‌حال کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر برآن است که وجود اصلی «خود جمعی» یا هویت اجتماعی را از منظر علامه طباطبایی و شهید مطهری توصیف و روش اثبات آن را تبیین و با نظریات مشابه غرب مقایسه و همچنین چگونگی نمود خود جمعی در معماری و شهرسازی را بیان کند. پژوهش حاضر بر اساس اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی پایه‌گذاری شده و به مدد روش کیفی و استدلال منطقی به بررسی چگونگی اثبات نمود برخی از پدیده‌های جمعی در معماری و شهرسازی با استفاده از نظریه تشخص خود جمعی می‌پردازد. طبق نتایج بدست آمده در فرهنگ اسلام هویت جمعی در عین تشخص هویت فردی اصالت دارد و پدیده‌های مولود این خود جمعی در معماری و شهرسازی، از جمله هویت قومی و درنتیجه معماری اقوام، محله و محله محوری، سکونت فامیلی و کهن‌الگوها با استفاده از مفاهیم مستخرج از نظریه تشخص خود جمعی توصیف و توجیه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اجتماع، فرد، خود جمعی، هویت.

۱. دانشجو کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع)

atefeh.zarif@imamreza.ac.ir

۲. دکترای معماری - عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت ایران. hamzenejad@iust.ac.ir

استفاده از وقف و مفاهیم آن در طراحی بنای فرهنگی یادمان ربع رشیدی

شاپیسته شهبازی^۱

وقف یکی از سنت‌های مورد تأکید در تعالیم اسلامی است و در رشته‌های مختلف علمی و کاربردی موردنویجه قرار دارد. کوشش‌های فکری صورت گرفته در حوزه دانش معماری و شهرسازی، نشانگر وجود اشکال و آسیب‌هایی است که منجر به عدم استفاده کاربردی از این سنت در بخش‌های مختلف صنعت ساختمان و طراحی‌ها شده است. این مقاله با توجه به مطالعات انجام گرفته و با استفاده از روش تحقیق کیفی در پی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان با استفاده از آموزه‌های فرهنگی وقف اقدام به طراحی یک بنای یادمان در منطقه ربع رشیدی نمود؟ در ابتدا با بررسی مبانی وقف و سابقه آن اطلاعات اولیه ارائه شده و سپس با استفاده از موارد مشابه فرهنگی، درس آموخته‌های مناسب موردنبررسی قرار گرفته و در آخر با استفاده از این یافته‌ها و مصادیق مرتبط با آن اقدام به طراحی در سایت منتخب در منطقه می‌گردد. نتایج طراحی نشان می‌دهد با استفاده از قابلیت‌های مختلف وقف و تأثیرگذاری آن بر فرهنگ جامعه و آموخته‌های دوران اسلامی، می‌توان مرکزی فرهنگی در جوار منطقه ربع رشیدی طراحی نمود و از کارکردهای مناسب آن برای ارتقاء سطح فرهنگ ساکنان بهره برد.

کلیدواژه‌ها: ربع رشیدی، وقف، بنای فرهنگی، یادمان، طراحی معماری.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
Shahbazi.shayesteh@yahoo.com

مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام

بهزاد عمرانزاده^۱

شهر اسلامی مفهومی است که با نظر به شرایط فعلی کشور و دغدغه‌های ایجادشده در زمینه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت در راستای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، با داشتن ظرفیت بین‌رشته‌ای بودن و عینی بودن، می‌تواند محور اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی متخصصان علوم اجتماعی و انسانی قرار گیرد. نگارنده در مقاله حاضر تلاش نموده است با یک روش علمی جدید و با بهره‌مندی از منابع اسلامی موجود و در راستای تدوین مبانی نظری شهر اسلامی به عنوان عینیت الگو و تمدن اسلامی، در زمینه یکی از ابعاد این شهر که یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین چالش‌های شهرهای معاصر نیز می‌باشد، یعنی عدالت اجتماعی و فضایی به تولید مبانی و نظریه اقدام نماید.

عدالت یکی از متأکن‌سپتها و یا کلان مفاهیمی است که تقریباً در تمامی حوزه‌های معرفتی از جهان یینی گرفته تا اخلاق، سیاست، حقوق و ... و کل سطوح حیاط بشری (فردى، اجتماعي، مادى، معنوى و ...) و در تمامی دوران‌ها (از قدیم تا به امروز) مطرح بوده است و نظریات متعددی توسط اندیشمندان مکاتب مختلف و با رویکردهای متنوع درخصوص آن ارائه شده است. بر همین اساس و با نظر به اهداف عالیه نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی، مقاله حاضر بخشی از تلاش علمی است جهت دستیابی به یک نظریه بومی مکتبی در خصوص مفهوم عدالت و اندیشه‌ورزی در محیط آن.

کلیدواژه‌ها: شهر اسلامی، عدالت فضایی، اصول، راهبرد، راهکار، مدل مفهومی.

اخلاق حقوق محور و بلندمرتبه‌سازی مطالعه موردی: برج مسکونی باران ۲ مشهد

سبحان شریفی^۱

امروزه طراحی شهرها با مشکلات عدیده دست به گربیان است که سبب کاهش کیفیت زندگی شهروندان شده است. این مسئله به خصوص در کلان شهرها جدی‌تر احساس می‌شود. چراکه مدیریت شهری نمی‌تواند پیوندی پایدار میان نیازهای جدید و پیشینه شهر برقرار نماید. یکی از این نیازهای جدید، اسکان جمعیت فزاینده و جانمایی عملکردها در زمین‌های محدود شهری است. پاسخی که به این مسئله در شهر مشهد داده شده است، افزایش تراکم و به‌تبع آن ایجاد پدیده بلندمرتبه‌سازی است. گرچه در مدیریت صحیح شهری ابتدا بایسته‌ها و نبایسته‌های پدیده‌ای همچون بلندمرتبه‌سازی شناخته و سپس با برنامه‌ریزی قبلی دست به ساخت‌وساز زد، اما به نظر نمی‌رسد که در مشهد چنین روندی طی شده باشد و شاهد رشد قارچ گونه برج‌ها هستیم.

این مقاله پدیده بلندمرتبه‌سازی را زدیدگاه اخلاق حقوق محور بررسی می‌کند چراکه این دیدگاه ضمن اینکه احتراف حقوق همه گروه‌ها ذی نفع را دربردارد، با جهان‌بینی الهی که انسان را به عنوان خلیفه خداوند در برابر عالم و آنچه خارج از وجود انسان خلق شده مسئول می‌داند، نیز مطابقت دارد. برای این منظور، پژوهش حاضر، با رویکرد توصیفی-تحلیلی ابتدا با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای، به معیار و ملاک‌هایی در این زمینه پرداز و سپس این معیارها را در یک نمونه موردی مشخص (برج باران مشهد) مورد واکاوی قرار داده است.

پرسش‌هایی که این مقاله به دنبال یافتن پاسخ آن است، این سؤالات است که شهروندان چه حقوقی در برابر معمار دارد؟ همچنین معمار چگونه می‌تواند این حقوق را محقق سازد؟ با بررسی و جمع‌آوری و طبقه‌بندی حقوق طرف‌های مقابل معمار، وظایف معمار متناظر با این حقوق تعیین خواهد شد. در پایان چگونگی رعایت این وظایف در پروژه برج مسکونی باران ۲ بررسی شده و سپس ضوابط طراحی با ممیزی اخلاق حقوق محور پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: اخلاق حرفة‌ای، اخلاق حقوق محور، معماری، بلندمرتبه‌سازی، برج مسکونی باران ۲ مشهد.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری اسلامی دانشگاه امام رضا (ع) مشهد yahoo.com@s.sharifi93

بررسی و تطبیق صفات نادان شهرهای فارابی با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)

وحیده فکری^۱

حکیم ابونصر فارابی، فیلسوف بر جسته مسلمان که به حق، پدر فلسفه اسلامی نامیده می‌شود در دو اثر بسیار مهم و ارزشمند خویش؛ «سیاست المدنیه »و« آراء اهل مدینه فاضله »به ویژگی‌هایی در شهرها و ساکنین شهرها اشاره کرده است. فیلسوفی که برای نخستین بار در تاریخ فلسفه اسلامی از شهری آرمانی و از خصائص اجتماع مدنی سخن به میان آورد. این پژوهش به دنبال ارتباطی است میان نادان شهرهای فارابی و نادان محله‌های امروز، که آیا می‌توان این دو را با هم تطبیق داد یا خیر؟ اگر می‌شود نمود کالبدی و شخصیتی صفات نادان شهرها و مردم آن چگونه است؟ همچنین می‌توان از خلال آن‌ها و تحقیق و تفحص در متن موضوعات آن، و با بررسی و تطبیق نشانه‌ها با شهرهای معاصر، نقدی بر امروز داشت. لذا هدف این تحقیق شناسایی دقیق ویژگی‌های کالبدی نادان شهرها بر اساس جستجوی متنی و تطبیق آن با شهرهای معاصر جهت نقد وضع موجود نیز است. در این پژوهش که در آن از روش‌های استنادی (کتابخانه‌ای)، تحلیل محتوای متن، روش دلفی بهره برده شده، سعی شده است تا رویکردی ویژه و مشخص و به زبانی گویا به ویژگی‌های نادان شهرهای فارابی اشاره گردد.

لذا توجه به ویژگی‌های کالبدی نادان محله‌ها که با استفاده از تحلیل متون و روش دلفی به دست آمد، و سنجهش آن‌ها با سرانه‌های مطلوب کاربری‌ها در محله، می‌توان به نارسایی‌ها و دلایل به وجود آمدن نقص‌های شخصیتی و تفکر افراد پی برد. مهم‌ترین بخش پژوهش، به دست آوردن نمود کالبدی صفات نادان شهر فارابی در محله‌های امروزی است.

کلیدواژه‌ها: فارابی، نادان شهر، نادان محله.

روش تحقیق در شهرسازی اسلامی (برنامه‌ریزی شهری)

سید مصطفی حسنی^۱، علی حجازیان^۲، محمدحسین گلکار^۳، عبدالله صادقی^۴

گزاره‌های دین استراتژی‌های لازم را جهت برنامه‌ریزی و مدیریت جواب مختلف زندگی ارائه نموده‌اند و راهبرد فعال‌سازی و کارآمدی دین در عرصه زندگی نگرش سیستمی و استراتژیک به گزاره‌های دین است. یکی از عرصه‌های تحقق جلوه مدیریت دین شهر می‌باشد. شهرسازی اسلامی می‌تواند کارآمدی دین را در عرصه شهر نمایان سازد. برای علم شهرسازی اسلامی، در وضعیت موجود روش تحقیق منسجمی تنظیم نگردیده است؛ در روش تحقیق شهرسازی علمی به موضوع شناسی دقیقی، برای کشف مسائل و تولید شبکه مسائل و کشف جواب آن‌ها در شهرسازی اسلامی نیاز به تحقیق جلوه مدیریت دین شهر می‌باشد. شهرسازی اسلامی می‌تواند کارآمدی دین را در عرصه شهر نمایان سازد. برای علم شهرسازی اسلامی، در وضعیت موجود روش تحقیق منسجمی تنظیم نگردیده است؛ در روش تحقیق شهرسازی علمی به موضوع شناسی دقیقی، برای کشف مسائل و تولید شبکه مسائل و کشف جواب آن‌ها در شهرسازی اسلامی داریم. آنچه در شهرسازی از آن بحث می‌گردد، قسمت جسمانی شهر-کالبد و فضای شهری- است کالبد و فضا تحت عنوان عام جسم شهر ادغام شده و اصل موضوع شهرسازی قرار داده شده‌اند. به تعبیری، تمامی ریز موضوعات تحت اصلی که کالبد و فضا یا جسم شهر است جمع می‌گردند. و سپس به تولید شبکه مسائل شهرسازی می‌پردازیم. برای رسیدن به مدل راهبردی شهرسازی اسلامی، روش تحقیق شبکه‌ای مطلوب‌ترین روش در تولید آن است. روش تحقیق در این نوشتار تلفیقی از روش کتابخانه‌ای، تحقیق موردي، تحقیق ترکیبی، سیستمی است. این روش با رویکرد اجتهاد سیستمی صورت می‌پذیرد. که بر اساس منابع دین با روش اجتهاد جواهری بعلاوه منطق استنباط فرآیندها حاصل می‌گردد، در این مقاله برایم تا با شبکه‌سازی از گزاره‌های دین در موضوع شهرسازی و استفاده از اجتهاد سیستمی، به تولید «مدل راهبردی» شهرسازی اسلامی پردازیم.

کلیدواژه‌ها: دین، شهرسازی، شبکه، اجتهاد سیستمی، مدل راهبردی.

۱. دانشیزه حوزه علمیه خراسان، سطح چهار (معدل دانشجوی دکترا) محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، mostafa4hasani@gmail.com

۲. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۳. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۴. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام: abdollah.sadeqi@gmail.com

نقشه راه شهرسازی اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی

علی حجازیان^۱، سید مصطفی حسنی^۲، محمدحسین گلکار^۳، عبدالله صادقی^۴

گزاره‌های راهبردی دین اسلام در دنیای امروز توانایی دارد فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم «تمدن نوین اسلامی» می‌گوییم روش تفکر شبکه‌ای که محصول دید کلان و جامع نسبت به موضوعات است، سکوی جهش علمی و عملی بهسوی حقائق هستی است. از سویی شهر را می‌توان رحم و ظرف ایجاد تمدن نوین دانست. از آنجاکه برای رسیدن به هر تمدنی نیاز به مدل‌سازی بر اساس نقشه راهی می‌باشد. و با توجه به نقشه راه تمدنی، هر تمدنی برای تحقق در عالم خارج، نیاز به الگوی توسعه و پیشرفت مخصوص آن تمدن دارد. یکی از زیرساخت‌های اصلی تمدن، شهر است که به علت تجلی و نمود سیستم‌های دیگر در آن جایگاه ظرف گونه در تبلور و نمایش تمدن دارد. افراد بر اساس زاویه نگاه خود تعاریفی از شهر ارائه کرهاند، شهر با نگاه شهرسازانه این گونه تعریف می‌گردد، که به احوالات جسم، کالبد و فضای شهر می‌پردازد. نوع تحقیق انجام‌گرفته در این مقاله بنیادی بوده و اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی از زاویه دید شهرسازی اسلامی ابتدا یک نقشه راه برای آن تنظیم می‌نماییم. ازین‌رو در این مقاله برای تحقق این نقشه راه شهرسازی اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی را به نگارش در بیاوریم.

کلیدواژه‌ها: تمدن، تمدن نوین اسلامی، شهر، شهرسازی، نقشه راه.

۱. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۲. دانشیزه حوزه علمیه خراسان، سطح چهار (معادل دانشجوی دکترا) محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام mostafa4hasani@gmail.com

۳. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام

۴. محقق موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام abdollah.sadeqi@gmail.com

کمپیوون ئىخچىسى
ئەكىن ئۇرىن اسلامى

١٨ چىكىدە مقالە

نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری

مهردی ابوطالبی^۱

تمدن نوین اسلامی ایده‌ای است که توسط مقام معظم رهبری به عنوان آخرین مرحله از مراحل پنج‌گانه در فرایند تحقق اهداف نهضت امام خمینی (ره) مطرح شده است. سؤال اصلی این مقاله این است که برای رسیدن به این هدف، علوم انسانی اسلامی چه نقش و جایگاهی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال باید تعریف تمدن نوین اسلامی و اصول و مختصات آن و لوازم و مقدمات تحقیق آن از نگاه مقام معظم رهبری تبیین شود تا جایگاه علوم انسانی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی روشن شود.

نکته دیگر این که نوبدن تمدن نوین اسلامی به تفاوت آن با تمدن اسلامی گذشته و تمدن جدید غربی است. به نظر می‌رسد با توجه به تعریف رهبری از تمدن نوین اسلامی، علوم انسانی اسلامی از چند جهت در تحقق این تمدن تأثیرگذار است:

۱. برای تحقق برخی از بخش‌های صورت ابزاری تمدن یعنی علم، سیاست و اقتصاد قطعاً نیازمند شاخه‌هایی از علوم انسانی مثل علوم سیاسی و علوم اقتصادی و علوم اجتماعی هستیم.

۲. همچنین برای تحقق پایه تمدن یعنی تعالی معنوی انسان، یعنی فرهنگ و بینش و معرفت انسانی، قطعاً نیازمند مباحث فرهنگی و معرفتی علوم انسانی از جمله مباحث جامعه شناختی هستیم.

۳. همچنین جهت تحقق پیشرفت همه جانبه انسان که از عناصر اصلی تمدن است نیازمند الگوهای پیشرفت هستیم که بسیاری از مواد آن در مباحث علوم انسانی از جمله سیاست، اقتصاد، و جامعه شناسی فراهم می‌شود.

۴. همچنین از آن جا یکی از مختصات تمدن اسلامی جوشش از درون و تقلیدی نبودن آن می‌باشد و این تمدن دارای وصف اسلامی است و یکی از ملاک‌های نوبدن آن متفاوت بودن از تمدن موجود غربی است قطعاً نیازمند تولید علوم انسانی اسلامی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستیم.

کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، علوم انسانی، علوم انسانی اسلامی، پیشرفت، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱. استادیار علوم سیاسی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).

نگاه مقایسه‌ای به معرفت‌شناسی ساختارگرا و تکامل‌گر در تحول علوم انسانی و تأثیر آن در مهندسی تمدن نوین اسلامی

ابراهیم صادقی^۱، محمد رضا خاکی قراملکی^۲

بی‌شک تمدن‌ها تجسس عینی، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های اجتماعی است. که نقش مستقیم و اساسی در تغییر الگو و سبک زندگی فردی و اجتماعی جوامع ایفاء می‌کند. اما مهندسی یک تمدن و توسعه اجتماعی بدون مجهز شدن به ابزار و علوم لازم امکان‌پذیر نیست. علوم و دانش‌ها، در یک شبکه هماهنگ و درهم‌تبنیده، نرم‌افزاری است که حاکمیت ارزش‌های مکتبی را در عینیت اجتماعی در قالب تمدن تحقق می‌بخشد. در این میان علوم انسانی در شبکه دانش از جایگاه و منزلت ویژه‌ای برخوردار است. اما خود تحول در علوم انسانی، ریشه در مبانی نظری آن دارد، که مبانی معرفت‌شناسی علوم مؤلفه کلیدی در این تحول می‌باشد. درحقیقت معرفت‌شناسی به عنوان تئوری تحلیل و توصیف دانش، تلاش می‌کند با نگاه درجه دو، الگو و مدل معرفت و فهم بشر را نسبت به موضوعات و واقعیات اجتماعی و مادی عالیه ارائه کند. یعنی تحلیل محتوای دانش و واقعیت فهم و مکانیسم فهم و تعیین معیار صحبت دانش، از وظایف و کارکردهای معرفت‌شناسی است. لذا معرفت‌شناسی با تحلیلی که از هویت و ماهیت دانش و معرفت ارائه می‌کند و با حضور تعیین‌کننده، در داوی نسبت به صحتوسقم نظریه‌های علمی، نقش اساسی در تحول علوم و به تبع در مهندسی تمدن ایفاء می‌کند. اما در این رابطه دستگاه‌های معرفت‌شناسختی نسبت به واقعیت فهم و محتوای دانش مواجهه یکسانی ندارند. بر این اساس اختلاف در آن، منشأ اختلاف در چگونگی و چیستی تحول علوم و مهندسی تمدن می‌گردد. یعنی اختلاف‌منظر و پارادایم‌های نظامهای معرفتی، در معیار صحبت دانش، تحلیل دانش به مثابه امر مادی یا امری انتزاعی، یا به مثابه ابزار تصرف، روش تحقیق و نقش اراده در فهم، منجر به اختلاف در تحلیل الگوی فهم و تبعاً محتوای علم خواهد داشت. اما در این میان به تحلیل و مقایسه اختلاف دو پارادایم معرفت‌شناسختی می‌پردازیم، که یکی با رویکرد انتزاعی و ذات گرایانه و بسیط، با شاخص انکشاف و تطابق به واقعیت، به علم نظر می‌کند و دیگری با رویکرد ارتباطی و تقویتی نسبت به واقعیت علم، تکامل کمی و کیفی را در دانش باور داشته و دانش را ابزار تصرف

۱. محقق و عضو گروه پژوهشی فرهنگستان علوم اسلامی. sadeghi8208@gmail.com
۲. دانش‌آموخته مرکز تخصصی علم کلام، عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم اسلامی. mrkhkai54@gmail.com

و تغییر واقع تلقی می کند. تبعاً این دو پارادایم معرفتی، نقش آفرینی متفاوتی در تحول علوم انسانی، به تبع در مهندسی تمدن اسلامی خواهد گذاشت.

کلیدواژه‌ها: ذات نگاری، تکامل پذیری، مهندسی تمدن، فاعل شناسا، واقع گرایی، تحول علوم انسانی، معرفت‌شناسی اجتماعی، معیار صحت، کل گرایی، نظام سازی، کشف، تصرف واقع.

درآمدی بر الگوی دستیابی به علوم انسانی اسلامی بر اساس اندیشه تمدنی مقام معظم رهبری

مصطفی جمالی^۱، علیرضا جمالی^۲، عباس درویشی^۳

انقلاب اسلامی به جهت مبتنی بودن بر معارف عمیق، جامع و جهان‌شمول اسلام راهی جز تحقق تمدن اسلامی با تمام لوازم تمدنی آن در عصر حاضر ندارد، و از ارکان اساسی تمدن اسلامی، علوم انسانی اسلامی می‌باشد و لذا مقام معظم رهبری در باب تولید علوم انسانی تأکیدات فراوان داشته‌اند و علاوه بر آن در ابعاد مختلف این هدف فرمایشات مختلفی با مخاطبین متفاوت داشته‌اند. لذا لازم است با نگاهی جامع به این فرمایشات، به الگوی جامع در باب تولید علوم انسانی دست پیدا کنیم، الگویی که بتواند تمام تنسبات درونی و بیرونی تولید علوم انسانی را ملاحظه کند. در این مقاله ابتدا جایگاه علوم انسانی در ساخت تمدن اسلامی مبتنی بر اندیشه تمدنی رهبری معین گردیده است و سپس فرمایشات ایشان در باب علوم انسانی در سه حوزه «محتوها، برنامه، سازمان» تحول بررسی گردیده است. در باب محتوها مباحث ایشان در سه حوزه «مبانی، مسائل، کارآمدی» و در باب برنامه فرمایشات ایشان در سه حوزه «سیاست‌گذاری، نقشه تحول، برنامه تحول» و در باب سازمان تحول، فرمایشات ایشان در باب وظیفه سه نهاد «حوزه، دانشگاه، نظام اجرایی» بررسی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی اسلامی، تمدن.

۱. عضو هیئت علمی فرهنگستان علوم اسلامی، با رتبه استادیار mo.jamali313@gmail.com

۲. دانشجوی ارشد، فلسفه علوم اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

۳. دانشجوی ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

بررسی ماهیت، مؤلفه‌ها و روند تحول در علوم انسانی به مثابه نرم افزار تمدن نوین اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

سید‌هادی موسوی^۱

«علوم انسانی، روح دانش‌ها است» که جهت‌گیری‌ها و غایبات و روش‌های دستیابی به آن‌ها در تمدن نوین اسلامی مشخص می‌نماید. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از لوازم حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، تحول در علوم انسانی موجود و کنونی است. ماهیت این تحول، گذشت از جهان‌نگری و مبادی و مبانی و نیز گزاره‌ها و نتایج و غایات مادی، ضد دینی و غیرانسانی علوم انسانی غربی و در مقابل، پی‌ریزی و بنای علوم انسانی اسلامی بر مبادی و مبانی، گزاره‌ها، معارف و غایت قرآنی و جهان‌بینی توحیدی و انسان‌شناسی اسلامی مبتنی بر کرامت انسانی است. معیارها و مؤلفه‌هایی نیز وجود دارد که چارچوب و ساختار گذشت از علوم انسانی غربی و تحول در مفاهیم و نظرگاه‌های آن و رسیدن به علوم انسانی اسلامی و بومی را مشخص می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها اجتناب از تقلید ناشی از نگاه ترجمه‌ای از فکر و نظریه اندیشمندان غربی، رویکرد ایجابی مبتنی بر نگاه اجتهادی به علوم انسانی، شجاعت علمی در استنباطات، نوآوری و عبور از نظریات رایج در علوم انسانی غربی، ناظریت علوم انسانی در جهت پاسخ‌دهی به مسائل و نیازهای بومی و ... می‌باشد.

از سوی دیگر، از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تحول در علوم انسانی به مثابه نرم افزار اداره ارکان و نظامات درون تمدن نوین اسلامی، دارای روندی کلی است که به نظر می‌رسد دارای مراحل زیر می‌باشد: اشعار و تنبه نخبگان نسبت به نازایی تفکر ترجمه محور کنونی از علوم انسانی غربی، درک تعارض و غیریت‌های لایتحل مبادی و مبانی نظری مادی علوم انسانی غربی با جهان‌نگری و انسان‌نگری اسلامی، فهم ضرورت گذشت از نظریات و نتایج علوم انسانی غربی با نظر به مشکلات و مسائل و چالش‌های بومی حرکت به سمت جامعه و تمدن نوین اسلامی، دستیابی به معرفت یقینی به عدم کارایی حقیقی علوم انسانی غربی برای نجات انسان معاصر و ضرورت تحول در آن، رجوع به قرآن و معارف قرآنی - اسلامی با رویکرد اجتهادی برای پایه‌ریزی علوم انسانی اسلامی، تولید نظریه در حوزه علوم انسانی

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و پژوهشگر در حوزه اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

بر مبادی و مبانی متخذ از معارف قرآنی و جهان‌گردی اسلامی، تطبیق نظریات و جهت‌گیری آنها در راستای حرکت جامعه اسلامی به سمت تمدن نوین اسلامی، دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی غربی، علوم انسانی اسلامی، تحول در علوم انسانی، آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن نوین اسلامی.

تأثیر مقیاس تمدنی در تحلیل ارزش‌گذاری علوم انسانی

مصطفی جمالی^۱، حمید ابدی مرزونی^۲

طرح افق تمدنی در فضای فکری کشور، اگرچه باب بحث بر سر مؤلفه‌های تمدن را گشود، اما «مقیاس تمدنی» آن چنان که باید در حوزه‌های موضوعی مختلف، فرأوری نشد. حوزه دانش و بهطور خاص علوم انسانی، از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که اگر نتوان توضیح نظری درخوری در باب تأثیر وصف «تمدنی» بر همه‌ی لایه‌ها و سطوح آن ارائه داد، راهی به تحولی اساسی در این حوزه، در تراز غایت تمدنی موردنظر، باز نخواهد شد. ارتکاز پژوهشگران حوزه‌ی تمدن از وصف «تمدنی»، نتوانسته تمایز مفهومی خود را با وصف «ملی - اجتماعی» به نحو روشنی توضیح دهد. در این پژوهش، ابتدا ضمن ایضاح مقیاس «تمدنی» در تمایز آن با «مقیاس تاریخی» و «مقیاس اجتماعی»، برخی ویژگی‌های عام چنین مقیاسی از بررسی در تحلیل هر موضوعی، ارائه شده است. سپس تلاش شده با طرح لایه‌ها و سطوح مختلف دانش و بهویژه علوم انسانی، پرتوی بر تأثیر مقیاس تمدنی بر آنها انداده شود و در این میان «ارزش‌گذاری علوم انسانی»، بهمثابه یکی از بنیادی‌ترین ارکان علوم، در کانون توجه این پژوهش قرار گرفته و الزاماتی که وصف «تمدنی» برای آن ایجاد می‌کند، تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن، ارزش‌گذاری، علوم انسانی.

۱. عضو هیئت‌علمی فرهنگستان علوم اسلامی، با رتبه استادیاری mo.jamali313@gmail.com
۲. کارشناس ارشد، محقق فرهنگستان علوم اسلامی

عبور از علوم انسانی فعلی لازمه تمدن نوین اسلامی

رضا رمضان نرگسی^۱

در این تحقیق بعد از تعریفی از علوم انسانی موجود در غرب به مبانی فکری و معرفتی این علوم پرداخته شد و چنین نتیجه گرفته شده که تمامی شاخه‌های علوم انسانی بر پایه اولانیسم، لیبرالیسم و ساینتیسم و عقل ابزاری منفعت‌گرا پایه‌گذاری شده و این مبانی فکری - معرفتی برای غرب مسیر جدیدی باز کرد که توانست با طی آن مسیر به تمدن فعلی غرب برسد. به عبارتی تمدن فعلی غرب نتیجه رشد و توسعه علوم انسانی جدید است نه علوم فنی و مهندسی آن؛ چراکه علوم فنی و مهندسی تحت تأثیر مستقیم علوم انسانی قرار داشته و رنگ بوی معرفتی آن را می‌گیرد. بنابراین، سایر کشورها با اخذ علوم انسانی - حتی بومی کردن آن‌ها، یعنی با حفظ مبانی فکری و معرفتی اش آن را بر فرهنگ ملی خود تطبیق دهنده، چنانچه برخی از اساتید فعلی دانشگاه در صدد انجام آن هستند - بیشتر در تمدن غرب فرورفت و حتی در رشد و توسعه آن نقش مهمی ایفا می‌کنند. لذا تنها راه برونو رفت از تمدن فعلی غربی و پایه‌گذاری تمدن نوین اسلامی این است که جهان اسلام خصوصاً اندیشمندان کشور ما بر اساس مبانی فکری معرفتی اسلام این علوم را بازنویسی نمایند و به اصطلاح این علوم را اسلامی سازند و صرف بومی‌سازی این علوم کافی نیست و به عبارت دیگر: در سایه توسعه و رشد علوم انسانی اسلامی جهان اسلام خواهد توانست با عبور از علوم انسانی فعلی تمدن جدیدی بر پایه تعالیم اسلامی بنا نماید.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، تمدن نوین اسلامی.

۱. عضو هیئت‌علمی موسسه امام خمینی(ره)

تبیین رابطه فقه نظام و علوم انسانی و نقش آن در تکوین تمدن نوین اسلامی

امین رضا عابدی نژاد داورانی^۱

تمدن نوین اسلامی به معنای کلان نظام اجتماعی کارآمد که در آن نیازهای متنوع انسان مسلمان به واسطه ابعاد مختلف نظام اجتماعی اسلام تأمین می‌شود، عمدتاً بر دو پایه تئوریک استوار است. نخستین پایه فقه نظام می‌باشد. فقه نظام به عنوان یک رویکرد تمدن ساز و جامعه پرداز عهددار استنباط احکام عملی ابعاد مختلف نظام اجتماعی و دست‌یابی به اهداف مراتبی آن می‌باشد. در این رویکرد فقهی مجموعه احکام فقهی بهمثابه یک کلان نظام اعتباری به نحوی با یکدیگر ارتباط دارند که می‌توانند اهداف مورد انتظار از تأسیس نظام اسلامی در ابعاد مختلف آن را تأمین کنند. در فقه نظام رفتارهای مجموعه کنشگران اجتماعی تنظیم می‌شوند. از سوی دیگر هر تمدنی وابسته به مجموعه‌ای از معرفت‌های توصیفی است که مجموعه علوم توصیفی را شکل می‌دهد. در میان این علوم توصیفی علوم انسانی در تکوین تمدن نقش برجسته‌ای ایفا می‌کنند. علوم انسانی به عنوان علوم راهبردی و سیاست‌گذار اجتماعی زمینه را برای ایجاد تحولات اجتماعی در جهت اهداف و ارزش‌های مطلوب اجتماعی فراهم می‌کنند. با توصیف نقش فقه نظام و علوم انسانی در تکوین تمدن نوین اسلامی تبیین رابطه فقه نظام با علوم انسانی برای ترسیم راهبرد تکوین تمدن نوین انسانی ضروری می‌نماید. بر این اساس الف: استنباط شیکه اهداف ابعاد مختلف نظام اجتماعی اسلام ب: موضوع شناسی فقه نظام و نقش علوم انسانی ج: بافت فقهی و اعتباری علوم انسانی د: الزامات تجویز در علوم انسانی و نقش فقه نظام از محورهای رابطه میان فقه نظام و علوم انسانی معرفی و تبیین شده است.

کلیدواژه‌ها: علوم انسانی، تمدن نوین اسلامی.

۱. دانشآموخته موسسه امام خمینی (ره)

مفهوم زمامت سیاسی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در ساحت کنش و رفتار سیاسی (عملکردی)

هادی عرب^۱

تحقیق انقلاب اسلامی بهمثابه اولین مرحله شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، نقطه آغازی بود تا صفحه‌ای جدید از بازگشت به خویشن و هویت حقیقی به روی تاریخ بشریت گشوده شود و مبنای برای پیج جدید تاریخ در راستای شکل‌گیری نظم و تمدنی نوین، مبتنی بر نگاهی متفاوت به انسان‌ها و جوامع به شمار آید. بی‌شک این تمدن‌سازی در یک فرآیند تاریخی شکل می‌گیرد و نباید انتظار داشت که یکباره همه لوازم آن احصاء شود. برای همراهی جامعه جهانی و اقبال کشورهای همسو به تأسیس تمدنی اسلام نخست باید مدلی کارآمد در مقیاس کوچک و در اندازه یک کشور اسلامی به وجود آورد این الگو می‌تواند دیگر دولتها را به پذیرش حکومت موردنظر ترغیب کند و سپس افکار عمومی جهان را به سمت وادارسازی دولتمردان خود برای بازخوانی چنین مدلی در کشور متبع خویش تشویق کند. از این‌رو، در این تحقیق بر آنیم تا بر اساس روش کتابخانه‌ای، مفهوم تربین الزامات سیاسی در ساحت کنش و عملکرد سیاسی در ایران، بهمثابه محور شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را برشماریم. نتایج این پژوهش مهم‌ترین الزامات سیاسی این ساحت را چنین بر می‌شمارد: تلاش برای کارآمدی جمهوری اسلامی ایران، لزوم حفظ استقلال سیاسی، حمایت معنوی و دفاع از مسلمانان، تعامل با تمدن‌های دیگر، تربیت نیروی انسانی و مدیران شایسته با نگرش تمدنی، ارتقای فرهنگ و بصیرت سیاسی جامعه، مقابله با توطئه‌های داخلی و خارجی و...
کلیدواژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، کارآمدی سیاسی، عملکرد سیاسی.

خط و خوشنویسی در فرهنگ و تمدن اسلامی

محمدعلی نجیبی^۱

در ادوار تاریخ، خط تنها وسیله‌ای بوده است که آثار گذشتگان توسط آن حفظ و تمدن هر کشور و ملتی از روی آن شناخته شده و پیوندی بوده است میان گذشته و حال، و نیز خط تنها وسیله‌ای است که توسط آن می‌توان نام، آثار و اصالت قوم و ملتی را حفظ و نگهداری کرد و به جرئت می‌توان گفت که پایه تمدن، عظمت، شکوه و جاودانگی هر جامعه و ملتی خط آن است.

این مقاله در صدد است خط و خوشنویسی را در حوزه تمدنی اسلام و نیز تأثیرگذاری خطاطان و خوشنویسان را در حوزه فرهنگ و تمدن اسلامی را بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: خط، خوشنویسی هنر، تمدن، اسلام، فرهنگ.

«الگوی تاریخ‌پژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه: چیستی، چرایی، چگونگی»

محمد رسول رضوی^۱، محمد پارچه‌باف دولتی^۲، ایمان روشن‌بین^۳

امروزه بحث تاریخ فکر به یکی از دغدغه‌های محققان تبدیل شده و رویکرد غالب نگرش فلسفی در فضای دانشگاهی پیرامون باور امامت شناختی، تاریخی است و کمتر منازعات کلامی را برمی‌تابند. به عبارت دیگر دنیای مدرن، بیشتر تمایل دارد با رویکرد تاریخی، ماهیت تشیع را بشناسد. از این‌رو برای اثبات اصالت تاریخی یک باور امامتی، اولین ادوار تاریخی شیعه از مهم‌ترین بخش‌های شناخت و تحلیل این مکتب تلقی می‌شود.

در طول تاریخ، قدرت حاکم و گفتمان غالب، متعلق به پیروان مکتب خلاف بوده و لذا شواهد متعددی وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و تعلقات سیاسی و قومی مورخان سنی مذهب بوده است. از این‌رو ما در نقل گزارش‌های تاریخی بین عامه و خاصه و گاهی بین خود عامه با اختلاف در محتوا مواجه هستیم. نکته‌ی مهم آن است که این اختلاف‌ها در محتوا، مستندی برای باورهای غلط می‌شود و یا باورهای غلط را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر نقل نادرست گزارش تاریخی، شواهد موجود تاریخ بر باورهای کلامی را از بین می‌برد و سبب ایجاد شباهات کلامی با پوشش تاریخی می‌شود.

بنابراین می‌بایست روش و الگویی ارائه نمود تا گرداوری گزارش‌های تاریخی قرآن و سنت به عنوان متقن‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ مکتوب و حجانی و با تکیه بر باورهای کلامی شیعه و مطالعات تطبیقی میان منابع تاریخی و رمزگشایی از گفتمان غالب، به تاریخ قطعی دستیافت که اصالت تاریخی باور امامیه را از میان اولین ادوار به اثبات رساند و مبین باورهای شیعی باشد. به چنین پژوهشی «تاریخ‌پژوهشی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» گفته می‌شود که بازگوکننده‌ی تاریخ قابل اعتماد و اتكایی است که بررسی آن گویای شواهدی بر باورهای کلامی شیعی بوده و

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم قرآن و حدیث و استاد راهنمای رساله.
۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم قرآن و حدیث و استاد مشاور رساله.

مطالعه‌ی آن، حاوی استخراج مستندات باورهای کلامی امامیه و تحلیلش مبین باورها است. همچنین این تاریخ قطعی به خودی خود منبعی برای باورسازی به صورت مستقل خواهد بود.
این مقاله به دنبال پاسخ به چیستی؛ چراً و چگونگی «الگوی تاریخپژوهی مبتنی بر آیات و روایات و اصول کلامی امامیه» است.

کلیدواژه‌ها: الگوی تاریخپژوهی، قرآن، سنت، اصول کلامی امامیه، عقل، رمزگشایی منابع عامه.

الگوی اعتبار سنجی منابع متداول قاریخی مبتنی بر قرآن و روایات و اصول کلامی امامیه

(مطالعه‌ی موردنی: تأثیر باورهای کلامی ابن‌هشام بر تأثیر «السیرة النبویه»)

ایمان روشن‌بنین^۱

شواهد متعددی وجود دارد که تاریخ‌نگاری در منابع اولیه، تحت تأثیر باورهای کلامی و اعتقادی و همچنین تعلقات قومی و سیاسی مورخان بوده و گاهی تصویر تاریخی ارائه شده، دستخوش تحریفات و تغییراتی قرار گرفته است. در صورت اثبات چنین مطلبی، روشن می‌شود که این منابع بدون بررسی علمی، اعتبار چندانی ندارد. این پژوهش به بررسی مطلب پیش‌گفته و تأثیر باورهای کلامی عبدالملک بن‌هشام بر تأثیر «السیرة النبویه» مبتنی بر قرآن و روایات و اصول کلامی امامیه است و الگوی ارائه شده بر این مبنای قابل تعییم و توسعه‌پذیر بر دیگر کتب تاریخی است.

سیره‌ی ابن‌هشام تهذیب سیره‌ی ابن‌اسحاق بوده و از آن جایی که سیره‌ی ابن‌هشام از اولین و مهم‌ترین سیره‌های موجود اهل تسنن و منبع والگوی پژوهش‌های تاریخی بعدی است، بررسی آن ضرورت دوچندانی می‌یابد. از آنجایی که ابن‌هشام به نقل وقایع تاریخ صدر اسلام پرداخته است، می‌توان تأثیر سه باور کلامی پیامبرشناسی، خلافت و امامت شناسی و صحابه‌شناسی او را در نگارش کتاب بررسی نمود.

تأثیر باورهای کلامی ابن‌هشام در این مقاله گردآورده و محور نشان داده شده است:

محور اول: روشن‌شناسی شیوه‌ی تهذیب ابن‌هشام: ابن‌هشام در نگاره‌ی خود شیوه‌ای را برای تهذیب سیره‌ی ابن‌اسحاق بیان نموده و مدعی است که برای تهذیب سیره‌ی ابن‌اسحاق ملتزم به آن بوده. تحلیل و بررسی دقیق شیوه‌ی تهذیب ابن‌هشام نشانگر آن است که اساساً شیوه و روش تهذیب او مبتنی بر باورهای کلامی اش است.

محور دوم: مطالعه‌ی موردنی حذفیات مبتنی بر قرآن، روایات و اصول کلامی امامیه: تطبیق نگاره‌ی ابن‌هشام با قرآن، روایات و اصول کلامی امامیه به عنوان ملاک تشخیص، روشن می‌نماید که نگاره‌ی او مبتنی بر باورهای کلامی اش است. پس از روشن شدن این مطلب، در مرحله‌ی بعد سیره‌ی ابن‌هشام با دیگر منقولات اهل تسنن از

۱. دانشجوی ترم آخر دکترای کلام امامیه، دانشگاه علوم قرآن و حدیث پردیس تهران.
Iman_roshanbin@yahoo.com

ابن اسحاق مقایسه می شود و معلوم می گردد که مطالب حذف شده توسط ابن هشام، در سیره‌ی ابن اسحاق وجود داشته ولی این حذف‌ها یا براساس روش تهذیبی مبتنی بر باورهای کلامی‌اش بوده و یا اساساً پایبند به شیوه‌اش نبوده و حذف‌هایش صرفاً حذفی متأثر از عقاید کلامی او است.

محور و روش دوم که مبتنی بر قرآن، روایات و اصول کلامی امامیه که در این مقاله تفصیلاً به آن پرداخته شده، عملاً الگو و روش اعتبار سنجی متون است که کاملاً قبل تعمیم و توسعه‌پذیر بوده و می‌توان با این الگو تأثیرپذیری هر نگاره‌ای از باورهای کلامی نگارنده‌ی آن را روشن نمود.

کلیدواژه‌ها: سیره‌ی ابن هشام، سیره‌ی ابن اسحاق، باورهای کلامی، اعتبار سنجی، تاریخ‌نگاری.

ظاهر و جلوه‌های تمدن اسلامی در اندیشه امام خامنه‌ای دام ظله العالی

اسماعیل دانش^۱، خداداد جلالی^۲

تمدن اسلامی و آرمانی بشر، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر اکرم (ص) پایه‌ریزی گردید و در برده‌های بعدی نسل به نسل رو به شکوفایی روزافزون گذاشت. تمدن اسلامی برخلاف سایر تمدن‌های بشری که بر سنگ و گل و سازه‌های به‌ظاهر خیره کننده مادی استوار می‌باشد، بر دل و خرد انسان که ابیت را در آن نهادینه می‌سازد و غبار کهنگی را زان می‌زداید؛ بنا گردیده است. این مهم از طریق عناصر ماندگاری مانند: خدامحوری، عقل‌گرایی و توجه به واپسین حرکت تمدنی توحیدی و رقم خوردن سعادت ابدی برای انسان نمایافته در سایه چنین تمدن، یعنی معاد؛ پایه گذاری شد. توسعه دانش، توجه به گسترش فلسفه، ریاضیات، نجوم، فقه، هنر... با توجه به این سه عنصر به صورت جهت‌مند و متوازی رشد کرد و حیات معقول و زندگی مادی بشر را بر مبنای آن به تفسیر گرفت و سرانجام به حداکثر شکوفایی خود رسید که در عصر و زمان خودش خیره کننده بود و شرق و غرب آن روزگاران را وادار به الگوگیری از آن نمود. اما آنچه در این مقاله با استفاده از رهنمودهای داهیانه رهبر معظم انقلاب پی گرفته خواهد شد این است که تمدن نوین اسلامی با داشتن چنان پیشینه درخشنان امکان تولد و پایه‌ریزی مجدد را دارد و مؤلفه‌های آن موجود می‌باشند و تنها همت امت مسلمان است که آن به لباس عینیت آراسته سازد.

امام خامنه‌ای که طلازیده‌دار این دیدگاه است راهکارهای لازم برای رسیدن به این هدف مهم و اساسی را که سنگ بنای عزت بخشی مجدد به تمدن اسلامی است را در بیانات خود ارائه نموده و صعوبت آن را در حقیقت هموار ساخته است.

کلیدواژه‌ها: مظاهر، تمدن، اسلام، علم، امام خامنه‌ای، مظاهر تمدن اسلامی.

۱. فارغ‌التحصیل دکترای فلسفه از دانشگاه تهران و پژوهشگر در جامعه المصطفی العالمیہ قم
ismail.danesh43@gmail.com

۲. دانشجوی دوره دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس دانشگاه مفید قم

نقش قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی در شکوفایی تمدن نوین اسلامی

دوستعلی سنجولی^۱، ملیحه ابویسانی^۲

متفکران و مصلحان اسلامی در طول دو قرن اخیر، تلاش فراوانی نموده‌اند تا تمدن اسلامی را از ضعف و رکودی که به دلیل سلطه استعمار و سیطره حاکمان نالایق گرفتار آن شده، رها سازند و عظمت افتخارآفرین آن را مجدداً به امت اسلامی برگردانند. آنان بر این باورند که رسیدن به پیشرفت و تعالی، تنها در سایهٔ دلبستگی به فرهنگ اسلامی و جلوگیری از تسلط بیگانان میسر است. شناخت و معرفی عوامل شکوفایی تمدن اسلامی، که چندین سال به عنوان پیشرفت‌ترین تمدن در جهان معرفی شده، برای اعتلالی تمدن نوین اسلامی از اهمیت و ضرورت بسیار جدی برخوردار می‌باشد. در این مقاله، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل نقش قدرت و اقتدار سیاسی حاکمان اسلامی، در شکوفایی تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. قدرت و اقتدار سیاسی حکومت‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین عوامل شکوفایی تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود که خود دارای مؤلفه‌هایی همچون: دین محوری و معنویت‌گرایی، امامت و رهبری، اتحاد و همبستگی، علم و دانایی، عزت و استقلال خواهی، توان مالی و اقتصادی و توانمندی‌های نظامی می‌باشد. به کارگیری این مؤلفه‌ها در ارتقای اقتدار سیاسی و تبع آن، در شکوفایی و پیشرفت تمدن نوین اسلامی نقش بسیار مهمی ایفا می‌نمایند.

کلیدواژه‌ها: قدرت و اقتدار سیاسی، مؤلفه‌های قدرت سیاسی، حکومت‌های اسلامی، تمدن نوین اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه زابل، doostalisanchooli@yahoo.com
۲. مریبی گروه تاریخ دانشگاه زابل، malihe.abavisani@yahoo.com

درس آموزه‌هایی از آیه ۱۶ سوره اسرا و تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی با تأکید بر برداشت ابن خلدون

سید علی مؤذنی^۱

هدف اصلی این مقاله، بهره‌گیری از آموزه‌ها و برداشت‌های ابن خلدون از آیه ۱۶ سوره اسرا، در راستای نشان دادن تأثیر آن بر تمدن نوین اسلامی می‌باشد. با توجه به مسلمان بودن این متفکر، این برداشت و تأثیری که بر تمدن نوین اسلامی دارد، قابل اعتناست. در راستای این هدف، پژوهش در پی پاسخ به این سؤالات بود، برداشت ابن خلدون از این آیه شریفه چیست؟ این برداشت وی چه تأثیراتی بر تمدن نوین اسلامی مترب می‌کند؟ در این راستا از روش تحلیل مفهومی بهره گرفته شد. به طور کلی از بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت او با تمسک به آیه کریمه، نوسان جهت حرکتی و سیالیت در ابعاد ارزشی، دانشی و بینشی را بر تمدن نوین اسلامی مؤثر می‌داند. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت، توجه به پیش‌بینی و پیش‌گیری این ابعاد و عناصر در زمان حاضر، می‌تواند تأثیر شگرفی بر تمدن نوین اسلامی و بیداری و پویایی آن داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تعلیم و تربیت، تمدن نوین اسلامی، آیه ۱۶ سوره اسرا، ابن خلدون.

نقش سبک زندگی ایرانی-اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

محمد رحیمی کلیشادی^۱

سبک و سلوک زندگی، متن تمدن نوین اسلامی را تشکیل می‌دهد و برای نیل به اهداف و آرمان‌های جامعه و موفقیت در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌باید سبک زندگی بومی و دینی را بین مردم رواج داد. سبک زندگی ایرانی-اسلامی موجب ارتقای فرهنگ عمومی ایران اسلامی و قرارگیری آن در مسیر هنجرها و اصول اجتماعی منطبق بر اسلام می‌شود. سبک زندگی ریشه‌های جامعه‌شناسخی و اندیشه‌گی طولانی دارد، و در فرمایشات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» مسئله سبک زندگی با رویکرد اسلامی و تمدنی برای اولین بار و به شکلی جدید و کاربردی بیان شده است. هدف این پژوهش بررسی اهمیت نقش سبک زندگی ایرانی-اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی است و در این مسیر سعی شده است، پس از درک مفهوم سبک زندگی، به بیان مفهوم و مؤلفه‌های سبک زندگی ایرانی-اسلامی و همچنین سبک زندگی غربی و تأثیر آن بر سبک زندگی ایرانی اسلامی پرداخته شود. در این مقاله سعی شده است پس از درک عمیق مسئله سبک زندگی، با ارائه راهکارها و روش‌های کاربردی در احیاء و ایجاد سبک زندگی ایرانی-اسلامی قدمی مؤثر در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی برداشته شود.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی ایرانی-اسلامی، مؤلفه‌های سبک زندگی، بعد سبک زندگی، سبک زندگی و تمدن غربی.

۱. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)
Rahimi9293@gmail.com

کاربرد روش پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی

مسعود مطهری نسب^۱

ساختار روش‌شناسی علوم انسانی و اسلامی موجود و طبقه‌بندی‌های تخصصی و مبانی حاکم بر آن موجب انفکاک این دو حوزه مطالعاتی شده است. تمدن پژوهی اسلامی نیازمند بهره‌مندی از نتایج تمامی علوم به نحو جامع ترکیبی مبتنی بر اصول اسلامی است. لذا مطالعات تمدن اسلامی به عنوان محمولی وحدت‌بخش قابلیت امتزاج این دو حوزه مطالعاتی را در قلمرو علمی و عینی خواهد داشت. اما ماهیت پیچیده و بین‌رشته‌ای مطالعات تمدنی از یکسو و جزئی و تخصصی بودن روش‌های علمی از سوی دیگر، موجب تقلیل‌گرایی و نگرش تک‌بعدی در سطوح توصیف، تحلیل و طراحی نوین در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی شده است. بر همین اساس در این پژوهش سعی شده است تا از طریق مدل‌سازی چگونگی کاربرد روش پژوهی در مطالعات تمدن اسلامی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: روش پژوهی، روش‌شناسی، مطالعات تمدنی، تمدن اسلامی.

۱. دکترای علوم سیاسی و رئیس اندیشکده تمدن نوین اسلامی اصفهان
motahari1200@gmail.com

نقش ائمه در ارائه راهبردها برای تحقیق تمدن اسلامی

محمد عظیمی^۱

تأثیرگذاری ائمه در تمدن سازی متوقف بر اثبات ظرفیت تمدنی سخنان اهل بیت است در این مقاله سعی شده با ارائه شواهد و نمونه‌هایی از گزاره‌های دین این ظرفیت تمدنی به اثبات برسد. برای این منظور از روش کتابخانه‌ای با ابزار تحلیل سیستمی برای مسئله‌ی تحقیق استفاده شده است. هدف از این پژوهش، اثبات این است که سخنان اهل بیت در تمدن سازی قابلیت رقابت با نظریات رقیب را دارد. در نهایت بعد از بحث و بررسی کردن از حیطه‌های تمدن و قلمرو سخنان ائمه اثبات می‌شود که فرمایشات ائمه ظرفیت راهبردی در طراحی سیستم‌های دینی برای تشکیل تمدن اسلامی را دارند و به سه نمونه در سه حوزه مختلف (سیستم خانواده بازیرسیستم ازدواج در حیطه‌ی ازدواج مطلوب دختران، سیستم تعلیم و تربیت با رویکرد مدل آموزش پنج بعدی، سیستم تغذیه با رویکرد چرخه‌ی تولید تا مصرف نان) اشاره می‌شود.

کلیدواژه‌ها: امام معصوم، تمدن، راهبرد، سیستم.

۱. محقق مؤسسه‌ی مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور / محصل سطح ۴ و مدرس سطح یک حوزه علمیه مشهد- azimio-sool@gmail.com

بازسازی اندیشه دکتر رضا داوری اردکانی در زمینه برنامه‌ریزی توسعه

سید عقیل حسینی^۱، نسیم قباشی^۲

از مهم‌ترین چالش‌های اساسی کشور ایران، برنامه‌ریزی توسعه است. در هفتادسال گذشته بیش از دوازده برنامه توسعه اقتصادی-اجتماعی در قالب‌های مختلف نوشته شده است ولی تاکنون ثمره‌ی مناسب با ایران اسلامی-ایرانی نداشته است. با توجه به مطرح شدن الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی در سال‌های گذشته اهمیت و ضرورت دارد که با نگاهی عمیق و بنیادی به علت‌ها، عوامل و موانع توسعه در ایران پرداخته شود تا بتوان راه برونو رفت از این توسعه‌نیافتنگی را یافت.

دکتر رضا داوری اردکانی از بزرگ‌ترین فیلسوفان معاصر است که در جای جای مقالات و کتاب‌هایشان بر توسعه تأکید می‌کند ولی برای توسعه شرایط و ضرورت‌هایی برمی‌شمارند. وی هرچند توسعه را امری ناگزیر و قهری می‌داند اما برای تحقق آن شرایطی را می‌ستجد که تاکنون در کشور بدان توجه نشده است.

از نگاه وی طرح توسعه با پیش آمدن مشکلات بسط و تحقق تجدد مناسبت دارد یعنی اگر طرح تجدد چنان که طراحان آن می‌اندیشیدند واقع شده بود، دیگر نیازی به توسعه نبود. وقتی توسعه تجدد به مانع برخورد و در عین حال در کار عالم متجدد نیز وقفه‌ها و خلل‌هایی ظاهر شد توسعه به عنوان متمم تجدد و برنامه‌ریزی تحول اقتصادی-سیاسی-اجتماعی و فرهنگی ابتدا در میان علمای اقتصاد و سپس در تمام حوزه‌های علوم اجتماعی و بالاخره در فلسفه مطرح شد و اهمیت پیدا کرد. حال برای اینکه توسعه در کشورهای در حال توسعه بخواهد موفق باشد، شرایطی لازم است تا آن شرایط شکل نگیرد، توسعه هیچ‌گاه اتفاق نمی‌افتد.

در این مقاله سعی شده است به ارائه چارچوب فکری و نظاممند دکتر رضا داوری اردکانی در رویکرد ایشان به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته شود و آن را بازسازی نمود. بر همین اساس موانع و دلایل عدم توسعه و همچنین شرایط

۱. استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه یاسوج aqil.hoseiny@gmail.com

۲. دانشجو دکتری علوم اقتصادی دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

nasimghobashi@yahoo.com

لازم جهت تحقق توسعه گفته شده و در آخر به نقش سنت و ارزش‌ها در توسعه و امكان یابی تحقق آن از دیدگاه ایشان به بحث گذاشته شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی توسعه، تجدد، الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت، سنت و ارزش‌ها، داوری اردکانی.

